

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسعه
راهبرد

مجمع تشخیص مصلحت نظام
معاونت اطلاع رسانی و امور بین الملل

راهبرد یاس سابق
شماره پیاپی ۴۸ - زمستان ۱۳۹۵

● صاحب امتیاز

مهندس سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمد خوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کدپستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir

rahbordeyas@gmail.com

آدرس اینترنتی:

پست الکترونیک:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

www.magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

بانک اطلاعات نشریات کشور

● قیمت: ۵۰۰۰ تومان

● چاپ: انتشارات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبائی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کچویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملایری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ مهندس سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: دکتر حسن سبحانی، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، دکتر حبیب‌اله دهمرده، دکتر بیژن عبدی،

دکتر زهرا کریمی، دکتر میثم موسایی، دکتر وحید مهربانی، مهندس سیدمرتضی نبوی، دکتر محسن نیازی.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افرق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه فرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نمایید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.

ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.

ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.

د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:

- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربرد نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چپ‌نویسی مقالات آزاد است.

۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.

۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.

۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی

ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است.

راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه

استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل

می‌آورد.

فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ در باب چیستی توسعه ۷
مریم ملائی / شیوا پروائی هره دشت / کاظم رحیمی
- ❖ جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲۴
ابراهیم رحمانی / دکتر سیامک موذنی
- ❖ فراتحلیلی بر شاخص‌ها و سنجه‌های کیفیت زندگی در ایران با تأکید بر ابعاد مفهومی آن ۴۱
ایمان فدائی / مهدی حسینی دهقانی
- ❖ بررسی نقش فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی در توانمندسازی اقتصاد خانوار (مطالعه موردی: بخش بزرگ شهرستان کاشان) ۶۲
دکتر یوسف قنبری / دکتر حمید برقی / نفیسه قطبی نژاد
- ❖ تأثیر ارزش افزوده بخش صنعت بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران ۷۷
دکتر پروانه سلاطین / سمانه محمدی
- ❖ سنجش سطح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در جنوب شرق ایران (نمونه موردی: شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان) ۱۰۳
محمدتقی معبودی / دکتر هادی حکیمی
- ❖ جایگاه صنعت در اقتصاد ایران از عصر صفوی تا کنون ۱۲۲
دکتر سیروس احمدی
- ❖ تحلیلی بر اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری (مطالعه شهرستان بیرجند) ۱۳۷
جواد یوسفی / محمد شریفی تهرانی
- ❖ انفاق و جایگاه آن در توسعه و ترویج علم و دانش با تأکید بر وقف ۱۵۶
دکتر محمدصادق علمی سولا / دکتر مهدی قائمی اصل، جواد یعقوبی / مهسا مسگرانی
- ❖ بررسی میزان تمایل افراد جویای کار به انجام فعالیت‌های تعاونی و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهرستان شیراز ۱۸۴
سید روح الله موسوی / دکتر مصطفی تیموری / دکتر علی شمس‌الدینی

سخن سردیبر

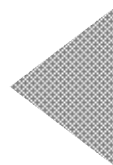
توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و پیش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاء‌الله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

مقالات

در باب چستی توسعه



مریم مائئی^۱

شیوا پروائی هره دشت^۲

کاظم رحیمی^۳

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۸/۱۵)

چکیده

با توجه به اهمیت فهم چستی توسعه و مزایای متعدد این فهم، در متن حاضر به بررسی چستی توسعه یا به عبارت دیگر مفهوم توسعه پرداخته خواهد شد. برای تحقق این منظور در ابتدا به بیان موضوع پرداخته و مفهوم توسعه را همانند یک مثلث در نظر گرفته که موارد سه گانه زیر، اضلاع این مثلث را تشکیل می‌دهند: سیر تطور توسعه در طول زمان، تعاریف توسعه و اهداف توسعه و انتخاب یک هدف عمده که شامل مجموعه‌ای از اهداف باشد. در اصل می‌توان گفت بدون موارد بیان شده امکان فهم توسعه وجود ندارد. به منظور بیان ضلع اول، یعنی بررسی سیر تطور توسعه در طول زمان، رهیافت‌های توسعه را از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ از منظر ویلیس^۴ (۲۰۰۵) بیان نموده و چگونگی تغییر این رهیافت‌ها را از اشکال اقتصادی، کلان و بالا به پایین به اشکال اجتماعی- فرهنگی، مردمی، مشارکتی (از پایین به بالا) و خرد توضیح داده شده است. در مورد تعاریف توسعه به نظر صاحب‌نظران رجوع کرده و تعاریف مختلف توسعه را از نظر تعداد کثیری از

۱- کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)،

mollaie.maryam@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه تهران، shiva.parvahi@ut.ac.ir

۳- کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، k.r.aribad@gmail.com

۴ - Willis

دانشمندان بیان نموده‌ایم، بدیهی است که تعاریف موجود در بسیاری از موارد دارای وجوه تشابه بوده و افتراق تعاریف در اکثر موارد ذکر شده، اندک می‌باشد. در آخر به منظور بررسی آخرین ضلع، یعنی اهداف توسعه، ابتدا به ذکر اهداف توسعه هزاره پرداخته و با شرح بسیار به این نتیجه رسیده‌ایم که ارتقا کیفیت زندگی، عمده‌ترین و کامل‌ترین هدف توسعه می‌باشد که مجموعه‌ای از اهداف دیگر را نیز در برمی‌گیرد. بعد از بیان موارد ذکر شده، به ترسیم مثلث یعنی بیان مفهوم توسعه پرداخته و این مفهوم در غالب یک تعریف کلی توضیح داده می‌شود. در بخش نتیجه‌گیری، به جمع‌بندی کلی مطالب ذکر شده پرداخته و با تشریح هرچه بیشتر تعریف مورد نظر را تفسیر کرده و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را ذکر نموده‌ایم. لازم به ذکر است که در مطالعه حاضر به تناسب موضوع، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بهره برده‌ایم.

واژگان کلیدی: چستی توسعه، رهیافت‌های توسعه، تعاریف توسعه، اهداف توسعه، کیفیت زندگی، حکمرانی خوب.

مقدمه

حتی با وجود روشن‌تر شدن مفهوم توسعه براساس بحث‌های مفهومی و کارهای تجربی (سن، ۱۹۸۸: ۲۳) درک مفهوم توسعه هنوز هم بسیار با اهمیت بوده و مزایای بسیاری دارد. این مزایا به صورت مجمل عبارتند از: فهم قرار داشتن در مسیر حقیقی توسعه یا صرفاً شبحی از آن؛ جلوگیری از اتلاف زمان، منابع و امکانات و صرف موارد فوق‌الذکر در بهترین شکل برای حصول بهترین نتیجه؛ درک بهتر محدودیت‌ها و تنگناها و در نتیجه توانایی بیشتر در فائق آمدن بر محدودیت‌ها و تنگناهای موجود؛ انتخاب مناسب‌ترین راهکار و استراتژی جهت نیل به توسعه با توجه به تعریف این مفهوم و مواردی از این قبیل که جای بحث و بررسی بسیار دارد. در اصل نخستین اقدام در جهت انتخاب استراتژی و راهکار مناسب در جهت نیل به توسعه، درک این مفهوم و چستی آن می‌باشد.

شاید یکی از دلایل توسعه نیافتگی یا در بیانی دقیق‌تر کند بودن روند توسعه، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه عدم درک چیستی توسعه به معنای واقعی باشد. با این تفسیر شاید در این میان عنصر آگاهی‌بخشی در باب این مفهوم بتواند مؤثر واقع شود؛ در نتیجه حداقل فایده این‌گونه تحقیقات و مطالعات می‌تواند افزایش آگاهی قلمداد شود که اگر بتوانیم نتیجه عملی آن را در اقدامات سیاست‌گذاران ملاحظه نماییم، شاهد موفقیتی بزرگ‌تر بوده‌ایم.

همانطور که پیش‌تر ذکر شد درک مفهوم توسعه مزایای بسیاری داشته که اهمیت سخن در باب آن را دوچندان کرده و در نتیجه می‌تواند لزوم توجه به این موضوع را برجسته نماید. اگر توسعه، در معنای واقعی را مهم‌ترین آرمان و هدف جوامع بدانیم که در گرو رسیدن به آن می‌تواند مجموعه‌ای از برتری‌ها را بدست آورند، آنگاه باید دست از تعلل برداشته و کارهای نظری و عملی در باب این مفهوم را با توان هرچه بیشتر توسعه دهیم.

در نوشتار حاضر، مطالعه‌ای در باب چیستی مفهوم توسعه انجام داده و سعی نموده‌ایم تا مروری بر کارهای نظری انجام شده در این حوزه داشته باشیم و پس از آن بحث را مطابق با بررسی اضلاع این مثلث پیش ببریم؛ سپس به ترکیب این اضلاع مستقل جهت بیان مفهوم توسعه مبادرت ورزیده و در انتها به جمع‌بندی نتایج پرداخته‌ایم. در توضیحی مجمل باید اشاره شود که مقاله حاضر در دو بخش تدوین شده است؛ در بخشی از مطالب (پیشینه نظری، سیر تطور توسعه در طول زمان، تعاریف توسعه و بخشی از اهداف توسعه) با روش اسنادی به مرور نظری بر کارهای موجود پرداخته و در بخشی دیگر جمع‌بندی‌ای از نظرات نگارندگان این مقاله در مورد شرح و توضیح مثلث مفهومی توسعه، انتخاب یک هدف عمده برای توسعه، ارائه یک تعریف از توسعه و توضیح مهم‌ترین مؤلفه‌های آن جهت نیل به مفهوم‌پردازی توسعه ارائه می‌شود.

مروری بر پیشینه نظری

به منظور نگارش این بخش مروری مجمل بر چند مطالعه انجام شده با مضمون مشترک مفهوم توسعه در این حوزه داشته و برآینم تا مهم‌ترین مطالب این مطالعات را به صورت خلاصه توضیح دهیم.

آر. پی. میسرا^۱ (۱۳۶۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "مفهوم توسعه، مشخصه‌های جامعه عقب‌افتاده" به تنوع‌پذیری درک اشخاص گوناگون از مفهوم توسعه اشاره کرده و خاطر نشان می‌سازد که علی‌رغم این تنوع‌پذیری، توسعه موضوع اصلی سیاست‌های هردو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌باشد. میسرا این مفهوم را پیچیده و مشکل قلمداد کرده و درک آن را منوط به درک همزمان جنبه‌های مختلف آن دانسته است. وی توسعه را متشکل از ۵ زیرمفهوم می‌داند: افزایش رفاه مادی، افزایش رفاه اجتماعی، بهبود وضع اجتماعی مردم، افزایش امنیت، آزادی و فرصت‌های مناسب و مشارکت در امور محلی، منطقه‌ای و ملی و در نهایت توزیع ثمرات پیشرفت در میان گروه‌های مردم در مناطق مختلف یک کشور به صورت عادلانه (میسرا، ۱۳۶۴: ۱۲ و ۱۳).

توسلی (۱۳۷۳) در مطالعه‌ای با عنوان "جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ"، اکثر تلاش‌های انجام شده به منظور نیل به توسعه را فاقد زیربنای اجتماعی و فرهنگی عنوان کرده و معتقد است اقدامات انجام شده اکثراً توجه خود را بر ابعاد اقتصادی و صنعتی معطوف کرده‌اند. او تصریح می‌کند که در اکثر برنامه‌ریزی‌های موجود کشورهای در حال توسعه، فرهنگ بومی و سنتی را عمدتاً به عنوان مانع توسعه قلمداد کرده و به بیانی در پی ایجاد توسعه درون‌زا نبوده‌اند، این در حالی است که تجربه آمریکا، ژاپن و اروپا نشان‌دهنده تأثیر سنت‌های فرهنگی و فکری بومی و ملی در توسعه و تجدید حیات آنها بوده است. وی معتقد است که نقش فرهنگ در جریان توسعه بسیار اساسی بوده و حتی می‌توان اقتصاد را بخشی از فرهنگ و توسعه اقتصادی را بخشی از توسعه اجتماعی- فرهنگی دانست. او خاطر نشان می‌سازد که در کشورهای توسعه نیافته توسعه باید جوانب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را توأمان در بر گیرد و اساساً نمی‌توان جنبه‌های مختلف توسعه را از یکدیگر جدا نمود (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۴ و ۲۵). وی توسعه را چنین تعریف می‌کند: "توسعه به معنای کامل آن، نه تنها شامل بالابردن سطح زندگی اقتصادی و نجات از فقر و درماندگی و بی‌سوادی است، بلکه افزون بر آن، دربرگیرنده نهادها و بنیان‌های فکری روابط اجتماعی، گروهی و طبقاتی تعلیم و تربیت، تولید دانش، ابداعات تکنولوژی، حساسیت‌های

اجتماعی، منطق عملی و مهارت‌های هنری و ظرافت‌های ادبی و نظام قضاوت در حدی است که می‌تواند در سطح جهانی برای خود جایی باز کند" (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۶).

طالبان (۱۳۷۹) در کار خود با عنوان "معضل تعریف توسعه" واژه توسعه را واژه‌ای با کاربرد وسیع دانسته و معتقد است این واژه در کشور ما در معانی گوناگونی فهم شده است. وی آثار و نتایج، علل و عوامل توسعه و اهداف آن را جزء پاسخ به سؤال توسعه چیست؟ که در واقع تعریف توسعه را عنوان می‌کند، به حساب نیاورده و خاطر نشان می‌سازد که اگر در پاسخ به مفهوم توسعه کار را منحصر به این موارد کنیم، در واقع به سؤال مذکور پاسخ نداده‌ایم. او کاربرد جملات انشایی را در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر غلط دانسته و معتقد است که تنها جملاتی که ماهیت خبری داشته و تعریف توسعه را منحصر می‌کنند، می‌توانند در این جهت به کاربرده شوند.

او دو نوع تعریف را در دو قسم پیشینی و پسینی از یکدیگر تفکیک کرده و متذکر می‌شود که کاربرد تعریف پیشینی در باب توسعه به دلیل اختلاف‌انگیز و متعدد بودن به تعداد تعریف‌کنندگان، مناسب و قابل استفاده نیست و در عوض در صورت استفاده از تعریف پسینی می‌توانیم توسعه را از محدوده سلیقه و نظر افراد خارج کرده و به بررسی واقعیت‌های موجود بپردازیم. وی در نهایت به منظور تعریف توسعه به صورت پسینی - آن را به عنوان یک واقعیت که در کشورهای توسعه یافته وجود دارد در نظر گرفته - و عوامل مشترک و مستقل انحصاری که در کشورهای توسعه یافته موجود است را تعریف توسعه قلمداد می‌کند. با این تلقی از توسعه وی این مفهوم را تحولی چندوجهی که عمدتاً در ابعاد اقتصادی و اجتماعی خلاصه می‌شود، در نظر گرفته که در مقطعی تاریخی به وقوع پیوسته و در نتیجه تعاریف از این پدیده باید مبتنی بر ویژگی‌های همین رخداد باشد.

شانموگاراتنام^۱ (۲۰۰۱) در کار خود با عنوان "در باب معنای توسعه"^۲، رفاه و بهزیستی بشر را تم مکرر در بحث از مفهوم توسعه و همچنین هدف سیاست‌های توسعه عنوان می‌کند. وی در این مقاله رویکرد قابلیت سن را با دیدی انتقادی مورد بررسی قرار داده و محدودیت‌های رویکرد

۱ - Shanmugaratnam

۲ - On The Meaning of Development

نئولیبرالی را در توسعه قابلیت‌ها عنوان کرده است؛ او راجع به محدودیت‌های این رویکرد چنین ادامه می‌دهد که هیچ دلیلی برای این تصور که رویکرد نئولیبرالی به خودی خود توانایی ایجاد فضای کافی در جامعه مدنی برای گروه‌های فقیر و محروم برای رسیدن به آزادی‌های مورد نظر ایجاد کند، وجود ندارد. او در انتقاد به کار سن معتقد است که وی به منظور دستیابی به توسعه بیشتر سیاستگذاران ملی و بین‌المللی را مورد هدف قرار داده و توجه کمتری به اهمیت مبارزات سیاسی مردم برای کسب امنیت اجتماعی و آزادی مبدول داشته است. او معتقد است که مفهوم قابلیت سن اگر در قالب یک چارچوب سیاسی-اقتصادی گسترده‌تر به کار گرفته شود و همچنین در صورتی که پایگاه اطلاعاتی بتواند جنبه‌های بیشتری از زندگی مردم و درک آنان از رفاه و بهزیستی‌شان را شامل شود، می‌تواند به عنوان یک ابزار ترسیم نقشه و همچنین تفسیر تغییرات اجتماعی لحاظ شود (شانموگاراتنام، ۲۰۰۱: ۲۸۵).

نمونه دیگر مورد بررسی، کار آمارتیا سن با عنوان "مفهوم توسعه" می‌باشد. سن (۱۳۸۶) تأکید می‌کند که مفهوم توسعه مسأله‌ای سهل و ساده نبوده است (سن، ۱۳۸۶: ۱۷۸). وی در این کار در ابتدا تمایز میان مفهوم رشد و توسعه اقتصادی را توضیح داده و در ادامه بحث طول عمر را به میان می‌آورد؛ در این خصوص وی معتقد است از آنجا که توسعه رسیدن به زندگی بهتر قلمداد می‌شود، تحلیل توسعه باید بر ماهیت زندگی مردم توجه کند پس در نتیجه بحث طول عمر را به میان آورده و آن را در ارتباط با سطح زندگی و بالطبع توسعه عاملی اساسی قلمداد می‌کند (همان: ۱۶۶). او آزادی در انتخاب را یکی از مواردی می‌داند که می‌تواند در ارزیابی ماهیت توسعه مهم و اساسی قلمداد شود (سن، ۱۳۸۶: ۱۶۸). وی منشأ یکی از مشکلات در مفهوم توسعه را نقش "ارزیابی" در این مفهوم می‌داند. او در باب ارزش‌ها و اهمیت آنها در امر توسعه چنین تأکید می‌کند که: "ارزش‌ها صرفاً ابزار توسعه نبوده و شاخص‌هایی هستند برای تعیین آنچه باید یا نباید پیشرفت کند" (سن، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

سنت آنا^۱ (۲۰۰۸) در کار خود با عنوان "تحول مفهوم توسعه: از رشد اقتصادی به توسعه انسانی"^۲، در پاسخ به سؤال توسعه چیست؟ تصریح می‌نماید که گرچه این سؤال به ظاهر ساده و

۱ - San't Ana

۲ - The Evolution of the Concept of Development: From Economic Growth to Human Development

آسان است، اما تعریف این مفهوم به شیوه‌ای دقیق یک چالش نظری و عملی بزرگ می‌باشد. او معتقد است که توسعه همراه با بسیاری از مفاهیم دیگر رخ می‌دهد (سنت آنا، ۲۰۰۸: ۳). وی در کار خود مفهوم توسعه انسانی را بررسی نموده است. او در ابتدا مفهوم توسعه انسانی را در گزارش برنامه عمران سازمان ملل متحد ۱۹۹۰ بررسی می‌کند و متذکر می‌شود که مفهوم توسعه انسانی علاوه بر گسترش انتخاب افراد، سطح رفاه و بهزیستی به‌دست آمده برای آنان را نیز در بر دارد. در اصل مفهوم توسعه انسانی بین دو جنبه از توسعه تمایز گذاشته و این دو را لحاظ می‌کند؛ از یک طرف این مفهوم به ایجاد قابلیت‌های انسانی همچون سواد و سلامتی توجه می‌کند و از سوی دیگر استفاده از این قابلیت‌ها توسط افراد در کار یا اوقات فراغتشان را مد نظر دارد. وی این درک از توسعه را جهت غلبه بر دیدگاه‌های پیشین، مثل دیدگاه‌های رشد اقتصادی، مؤثر می‌داند (سن، ۱۳۸۶: ۱۲).

ارائه مدل نظری مثلث مفهوم توسعه و تشریح اضلاع سه‌گانه آن

می‌توان چنین استدلال نمود که درک مفهوم توسعه در قالب یک مدل نظری تحت عنوان مثلث مفهومی محقق خواهد شد. این مثلث منوط به توضیح سه مورد یعنی بیان سیر تطور توسعه در طول زمان، ذکر تعاریف توسعه و همچنین توضیح اهداف توسعه و انتخاب یک هدف عمده که شامل مجموعه‌ای از اهداف است، می‌باشد. با توجه به این مسئله، مفهوم توسعه را همانند یک مثلث در نظر گرفته‌ایم که موارد سه‌گانه فوق اضلاع آن را تشکیل می‌دهند. با توجه به این توضیحات به ترتیب این سه مورد را تشریح خواهیم کرد تا بتوانیم به مسئله اصلی، یعنی درک مفهوم توسعه، در قالب بیان یک تعریف کلی، پردازیم.

ضلع اول: سیر تطور توسعه در طول زمان

به منظور بررسی سیر تطور توسعه در طول زمان می‌توان به تغییر رهیافت‌های این مفهوم در طول زمان رجوع کرده و با تشریح ماهیت این تغییرات، سیر تطور توسعه را درک نماییم. در یک بیان کلی و مجمل می‌توان گفت که در یک خط سیر زمانی، توسعه از نگاه اقتصادی شروع و به نگاه‌های انسانی‌تر، اجتماعی‌تر و پایدارتر رسیده است. براساس مطالعات موجود می‌توان گفت که نگاه سنتی به مفهوم توسعه در رشد اقتصادی جای می‌گرفت و تنها درآمدها بیشتر مترادف با توسعه و رفاه بیشتر قلمداد می‌شد. با مشخص شدن ایرادات این دیدگاه، اقداماتی

جهت ارائه مؤلفه‌های دیگر بر روی کار آمد، که می‌توانیم نمونه‌های این اقدامات را در غالب رویکرد توسعه انسانی، توسعه پایدار و مواردی این چنینی مشاهده نماییم.

به منظور درک بیشتر مطلب باید سیر تغییر رهیافت‌ها را از زمان آغاز شکل‌گیری این مفهوم، یعنی حدود ۶۰ سال پیش، تا سال‌های اخیر شرح دهیم. در همین زمینه ویلیس (۲۰۰۵) رهیافت‌های اصلی توسعه از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ را چنین شرح داده است:

در دهه ۱۹۵۰ رهیافت‌های اصلی توسعه دو مورد نوسازی و نظریه‌های ساختارگرا بوده است. براساس نظریه‌های نوسازی تمامی کشورها باید از مدل اروپایی پیروی کنند؛ و براساس نظریه‌های ساختارگرا کشورهای جنوب باید تعامل با اقتصاد جهانی را به منظور فرصت رشد اقتصاد بومی محدود نمایند. در دهه بعد، یعنی ۱۹۶۰ رویکرد نوسازی تداوم یافته و علاوه بر آن نظریه‌های وابستگی که فقر و محرومیت کشورهای جنوب را به سبب استثمار کشورهای شمال تلقی می‌کردند، روی کار آمدند. در ادامه در دهه ۱۹۷۰ همراه با استمرار رویکرد وابستگی، رهیافت نیازهای اساسی و همچنین رویکردهای معطوف به زنان و توسعه را مشاهده می‌کنیم. دهه ۱۹۸۰ روی کار آمدن رویکردهایی چون نئولیبرالیسم، رهیافت‌های مردمی، توسعه پایدار و رویکردهای معطوف به جنسیت و توسعه را شاهد هستیم. در دهه ۱۹۹۰ رویکرد نئولیبرالیسم ادامه پیدا کرده و علاوه بر آن رویکردهای فرهنگ و توسعه برجسته شده‌اند؛ در آخرین دهه مورد بررسی در کار ویلیس، یعنی ۲۰۰۰ مجموعه‌ای از رویکردها تحت عنوان نئولیبرالیسم، توسعه پایدار، پساتوسعه و رهیافت‌های مردمی قابل مشاهده می‌باشند (ویلیس، ۲۰۰۵: ۳۳ و ۳۴).

اگر به خط سیر تغییر رهیافت‌ها توجه نماییم درمی‌یابیم که با گذر زمان و آشکار شدن کاستی‌های رویکردهای کلان‌نگر و اقتصادمحور، مجموعه‌ای از تغییرات در قالب یک عنوان، یعنی تغییر به سمت "ترا" در رهیافت‌های مسلط به وجود آمد؛ برای مثال رهیافت‌های توسعه در طول زمان خردتر، مردمی‌تر، غیراقتصادی‌تر، اجتماعی‌تر و فرهنگی‌تر، بوم‌محورتر، پایدارتر و مشارکتی‌تر شده و همچنین همسو با این تغییرات نظر، اندیشه، خواست و توان مردم از جایگاه مهم‌تری برخوردار شد. به نظر می‌رسد که دیدگاه‌های متأخر رویکردهایی از پایین به بالا بوده و در نتیجه "با مردم"، "برای مردم" اقدام کرده است. البته حائز اهمیت است که در این میان رویکرد نئولیبرالیسم جریان متفاوتی داشته و می‌توان آن را رویکردی ضد توسعه همه‌جانبه که به قیمت طرد شدن عده کثیری می‌انجامد دانست، در نتیجه تفسیر آن در مطلب بیان شده جای نمی‌

گیرد. بررسی چند و چون این رویکرد بسیار اساسی و لازم است که مجال آن در این مجمل نیست و در نتیجه از بیان آن صرف نظر می‌نمایم.

ضلع دوم: تعاریف مختلف توسعه

همانطور که پیش‌تر ذکر شد، یکی از اضلاع درک چیستی توسعه، تعاریف توسعه می‌باشد. می‌توان استدلال کرد درک مفهوم توسعه، با بیان یک تعریف جامع و کامل محقق خواهد شد که البته ذکر این تعریف خود با توجه به سیر تطور مفهوم، اهداف آن و همچنین نگاهی بر تعاریف مطروحه امکان‌پذیر خواهد بود. بدیهی است که مرور تعاریف زیر به بیان یک تعریف کلی که با شرایط بومی کشور سازگار باشد، کمک شایانی نموده و همانطور که خواهیم دید، تعریف مورد نظر نگارنده مینیاتوری است از ادغام تأکید بر مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد تعاریف تحت‌الاشاره با وجوهی که در این تعاریف مورد توجه قرار نگرفته است. در این قسمت مجموعه‌ای از تعاریف مطروحه را به طور مجمل بیان خواهیم نمود.

مایکل تودارو (۱۳۷۸) تعریف توسعه را این‌چنین بیان می‌کند "توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است" (به نقل از میرحسینی، ۱۳۹۱: ۷۵).

گونار میردال^۱ (۱۹۷۴) توسعه را حرکت به سمت بالای نظام (سیستم) اجتماعی دانسته و تصریح می‌کند که این تعریف تنها تعریف قابل پذیرش به لحاظ منطقی می‌باشد. وی معتقد است که این نظام اجتماعی علاوه بر عوامل اقتصادی، سایر عوامل غیر اقتصادی از قبیل انواع متنوع مصرف گروه‌های متعدد مردم، امکانات آموزشی و سلامت و همچنین سطوح این موارد، توزیع (اشاعه) قدرت در جامعه؛ و موارد عمومی‌تر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را؛ و در بیانی بسیط‌تر نهادها و طرز نگرش‌ها را در بر می‌گیرد. میردال متذکر می‌شود که علاوه بر موارد ذکر شده، باید مجموعه‌ای از عوامل بیرونی را نیز به این تعریف اضافه کرده و آنها را نیز لحاظ نماییم (میردال، ۱۹۷۴: ۷۲۹ و ۷۳۰).

به زعم استیگلیتز (۱۳۸۲) "اصلی‌ترین وجه توسعه این است که نمایانگر تحول در جامعه است." وی توسعه را شامل حرکت از روابط و فرهنگ‌های سنتی و همچنین عادات و رسوم اجتماعی، و از روش‌های سنتی مواجهه با بهداشت و تعلیم و تربیت به روش‌های بسیار مدرن می‌داند (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

آر-پی میسرا توسعه را یک فعالیت انسانی و یک ایدئولوژی می‌داند. از نظر وی توسعه از فردی به فرد دیگر متفاوت است. وی معتقد است که توسعه دارای جهت‌گیری فرهنگی بوده و در محتوا و در تبلور خود نمایانگر تغییر و تحولی ارگانیک می‌باشد. وی معتقد است که توسعه باید با شرایط خاص هر کشور و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه تطابق داشته باشد (به نقل از لطیفی، ۱۳۸۸: ۸۵).

عظیمی (۱۳۷۷)^۱ توسعه را مرگ نظام کهن و تولد یک نظام جدید می‌داند. وی توسعه را فرآیند انتقالی جامعه از یک دوران تاریخی به دوران دیگری می‌داند. او معتقد است در مطالعات توسعه-ای، توسعه با شاخص‌های ساده‌ای مانند تولید ملی، بیکاری، اشتغال و سایر موارد این چنینی تعریف نمی‌شود و موارد ذکر شده تماماً از تبعات توسعه می‌باشند و نه تعریف آن (پوریانی، ۱۳۸۴: ۹۳). عظیمی در کار خود با عنوان "ایران امروز در آینه مباحث توسعه" (۱۳۷۸) این مفهوم را این چنین تکمیل می‌کند: "فرآیند توسعه فرآیند تقابل و تعارض نهادها و زیرساخت‌های تمدن قدیم با اندیشه و بصیرت تمدن جدید است." با توجه به این مسئله توسعه عبارت از بازسازی یک جامعه علی‌الخصوص در بعد ایجاد نهادهای جدیدی است که متناسب با اندیشه و تفکر جدید باشد (به نقل از پوریانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳ و ۱۰۴).

در دیکشنری آکسفورد توسعه چنین تعریف شده است: رخدادی که بر سازنده مرحله‌ای نوین در وضعیت متغیر است. توسعه به طور ضمنی به عنوان چیزی مثبت و مطلوب در نظر گرفته می‌شود. هنگامی که توسعه به یک جامعه یا سیستم اجتماعی-اقتصادی اشاره دارد، معنای پیشرفت و ارتقا در شرایط کلی نظام یا در یکی از اجزا آن می‌باشد.

۱- این تعریف از مقدمه حسین عظیمی بر کتاب اصول علم ثروت ملل (اولین کتاب علم اقتصاد در ایران) محمدعلی فروغی (۱۳۷۷) اقتباس شده و در مقاله نقد و تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه دکتر حسین عظیمی در خصوص توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران، محمد حسین پوریانی (۱۳۸۴) ذکر شده است.

همانطور که محرز است بر اساس تعاریف، توسعه در ذات خود یک مفهوم چند بعدی است چرا که هرگونه بهبود و پیشرفت سیستم‌های پیچیده، می‌تواند در بخش‌های مختلف یا از طرق گوناگون، با شتاب‌های مختلف و توسط نیروهای گوناگون رخ دهد (بلو^۱، ۲۰۱۱: ۲).

ضلع سوم: اهداف توسعه

اهداف مختلفی برای توسعه با توجه به انواع تعاریف ارائه شده وجود دارد. در این مطالعه به دلیل محدودیت بحث جاری، صرفاً به بیان مهم‌ترین اهداف اکتفا کرده و قصد داریم تا مهم‌ترین هدف را که جامع‌ترین بوده و مجموعه‌ای از اهداف را دربرمی‌گیرد، بیان نماییم. به صورت کلی اهمیت اهداف در درک مفهوم توسعه بسیار اساسی است. این اهمیت تا بدان جا است که شانموگاراتنام (۲۰۰۱) توسعه را به عنوان فرآیندی در نظر گرفته است که تحت تأثیر اهداف و مقاصد خاصی شکل می‌گیرد.

حال که اهمیت اهداف در درک مفهوم توسعه روشن گردید، کار را با بیان اهداف توسعه هزاره^۲ ادامه می‌دهیم. دلیل این انتخاب آن است که به نظر می‌رسد این اهداف هشت‌گانه از جامعیت لازم برخوردار بوده و می‌تواند اهداف لازم را تحت پوشش قرار دهد. در سال ۲۰۰۰ سران کشورهای عضو سازمان ملل متحد تعهد کشورهای خود را برای کاهش فقر و ایجاد مجموعه‌ای از اهداف محدود به زمان تا سال ۲۰۱۵ ابراز نمودند که در اهداف هشت‌گانه زیر، تحت عنوان اهداف توسعه هزاره قابل بیان است.

- از میان بردن فقر و گرسنگی شدید؛
- نیل به آموزش ابتدایی همگانی؛
- ارتقا برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛
- کاهش مرگ و میر کودکان؛
- پیشرفت و بهبود سلامت مادران؛
- مبارزه علیه اچ آی وی/ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها؛

۱ - Bellu

۲ - The Millennium Development Goals

- حفظ پایداری محیط زیست؛
- گسترش همکاری جهانی به منظور نیل به توسعه (مندرج در سایت www.unmillenniumproject.org).

با ملاحظه اهداف فوق‌الذکر درمی‌یابیم که راه دستیابی به توسعه در درک آن به مثابه مفهومی چند بعدی نهفته است و با در نظر گرفتن توسعه صرفاً تحت عنوان یکی از ابعاد، مثلاً بعد اقتصادی، نمی‌توانیم به اهداف بیان شده دست یابیم.

تمام اهداف هشت‌گانه فوق را می‌توان در یک هدف کلی یعنی کیفیت زندگی خلاصه نمود. بحث کیفیت زندگی می‌تواند هدف اصلی توسعه قلمداد شود، هدفی که در یک کلام تمام موارد هشت‌گانه اهداف توسعه هزاره را در برمی‌گیرد. به منظور شرح بیشتر مفهوم کیفیت زندگی می‌توانیم چنین ادعا کنیم که کیفیت زندگی همسو با مفهوم توسعه سیر تطوری داشته است؛ به طوری که از ابعاد اقتصادی به سمت ابعاد اجتماعی و انسانی حرکت کرده است؛ تا جایی که امروزه آن را شاخص توسعه اجتماعی قلمداد می‌کنند. در اصل در طول زمان هدف توسعه، همگام با رهیافت‌های آن تغییر کرده و پویایی لازم را حفظ نموده است.

در جهت اثبات این مطلب می‌توان به کار غفاری و امید (۱۳۸۸) اشاره کرد. آنها سه برش زمانی را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی بیان می‌کنند: ۱- کیفیت زندگی معطوف به انگاره‌های مادی و پیامد رشد اقتصادی تا دهه ۱۹۷۰. ۲- کیفیت زندگی با ابعاد اجتماعی‌تر از دهه ۱۹۷۰ به بعد، شایان ذکر است که با ظهور پیامدهای منفی حاصل از رشد اقتصادی و همچنین پیدایش نظریه توسعه پایدار این پنداشت از کیفیت زندگی مطرح شد. ۳- و در آخر کیفیت زندگی اجتماعی با تأکید بر سازه‌های اجتماعی چون سرمایه اجتماعی و عدالت اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ (غفاری و امید، ۱۳۸۸: ۲ و ۳).

چیستی توسعه و تعریف آن

چیستی توسعه را با تشریح هدف آن به عنوان مهم‌ترین ضلع آغاز می‌نماییم. از آنجایی که افزایش کیفیت زندگی را هدف اصلی توسعه می‌دانیم، توسعه‌ای که ارتقاء کیفیت زندگی را تسهیل نکند تنها شبه توسعه بوده و معنای توسعه واقعی را در بر نخواهند گرفت. با این تعبیر در بیان مفهوم توسعه در پی آن بوده‌ایم که این مفهوم را در گرو افزایش کیفیت زندگی

مفهوم‌پردازی نماییم و با این قصد، تعریف مناسبی از آن ارائه دهیم. در اصل از آنجا که کیفیت زندگی همگام با ضلع اول مثلث، یعنی تطور توسعه در طول زمان به پیش رفته است، می‌توان با اغماض ضلع اول و سوم را با یکدیگر در نظر گرفت و همسو با هم در یک مورد خلاصه کرد. همچنین از آنجا که اهداف توسعه تحت تأثیر تعاریف مختلف لحاظ می‌شود، اجمالاً آن تعاریفی از توسعه را مدنظر قرار می‌دهیم که می‌توانند هدف اصلی - یعنی کیفیت زندگی - را مورد توجه و بررسی قرار دهند. با این توضیح ضلع دوم یعنی تعاریف را نیز در گرو تحقق کیفیت زندگی مدنظر قرار داده و سعی می‌کنیم تا مفهوم‌پردازی توسعه را با تکیه بر این ضلع مورد توجه قرار دهیم.

حال با توجه به ابعاد کیفیت زندگی، به نظر می‌رسد توسعه مفهومی همه‌جانبه و درهم تنیده باشد که مجموعه ابعاد را در نظر گرفته و به صورت هماهنگ به پیش براند. بدیهی است که رهیافت‌های دهه ۱۹۷۰ به بعد نظیر نیازهای اساسی، زنان و توسعه، جنسیت و توسعه، توسعه پایدار، رهیافت‌های مردمی و پساتوسعه قرابت بیشتری با توسعه همه‌جانبه داشته و در نتیجه امکان بیشتری جهت ارتقا کیفیت زندگی دارند. اما رویکردهای مقابل، از جمله رویکردهای اقتصادمحور، کلان نگر و بالا به پایین تنها نگاهی یکجانبه به توسعه داشته و به دلیل فقدان همه‌جانبه‌نگری توان برآوردن هدف اصلی توسعه - یعنی ارتقا کیفیت زندگی - را ندارند. دلیل دیگری که مفهوم‌پردازی توسعه با تمرکز صرف بر نگاه اقتصادی را جهت نیل به توسعه و به موازات آن کیفیت زندگی مردود می‌شمارد وضعیت کشورهای درحال توسعه می‌باشد؛ اکثر این کشورها، کشورهایی هستند که یا منابع اقتصادی چشمگیری نداشته و یا به رغم داشتن منابع اقتصادی به صورت مناسب از این منابع به نفع اقشار متفاوت جامعه (به دلایل گوناگون) استفاده نمی‌کنند، همانند کشورمان ایران. با این تفسیر راهکار مناسب به منظور نیل به توسعه‌ای همه‌جانبه چیست؟ استفاده از توان نیروی کار جوان و تحصیل کرده که در ساخت جمعیتی کشورهای در حال توسعه الگوی غالب است و همگی درحال حاضر در خیل بیکاران با پرستیژ مدرک حضور دارند، بهره‌جستن از امکان شکل‌گیری رویکردهای مشارکتی و مردمی و به موازات آن ایجاد و تقویت جامعه مدنی قدرتمند جهت سرعت بخشیدن به جریان توسعه و مواردی این چنینی که در مفهوم مطرح شده از توسعه بر آنها تأکید شده است؛ و یا تأکید صرف بر توسعه به معنای اقتصادی، کلان‌نگر و بالا به پایین؟ ادعای نگارندگان آن است که با بهره‌جویی از موارد یادشده

بی‌تردید می‌توانیم به توسعه‌ای همه‌جانبه که بخش اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد دست یابیم، اما عکس این موضوع صادق نیست؛ یعنی بعید به نظر می‌رسد که حتی در صورت دستیابی به توسعه اقتصادی در کشورهای درحال توسعه بتوانیم از توان و نیروی موجود بهره‌جسته و قابلیت و استعداد فراوان موجود را جهت فراهم شدن توسعه‌ای درون‌زا و مشارکت محور با برجسته ساختن بعد مردمی که مبتنی بر فرهنگ و اجتماع بومی باشد، فراهم سازیم. ذکر این نکته ضروری است که توسعه به هیچ عنوان امری تک بعدی نیست و ابعاد گوناگون را به صورت توأمان در بر می‌گیرد. بنابراین منظور ما از توسعه مفهومی است که به صورت همه‌جانبه تعریف خواهد شد. مفهومی که ابعاد اقتصادی، انسانی، اجتماعی، درونزا بودن، مشارکتی بودن و ... را همزمان در بر دارد. بنابراین صرف رسیدن به یک بعد (در این جا منظور توسعه اقتصادی) دال بر توسعه یافته شدن نیست و جامعه‌ای که به یک بعد برسد اما هنوز در درجات ضعیفی از ابعاد دیگر توسعه باشد، در حال توسعه خواهد بود و نه توسعه یافته.

با توجه به مجموعه عوامل گفته شده تعریف مورد نظر نگارندگان در پاسخ به سؤال "توسعه چیست؟" چنین است: توسعه فرآیندی است چند بعدی و معطوف به زمان، که با اتخاذ عمده رهیافت‌های ۱۹۷۰ به بعد (به غیر از رویکرد نئولیبرالیسم) متناسب با شرایط خاص هر جامعه در پی ایجاد یک جامعه مدنی قدرتمند و آگاه با هدف حذف موانع و مشکلات زندگی و در یک کلام، ارتقا کیفیت زندگی بوده و تنها راه نائل شدن به آن، تحقق حکمرانی خوب می‌باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مطالعه به دنبال آن بوده‌ایم، درک مفهوم توسعه بوده است. آنچه به وضوح بیان شد آنست که درک مفهوم توسعه پیچیده و دشوار است و برای فهم آن باید ابعاد مختلفی را مورد بررسی قرار دهیم. آنچه مسلم است آنست که چستی توسعه در واقع بیان تعریف آن می‌باشد و در نتیجه باید در تعریف توسعه دقت لازم را مبذول داشته و تمام پیش فرض‌های لازم را مدنظر قرار دهیم. با توجه به این نکته به‌منظور درک توسعه و ارائه تعریف آن، تلاش خود را جهت رعایت تمام جوانب لازم جهت بیان یک تعریف مناسب، که در واقع پاسخی است به چستی توسعه، مبذول داشته‌ایم. بدین منظور سه بعد سیر تطور توسعه در طول زمان، تعاریف توسعه و اهداف آن را در درک مفهوم توسعه مهم و اساسی دانسته و به صورت مجمل به شرح این موارد

پرداخته‌ایم. در انتها تعریف مناسب از توسعه را با توجه به موارد یاد شده چنین عنوان نمودیم: توسعه فرآیندی است چند بعدی و معطوف به زمان، که با اتخاذ عمده رهیافت‌های ۱۹۷۰ به بعد (به غیر از رویکرد نئولیبرالیسم) متناسب با شرایط خاص هر جامعه در پی ایجاد یک جامعه مدنی قدرتمند و آگاه با هدف حذف موانع و مشکلات زندگی و در یک کلام ارتقا کیفیت زندگی بوده و تنها راه نائل شدن به آن، تحقق حکمرانی خوب می‌باشد.

در تصریح تعریف فوق اشاره به چند نکته ضروری است:

نخست آنکه توسعه یک فرآیند بوده و در نتیجه خصلتی پویا دارد که در هیچ سطحی متوقف نشده و همواره وضعیت برتر دیگری وجود دارد که می‌توان به آن دست یافت.

دوم آنکه توسعه متشکل از ابعاد گوناگون است که پیشرفت در مجموعه آنها می‌تواند توسعه قلمداد شود. این ابعاد گوناگون در مواردی چون ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی، پایداری و سایر ابعاد خلاصه می‌شود. لازم است تا همواره بر ترکیب این عوامل تأکید ورزیم و امکان مغفول ماندن هر یک از این ابعاد را از بین ببریم.

نکته سوم آنکه در حال حاضر با توجه به شرایط جهانی عصر رهیافت‌های اقتصادی و کلان‌نگر سرآمده است و باید از محدودیت‌های این رهیافت‌ها دوری جست و از رهیافت‌های مردمی، مشارکتی، انسانی و پایدار استفاده نماییم. شایان ذکر است که این مطلب به معنای نفی اهمیت مسئله اقتصادی نمی‌باشد و همواره و تحت هر شرایطی، اقتصاد بعد جدایی‌ناپذیری از توسعه می‌باشد. اما همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، نظر نگارندگان بر آن است که تحقق توسعه اقتصادی از دل رهیافت‌های مردمی، مشارکتی، اجتماعی و انسانی، با ایجاد یک جامعه مدنی قدرتمند و مشارکتی کاملاً تحقق‌پذیر است، اما لزوماً عکس این مطلب صادق نمی‌باشد.

چهارم آنکه گرچه در مورد توسعه برخی از قوانین جهان‌شمول صادق است، اما این مفهوم در ذات خود خصلتی بومی دارد، و می‌بایست با توجه به شرایط خاص هر جامعه، یعنی منابع و امکانات و همچنین تنگناها و محدودیت‌ها فهم شود و در پی رفع نیازها برآید. این موضوع به معنای نفی استفاده از تجربه‌های جهانی و الگوبرداری از آنها نمی‌باشد، بلکه در پی نفی هرگونه تقلید کورکورانه و بدون توجه به شرایط می‌باشد.

ذکر این مطلب لازم است که ایجاد یک جامعه مدنی قدرتمند راهکاری است که می‌تواند به عنوان کلید دست‌یابی به توسعه مطرح شود. یک جامعه مدنی قدرتمند و آگاه با استفاده از

توانایی خود از کم‌ترین منابع بیشترین بهره را خواهد برد و با آگاهی از نیازهای واقعی، از اتلاف منابع جلوگیری کرده و بیشترین رضایت جامعه، که یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی می‌باشد را، کسب خواهد نمود.

ششم آنکه هدف توسعه در یک کلام ارتقا کیفیت زندگی می‌باشد. این مفهوم بسیار پیچیده بوده و بسیاری از اهداف دیگر را در دل خود جای می‌دهد. در صورت ارتقا کیفیت زندگی توانسته‌ایم به توسعه‌ای همه‌جانبه دست یابیم، در این صورت می‌توانیم اطمینان حاصل نماییم که تلاش‌هایمان در جهت مناسبی هدایت شده و نتیجه مطلوب دست یافته‌ایم.

کلام آخر آنکه تحقق چنین توسعه‌ای در گرو حکمرانی خوب بوده و بدون این عامل دستیابی به توسعه صرفاً یک خیال خواهد بود. شعار طراحان حکمرانی خوب این است که "قاعده واحد برای همه" وجود نداشته و تنها قاعده عام نظریه حکمرانی خوب به کارگیری دو مکانیسم پاسخگویی و رقابت برای بهبود حکمرانی است (میدری، ۱۳۸۵: ۲۸۵). بدیهی است در چنین شرایطی توسعه بدون عوامل اخلاص‌گری چون فساد، یا با حداقل میزان ممکن از چنین مواردی، به پیش خواهد رفت و بهترین ترکیب منابع را جهت نیل به حداکثر نتیجه، شاهد خواهیم بود.

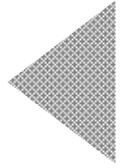
منابع

- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲)، به سوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، آذر و دی ۱۳۸۲، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶، صص ۱۱۵-۱۰۴.
- پوریانی، محمدحسین (۱۳۸۴)، نقد و تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه دکتر حسین عظیمی در خصوص توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران، **فصلنامه بصیرت**، شماره ۳۶، صص ۱۱۸-۹۰.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، **فرهنگ توسعه**، آذر و دی ۱۳۷۳، شماره ۱۵، صص ۳۳-۲۴.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۶)، مفهوم توسعه، ترجمه شاکه سرکسیان و علی گودرزی، **نشریه علمی ترویجی راهبرد توسعه (راهبرد یاس سابق)**، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱۲، صص ۱۸۴-۱۵۷.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۹)، معضل تعریف توسعه، **روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)**، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۲۰۷-۱۹۴.
- غفاری، غلامرضا و رضا امید (۱۳۸۸)، **کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی**، چاپ اول (۱۳۸۸)، نشر شیرازه، تهران.

- لطیفی، غلامرضا(۱۳۸۸)، دیدگاه‌هایی از توسعه، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، شماره ۲۰، آبان ۱۳۸۸، صص ۷۴-۸۵.
- میدری، احمد (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۸۷-۲۶۱.
- میرحسینی، زهرا (۱۳۹۱)، تحلیلی بر الگوی مفهومی ترکیب منابع ملی در توسعه، **فصلنامه راهبرد**، سال بیست و یکم، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۰۶-۷۳.
- میسرا، آرپی (۱۳۶۴)، مفهوم توسعه، مشخصه‌های جامعه عقب افتاده، **مجله جهاد(ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)**، تیر ۱۳۶۴، شماره ۷۶، صص: ۱۵-۱۲ و ۶۳.
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳)، **نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه**، ایمانی جاجرمی، حسین و پیمان پوررجب، نشر پژوهاک، چاپ اول.

- Bellu, Lorenzo G(2011), *Development and Development Paradigms(A Reasoned) Review of Prevailing Visions*, copyright@fao.org, PP:1- 46.
- Myrdal, Gunnar(1974), What Is Development, *Journal of Economic Issues*, Vol 8, No.4, Dec 1974, pp: 729- 736.
- Sant'Ana, Matthias(2008), *The Evolution of the Concept of Development: From Economic Growth to Human Development*, Working Paper, Inter-University Attraction Pole VI/06, pp: 1- 35.
- Sen, Amartya(1988), *The Concept of Development*, Handbook of Development Economics, Volume I, Edited by H. Chenery and T.N Srinivasan, Elsevier Science Publishers B.V, 1988, pp:9-26
- Shanmugaratnam, N.(2001), *On the Meaning of Development: An Exploration of the Capability Approach*, Forum for Development Studies, No.2-2001.pp: 263- 288.
- *What Is Development*, www.worldbank.org, BEG_i-144.qxd, pp: 7- 11
- www.unmillenniumproject.orgo

جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



ابراهیم رحمانی^۱

سیامک مؤذنی^۲

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۸/۱۵)

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس ماهیت انقلاب اسلامی، برای کرامت انسانی، بهای ویژه‌ای قائل شده است تا جایی که می‌توان گفت: در مقایسه با قانون اساسی کشورهای دیگر، یک قانون اساسی "ارزشی" محسوب می‌شود؛ بدین معنا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر شالوده کرامتی که از ناحیه اعتقادات دینی حاصل می‌شود، بنا شده و هدف آن ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی برای نزدیک شدن به خدا می‌باشد؛ چرا که خواست عمومی مردم ایران تدوین قانون اساسی براساس موازین اسلامی بود و همچنین کرامت انسانی نیز یکی از اصول غیرقابل انکار اسلام است. اما پرسش اساسی این است که "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین حقوق اساسی ملت ایران است، تا چه میزان خود را متعهد به تضمین و رعایت کرامت انسانی نموده است؟" به نظر نگارنده کرامت ذاتی به عنوان بن مایه کرامت انسانی به صورت یک قاعده حقوق اساسی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، پذیرفته شده و در اصول متعددی از آن تجلی پیدا کرده است.

۱ - دانشجو دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، er_4741@yahoo.com

۲ - دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران، smo_3030@yahoo.com

واژگان کلیدی: حقوق بشر، قانون اساسی جمهوری اسلامی، کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی.

مقدمه

قانون اساسی، به عنوان عالی ترین سند حقوقی - سیاسی، در هر جامعه سیاسی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. این قانون، ساختار و شکل حکومت، انواع نهادهای سیاسی و حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را مشخص کرده، روابط متعادل دولتمردان و فرمانبرداران و همچنین وظایف و تکالیف آنان را تعیین می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۵). این قانون، مشروعیت دیگر قوانین و مقررات را ارزیابی می‌کند. چنانچه این قانون تابع منطق واحدی بوده، از نظم و انسجام درونی و بیرونی لازم برخوردار باشد، می‌تواند کرامت انسانی را تضمین کرده، زمینه را برای استقرار و استمرار عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تحقق نظام کیفری عادلانه فراهم آورد. یکی از موضوعات بسیار مهم که در مورد امنیت، عدالت، آزادی و رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، "کرامت انسانی" است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که خود، پایه و اساس بسیاری از حقوق و تکالیف انسانی شناخته می‌شود و همانگونه که در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی به آن اشاره شده، امروزه کرامت انسانی نه صرفاً به عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه مستلزم رعایت آن است. در صورت عدم توجه به این اصل و التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد و شاهد جهانی پر از ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و خشونت خواهیم بود و آرمان "تشکیل امت واحد جهانی" و "استقرار نظام جمهوری اسلامی" هرگز به منصفه ظهور نمی‌رسد. در این قانون کرامت انسانی در زمره مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی و هم‌تراز اصول اعتقادی، نظیر توحید، نبوت و معاد مطرح گردیده است (انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۷۷: ۶۱-۶۰) که نشان‌دهنده اهمیت بسیار بنیادین و اساسی آن است و اهمیت آن تا جایی است که آزادی و کرامت انسانی بشر، سرلوحه اهداف قانون اساسی محسوب گردیده است.

۱- مفهوم کرامت انسانی

الف - تعریف لغوی

کرامت انسانی در لغت دارای معانی مختلفی است که مهمترین آنها عبارتند از: "ارزش، حرمت، حیثیت، عزت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و ... است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۶۰۷۰). معادل انگلیسی واژه کرامت انسانی (Human Dignity) است که "شرف، افتخار، استحقاق و شرافت برجسته معنی می‌دهد (Black, 1991: 456)؛ در دایره‌المعارف آکسفورد در مورد معنای واژه کرامت (Dignity) چنین آمده است: از واژه لاتین (Dignitas) گرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام می‌باشد (Oxford Encyclopedic, 1996: 398).

کرامت ضد دنائت و پستی است، این واژه به عنوان یک صفت در اخلاق پسندیده به کار می‌رود، غالباً به ذات شیء تعلق می‌گیرد و آن هنگامی است که "شیء" بالذات و در کُنه وجود خود، با ارزش باشد. پس مراد از "کرامت انسانی" آنست که: "انسان" از آن جهت که انسان است، دارای ارزش وجودی می‌باشد. بنابراین، انسان‌ها در تبار، مشترک و برابرند و تفاوتی بین آنان نخواهد بود. اگر چه می‌توانند با اعمال اختیاری خود آن را از دست داده یا بر آن بیفزایند و شخصیت وجودی خود را ارتقا بخشند.

کرامت عبارت است از حق رعایت عزت نفس آدمی؛ به تعبیر دقیق‌تر: کرامت حقی است بنیادین و آمیخته با تکلیف که موضوع آن نفس و ذات آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد. موضوع این حق بنیادین، نفس، ذات و سرشت آدمی است. مقصود از حق یا حقوق بنیادین (Fundamental Right) حقوقی است که جنبه جهانی (Universal) داشته، مبتنی بر اصول اخلاقی الزام‌آور برای تمام ملت‌ها و فرهنگ‌هاست و از آن حیث که با انتفاع و سلب کرامت، وجود، حیات و هستی آدمی نیز لغو و بی‌معنا خواهد بود و استیفای آن برای رسیدن انسان به رفاه و سعادت ضروری است. به عبارت دیگر، حق کرامت از مصادیق حقوق شخصیت محسوب می‌گردد که از ویژگی‌های مهم آن این است که همواره ملازم و همراه صاحب حق بوده و قابل انفکاک نمی‌باشد و نمی‌توان آن را اسقاط و یا توقیف نمود و یا انتقال داد یا اینکه مورد تعدی و تجاوز قرار داد و حتی پس از مرگ نیز به ورثه منتقل نمی‌گردد و مشمول مرور زمان نیز واقع نمی‌شود (آقایی، ۱۳۷۶: ۱۲۴).

ب - تعریف اصطلاحی

مفهوم کرامت انسانی به دو بخش کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی تقسیم می‌شود که با عنایت به اهمیت بسیار والای این عبارت، فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند این مفهوم و اصطلاح را تعریف و تبیین نمایند که در ذیل بیان می‌گردد:

علامه مرحوم محمدتقی جعفری کرامت انسانی را به دو قسم ذاتی و اکتسابی تقسیم کرده و می‌گوید: "دو نوع کرامت برای انسان‌ها در اسلام ثابت شده است که عبارتند از: ۱) کرامت ذاتی (Inherent) و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت برخوردارند؛ ۲) کرامت اکتسابی (Acquired) از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال ناشی می‌شود. ارزش نهایی و غایی انسان به همین نوع کرامت است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۷۹). بنابراین اعتبار کرامت ذاتی انسان، همان حیثیت و حرمتی است که تمام انسانها بشکل طبیعی از آن بهره مند می‌باشند.

امانوئل کانت آلمانی در نظریه ی خود بنام "خودمختاری اخلاقی" کرامت انسانی را چنین بیان می‌دارد: کرامت انسانی، آن نوع حرمت و ارزشی است که کلیه افراد به لحاظ استقلال ذاتی و توانایی اخلاقی که دارند، به صورت یکسان از آن برخوردارند (Kant, 1993, p96). با توجه به مطالب فوق، کرامت ذاتی و اکتسابی را می‌توان به شرح زیر تعریف کرد: آن نوع شرافت و حیثیتی که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی، توانایی اخلاقی و نفخه الهی که دارند و به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند کرامت ذاتی است و آن قسم کرامت که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل آنرا بدست آورد اکتسابی می‌باشد. یعنی رفتار انسانی منزلت‌های متفاوتی ایجاد می‌کند و به تبع آن افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

۲- مبانی نظری کرامت انسانی

الف - نظریه خودمختاری امانوئل کانت

کانت فلیسوف بزرگ آلمانی در آثار خود پابندی به آزادی و حیثیت انسانی را بخوبی تبیین کرده است. وی در ارتباط با کرامت انسانی می‌گوید: مبنای اصلی این کرامت را در توانایی

روحي و اخلاقي و يا به تعبيری در "خودمختاری اخلاقي و استقلال ذاتی" او باید جستجو کرد. انسانیت به ما ارزش و کرامت می‌بخشد؛ یعنی شخصیت اخلاقي است که ما را بر جانوران تفوق می‌دهد، چرا که غرایز، جانوران را راهنمایی می‌کند ولیکن ما انسان‌ها موجوداتی آزاد "خودمختار" (Autonomy) و "خودقانوننگ" (Self-Legislator) می‌باشیم (راجز، ۱۳۸۰: ۱۰۹). همچنین در خصوص این مسأله در کتاب دیگر خود بنام "بنیادهای مابعد الطبیعه اخلاق" می‌گوید: نیروی فطری عقل به هر کس کرامت می‌دهد نه مقام و موقعیت اجتماعی و علاوه بر این توان هر فرد برای اینکه با تفکر و اندیشیدن تصمیم بگیرد که نه تنها زندگی خود را شکل ببخشد بلکه با وضع قوانینی که ساختار قانونی زندگی همگان را تشکیل دهد به حفظ و ترویج احترام متقابل مردم یاری رساند (راجز، ۱۳۸۰: ۴۵). به باور کانت توانایی تفکر مستقل جهت تشخیص اینکه چه چیزی به لحاظ اخلاقي صحیح و چه چیزی غلط است، بدلیل توان تعقل و استدلال آدمی در همه آحاد بشر "ذاتی" است (این عبارت با باورهای اسلامی و بویژه آیاتی از سوره "الشمس" مطابقت دارد). قوانین بینادین دولت باید شمول عام داشته باشد. البته به عقیده کانت تساوی مدنی بمعنای برابری از حیث ثروت و قدرت نیست، آنچه تساوی سیاسی و مدنی بدان نیاز دارند فرصت برابر است؛ بدین معنا که هر کس برای رسیدن به هر وضع و مقامی که آرزومند است، می‌تواند در محدوده امکانات یک جامعه آزاد تلاش کند و احدی نباید بطور غیرقانونی مانع رسیدن دیگران به آرزوهایش شود. کانت می‌گوید: "اصل برابری خود مستلزم اصل عمومیت است. عدالت نیازمند آنچنان شرایط قضایی است که با حفظ و حمایت از آزادی همه، حامی آزادی یکایک افراد باشد. لذا دادرسی باید فارغ از هرگونه ملاحظات شخصی بوده و بدون تبعیض نژادی، مذهبی، جنسی، قومی و ... دایره شمولیت آن همه افراد باشد (راجز، ۱۳۸۰: ۴۶).

ب- نظریه کرامت منبعث از وحی

وحی مداران معتقدند کرامت ذاتی انسان، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری و یا عقلانی؛ بلکه ریشه در فطرت و آفرینش نوع بشر دارد و بر پایه فرامین الهی استوار می‌باشد. در دیدگاه خداپاواران، کرامت انسانی موهبتی خدادادی است؛ کل عالم و آنچه در آن است، مخلوق خدا است و از یک اراده مطلق و برتر ناشی شده است. بنابراین، «وجود» یک فیض الهی است که به موجودات عالم ارزانی شده است: (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ؛ سوره اعراف، آیه ۵۴)؛ بدرستی که

آفرینش و تدبیر امور جهان، مخصوص خداست. سپس خداوند متعال، از بین همه مخلوقات خود، انسان را برگزید و از روح خود در او دمید: (وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ سوره حجر، آیه ۲۹)؛ لذا انسان در نیکوترین صورت، پای به عرصه وجود گذاشت و خداوند در خلقت چنین موجودی، به خود تبریک گفت. اسماء خاص خود را به او آموخت؛ امانت ویژه خود را در اختیارش نهاد؛ و در عین ناباوری فرشتگان، او را جانشین خود در زمین قرار داد؛ به فرشتگان فرمان داد بر او سجده نمایند؛ و در یک کلمه به او کرامت بخشید: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...؛ سوره الاسراء، آیه ۷۰) و به خاطر این کرامت، انسان لیاقت پیدا کرد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنها است برای او و تحت سلطه او در آید. بنابراین، "کرامت" گوهری است که خداوند متعال به برترین مخلوق خود، عطا کرده است و انسان بدون این موهبت، نه وجودی داشته است و نه ارزش وجودی. طرفداران این نظریه می گویند خدای انسان با او نوعی پیوستگی و ارتباط دارد و همین حقیقت، مبانی اساسی حقوق و کرامت انسانی را در جامعه بشری و حکومت دینی تبیین می کند (جعفری تیریزی، ۱۳۷۰: ۲۸۰). به عبارت دیگر کرامت تکوینی به آن دسته از شایستگی های ذاتی و استعداد های انسانی اطلاق می گردد که می تواند در معرض هدایت و تربیت تعالیم آسمانی پیامبران قرار گیرد و باعث رشد و صعود انسان به مراتب کمال و مقامات والای انسانی شود. خداوند انسان را به سبب داشتن استعداد ذاتی و فطری برای درک حقایق و اسرار هستی خلیفه خود قرار داده است و تعلیم تکوینی حقایق هستی به او در آغاز آفرینش موجب گردیده تا بشر برای احراز این مقام، شایسته تر از فرشتگان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۷۸-۱۷۶). بنابراین می توان گفت که کرامت تکوینی عبارت است از: برخورداری از شرافت وجودی نشأت گرفته از روح مقدس خدایی.

۳- حقوق بین الملل و کرامت انسانی

کار اصلی حقوق سازمان دادن به جامعه، یعنی مهار کردن غریزه خودپرستی و خشونت، تأمین زیست اجتماعی و هماهنگ کردن فعالیت های مادی و معنوی اعضای جامعه است (فلسفی، ۱۳۷۰: ۶۲). حقوق بین الملل بمثابة حقوق جامعه بین المللی، تمامی قواعد آن کل جامعه را در برمی گیرد و موضوعات متنوعی را موضوع کار خود قرار داده است. حقوق بشر اساسی ترین حقوقی است که هر فرد بطور ذاتی و فطری از آن بهره مند می شود. چنانچه جامعه جهانی در فضای صلح با

یک زبان مشترک اخلاقی، گفتگو و مباحثه کنند؛ این زبان مشترک همان حقوق بشر می‌باشد. حقوق بشر مفهومی عمیق و ریشه‌دار در تفکر انسانی و دینی است. حقوق بشر حقوقی است که به انسان، به صرف انسان بودنش، بدون توجه به دین، فرهنگ، زبان، نژاد، ملیت، مقام، خویشاوندی، تبار و قومیت و... تعلق می‌گیرد. ذیل همین شاخه از حقوق بین‌الملل عبارت کرامت انسانی قابلیت حمایت، تضمین به رعایت و احترام از سوی دولت‌ها و اشخاص پیدا می‌کند. در واقع کرامت فطری انسان‌ها موجب شد تا افراد اجازه یابند از کرامت، آزادی و توانایی خود برای پی‌ریزی نوآوری‌هایی در حوزه‌های متعدد جامعه بهره گیرند. در آیات قرآنی و روایات اسلامی بسیاری بر کرامت ذاتی انسان‌ها تأکید شده است و مبنای حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، کرامت ذاتی انسان می‌باشد. به عبارت دیگر از آنجا که همه انسان‌ها مخلوق یک آفریدگار می‌باشند و خداوند به کرامت ذاتی همه انسان‌ها در کنار کرامت اکتسابی، تأکید داشته است و این کرامت اعطایی ذاتی، مختص همه افراد (نوع بشر) می‌باشد، می‌توان گفت این حقوق مشترک باید در همه زمان‌ها و مکان‌ها بدون تبعیض اعمال شود.

کرامت انسانی به عنوان "ارزش برتر" برای توجیه حقوق بشر توصیف شده است. این عنصر امکان مشارکت وسیع‌تر همه ارزش‌ها و ترجیح متقاعدسازی را به جای اجبار فراهم می‌سازد (Lasswell, 1980: 376-377). در این زمینه وفاق عام (Consensus) حاصل است که انسان از موهبت ارزش و کرامت ذاتی برخوردار است. این تنها مفهوم دستوری و هنجاری است که تقریباً هر حق قابل تصور برای انسان می‌تواند از آن کسب توجیه کند و خود می‌تواند در تفکرات مذهبی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی مقبولیت یابد. امروزه بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، کرامت ذاتی انسان را به عنوان توجیه اساسی برای حقوق بشر، و آرمانی در برابر رفتار موهن و سوء استفاده‌آمیز با افراد بشر مورد استناد قرار می‌دهند. از این رو، رونالد دورکین مدعی شده است که "هر کس ادعا می‌کند حقوق را جدی می‌گیرد... باید دست کم... اندیشه هر چند مبهم، اما قدرتمند کرامت انسانی را بپذیرد." (بادرین، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

به باور برخی از طرفداران مکتب حقوق فطری و طبیعی، از گذشته‌های بسیار دور اندیشه تضمین به رعایت و احترام به حقوق بشر وجود داشته است. شاید بتوان گفت از هنگامی که قدرتمندان، خودسری پیشه کردند و بر ضعیفان جامعه ظلم روا داشتند، این حقوق برای مقابله با ستم و بی‌عدالتی و با هدف تأمین حداقل حقوق برای افراد جامعه شکل گرفت. از همین نقطه حقوق

بنیادین انسانی (همچون حق حیات، حق کرامت، حق آموزش و پرورش، حق آزادی مسئولانه و حق برابری و...) در برابر حقوق و قوانین پدید آمد تا نظم و آرامش را برای جامعه انسانی به ارمغان آورده و حیات مطلوب انسانی را تأمین کند (نظری، ۱۳۸۴: ۱۰۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر، که شاید مهمترین سند عمومی قرن بیستم باشد، به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و از آن زمان، انبوهی از معاهدات، میثاق‌ها و سایر اسناد حقوقی در زمینه حقوق بشر، تقریباً به وسیله همه ملت‌ها، به تصویب رسیده است و احترام به حقوق بشر، به معیاری بنیادین برای سنجش مشروعیت اخلاقی جوامع مبدل شد (گیورث، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

در مقدمه منشور ملل متحد، «انسان» به لحاظ نظری، بنیانگذار جامعه بین‌الملل لقب گرفت و مقدمه منشور با نام "مردم ملل متحد" گشوده شد و از ایمان آنان به حقوق اساسی بشر، کرامت و شأن انسان و تساوی حقوق مرد و زن و همچنین همه ملت‌ها، سخن به میان آمد (نوبهار، ۱۳۸۲: ۶۱۳). اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حقوق طبیعی مبتنی است و در آن مقصود این نیست که بشر با طبیعت ثابتی آفریده شده است و حقوق مذکور مقتضای این طبیعت می‌باشد، بلکه منظور آن است که انسان بما هو انسان و به اعتبار بشر بودنش، حقوقی دارد و هیچ امر خارجی و عارضی نباید مانع از برخورداری وی از این حقوق باشد (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ۵۳). در هر سه سند مهم بین‌المللی حقوق بشر، کرامت انسان مورد تأکید واقع شده است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۷م) از "کرامت و ارزش افراد انسانی" یاد شده است. در مقدمه مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون چهارگانه ژنو و حقوق بشر دوستانه به موضوع کرامت انسانی (Dignity) اشاره شده است و بر "کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری" تأکید و تصریح می‌کنند: "این حقوق از کرامت ذاتی موجود بشری منبعث می‌شود". در اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر وین (۱۹۹۳م) نیز این بیان تکرار شده و آمده است: "تمام حقوق بشر از کرامت و ارزش انسانی فرد انسانی منبعث شده‌اند". در اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر (۱۹۴۸م) نیز آمده است: "مردم (قاره) آمریکا کرامت افراد انسانی را پذیرفته‌اند" (خلفی، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

برخی اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر که در اسلام نیز جهت حفظ کرامت انسانی بر آن‌ها تأکید شده است، عبارتند از: حق حیات؛ در ماده ۳ اعلامیه، آزادی فطری افراد بشر و مبارزه با

بردگی؛ مواد ۳، ۴ و ۱۰، لغو شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری؛ در ماده ۵، لغو تبعیض؛ مواد ۷ و ۱۲، حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح؛ مواد ۸، ۹ و ۱۰، اصل برائت؛ بند اول ماده ۱۱، اصل قانونی بودن جرم و مجازات؛ بند ۲ ماده ۱۱، رعایت حریم خصوصی افراد؛ ماده ۱۲، آزادی انتخاب و ترک اقامتگاه؛ مواد ۱۳ و ۱۴، حق تابعیت و تغییر آن؛ ماده ۱۵، آزادی شرکت در مجامع و اتحادیه‌ها؛ ماده ۲۰ اعلامیه و همچنین بند ۴ ماده ۳۲، حق شرکت در اداره امور سیاسی کشور؛ بند اول ماده ۲۱، حق امنیت شخصی و اجتماعی؛ مواد ۳ و ۲۲، حمایت از شرافت و اعتبار افراد؛ ماده ۱۲، آزادی ابراز و تغییر عقیده؛ مواد ۱۸ و ۱۹ (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

۴- قواعد و مقررات مندرج در قانون اساسی به منظور حمایت از کرامت انسانی
 گنجاندن اصل کرامت انسانی در اصل دوم قانون اساسی، به عنوان یکی از مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، برای توجه دادن به شناسایی و رعایت حقوق همه اقوام و اتباع ملت ایران؛ بدون عنایت به مفهوم متداول آن در نظام جهانی حقوق بشر، نبوده است. توجه به این نکته، هم در فهم اصل قانون اساسی به خصوص در زمینه حقوق ملت و هم در تدوین و تصویب قوانین عادی و رویه‌ها تأثیرگذار خواهد بود. اینکه به برخی از اصول قانون اساسی اشاره می‌کنیم که به نظر می‌رسد با برداشت همین معنا از بند ششم اصل دوم قانون اساسی، به ذکر و بیان تکلیف دولت به معنای عام پرداخته و بر شناسایی و اجرای حقوقی که امروزه از آنها به حقوق شهروندی تعبیر می‌شود و در واقع در ردیف حقوق و آزادی‌های اساسی برای همه شهروندان است، تأکید می‌کند:

۱- حقوق سیاسی

الف) حق تعیین سرنوشت

بنیادی‌ترین حق سیاسی که بر اساس کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، حق تعیین سرنوشت می‌باشد که در اصل ۵۶ قانون اساسی به صورت صریح به رسمیت شناخته شده است: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان

سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد...." در بند هشتم اصل سوم قانون اساسی نیز یکی از وظایف مهم دولت به کارگیری امکانات برای "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش" شمرده شده است که راهکار اعمال این حق نیز در اصل ششم به روشنی مشخص شده است.

واژگان بکار رفته در اصول یاد شده نظیر "انسان"، "ملت"، "عامه مردم"، "آرای عمومی" و "مردم"، مبنا بودن کرامت ذاتی انسان در حق تعیین سرنوشت را مسلم ساخته است. البته اصل ۵۶ در صدر خود حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را متعلق به خدا دانسته و بر همین اساس مبنا و منشأ کرامت انسانی را الهی می‌داند. اما خدایی که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن اوست، هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. برابر اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است تا کلیه امکانات خویش را برای "طرده کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ بیگانگان، محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون" به کار گیرد. دامنه شمول این نوع از آزادی‌های عرصه‌های زیر را در برمی‌گیرند:

۱. **آزادی عقیده:** چنانچه اصل ۲۳ اشعار می‌دارد: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد". چرا که اسلام مکتب تحمیل نیست. آزادی با تمام حدود و ثغورش توسط اسلام تبیین شده و ما فقط اسلام را ارائه می‌کنیم، بنابراین قبول و یا عدم پذیرش آن اختیاری و بر عهده فرد است.

۲. **آزادی بیان:** در اصل ۲۴ نیز آمده است که: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند." یعنی اینکه در این حکومت همه آزادند تا اظهار عقیده کنند. همه مطبوعات آزادند، مگر این که مطالبی مضر به حال کشور منتشر شود.

۳. **آزادی احزاب و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی:** این موضوعات در دو اصل ۲۶ و ۲۷ قید شده و در نص قانون چنین ذکر شده است: "احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت." (اصل ۲۶) و

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است. (اصل ۲۷). بنابراین روشن است که محدوده این آزادی‌ها، عام، گسترده و شامل تمامی ایرانیان با هر گرایش و سلیقه، قوم و قبیله، نژاد و رنگ و با هر عقیده و مذهبی می‌شود. استثنائاتی چون "مشروط به اینکه"، "به شرط آنکه" در میان تمامی حکومت‌ها رایج است و بر اساس مصالح اجتماعی بشری و شرایط خاص جامعه ایرانی در این اصول گنجانده شده است. و اساساً یک زندگی اجتماعی آرام و مدنظر اکثریت آن جامعه، چنین اقتضائاتی دارد و با نگاه کلان، محدودیت محسوب نمی‌گردد. ضمن این که همه شهروندان جامعه را شامل می‌شود و اختصاص به افراد یا گروه معینی ندارد.

۲- حقوق فرهنگی، اجتماعی

حقوق فرهنگی و اجتماعی، حداقل‌هایی هستند که هر انسان به حکم انسانیت و ارزشی که دارد، باید از آنها برخوردار باشد، کمیت و کیفیت آن در قوانین اساسی معیار مناسبی برای ارزیابی جایگاه کرامت انسانی در آن قانون تلقی می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این حقوق را به خوبی تأمین و تبیین کرده است:

الف) حقوق علمی و آموزشی

۱. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل سوم، همه امکانات خود را برای این امور به کار گیرد...؛ ۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛ ۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه؛ ۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمامی زمینه‌ها. از اهم وظایف دولت است که برطبق قانون اساسی مکلف است تمهیدات لازم را برای بهره‌مندی عموم شهروندان از حقوق صدرالذکر فراهم نماید.

ب) حق شغل

آزادی انتخاب شغل بدون تجاوز به مصالح عمومی و تأمین شرایط مساوی بمنظور اشتغال، تکلیفی است که دولت موظف به ایفای آن و در اصل ۲۸ قانون اساسی لحاظ شده است: "هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد

امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

ج) حق مسکن

برخورداری از مسکن متناسب با نیاز افراد جامعه، عنایت ویژه و اولویت بخشی به نیازمندان و اقشار آسیب پذیر تعهدی است که برعهده دولت بوده و در اصل ۳۱ بیان شده است: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

د) تأمین اجتماعی

برخورداری همگان از تأمین اجتماعی، التزام دولت به حمایت از یکایک افراد و ارائه خدمات مرتبط به تأمین اجتماعی از دیگر تکالیف دولت در قبال مردم به حساب می آید.

ه) حق تابعیت

حقی مسلم و غیرقابل سلبی است که فقط در زمره حقوق اجتماعی بوده و به گونه‌ای واضح در اصل ۴۱ قانون اساسی قید شده است: "تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید."

و) حق آزادی در حوزه‌های خصوصی

آزادی‌های فردی در حوزه‌های خصوصی که به نسبت، تکالیفی برای جامعه و حکومت ایجاد می کند، یک حق اجتماعی محسوب می شود.

۳ - حقوق اقتصادی

دسته دیگری از حقوق مردم که بر اساس کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده، حقوق اقتصادی است. از دیدگاه قانون اساسی: "هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند." (اصل ۴۶) و "مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است" (اصل ۴۷). اما آنچه که مربوط به دولت است، "نه تنها وظیفه دارد نیازهای اساسی مردم چون: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، را تأمین نماید بلکه باید برای دستیابی به رفاه و

آسایش مادی و معنوی مردم برنامه‌های اقتصادی کشور را به صورتی تنظیم نماید که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. (اصل ۴۳).

۴ - حقوق قضایی

در جمهوری اسلامی به حکم کرامت انسانی «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (اصل ۲۲).

قوة قضائیه که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و متولی احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع (اصل ۵۶) می‌باشد، باید بر اساس توصیه‌های دینی، این وظیفه را به خوبی انجام دهد در غیر این صورت عبارت جمهوری اسلامی قابل اطلاق به عنوان کشور نمی‌باشد. بنابراین تمامی نهادهای جمهوری اسلامی باید در عمل اسلامی باشند و در رأس آنها و از همه مهم‌تر قضا و قضاوت است، که باید روی موازین اسلام باشد. اصول ذیل که قوه قضائیه ملزم به رعایت آنها می‌باشد، اینطور در قانون اساسی احصاء شده است:

۱. هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کرده و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود (اصل ۳۲).

۲. هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد (اصل ۳۳).

۳. دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد (اصل ۳۴).

۴. در تمامی دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد (اصل ۳۵).

۵. حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶).

(۳۶).

۶. اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نشده، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد (اصل ۳۷).

۷. هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات خواهد شد (اصل ۳۸).

۸. هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است (اصل ۳۹).

مجموعه حقوقی که برشمرده شد، از جمله حقوق انسانی است که بر اساس کرامت ذاتی انسان بدون هیچ قیدی به تمامی ایرانیان تعلق گرفته و تا زمانی که با اعمال اختیاری و ناشی از اراده خود، از خویش سلب ننماید، قابل سلب نیست و جمهوری اسلامی موظف است آنها را برای تک تک ایرانیان تأمین نماید. اما اگر افراد به خواسته خود، این حقوق را از خود سلب نمایند، حکومت نیز موظف است جهت احقاق حقوق جامعه، متخلف را مجازات نماید. چنان که همین قانون اساسی مقرر داشته است، "هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد" (اصل ۴۰).

سخن پایانی

کرامت انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف دیگر قوانین اساسی، منشأ الهی دارد و کرامت ارزشی و دین مدارانه از راه تقوا حاصل می شود (انسان با به کارگیری استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال این نوع کرامت را کسب می کند و مصداق آن آیه "ان اکرمکم عند الله اتقاکم" می باشد). کرامت انسانی در قانون اساسی بر خلاف قوانین دیگر منشأ اومانسمی (انسان محوری) ندارد و مطابق آیه شریفه "لقد کرمنابنی آدم" کرامت را در او ودیعه گذاشته اما با پرورش آن و در پیش گرفتن تقوا آن را به نوعی ارتقاء می دهد، مورد توجه ویژه قرار گرفته است، تدوین کنندگان قانون اساسی با تکیه بر آموزه های دین اسلام و با به رسمیت شناختن کرامت انسان "بما هو انسان" حقوق اولیه انسانی را برای وی تعریف و در نظر گرفته اند.

هدف قانون اساسی در جمهوری اسلامی، ایجاد بستر مناسب برای رشد و اعتلای استعداد های

انسان با کرامت است، کرامت ذاتی انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم ترین منبع پذیرفته شده است. بدیهی است که قوانین ایران و در رأس آنها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرامت را سرلوحه تنظیم خود قرار داده که ناشی از اعتقاد و باور نظام به اصول دین است. اصول مبتنی بر برابری همه مردم با هم از هر رنگ، زبان و نژادی است و تمامی افراد از حمایتی یکسان برخوردار هستند. کرامت انسانی موهبتی خدادادی است، کل عالم ناشی از اراده مطلق پروردگار بوده و در قرآن کریم گفته شده که تدبیر امور جهان مخصوص خداوند است. بنابراین انسان با بهره گیری از کرامت ذاتی و وجودی، این قابلیت را یافته که همه چیز در اختیارش باشد و این همان کرامت انسانی است که در مواد متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی متبلور شده است. شایان ذکر است صیانت از کرامت ذاتی انسان، براساس آموزه های دینی و نظام حقوقی تا زمانی در حیطه مسئولیت حکومت اسلامی قرار دارد که افراد طرف تعامل در صدد سوء استفاده از این حق طبیعی نبوده و به کرامت دیگر افراد تعدی نمایند؛ در غیر این صورت این حق از آنان ساقط شده و تحت عنوان متجاوز و مجرم قابل مؤاخذه خواهند بود.

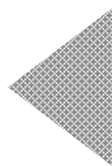
منابع

- آقایی، بهمن (۱۳۷۶)، **فرهنگ حقوق بشر**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- بادرین، مسعود (۱۳۸۲)، "حقوق بشر و حقوق اسلام: اسطوره ناهمخوانی"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- تامس جونز، ویلیام (۱۳۸۸)، **خداوندان اندیشه سیاسی**، ترجمه: علی رامین، تهران، امیرکبیر، جلد اول.
- جاودان، محمد (۱۳۸۲)، "نواندیشی دینی در اسلام و تأملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، **تحقیقی در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر**، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، **فلسفه حقوق بشر**، قم، انتشارات اسراء.
- حبیب زاده، محمدجعفر؛ رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۶)، "کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، شماره ۴.
- خلفی، مسلم (۱۳۸۲)، "نگرش برون دینی به حقوق بشر (امتناع یا ضرورت)"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.

- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲)، "ملاحظات درباره حقوق بشر و نسبت آن با دین و تاریخ"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، **لغتنامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد یازدهم.
- ریاست جمهوری (۱۳۷۷)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، اداره کل امور قوانین و مقررات کشور.
- سالیوان، راجز (۱۳۸۰)، **اخلاق در فلسفه کانت**، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات طرح نو.
- عمید زنجانی، عباس علی؛ توکلی، محمدمهدی (۱۳۸۶)، "حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام"، **فصلنامه حقوقی**، دانشگاه تهران، شماره ۴.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۰)، "روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل"، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۹.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، دفتر اول.
- گیورث، آلن (۱۳۸۲)، "آیا حقوق بشری وجود دارد؟"، ترجمه: محمدحسینی مجنده، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از دانشمندان (۱۳۷۷)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالمکتب الاسلامی، جلد اول.
- میرخلیلی، سیدجواد، "کرامت انسانی از دیدگاه قرآن"، قابل دسترسی در: www.mirkhalili.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=58&Itemid=33
- مهرپرور، حسین (۱۳۷۲)، **دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- مهرپرور، حسین (۱۳۷۴)، **حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و مواضع جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات اطلاعات.
- مهرپرور، حسین (۱۳۸۵)، "کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن"، **مجله حقوق عمومی**، شماره ۱.
- نژندی منش، هیبت‌الله، "جهانشمولی حقوق بشر"، قابل دسترسی در: www.hoghoghdanan.com/international20low/human20rights/article/
- نظری، عبداللطیف (۱۳۸۴)، "کرامت انسانی در قرآن و روایات و دولت مهدوی"، **مجله گلبرگ**، شماره ۶۹.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۲)، "دین و کرامت انسانی"، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر**، دانشگاه مفید.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات میزان، جلد اول.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران، انتشارات میزان.

- Lass well, M.(1980), ***Human Rights and World Public Order***, and New Haven: Yale University Press.
- Black, Henry Campbell(1991), ***Black's Law Dictionary***, 6th, U.S.A, west publisher.
- Kant, Immanuel(1993), ***Groundwork of the Metaphysics of Morals***, translated by Ellington, J., third edition, hackle publishing company, U.S.A.
- The Oxford Encyclopedic(1996), ***English Dictionary***, New York, oxford university press.

فرا تحلیلی بر شاخص‌ها و سنجه‌های کیفیت زندگی در ایران با تأکید بر ابعاد مفهومی آن



ایمان فدائی^۱

مهدی حسینی دهاقانی^۲

(تاریخ دریافت ۹۴/۶/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۰/۱۵)

چکیده

کیفیت زندگی، مفهومی نسبتاً نوین در علوم اجتماعی است که همواره در پی تعریف و بازتعریف شرایط آرمانی زندگی برای نوع بشر و سنجش وضعیت موجود برای ترسیم راه رسیدن به آرمان‌ها، می‌باشد. این مفهوم با استقبالی چشمگیر از سوی نظریه‌پردازان و اندیشمندان رشته‌های مرتبط مواجه شده است و همان‌طور که انتظار می‌رود این شرایط نوعی سردرگمی در میان انبوه نظریات و تعاریف گوناگون را با خود به همراه داشته است. این پژوهش سعی کرده است تا با جمع‌بندی نقطه‌نظرات مختلف در این زمینه، راهی به سوی تعریفی و تا حد امکان جامع و شامل از کیفیت زندگی و شاخص‌های آن ارائه دهد و به نوعی فرا تحلیلی دست یازد. در این مسیر ابتدا پژوهش‌های مرتبط و منتشر شده در ایران تا سال ۱۳۹۱ جمع‌آوری شده، شاخص‌ها استخراج شده و داده‌ها ترکیب شده و آماده تجزیه در مرحله بعد می‌شوند. در آخر دسته‌بندی صورت گرفته و نتیجتاً باز تعریفی از مفهوم کیفیت زندگی ارائه شده است و نقدی کلی بر شاخص‌های به دست آمده، با توجه به سلسله مراتب نیازهای مازلو صورت گرفته است

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، iman.idf@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mehdi.hosseini@ut.ac.ir

که نتیجه حاکی از آن بود که به طور جالب توجهی میزان تکرار و احتمالاً تأکید پژوهشگران گوناگون به دسته‌های مختلف شاخص‌ها، بر چیدمان سلسله مراتب نیازها در نگاه مازلو منطبق است.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، مقالات فارسی، سنجه، فراتحلیل، سلسله مراتب نیازهای مازلو.

مقدمه

کیفیت زندگی انسان یک مسئله اخلاقی پیچیده می‌باشد و تعریف واضح و روشن برای آن امری دشوار است. چرا که نه تنها تعریف این مفهوم سیل نظریات و رویکردهای گوناگون را به همراه خود دارد، بلکه به انبوهی از شاخص‌ها و سنجه‌ها نیز تکیه کرده است که این خود مسئله اصلی این پژوهش بوده است؛ اینکه بالاخره از کدام منبع و کدام شاخص کیفیت را تعریف و سنجش کنیم.

اما این مسئله تازه‌ای نیست. سؤال‌ها و موضوعات با اهمیت، همواره توسط گروه‌های گوناگون پژوهشی تبدیل به تحقیق شده‌اند، اما دریافتی جامع از تمامی این مطالعات، کاری هزینه‌بر و وقت‌گیر است. به طور خاص، مطالعات با زمینه‌های اجتماعی که به واسطه شرایط، موقعیت‌ها و متغیرهای متعدد مداخله‌گر، با دامنه گسترده‌ای از نتایج و یافته‌ها همراهند، فاقد خاصیت انباشتگی نتایج هستند. این شرایط مسیر و راهنمایی برای دستیابی به تعریفی نسبتاً کلی طلب می‌کند که فراتحلیل به عنوان ابزاری مناسب برای ساخت اجماعی منطقی از مطالعات، روش تازه‌ای برای جمع‌بندی و درک مجموعه‌ای از پژوهش‌ها در حوزه‌ای خاص در اختیار می‌گذارد. چیزی که یک پژوهش فراتحلیل مد نظر دارد، جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات متعدد و پراکنده، برای ترکیب و یکپارچه‌سازی و دستیابی به یافته‌های جدید است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹: ۶۸). در واقع، فراتحلیل روشی است که براساس آن سعی می‌شود که تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده قبلی را استنتاج نمود و در رسیدن به یک سری نتایج کلی و کاربردی از آن بهره‌گرفت (خلعتبری، ۱۳۸۷).

برای دستیابی به این مهم، در این پژوهش ابتدا تعاریف و شاخص‌های گوناگون در پژوهش‌های

معتبر فارسی تا سال ۱۳۹۱، جمع‌آوری و تلخیص شده‌اند. سپس آنها ترکیب و دوباره با نقطه نظر نویسندگان با توجه به شرایط و نیازهای جامعه خود تجزیه شده‌اند تا بتوان تا حد امکان تعریفی جامع و شامل به دست داد و در انتها با توجه به سلسله مراتب نیازهای مازلو، نقدی کلی بر سنجه‌های حاصل ارائه شده است.

مفهوم کیفیت زندگی

علاقه‌مندی به بررسی عوامل مؤثر بر خوشنودی و رفاه انسان پیشینه‌ای طولانی در تاریخ زندگی بشر دارد. در واقع اینکه چگونه باید و می‌توان زیست که بهترین منفعت را از زندگی کسب کرد، شاید به قدمت توانایی آدمی برای اندیشه در مورد آینده و عبرت گرفتن از گذشته باشد (بهمنی، تمدنی و عسگری، ۱۳۸۳: ۳۶). مفهوم «کیفیت زندگی» نیز دوره‌های تاریخی زیادی را پشت سر گذاشته است و تغییرات مختلفی در مورد آن صورت گرفته است. این عبارت علایق شخصی، تجارب، احساسات، دیدگاه‌ها و عقاید راجع به ابعاد فلسفی، فرهنگی، معنوی، روانشناسی، مالی و... زندگی روزمره را شامل می‌شود (هاشم‌زاده و علمی، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

کیفیت زندگی در حدود ۴۰ سال پیش در آمریکا معرفی شد و علوم اجتماعی پرچمدار روح و سنجش آن شد. در اواخر قرن ۲۰ موضوع کیفیت زندگی در علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار گرفت و در سال ۱۹۵۵ با تأسیس جامعه بین‌المللی برای تحقیق درباره کیفیت زندگی، اینگونه تحقیقات نهادینه شدند (مختاری و نظری، ۱۳۸۰: ۱۷).

کلمه «کیفیت» از لغت لاتین به معنی «چیزی و چه» استخراج شده است و معنای تحت‌اللفظی کیفیت زندگی «چگونه زندگی کردن» است و در برگیرنده تفاوت‌های منحصر به فرد برای هر فرد بوده و با دیگران متفاوت است. کیفیت زندگی تجسم تجارب زندگی از لحظه لحظه آن است. کیفیت زندگی یک فرایند منطقی و مفهوم استوار بر پایه فرهنگ و به عبارتی خلاصه از ارزش‌ها، عقاید، سمبل‌ها و تجارب شکل گرفته آن فرهنگ است و راهی برای شناخت و فهم (درویش پور کاخکی، عابدسعیدی و یغمایی، ۱۳۸۲: ۳۴).

کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است و تعریف واضح و روشن برای آن امری دشوار است. از این جهت برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنجه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به

عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت‌مندی و ... تفسیر کرده‌اند (اپلی و منون^۱، ۲۰۰۸: ۲۸۱). جمع‌بندی برخی از تعاریف متداول از کیفیت زندگی که در جدول ۱ آمده است نیز نشان‌دهنده این موضوع است.

جدول (۱) - تعاریف کیفیت زندگی

مأخذ	تعریف «کیفیت زندگی»
لیو ^۲ ، ۱۹۸۳	عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود
امرسون ^۳ ، ۱۹۸۵	به عنوان رضایت از ارزش‌ها، اهداف و نیازهای فرد از طریق تحقق توانایی و یا شیوه زندگی خود
گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ^۴ ، ۱۹۹۳	ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علائق و نگرانی‌های فرد
فرل ^۵ ، ۱۹۹۵	تعریف کیفیت زندگی به عنوان بهزیستی در چهار حوزه: فیزیکی، ذهنی، اجتماعی و روحی
کاستانزا ^۶ ، ۲۰۰۷	میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهزیستی زندگی
داس ^۷ ، ۲۰۰۸	بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط

(مأخذ: براساس رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷ و مطالعات نگارندگان)

البته چندوجهی بودن مفهوم کیفیت زندگی و بررسی آن از دیدگاه‌های مختلف به ما این امکان را می‌دهد، تا ابعاد از موضوع را که هرگز مورد توجه قرار نگرفته است را کشف کنیم. به عنوان مثال، به گفته براند فری، مازلو با رویکردی بر اساس نیازهای انسانی معیارهایی را برای

۱- Epley & Menon

۲- Liu

۳- Emerson

۴- The World Health Organization Quality of Life (WHOQOL) Group

۵- Ferrell

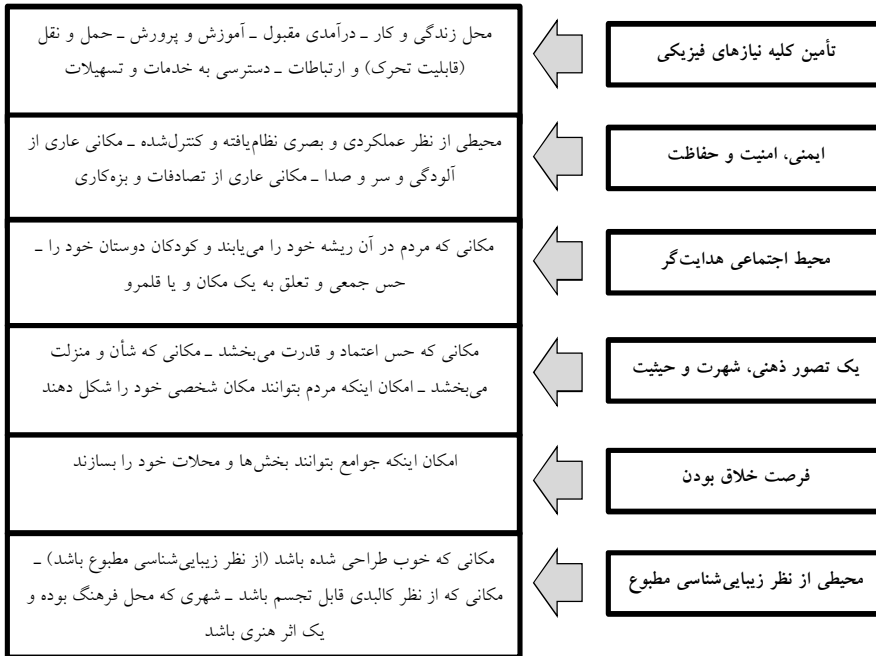
۶- Costnza

۷- Das

فراتحلیلی بر شاخص‌ها و سنجه‌های کیفیت زندگی در ایران با تأکید بر ابعاد مفهومی آن ۴۵

یک شهر با کیفیت خوب ارائه می‌دهد که شامل شش معیار کلی و چندین زیرمعیار است که در شکل ۱ آمده است.

شکل (۱) - معیارهای کیفیت زندگی از منظر مازلو



منبع: (فرای، ۱۳۸۳)

طبق نظر شالوک، ابعاد کیفیت زندگی به مجموعه‌ای از عوامل ارجاع دارد که احساس بهزیستی شخصی را به وجود می‌آورند (شالوک^۱، ۲۰۰۴: ۲۰۵). علی‌رغم اختلافات نظری فراوان، پژوهش شالوک حاکی از آن است که توافق قابل توجهی در خصوص هشت بعد مرکزی در سنجش کیفیت زندگی میان محققان وجود دارد. او این نتیجه را با توجه به تحلیل ۱۶ مطالعه چاپ شده درباره کیفیت زندگی به دست آورده است. ابعاد هشتمگانه مذکور از طریق ۱۲۵ شاخص مورد

سنجش قرار گرفته‌اند. این ابعاد عبارتند از احساس بهزیستی احساسی، روابط بین شخصی، احساس بهزیستی مادی، رشد فردی، احساس بهزیستی فیزیکی، حق تعیین سرنوشت خود، شمول اجتماعی، حقوق (شالوک، ۲۰۰۴: ۲۰۵).

به اعتقاد برخی از محققان تعداد ابعاد مورد بررسی کیفیت زندگی چندان مهم نیست، بلکه مهم آن است که هر مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، باید بتواند نیاز به داشتن یک چارچوب چندبعدی را تشخیص دهد و به اینکه چه چیزهایی برای مردم در تعیین کیفیت زندگی شان مهم است توجه کند و شاخص‌های اساسی هر بعد را در کنار سایر ابعاد در کل نماینده مفهوم کاملی از کیفیت زندگی بداند. شاخص‌های مورد مطالعه این پژوهش نیز بر همین مبنای دسته‌بندی شده‌اند.

روش تحقیق

«تحلیل» عبارت است از شکستن عمل کل به قسمت‌های مختلف به منظور تعیین ماهیت آن. این عمل در تحلیل آماری از طریق قرار دادن اجزا در درون ترکیب‌ها به منظور نشان دادن عوامل مورد مطالعه انجام می‌شود. «فرا» به معنی بالاتر و ماورا، تغییر یافته و تبدیل شده به کار می‌رود که در روش فراتحلیل، هر دو فعالیت انجام می‌شود (دلاور، ۱۳۸۴: ۸۴).

هدف روش فراتحلیل نشان دادن شیوه تفکر در مورد ترکیب نتایج قبلی بر اساس روش آماری است. در اینجا واحد تجزیه و تحلیل از پژوهش‌ها گرفته می‌شود نه آزمودنی‌ها. در فراتحلیل نتایج تحقیقات مختلف ترکیب می‌شوند تا اینکه نتایج جدید و منسجمی استخراج شود و آنچه که موجب سوگیری در نتایج نهایی شده حذف شوند. به طور نهایی می‌توان گفت فراتحلیل ترکیب داده‌های چند تحقیق برای یک برآورد واحد است و از نظر آماری فراتحلیل کاربرد مستقیم روش‌های چند عاملی است (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش سعی کرد تا با بهره‌گیری از روش فراتحلیل، به بررسی دیدگاه پژوهشگران در زمینه مفهوم کیفیت زندگی بپردازد. بدین منظور، ابتدا در مراجع مقالات علمی-پژوهشی فارسی (نظیر پایگاه اطلاعات جهاد دانشگاهی^۱، پایگاه مجلات تخصصی نور^۱،

فراتحلیلی بر شاخص‌ها و سنجه‌های کیفیت زندگی در ایران با تأکید بر ابعاد مفهومی آن ۴۷

پایگاه اطلاعات نشریات کشور^۲ و غیره)، پژوهش‌های مرتبط با «کیفیت زندگی» تا سال ۱۳۹۱ استخراج گردید. سپس مقالات معتبر علمی-پژوهشی و یا در غیر این صورت، مقالات دارای ارجاع در منابع معتبر انتخاب گردید. همچنین سایر منابع مورد استفاده در مقالات معتبر، نظیر کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی، که در دسترس بودند نیز به سایر مقالات اضافه گردید و در نهایت ۲۶ پژوهش فارسی انتخاب گردید که در جدول ۲ آمده است.

جدول (۲)- پژوهش‌های منتخب کیفیت زندگی در ایران

ردیف	نویسنده / نویسندگان	سال انتشار	نوع پژوهش	مورد مطالعاتی
۱	درویش پور کاخکی، عابدسعیدی، یغمایی	۱۳۸۲	مقاله	ایران
۲	بهمنی، تمدنی، عسگری	۱۳۸۳	مقاله	تهران
۳	کوکبی	۱۳۸۴	مقاله	شهر خرم‌آباد
۴	کوکبی، پورجعفر، تقوایی	۱۳۸۴	مقاله	ایران
۵	جاجرمی، کلته	۱۳۸۵	مقاله	شهر گنبدقابوس
۶	غفاری، اوتق	۱۳۸۵	مقاله	شهر گنبد کاووس
۷	اورنگ	۱۳۸۶	مقاله	شهر بم
۸	ربانی خوراسگانی، کیان‌پور	۱۳۸۶	مقاله	شهر اصفهان
۹	کوکبی	۱۳۸۶	مقاله	ایران
۱۰	رضوانی، منصوریان	۱۳۸۷	مقاله	ایران
۱۱	نوغانی، اصغرپور ماسوله، صفا	۱۳۸۷	مقاله	شهر مشهد
۱۲	رفعیان، عسگری، عسگری‌زاده	۱۳۸۸	مقاله	محل نواب، شهر تهران
۱۳	رضوانی، متکان، منصوریان، ستاری	۱۳۸۸	مقاله	شهر نورآباد، استان لرستان
۱۴	هاشم‌زاده، علمی	۱۳۸۸	مقاله	شهر تبریز
۱۵	غیاثوند	۱۳۸۸	مقاله	ایران
۱۶	غفاری، امیدی	۱۳۸۸	کتاب	ایران
۱۷	شهرداری تهران	۱۳۸۸	طرح پژوهشی	شهر تهران
۱۸	خادم‌الحسینی، منصوریان، ستاری	۱۳۸۹	مقاله	شهر نورآباد، استان

۱- www.noormags.ir

۲- www.magiran.com

ردیف	نویسنده / نویسندگان	سال انتشار	نوع پژوهش	مورد مطالعاتی
				لرستان
۱۹	باسخا، عاقلی کهنه شهری، مسانلی	۱۳۸۹	مقاله	ایران
۲۰	مختاری، نظری	۱۳۸۹	کتاب	ایران
۲۱	فرجی ملائی، عظیمی، زبیری	۱۳۸۹	مقاله	ایران
۲۲	فتاحی	۱۳۸۹	پایان نامه	شهرستان دلفان
۲۳	حاتمی نژاد، منوچهری میاندوآب، فرجی ملائی، فرهادی	۱۳۹۰	مقاله	شهر میاندوآب
۲۴	براتی، یزدان پناه شاه آبادی	۱۳۹۰	مقاله	شهر جدید پردیس
۲۵	پوراحمد، فرجی ملائی، عظیمی، لطفی	۱۳۹۱	مقاله	ایران
۲۶	شاطریان، اشنویی، گنجی پور	۱۳۹۱	مقاله	شهر آران و بیدگل

(منبع: نگارندگان)

سپس، شاخص‌ها و دسته‌بندی‌های ارائه شده در هر یک از منابع، استخراج گردید. در ادامه با استفاده از روش شناسی پژوهش شالوک (شالوک، ۲۰۰۴)، به امتیازدهی شاخص‌ها پرداخته شد. در این روش، با شمارش تعداد دفات ارجاع به شاخص در سوابق پژوهش، امتیازدهی صورت می‌گیرد.

در مرحله بعد، شاخص‌ها بر پایه مفاهیم اساسی تحقیق به صورت موضوعی و در سه سطح کلان، شاخص و زیرشاخص دسته‌بندی و در قالب جدول، ارائه گردید.

استخراج و طبقه‌بندی شاخص‌ها

در این مرحله، دسته‌بندی‌ها از سویی بر حسب کمیت و تکرار صورت گرفته‌اند و با شمارش تعداد دفات ارجاع به شاخص، به امتیازدهی آن‌ها پرداخته شده است و از سوی دیگر این کار با توجه به کیفیات عینی و ذهنی مفاهیمی که شاخص‌ها در بر دارند، پیگیری شده و دسته‌ها بر اساس اهداف معلوم و خاص مشخص شده‌اند، که هریک باید در نوع خود ارزشمند بوده و بتوانند کاربردی و معنادار باشند (هگری و همکاران^۱، ۲۰۰۱: ۲).

بدین ترتیب و بر اساس آنچه گفته شد، شاخص‌ها، در دوازده بعد اقتصادی، مسکن، بهداشتی-درمانی، آموزش و پرورش، ایمنی و امنیت، منابع و محیط، اجتماعی، خدمات، حقوق و سیاست، تفریح و سرگرمی و اوقات فراغت، زیبایی‌شناختی و خودشکوفایی جای گرفتند. در هر یک از این ابعاد، گویه‌های کلان و مفاهیم اساسی، مشخص و بیان شدند.

هریک از این ابعاد و گویه‌ها، شاخص‌های مربوط به خود را با زیر مجموعه‌هایی از سنجه‌ها، در خود جای داده‌اند. نتایج فراتحلیل هر یک از ابعاد ذکر شده، در ادامه آمده است.

لازم به ذکر است، هر یک از این دسته‌بندی‌ها و رده‌بندی‌ها، به طور رفت و برگشتی و در مراحل دو طرفه و با فرآیندهای گردشی صورت گرفته است، بدین معنا که از سویی با جمع ریزشاخص‌ها به شاخص‌های کلان‌تر رسیده و از سوی دیگر حرکت از ابعاد کلان‌تر آغاز شده و ریزشاخص‌ها در ابعاد خردتر در دسته‌های مربوط به خود جای گرفتند.

جدول (۳)- فراتحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی

بعد	گویه‌های کلان	شاخص‌ها	تعداد تکرار	نمونه سنجه‌های مورد استفاده
توسعه اقتصادی	توسعه اقتصادی، توسعه و تحقیق، رشد اقتصادی، استانداردهای اقتصادی زندگی، رضایت از وضعیت اقتصادی، امنیت اقتصادی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و تسهیلات اقتصادی	وضعیت اشتغال	۱۶	نرخ اشتغال، گروه بندی شغلی، رضایت شغلی
		ثروت و درآمد	۱۶	میانگین درآمد، ضریب جینی، درصد افراد زیر خط فقر
		هزینه	۸	میانگین هزینه‌های خانوار، متوسط قدرت خرید
مسکن	فضای قابل سکونت، در دسترس بودن مسکن، کیفیت مسکن، تسهیلات عمده مسکن، تدارک مسکن دولتی، افزایش مسکن شهری و استاندارد مسکن	امکانات مسکن	۸	آب، برق و تلفن، برخورداری از نور کافی
		مالکیت مسکن	۸	
		قیمت و هزینه‌های مسکن	۵	متوسط قیمت زمین، میانگین اجاره بها
		سرانه مسکن برای هر نفر	۵	تراکم نفر در واحد مسکونی

نمونه سنج‌های مورد استفاده	تعداد تکرار	شاخص‌ها	گویه‌های کلان	بعد
کیفیت ساختمان‌ها، مصالح	۴	کیفیت واحد مسکونی		
	۲	مساحت مساکن		
نرخ باسوادی، نرخ فارغ‌التحصیلان در سطوح عالی	۱۶	وضعیت تحصیلات	صلح و آموزش، آموزش و پرورش (دستاوردها، پایگاه تحصیلی، امکانات آموزشی)، دانش و مهارت، قیمت خدمات آموزشی و استفاده از آموزش رایگان	آموزش و پرورش
	۸	گستره خدمات آموزشی		
امید به زندگی، مرگ و میر کودکان	۱۷	وضعیت بهداشت و سلامت	گستره امکانات و خدمات بهداشتی، وضعیت بهداشت و سلامت	درمانی و بهداشتی
	۱۰	گستره امکانات و خدمات بهداشتی		
میزان جرایم، تعداد افراد زندانی	۸	سطوح جرم و جنایت	ایمنی و امنیت و حفاظت، ایمنی و امنیت، احساس امنیت و ایمنی، ایمنی، امنیت، امنیت بالا، امنیت عمومی و رضایت از احساس امنیت فردی	ایمنی و امنیت
	۴	ایمنی		
	۴	امنیت		
هزینه حمل و نقل، کیفیت خیابان‌ها، تداخل سواره و پیاده	۱۲	حمل و نقل	دسترسی به خدمات و تسهیلات، رضایت از خدمات شهرداری، ارزیابی عملکرد شهرداری در ارائه خدمات، دسترسی به خدمات شهری (مدرسه، درمانگاه، خرید روزانه و هفتگی)، امکانات، امکانات و خدمات شهری، تسهیلات کالبدی و خدماتی، خدمات شهری، خدمات و حمایت‌ها، خدماتی، تسهیلات شهری، کیفیت دسترسی به خدمات، دسترسی به خدمات، دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری، دسترسی و رضایت از خدمات تسهیلات شهری، رضایت از شهرنشینی، خدمات شهرداری و زیرساخت‌ها و سازمان و قابلیت دسترسی به فضا	خدمات
		تأسیسات و تجهیزات شهری		
		دسترسی کاربری‌های عمومی		
		مغازه و مرکز خرید		
مبلمان شهری، فضاهای توقف و نشستن	۸			
ایستگاه‌های پلیس، پارک	۵			
فاصله تا بازار اصلی شهر، انواع مغازه در سطح محله	۵			

بعد	گروه‌های کلان	شاخص‌ها	تعداد تکرار	نمونه سنجه‌های مورد استفاده
		مشکلات شهری	۵	تعفن جوی آب، آب گرفتگی و مشکل دفع آب باران
		ورزشی	۵	دسترسی به مجتمع‌های ورزشی
		خدمات تفریحی	۴	رضایت از امکانات تفریحی
زیست محیطی	محیطی، متغیرهای محیطی، تنوع زیستی فردی، کیفیت محیطی، محیط زیست، کیفیت زیست محیطی، مسائل زیست محیطی طبیعی محلی، محیطی از نظر عملکردی و بصری نظام یافته و کنترل شده	آلودگی	۱۶	کیفیت هوا، آلودگی صوتی
		محیط کالبدی (فیزیکی)	۱۵	حفظ اراضی پیرامون شهر، دید و منظر
		آب و هوا و جغرافیا	۹	میزان بارندگی، میزان رطوبت
		منابع و محیط مصنوع	۷	فضاهای باز و سبز عمومی
		منابع و محیط طبیعی	۲	رودخانه و ساحل
تفریح و سرگرمی	تفریح و سرگرمی و اوقات فراغت، گذران اوقات فراغت، احساس لذت از اوقات فراغت، اوقات فراغت (تفریح، سرگرمی‌ها)، امکانات تفریحی و فراغتی (ورزش، کافی شاپ، تئاتر، کنسرت، پارک، مطالعه، باشگاه‌ها و ...)، رضایت از امکانات فراغتی، نحوه و میزان دسترسی به فضاهای گذران اوقات فراغت، فعالیتهای فراغتی، مدت زمان انجام فعالیتهای تفریحی	تفریح و سرگرمی	۷	احساس لذت از اوقات فراغت، مدت زمان فعالیتهای تفریحی
		فضاهای گذران اوقات فراغت	۵	ورزش، کافی شاپ، تئاتر، کنسرت، پارک، مطالعه، باشگاه‌ها
		روابط اجتماعی	۲۰	شبکه‌های اجتماعی، روابط همسایگی
فرهنگ و هنر	زندگی اجتماعی، توسعه اجتماعی، مردم، محیط اجتماعی، کیفیت محیط اجتماعی، کیفیت قلمرو اجتماعی، جامعه امن، کیفیت امنیت اجتماعی، برخورداری از امنیت اجتماعی، امنیت اجتماعی یا عمومی، شأن و احترام، قدرت و جامعه محلی	مشارکت اجتماعی	۱۴	دخالت اجتماعی در شورای تصمیم‌گیری
		فرهنگ و هنر	۱۰	مراکز فرهنگی، سینما، کتابخانه عمومی

نمونه سنج‌های مورد استفاده	تعداد تکرار	شاخص‌ها	گویه‌های کلان	بعد
احساس تعلق خاطر، درصد ساکنان بومی	۸	تنوع و هویت		
برخورداری از امنیت (حقوق قضایی، استفاده از خدمات بیمه)	۵	حمایت‌های اجتماعی		
تراکم جمعیت، رشد جمعیت	۲	جمعیتی		
حقوق شهروندی و مدنی و سیاسی، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت با شرکت در انتخابات شوراهای شهر	۵	حقوق قانونی	حقوق شهروندی، تعهدات شهروندی، رضایت شهروندی	هقوق و سیاست
محافظت از اموال عمومی، احترام به حقوق دیگران	۲	تعهدات شهروندی		
رضایت از طرح‌ها و برنامه‌های دولت	۲	عملکرد دولت		
احساس بهزیستی هیجانی	۱۴	احساس خوشبختی	احساس خوشبختی، رضایت از زندگی، احساس پیشرفت، احساس رضایت و خشنودی، احساس شادکامی و شادمانی در زندگی، احساس بی‌نیازی (برآورده شدن نیازها)، میزان ابراز وجود، توسعه فردی، ارزیابی شخصی، توسعه جمعی، اهداف و ارزش‌های شخصی (آرزوها، انتظارات)، موفقیت در رسیدن به اهداف، عملکرد (موفقیت، دستاورد، کارآمدی)، احساس کارآمدی و توانمندی، شایستگی فردی، مفاهیم مربوط به خود (هویت، خود، ارزشمندی، عزت نفس)، رضایت از موفقیت‌های زندگی، احساس بهزیستی فیزیکی، احساس بهزیستی مادی، احساس بهزیستی هیجانی، احساس بهزیستی شخصی، منزلت نقشی، کیفیت در اجرای نقش‌های روزانه، قدرت تاثیر گذاری بر دیگران، عملکرد مثبت به هنگام اجرای نقش‌های روزانه، صلاحیت در اجرای نقش‌های روزانه، توانایی در اجرای نقش‌های روزانه، برخورداری از هوش بالا	احساس رضایت و خشنودی
میزان ابراز وجود	۵	احساس شادکامی و شادمانی		
احساس کارآمدی و توانمندی، منزلت نقشی، رضایت از موفقیت‌های زندگی	۳	موفقیت در رسیدن به اهداف		
احساس بی‌نیازی، ارزیابی شخصی	۲	برآورده شدن نیازها		

نمونه سنجه‌های مورد استفاده	تعداد تکرار	شاخص‌ها	گروه‌های کلان	بعد
خوانایی، نظم فضایی، توالی منظر	۷	ادراک فضایی	زیبایی شناختی، هنر، ادراک فضایی، مکانی که خوب طراحی شده باشد (از نظر زیبایی‌شناسی مطبوع باشد)، شهری که محل فرهنگ بوده و یک اثر هنری باشد، مکانی که از نظر کالبدی قابل تجسم باشد، خوانایی، نظم فضایی، نمایی، توالی منظر، معنی‌دار بودن فرم و فضا	زیبایی

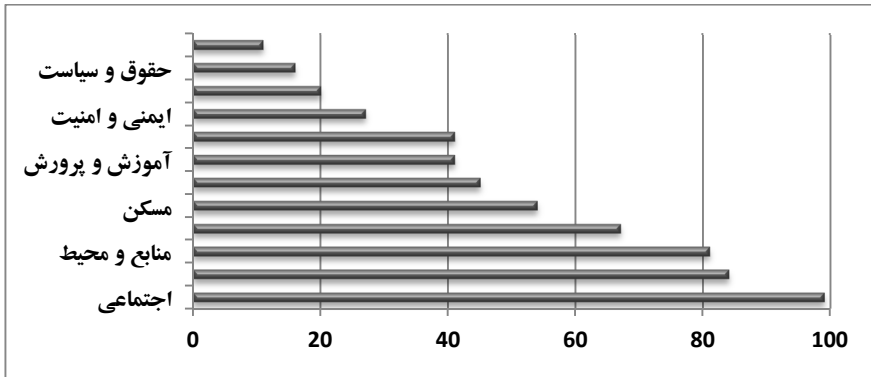
(منبع: نگارندگان)

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مشخصات اصلی مفهوم کیفیت زندگی، چند بعدی بودن آن است. لذا این مفهوم همواره توسط گروه‌های گوناگون پژوهشی مورد کنکاش قرار گرفته است. با این حال، دریافتی جامع از تمامی این مطالعات، امری دشوار است. در این زمینه، از فراتحلیل به عنوان روشی که تلاش می‌کند تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده قبلی را استنتاج نماید، می‌توان بهره جست. این پژوهش، با هدف فراتحلیل مفهوم کیفیت زندگی و دسته‌بندی شاخص‌های متنوع آن به ابعادی که هر بعد در کنار سایر ابعاد در کل نماینده مفهوم کاملی از کیفیت زندگی باشد، آن‌ها را به صورت موضوعی در دوازده دسته اقتصادی، مسکن، بهداشتی-درمانی، آموزش و پرورش، ایمنی و امنیت، منابع و محیط، اجتماعی، خدمات، حقوق و سیاست، تفریح و سرگرمی و اوقات فراغت، احساس رضایت و خشنودی و زیبایی‌شناختی قرار داد.

پس از دسته‌بندی شاخص‌ها در مجموعه‌های گوناگون، این سؤال مطرح می‌شود که متفکرین مختلف، با نقطه‌نظرهای متنوع با چه اولویاتی اقدام به شاخص‌بندی کیفیت زندگی و ارائه سنجه‌های گوناگون برای سنجش آن‌ها کرده‌اند؟ با شمارش نهایی شاخص‌ها و جمع‌بندی آن‌ها، چنانچه در نمودار زیر دیده می‌شود، می‌توان دریافت که اولویت اصلی و تأکید متفکرین بیش از همه بر ابعاد اجتماعی زندگی بوده و پس از آن به ترتیب خدماتی، محیطی، اقتصادی و ... را مد نظر قرار داده‌اند.

شکل (۲) - جمع‌بندی تحلیل ابعاد کیفیت زندگی

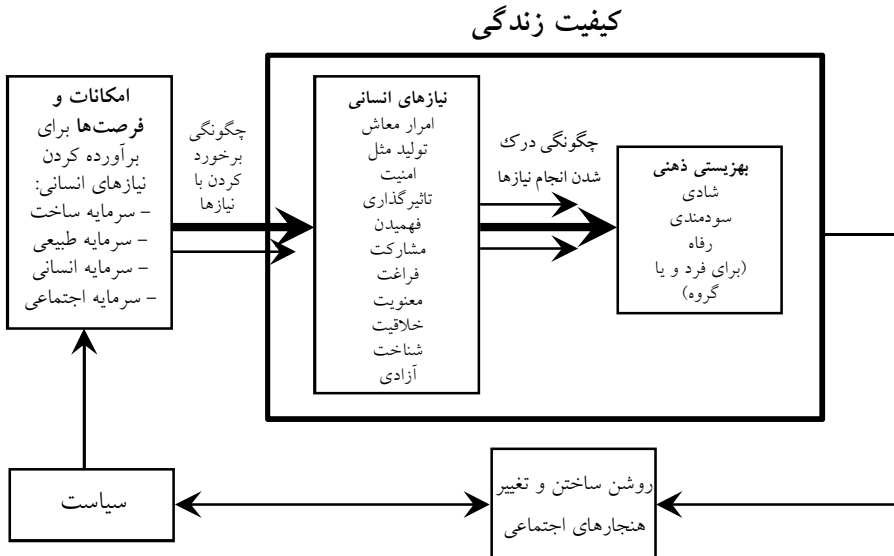


(منبع: نگارندگان)

از سویی مفهوم کیفیت زندگی از دیدگاه برخی همبستگی درهم تنیده‌ای با نیازها و مفاهیم مربوط به پاسخگویی به آن‌ها دارد. این اصطلاح گستره مفهومی کلانی است از چگونگی برطرف کردن و برخورد با نیازهای انسانی و یا اینکه افراد یا گروه‌ها در جامعه تا چه حد احساس رضایت و یا عدم رضایت را در حوزه‌های گوناگون زندگی درک می‌کنند (کاستانزا و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۲۶۹). کاستانزا و همکارانش در تلاش برای تلفیق مفاهیم کیفیت زندگی و نیازها و احساس بهزیستی در زمینه‌های اجتماعی و از سویی وظایف و اهداف سیاست‌گذاری‌ها مدل نظری زیر را ارائه کرده‌اند (شکل ۳).

۱- Costanza, et al

شکل (۳) - رابطه کیفیت زندگی و نیازهای انسانی



منبع: (کاستانزا و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۶۹)

به طور کلی از نقطه نظرهای گوناگون می‌توان کیفیت زندگی را به عنوان یک فراهم آورنده منابع کافی محیطی برای رویارویی و پاسخگویی به نیازهای بشر دانست. برای مثال از سوی بهداشت عمومی، کیفیت زندگی به طور مفهومی به ارزیابی چشم‌انداز نیازها پرداخته است که وظیفه اساسی ارزیابی نیازها، جمع‌آوری اطلاعات در مورد یک جمعیت به خصوص و استفاده از آن اطلاعات برای توسعه و حتی تجدید نظر در برنامه‌ریزی برای آن جمعیت است. همچنین از دیدگاه رشد و توسعه انسانی، اهداف کیفیت زندگی می‌تواند به عنوان برطرف کردن نیازهای انسانی در جامعه تعریف شود (سیرگی^۱، ۱۹۸۶: ۳۳۱-۳۳۰).

پس در اینجا با استفاده از ایده مازلو درباره سلسله مراتب نیازها، برای واکاوی رابطه میان مرتفع

شدن نیازها و ارتقا کیفیت زندگی، شاخص‌های استخراج شده را در دسته‌بندی مازلو (بر اساس فرای، ۱۳۸۳) جای گرفتند. سنجه‌های اقتصادی، مسکن، درمانی-بهداشتی و آموزش و پرورش در دسته پایه و بنیادین، سنجه‌های امنیت و ایمنی، خدمات، منابع و محیط در دسته امنیت و امکانات، سنجه‌های اجتماعی و اوقات فراغت در دسته اجتماعی، سنجه‌های احساس رضایت و خوشنودی، حقوق و سیاست در دسته رضایت و احترام و در بخش زیبایی شناختی سنجه هنر و زیبایی شناختی، قرار گرفته‌اند.

جدول ۴: جمع‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی

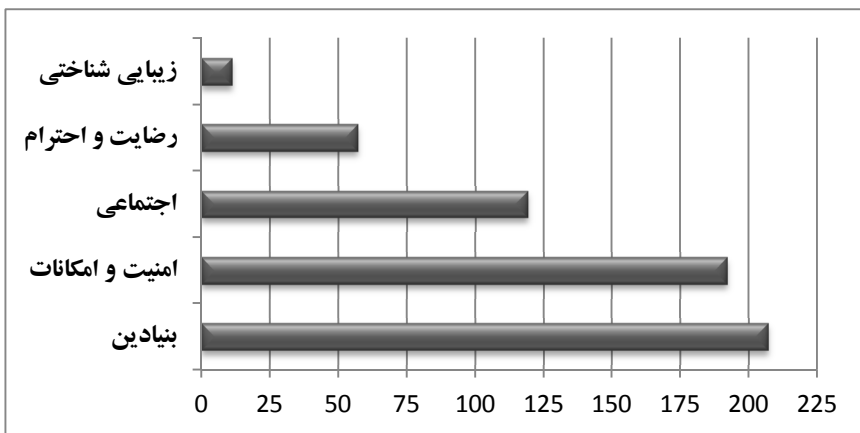
ابعاد هرم مازلو	شاخص‌های کلان	سنجه‌ها
بنیادین	اقتصادی	ثروت و درآمد، هزینه، وضعیت اشتغال
	مسکن	قیمت و هزینه‌های مسکن، کیفیت واحد مسکونی، امکانات مسکن، مالکیت مسکن، سرانه مسکن برای هر نفر، مساحت مساکن
	درمانی-بهداشتی	گستره امکانات و خدمات بهداشتی، وضعیت بهداشت و سلامت
	آموزش و پرورش	گستره امکانات و خدمات آموزشی، وضعیت تحصیلات
امنیت و امکانات	ایمنی و امنیت	امنیت، ایمنی، سطوح جرم و جنایت
	منابع و محیط	منابع و محیط طبیعی، آب و هوا و جغرافیا، آلودگی، منابع و محیط مصنوع، محیط کالبدی (فیزیکی)
	خدمات	دسترسی کاربری‌های عمومی، مغازه و مرکز خرید، تأسیسات و تجهیزات شهری، مشکلات شهری، خدمات تفریحی، ورزشی، حمل و نقل، مغازه و مرکز خرید
اجتماعی	اجتماعی	روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت‌های اجتماعی، تنوع و هویت، فرهنگ و هنر، جمعیتی
	اوقات فراغت	تفریح و سرگرمی، فضاهای گذران اوقات فراغت
رضایت و احترام	احساس رضایت و خوشنودی	احساس شادکامی و شادمانی، احساس خوشبختی، برآورده شدن نیازها، موفقیت در رسیدن به اهداف
	حقوق و سیاست	حقوق قانونی، تعهدات شهروندی، عملکرد دولت
زیبایی شناختی	هنر و زیبایی شناختی	ادراک فضایی

(منبع: نگارندگان)

فراتحلیلی بر شاخص‌ها و سنجه‌های کیفیت زندگی در ایران با تأکید بر ابعاد مفهومی آن ۵۷

در پایان تمام شاخص‌ها با قرارگیری در سلسله مراتب مازلو شمارش شدند و نتیجه‌ای جالب توجه به دست آمد. همان طور که نمودار نشان می‌دهد، تأکید متفکرین بر شاخص‌های گوناگون و احتمالاً اولویت‌بندی آن‌ها بر سنجه‌های کیفیت زندگی، بر چیدمان سلسله مراتب نیازها در نگاه مازلو، به ترتیب از پایین به بالا منطبق است و تلویحاً همان شکل هرم حفظ شده است.

شکل (۵) - نمودار نسبت توزیع شاخص‌های کیفیت زندگی در سلسله مراتب مازلو



(مأخذ: نگارندگان)

آیا این موردی اتفاقی است؟ آیا واقعاً باید چنین باشد و یا بالعکس؟ مگر نه این است که رفع نیازهای پایین‌تر لازمه رفتن به پله‌های بعدی است؟ پس شاید این تأکید بی‌جا نباشد. از دیدگاه جزف سیرجی، کیفیت زندگی به عنوان سطحی از رضایتمندی توده اعضای جامعه از پاسخگویی به نیازهای سلسله مراتبی‌شان تعریف می‌شود، که در آن پاسخگویی بیشتر به نیازها و ارضای آنها (حرکت از پله‌های پایین‌تر به پله‌های بالاتر)، به سطحی بالاتر از کیفیت زندگی می‌انجامد (سیرجی، ۱۹۸۶: ۳۴۰).

اما از سوی دیگر آیا قرار نیست تا در حالت ایده‌آل، با رفع نیازهای پایه رفته‌رفته انسان ایده‌آل خود را به رأس هرم نزدیک کند؟ اگر چنین است شاید باید این تأکید بالعکس می‌بود؟ اصلاً آیا مازلو به درستی این نیازها را به سلسله مراتب آورده؟ و ...

همه این‌ها سؤالاتی است که انجام این پژوهش، پیش روی ما قرار داد. در این پژوهش سعی شد تا با فراتحلیلی دقیق ابتدا ابعاد گوناگون کیفیت زندگی واکاوی و از نگاه‌های مختلف دسته‌بندی شود. در مرحله بعد به نقد تأکید آن‌ها به سنج‌های گوناگون پرداخته شد و در آخر با توجه به سلسله مراتب نیازها در نظر مازلو به نتایج جالب توجه و سؤالاتی اساسی دست یافت. در آخر شاید بتوان پذیرفت که بر پایه نیازها و سنجش آنها، کیفیت زندگی می‌تواند همچون راهی برای کمک به رویارویی با نیازهای انسان و حرکت توده جمعیت از نیازهای اولیه به نیازهای رده‌های بالاتر باشد (سیرگی، ۱۹۸۶: ۳۴۰).

منابع

- اورنگ، ملاحظ (۱۳۸۶)، **سنجش کیفیت محیط در بازسازی‌های پس از سانحه، مطالعه موردی فضاها عمومی شهر بیم**، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.
- باسحا، مهدی؛ عاقلی کهنه شهری، لطفعلی؛ مسائلی، ارشک (۱۳۸۹)، رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور، **مجله رفاه اجتماعی**، ۱۰ (۳۷): ۹۵-۱۱۲.
- براتی، ناصر؛ یزدان‌پناه شاه‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: شهر جدید پردیس)، **مجله جامعه پژوهی فرهنگی**، ۲ (۱): ۲۵-۴۹.
- براند فری، هیلدبرند (۱۳۸۳)، **طراحی شهری به سوی یک شکل پایدار شهری**، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- بوند، جان. کورنر، لین (۱۳۸۹)، **کیفیت زندگی و سالمندان**، ترجمه حسین محقق کمال، تهران: نشر دانژه.
- بهمنی، بهمن؛ تمدنی، مجتبی؛ عسگری، مجید (۱۳۸۳)، بررسی کیفیت زندگی و رابطه آن با نگرش دینی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران، **فصلنامه طب و تزکیه**، ۳۲-۴۴: (۵۳).
- پوراحمد، احمد؛ فرجی ملایی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ لطفی، صدیقه (۱۳۹۱)، تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW، **مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی**، ۴۴ (۴): ۲۱-۴۴.
- جاجرمی، کاظم. کلت، ابراهیم (۱۳۸۵)، سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان (مطالعه موردی گنبدقابوس)، **مجله جغرافیا و توسعه**، ۴ (۸): ۵-۱۸.

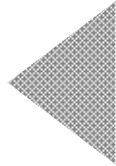
- حاتم‌نژاد، حسین؛ منوچهری میان‌دوآب، ایوب؛ فرجی ملانی، امین؛ فرهادی، صامت (۱۳۹۰)، تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام شده در شهر (مطالعه موردی: شهر میان‌دوآب)، **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، ۹ (۱۶): ۲۴۳-۲۱۹.
- خادم‌الحسینی، احمد؛ منصوریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین (۱۳۸۹)، سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی شهر نورآباد استان لرستان)، **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**، ۱ (۳): ۶۰-۴۵.
- خلعتبری، جواد (۱۳۸۷)، **آمار و روش تحقیق**، تهران: نشر پردازش گران.
- درویش پور کاکحکی، علی؛ عابدسعیدی، ژیلا؛ یغمایی، فریده (۱۳۸۲)، بررسی کیفیت زندگی بیماران مبتلا به دیابت (یک مطالعه کیفی)، **دو فصلنامه افق دانش**، ۹ (۲): ۱۰۳-۹۷.
- دلاور، علی (۱۳۸۴)، **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: نشر رشد.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ کیان‌پور، مسعود (۱۳۸۶)، مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی مطالعه موردی شهر اصفهان، **زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم)**، ۱۵ (۵۸-۵۹): ۱۰۸-۶۷.
- رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی‌اکبر؛ منصوریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین (۱۳۸۸)، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی شهر نورآباد، استان لرستان)، **فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، ۱ (۲): ۱۱۰-۸۷.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین (۱۳۸۷)، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، **فصلنامه روستا و توسعه**، ۱۱ (۳): ۲۶-۱.
- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی؛ عسگری‌زاده، زهرا (۱۳۸۸)، سنجش میزان رضایتمندی سکونت‌ی ساکنان محله نواب، **مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، ۴۱ (۶۷): ۶۸-۵۳.
- شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر؛ گنجی‌پور، محمد (۱۳۹۱)، سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی، **فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، ۴ (۱۳): ۱۴۴-۱۲۷.
- شهرداری تهران (۱۳۸۵)، **اطلس کلانشهر تهران**، بخش کیفیت زندگی در شهر تهران، بازیابی در ۱۳۹۲، از <http://atlas.tehran.ir>
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۹)، فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، **نامه علوم اجتماعی**، ۱۵ (۱۵): ۱۰۴-۶۷.
- غفاری، غلامرضا؛ اوتق، نازمحمد (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر گنبد کاووس، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، ۱ (۱): ۱۹۹-۱۵۹.

- غفاری، غلامرضا؛ امید، رضا (۱۳۸۸)، **کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی**، تهران: نشر شیرازه.
- غیاثوند، الهام (۱۳۸۸)، تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، **مجله مهندسی مشاور**، (۴۵): ۲۸-۲۲.
- فتاحی، احداله (۱۳۸۹)، **سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان دلفان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- فرای، هیلدبرند (۱۳۸۳)، **طراحی شهر: به سوی یک شکل پایدارتر شهر**، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- فرجی ملانی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۹)، تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، ۱ (۲): ۱۶-۱.
- کوبکی، افشین (۱۳۸۶)، معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، **فصلنامه هویت شهر**، ۱ (۱): ۸۶-۷۵.
- کوبکی، افشین؛ پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، **مجله جستارهای شهرسازی**، (۱۲): ۱۳-۶.
- کوبکی، افشین (۱۳۸۴)، **برنامه‌ریزی به منظور ارتقای زندگی شهری در مرکز شهر (مورد مطالعه: پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- مختاری، مرضیه؛ نظری، جواد (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی کیفیت زندگی**، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- نوغانی، محسن؛ اصغریور ماسوله، احمدرضا؛ صفا، شیما (۱۳۸۷)، کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، **دوفصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)**، ۵ (۱): ۱۴۰-۱۱۱.
- هاشم‌زاده، ابوالفضل؛ علمی، محمود (۱۳۸۸)، بررسی کیفیت زندگی کاری دبیران زن دبیرستان‌های شهر تبریز، **مجله زن و مطالعات خانواده**، ۲ (۶): ۱۷۷-۱۵۱.

- Das, D.(2008), "Urban Quality of Life: A case study of Guwahati", *Social Indicators Research*, 88 (2): 297-310.
- Emerson, E.(1985), "Evaluating the Impact of Deinstitutionalization on the Lives of Mentally Retarded People", *American Journal of Mental Deficiency*, 90 (3): 277-288.
- Epley, D. R., Menon, M.(2008), "A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life", *Social Indicators Research*, 88 (2): 281-296.

- Ferrell, B. (1995), "The Impact of Pain on Quality of Life, A Decade of Research", *The Nursing Clinics of North America*, 30 (4): 609-624.
- Hagery, Michael R. et al(2001), "Quality of Life Indexes for National Policy: Review and Agenda for Research", *Social Indicators Research*, (55): 1-96.
- Liu, B. (1983), *Quality of Life Indicators in U.S Metropolitan Areas: A statistical analysis*, New York: Rutledge.
- Schalock, R.L. (2004), "The Concept of Quality of Life: What We Know and Do not Know". *Journal of Intellectual Disability Research*, 48 (3): 203-216.
- Sirgy, M. J. (1986), "A Quality-of-Life Theory Derived from Maslow's Developmental Perspective: 'Quality' Is Related to Progressive Satisfaction of a Hierarchy of Needs, Lower Order and Higher", *American Journal of Economics and Sociology*, 45 (3): 329-342.

بررسی نقش فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی در توانمندسازی اقتصاد خانوار (مطالعه موردی: بخش برزک شهرستان کاشان)



یوسف قنبری^۱

حمید برقی^۲

نفسه قطبی نژاد^۳

(تاریخ دریافت ۹۴/۵/۷ - تاریخ تصویب ۹۴/۹/۱۶)

چکیده

ارتقای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیر باز و بطور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی در توانمندسازی اقتصاد خانوار می‌باشد. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مطالعه‌ای پیمایشی است که داده‌های آنان از طریق پرسشگری از زنان روستایی منطقه مورد مطالعه تهیه گردیده است. جامعه آماری مورد نظر شامل ۶۳۰۰ نفر زنان روستایی و تعداد ۳۲۰ زن روستایی بعنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران مشخص شده‌اند که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. از ضریب آلفای کرونباخ جهت تعیین

۱- استادیار دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، y.ghanbari@gho.ui.ac

۲- استادیار دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، barghi@ltr.ui.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، naf_ghotbi90@yahoo.com

پایایی پرسشنامه استفاده شد. توصیف و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t تک متغیره و ضریب همبستگی اسپیرمن و روش دو جمله‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سن، بعد خانوار و میزان تحصیلات زنان روستایی با بهبود وضعیت اقتصاد خانواده رابطه معنی‌داری برقرار است. همچنین فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در توسعه پایدار منطقه مؤثر است. این رابطه از نظر مسئولین منطقه با در نظر گرفتن سه بخش آموزش زنان روستایی، حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آنها و تشکیل تعاونی‌های زنان روستایی مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: زنان کشاورز، مشارکت زنان، بخش کشاورزی، اقتصاد خانواده، اقتصاد روستایی، بخش برزک.

مقدمه

زنان روستایی بعنوان نیمی از جمعیت روستایی، نقش بارزی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند و رسیدن به توسعه پایدار روستایی توجه بیشتر به زنان را که دوشادوش و همپای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت دارند، می‌طلبد (میرک‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۸). مطالعات و مشاهدات انجام شده در زمینه زنان روستایی حاکی از آن است که زنان کشاورز با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی بعهدہ دارند، به گونه‌ای که اکثریت کشاورزان معیشتی جهان را زنان تشکیل می‌دهند که تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان را به عهده دارند (شاهرودی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۴). یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. استراتژی‌های یک جامعه توسعه‌یافته بایستی حتماً بر مبنای مشارکت هر چه فعال‌تر بانوان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طراحی گردد. با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند، از تولیدکنندگان عمده غذا و درآمد برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند که تولید بخش مهمی از محصولات کشاورزی را در جهان به عهده دارند.

از دستاوردهای کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد برای "دهه زن" که تحت عنوان "تساوی، توسعه و صلح" در سال ۱۹۸۰ در نیویورک برگزار شد، این بود که دو سوم از کل کار انجام شده در جهان توسط زنان انجام می‌شود که بیشتر این کار را زنان روستایی انجام می‌دهند که این نشان‌دهنده اهمیت نقش زنان روستایی در تولید و اقتصاد می‌باشد (خاتمی، ۱۳۸۲: ۴). بر اساس گزارش سازمان ملل هرچند در روستا زنان ۴۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند اما ۶۵ درصد فعالیت‌های بخش کشاورزی روستا توسط آنان انجام می‌شود (الوئی، ۱۹۸۵: ۳۵). طبق آمار سرشماری سال ۸۵ سهم زنان روستایی کشور ما در اشتغال حدود ۱۳ درصد اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). این در حالی است که نیروی کار زنان در بخش کشاورزی تا ۴۰ درصد برآورد شده است که تنها ۵ درصد کلیه خدمات ترویجی کشاورزی سراسر جهان در اختیار زنان است. در ایران بیش از ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی و نزدیک به ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری بعهده زنان است (چهارسوقی و میردامادی، ۱۳۸۷: ۶۳). نادیده گرفتن سهم زنان در فعالیت‌های اقتصادی بخصوص کشاورزی سبب گردیده تا تأثیر ارزش کار آنها در محاسبات ملی در نظر گرفته نشود. رویکردهای مشارکتی به توسعه از اوایل دهه ۹۰ مورد توجه فزاینده قرار گرفته و اهمیت مشارکت بعنوان وسیله و یکی از اهداف توسعه تأکید شده است. در چنین توسعه‌ای زنان بعنوان نیمی از افراد به مشارکت فراخوانده می‌شوند. زیرا دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره امکان‌پذیر نیست (بوذرجمهری و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۰). در ایران نیز نقش زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفته شده است چرا که در اقتصاد روستاهای کشور زنان روستایی علاوه بر نقش‌های محول کلیدی که برعهده دارند و در چارچوب اقتصاد خانه مطرح می‌شود آنها بعنوان عناصری نامرئی و نامشخص، بخش عظیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را تشکیل می‌دهند. با وجود ارزش و اعتبار کار و فعالیت آنها برای خانوار و اقتصاد جامعه از نظر اجتماعی یا اصولاً در مقاطع تصمیم‌گیری به هیچ وجه نقش متناسب و هم‌سنگ با این فعالیت‌ها نداشته‌اند و بدون هیچ شبهه‌ای باید آنها را در زمره محروم‌ترین اقشار جامعه به شمار آورد (امینی و احمدی، ۱۳۸۸: ۸).

با توجه به حضور نیمی از جمعیت زنان کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته جهان در روستاها و اشتغال آنها به امور کشاورزی و دامپروری، طراحی و اجرای مناسب برنامه‌های آموزشی-

ترویجی برای این قشر حائز اهمیت است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی بویژه باغداری در توانمندسازی اقتصاد خانوار می‌باشد. برای دستیابی به هدف فوق فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت: (۱) مشارکت زنان در بخش کشاورزی در بهبود اقتصاد خانواده مؤثر است. (۲) بین سن و بعد خانوار و سطح تحصیلات زنان با بهبود وضعیت اقتصاد خانواده رابطه وجود دارد. (۳) افزایش کارایی و ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در توسعه پایدار منطقه مؤثر است.

پیشینه نظری

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد نقش زنان در توسعه کشاورزی و روستایی مورد توجه قرار گرفته است. به نقش زنان روستایی کشور در بخش کشاورزی از اوایل دهه ۱۳۷۰ توجه شده و فعالیت‌ها و پژوهش‌هایی نیز در این راستا انجام گرفته است. از جمله دفتر زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی، طرح توانمندسازی زنان روستایی را برای حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف بخش کشاورزی سرلوحه کار خود قرار داده تا امکان حضور بیشتر زنان روستایی در توسعه بخش کشاورزی فراهم آید. در اینجا به برخی از تحقیقاتی که اخیراً در زمینه مشارکت زنان و عوامل مؤثر بر آنها انجام گرفته اشاره می‌شود.

بوذرجمهری و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب - آذربایجان شرقی) به این نتیجه رسیده که زنان در امور زراعی و در مرحله برداشت مشارکت بیشتری دارند و برخی از عوامل چون (فردی، خانوادگی، سازمانی) مانع از مشارکت زنان روستایی در امور کشاورزی شده است.

نوری و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیق خود تحت عنوان تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی به این نتیجه رسیده که انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال در کنار فعالیت‌های موجود مهمترین شاخص‌های مؤثر بر فعالیت اقتصادی و چگونگی آن برای زنان مناطق روستایی است.

تئودوسیا (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان زنان روستایی در تولید مواد غذایی محلی: بین طرح‌های کارآفرینی و استراتژی خانواده مورد مطالعه یونان، به این نتیجه رسیده است که یک شکوفایی

نسبی در کسب و کار زنان حومه شهرهای یونان بدلیل تقاضای مصرف‌کنندگان برای محصولات غذایی سنتی و محلی با کیفیت خاص بوجود آمده است.

مبانی نظری

در مباحثی که امروزه در مورد توسعه مطرح می‌شود، نیروی انسانی و به خصوص اهمیت نقش زنان در برنامه‌های رشد و توسعه مورد توجه می‌باشد. این دو مورد از جمله موضوعاتی است که توجه صاحب‌نظران کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است و با آنکه زنان جامعه بشری ۵۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و ۶۶ درصد ساعات کار (با دستمزد و بدون دستمزد) و ۹۰ درصد امور تولیدی در مزارع متوسط به عهده آنها است، سهم درصد ناچیزی در تصمیم‌گیری‌ها دارند و فقط یک دهم درآمدهای جهانی و کمتر از یک درصد زمین‌های جهان به آنان اختصاص یافته است. افزون بر این عوامل فرهنگی - اجتماعی نیز موافق بیشتری را برای زنان نسبت به مردان ایجاد می‌کند که بازتاب آن در جوامع روستایی و کشورهای در حال توسعه نمود افزون‌تری دارد. نبود منابع آماری دقیق در زمینه شناخت نوع و میزان مشارکت زنان در روستاها، بی‌اهمیت دانستن نقش آنان از سوی برنامه‌ریزان توسعه و نبود مهارت علمی در مطالعه وضعیت این زنان سبب شده تا آنان وابسته مردان به شمار آیند و هرگز از استقلال اجتماعی و اقتصادی برخوردار نباشند. کار زنان روستایی به علت دریافت نکردن مزد، حقیر، پست و نامنظم انگاشته می‌شود و از مسیر طبیعی جریان توسعه باز می‌ماند که این امر می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی نشده بسیار مخرب و منفی را برای کل ساختار جامعه داشته باشد (امینی و احمدی، ۱۳۸۶: ۶۶). طبق گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ سهم زنان از تحصیل درآمد در کشورهای صنعتی ۳۸/۰۲ درصد، در کشورهای کمتر توسعه یافته ۳۴/۲۹ درصد، در کشورهای در حال توسعه اعم از شهری و روستایی ۳۴/۴۲ درصد و برای کل جهان ۳۳/۷۱ درصد است (بانک جهانی، ۱۹۹۸). از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد با تأکید کارشناسان بر توسعه یکپارچه روستایی و به دنبال آن نقش مشارکت روستائیان و بویژه زنان روستایی در روند توسعه، نحوه و دامنه فعالیت زنان در امور روستایی به شکل عام و در فعالیت‌های کشاورزی بطور اخص به گونه‌ای مشهود مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر نیز این برای سازمان‌ها و برنامه‌ریزان امور توسعه از اولویت خاصی برخوردار است چرا که زنان روستایی علاوه بر اینکه نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند

بعنوان نیروی انسانی قابل توجه نقش اساسی در تولید محصولات کشاورزی و غذایی و بطور کلی در فعالیت‌های مختلف رایج در روستاها دارند(روستا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۲).

در برابر مشارکت زنان روستایی در امور مختلف تولیدی موانع و مشکلات فراوانی نیز وجود دارد که مهمترین آنها عوامل فرهنگی - اجتماعی (هویت اجتماعی، آموزش و ترویج و ...)، عوامل فردی (سطح سواد پائین، کمی اطلاعات و آگاهی‌های علمی و ترویجی، سطح درآمد پائین و ...)، عوامل خانوادگی (جایگاه پائین زنان روستایی در خانواده، در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانوار و ...) و عوامل اقتصادی می‌باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده تنها ۵ درصد کلیه خدمات ترویجی کشاورزی سراسر جهان در اختیار زنان قرار می‌گیرد و اغلب مردان هستند که از برنامه‌های ترویجی برخوردار می‌شوند و با فناوری و ابزارهای جدید آشنا و به آنها مسلط می‌گردند. این در حالی است که زنان نقش‌های سنتی و فرصت‌های کسب درآمد را از دست می‌دهند(مدلی، ۲۰۰۲). برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی نظریه‌های متعددی از جمله فقرزدایی، برابری(عدالت)، رفاه و توانمندسازی مطرح شده است. در سال‌های اخیر نظریاتی که درباره مشارکت زنان مطرح شد می‌توان به جنبش سبز، مسائل تبعیض جنسی، دموکراسی و غیره اشاره کرد. رویکردهای اخیر به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم نشأت گرفته از حرکت‌های اجتماعی - سیاسی زنان حاصل جنبش جهانی زنان است. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در کشور ایران نشان داده است که زنان در جوامع روستایی و عشایری در تولید به ویژه در تولید اقتصادی و اجتماعی نقش کلیدی دارند، از این رو سهم انکارناپذیری را نیز در اقتصاد کشاورزی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند(علیمحمدی، ۱۳۸۶: ۳۰).

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از جنبه‌های مختلف قابل طرح است. از جنبه هدف، تحقیق حاضر کاربردی و از نظر نوع تحقیق، توصیفی - همبستگی است. زیرا علاوه بر شناخت و توصیف تأثیر فعالیت اقتصادی زنان روستایی در توسعه پایدار منطقه مورد مطالعه و عوامل مؤثر بر آن، به تحلیل همبستگی روابط بین متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت آنان نیز پرداخته شده است. با استفاده از مقابله داده‌ها، سؤالات تحقیق ارزیابی شده است. گردآوری داده‌ها و اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته که در روش میدانی از تکنیک

پرسشنامه با طرح سؤالات باز و بسته (دو گزینه و چند گزینه) و طیف لیکریت انجام شده است. جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش ۶۳۰۰ نفر از زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی، بخش برزک می‌باشد. در این پژوهش از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده و با فرمول کوکران حجم نمونه تعیین گردیده است با فرض حدود اطمینان $t=1/96$ ، ضریب دقت $d=0/05$ ، نسبت وجود صفت $p=0/7$ ، جامعه آماری $N=6300$ ، حجم نمونه $n=320$. به منظور ارائه تفسیر مناسبی از داده‌ها ابتدا با استفاده از تحلیل‌های توصیفی به بررسی جامعه آماری مورد مطالعه پرداخته شده است. پس از بررسی توصیفی با استفاده از روش استنباطی به تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات بدست آمده برای آزمون فرضیه‌ها مبادرت گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از روش t تک متغیره، ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. متغیرهای تحقیق به دو دسته متغیر مستقل و وابسته تقسیم می‌شوند که در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۱) - متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل
عوامل فردی (سواد، سن)
عوامل خانوادگی (بعد خانوار)
عوامل سازمانی (شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی جهاد کشاورزی)
متغیر وابسته

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های توصیفی و فردی جامعه تحقیق

تحلیل و شناسایی ویژگی‌های توصیفی جامعه تحقیق نشان داد که، از مجموع ۳۲۰ زن روستایی حجم نمونه ۸۷/۸ درصد متأهل و ۱۲/۲ درصد مجردند. میانگین سنی آنها ۴۰/۵۰ می‌باشد که اکثریت در گروه سنی ۴۰-۳۰ قرار دارند. در بین زنان روستایی ۸۱/۹ درصد باسوادند که از بین باسوادان، ۴۱/۴ درصد ابتدایی، ۲۲/۴ درصد سیکل، ۱۸/۱ درصد دیپلم را در بر می‌گیرند و در مجموع ۱۸/۱ درصد زنان بی‌سوادند. بیشترین درصد باسوادان در سطح ابتدایی با ۴۱/۴ درصد و کمترین درصد آن مربوط به دیپلم و بی‌سواد ۱۸/۱ درصد می‌باشد. با توجه به آمار سواد زنان منطقه می‌توان گفت که بیشتر آنها باسوادند ولی کیفیت سطح سواد در بین آنان پائین می‌باشد.

ویژگی‌های خانوادگی جامعه تحقیق

نتایج تحقیق نشان داد که دامنه بعد خانوار بین ۲ تا ۱۱ در نوسان است و میانگین بعد خانوار ۵/۰۶ بوده است، پس می‌توان گفت که خانوار روستایی تقریباً پرجمعیت هستند. یعنی با بالا رفتن سن زنان روستایی و تعداد خانوار آنها فعالیت کشاورزی آنها هم افزایش می‌یابد، در جوامع روستایی فرزندان خانواده‌ها بعنوان نیروی کار رایگان در اقتصاد خانواده مشارکت دارند.

ویژگی‌های سازمانی جامعه تحقیق

از کل زنان نمونه مورد بررسی ۱۶/۹ درصد زنان در کلاس‌های آموزش و ترویج کشاورزی شرکت کرده و ۸۳/۱ درصد شرکت نکرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که با توجه به فعالیت زیاد زنان در بخش کشاورزی مهارت‌ها و دانش آنها در زمینه هر چه بهتر شدن کیفیت کار و مسائل مربوطه بسیار پایین است و نیاز به برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی از سوی سازمان‌های مربوط به بخش کشاورزی می‌باشد تا بتوان با آموزش زنان گامی موثر در بهتر شدن فعالیت کشاورزی آنها برداشت.

نقش زنان روستایی بخش بزرگ در فعالیت‌های مختلف

طبق بررسی‌های میدانی زنان این بخش در زمینه‌های مختلف فعالیت دارند که اکثراً چند فعالیت مانند خانه‌داری و صنایع دستی و باغداری و ... را با هم انجام می‌دهند. به خصوص در فصل بهار و تابستان که پا به پای مردان در امور زراعی و باغی فعالیت چشمگیری دارند. در این منطقه فعالیت باغداری بیشتر از مزرعه‌داری و صنایع دستی می‌باشد. بیشترین فعالیت زنان در بیش از یک مورد با ۵۸/۹ درصد و کمترین درصد، مزرعه‌داری با ۰/۳ درصد بوده است.

جدول (۲) - توزیع زنان کشاورز بر حسب فعالیت‌های مختلف

درصد	فراوانی	انواع فعالیت‌های زنان
۰/۳	۱	مزرعه‌داری
۱۵/۶	۵۰	خانه‌داری
۲۱/۲	۶۸	باغداری
۱/۹	۹	صنایع دستی
۲/۲	۷	سایر
۵۸/۹	۱۸۹	بیش از یک مورد
۱۰۰	۳۲۱	جمع

فعالیت باغداری زنان

سرزمین ایران با برخورداری از اقالیم مختلف از هفت هزار سال پیش تا کنون بستر کاشت انواع محصولات زراعی و باغی بوده است. باغداری در زمره فعالیت‌های کشاورزی محسوب می‌شود که نقش مؤثری در ایجاد درآمد، اشتغالزایی همچنین تولید مواد غذایی، ارزآوری دارد. همچنین در سایه درختان می‌توان بسیاری از محصولات را پرورش داد و وجود درختان باعث تصفیه هوا می‌شود. با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه و وجود خاک مناسب و آب کافی زمینه برای پرورش درختان میوه بسیار مناسب می‌باشد، در نتیجه تعداد باغ‌های میوه بیشتر از کشت زراعی است. زنان روستایی این بخش نیز در زمینه فعالیت باغداری مشارکت زیادی دارند زیرا که کشاورزی یکی از منابع مهم درآمد اقتصاد خانواده در این منطقه می‌باشد. در فعالیت‌های باغداری بیشترین درصد مشارکت آنها در زمینه برداشت محصولات کشاورزی با ۵۷ درصد و کمترین آن در زمینه کاشت، داشت، بازاریابی و فروش محصولات با ۰/۳ درصد می‌باشد.

جدول (۳) - توزیع زنان کشاورز بر حسب فعالیت‌های باغداری

فعالیت باغداری	فراوانی	درصد
کاشت	۱	۰/۳
داشت	۱	۰/۳
برداشت	۱۸۳	۵۷/۰
نگهداری و تبدیل محصول	۸	۲/۵
بازاریابی و فروش محصولات	۱	۰/۳
سایر	۶	۱/۹
بیش از یک مورد	۱۲۱	۳۷/۷
جمع	۳۲۱	۱۰۰

جایگاه و نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی

با توجه به سطح توسعه اقتصادی کشور، زنان نقش مهمی در توسعه کشاورزی و روستایی در بیشتر کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. براساس گزارش F.A.O به کنگره امنیت غذایی، زنان در دهه اخیر بطور متوسط ۵۰ درصد از تولیدات بخش کشاورزی را برعهده داشتند. با وجودی که بنیان‌های اقتصادی روستاهای کشورهای در حال توسعه، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن است، سهم زنان روستایی در کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی پنهان مانده است و به همین دلیل ارزش واقعی مشارکت زنان در تولید اقتصادی نادیده انگاشته شده و در اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی به حساب نمی‌آیند. فعالیت زیاد زنان در بخش کشاورزی ۶۳ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد جایگاه و نقش زنان روستایی در فعالیت کشاورزی بیش از حد متوسط و مشارکت آنها در این بخش زیاد می‌باشد.

جدول (۴) - نتایج آزمون دوجمله‌ای بر حسب میزان فعالیت کشاورزی زنان

فعالیت کشاورزی زنان	تعداد	نسبت	P
فعالیت کم	۱۱۹	۰/۳۷	۰/۰۰۱
فعالیت زیاد	۲۰۲	۰/۶۳	

تحلیل ویژگی‌های فردی زنان کشاورز با فعالیت کشاورزی

خانواده بعنوان یکی از نهادهای اصلی اجتماعی وظایف متعددی در جامعه روستایی دارد. در خانواده روستایی نوعی ادغام یا پیوستگی کامل بین گروه خانواده و سازمان کار و حرفه وجود دارد که باعث نوعی استقلال داخلی در زمینه اقتصادی و خانوادگی می‌باشد. در خانواده کشاورز تمام اعضاء خانوار حتی بچه‌ها مشغول به کارند و نیروی انسانی فعالیت مورد نظر را تأمین می‌کنند. بر اساس نتایج جداول زیر ضریب همبستگی بین فعالیت کشاورزی زنان با سن، درآمد باغداری و بعد خانوار آنان در سطح $p \leq 0/05$ معنی‌دار بوده، بنابراین بین سن، درآمد باغداری و بعد خانوار زنان با فعالیت کشاورزی رابطه مستقیم وجود دارد. در این بخش زنان در سنین بالاتر و خانواده‌های پرجمعیت نسبت به افراد جوان با خانواده‌های کم جمعیت بیشتر در بخش کشاورزی فعالیت دارند. فعالیت کشاورزی بیشتر بخصوص در بخش باغداری باعث بالارفتن درآمد باغداری می‌شود.

جدول (۵) - ضریب همبستگی بین میزان فعالیت کشاورزی با سن، بعد خانوار و درآمد باغداری

بهبود فعالیت اقتصادی خانواده			ویژگیهای فردی زنان
n	p	r	
۲۹۸	۰/۰۰۱	۰/۴۱۳	سن
۲۹۸	۰/۰۰۲	۰/۲۰۹	بعد خانوار
۲۹۸	۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	درآمد باغداری

رابطه بین میزان فعالیت کشاورزی زنان با بهبود اقتصاد خانواده

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های مهم اقتصادی کشور است که تأکید بر زراعت، باغداری، دامداری و... دارد. زنان به ویژه در مناطق روستایی نقش عمده‌ای در تولید محصولات گوناگون زراعی و دامی بر عهده دارند به گونه‌ای که بدون مشارکت آنها نیل به توسعه کشاورزی امری غیرممکن است (امیری، ۱۳۸۴: ۳). آمار نشان می‌دهد که ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان توسط زنان تولید می‌شود در حالی که فقط ۰/۱ درآمد جهانی را دریافت می‌کنند و کمتر از ۱ درصد از زمین‌های جهان به زنان تعلق دارد (حجازی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۷). کشاورزی از دیرباز در روستاهای بخش بزرگ نقش مهمی در اقتصاد روستا داشته است و امرار و معاش بسیاری از

روستائیان به آن وابسته می‌باشد. تلاش زنان منطقه را در عرصه فعالیت‌های کشاورزی نباید نادیده گرفت. چه بسا آنها پایه پای مردان در مزرعه و باغ‌ها فعالیت می‌کنند و همین مشارکت آنها عامل اساسی در بهبود وضعیت اقتصاد خانواده می‌باشد. ضریب همبستگی بین فعالیت کشاورزی زنان با بهبود اقتصادی خانواده در سطح $p \leq 0/05$ معنی‌دار بوده، بنابراین بین فعالیت کشاورزی با بهبود اقتصاد خانواده رابطه وجود دارد و فعالیت کشاورزی زنان روستایی در بهبود وضعیت اقتصاد خانواده مؤثر است. در واقع زنان روستایی بخش بزرگ سهم زیادی در اقتصاد روستا و بخصوص اقتصاد خانواده دارند و نقش مهمی در بهبود آن ایفا می‌کنند.

رابطه بین سن، بعد خانوار و میزان تحصیلات با بهبود وضعیت اقتصاد خانواده

خانواده بعنوان یکی از نهادهای اصلی اجتماعی وظایف متعددی در جامعه روستایی دارد. در خانواده روستایی نوعی ادغام یا پیوستگی کامل بین گروه خانواده و سازمان کار و حرفه وجود دارد که باعث نوعی استقلال داخلی در زمینه اقتصادی و خانوادگی می‌باشد. در خانواده کشاورز تمام اعضاء خانوار حتی بچه‌ها مشغول بکارند و نیروی انسانی فعالیت مورد نظر را تأمین می‌کنند. بر اساس نتایج بدست آمده در پژوهش ضریب همبستگی بین سن، بعد خانوار و سطح تحصیلات زنان با نقش فعالیت‌های کشاورزی در بهبود اقتصاد خانواده در سطح $p \leq 0/05$ معنی‌دار بوده، بنابراین بین ویژگی‌های فردی زنان با بهبود اقتصاد خانواده رابطه وجود دارد یعنی با افزایش این ویژگی‌ها وضعیت اقتصاد خانواده نیز بهتر می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و از تولیدکنندگان عمده غذا و درآمد برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند، که تولید بخش مهمی از محصولات کشاورزی را در جهان بعهدہ دارند. زنان روستایی تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای جهان را بعهدہ دارند و میانگین مشارکت زنان روستایی ایران در این بخش حدود ۴۰ درصد برآورد شده است. طبق یافته‌های این پژوهش مشخص گردید که جایگاه و نقش زنان روستایی منطقه مورد مطالعه بیش از حد متوسط می‌باشد و آنها نقش مؤثری در فعالیت‌های کشاورزی بویژه باغداری دارند. بنابراین می‌توان گفت که فعالیت‌های آنها در بخش کشاورزی می‌تواند در اقتصاد روستا مؤثر باشد.

در زمینه باغداری زنان بیشتر در برداشت محصول (۵۷ درصد) شرکت دارند ولی تعداد کمی از زنان هستند که دستمزد دریافت می‌کنند و بیشتر آنها بدون دستمزد کار می‌کنند. عواملی که در میزان مشارکت زنان در فعالیت کشاورزی است شامل ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات)، ویژگی‌های خانوادگی (بعد خانواده، درآمد)، ویژگی سازمانی (شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی) می‌شود. می‌توان گفت بین ضریب همبستگی سن، درآمد، باغداری و بعد خانوار رابطه معنی‌داری با میزان فعالیت کشاورزی دارد. چون زنان نیمی از جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند و حضور فعالی در زمینه‌های مختلف دارند؛ بخصوص بخش کشاورزی و توسعه یکپارچه منطقه بستگی به در نظر گرفتن تمامی عوامل و نیروهای انسانی دارد، لذا نمی‌توان نقش فعال زنان را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفت. همچنین از دیگر عوامل در زمینه افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی زنان حمایت سازمان‌های دولتی از فعالیت‌های آنان می‌باشد که منجر به تأثیر فعالیت زنان در توسعه می‌باشد. بطور کلی می‌توان گفت بین افزایش کارایی و ساماندهی فعالیت اقتصادی زنان روستایی و تأثیر آن در توسعه پایدار منطقه رابطه مستقیم وجود دارد و باعث ایجاد توسعه می‌شود.

پیشنهاداتی که می‌توان برای هرچه بهتر شدن وضع اقتصاد منطقه مورد مطالعه، بهبود وضعیت کشاورزی منطقه و همچنین شناخت نقش زنان که سهم قابل توجهی در نیروی کار کشاورزی دارند، ارائه داد عبارتند از: بالا بردن سطح مهارت‌های تولیدی زنان، چگونگی استفاده بهینه از منابع، آموزش‌های تخصصی به منظور بهبود بهره‌وری، روش مبارزه با آفات که نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های زنان روستایی خواهد داشت. افزایش دسترسی زنان روستایی به اعتبارات، که با ارائه اعتبارات و وام‌ها به زنان روستایی بخصوص زنان سرپرست خانوار وضعیت مناسبی برای دستیابی آنان به اعتبارات بوجود می‌آید و باعث ایجاد اشتغال در منطقه و بطور محسوسی وضعیت معیشت خانواده را بهبود می‌بخشد و در توسعه کشاورزی مؤثر می‌شوند. ایجاد پوشش تأمین اجتماعی و حمایت‌های قانونی از نیروی کار زنان روستایی خصوصاً زنان سرپرست خانوار، با توجه به اینکه زنان منطقه مذکور مشارکت زیادی در فعالیت کشاورزی دارند و زمان زیادی را صرف این کار می‌کنند ولی هیچ‌گونه حمایتی از طرف سازمان‌های دولتی نمی‌شوند. اندیشیدن راهی برای ارائه خدمات درمانی و سایر خدمات اجتماعی باعث بهبود وضعیت زنان منطقه و افزایش ایمنی آنان در برابر آسیب‌های ناشی از کار

می‌شود. آموزش زنان روستایی و بالا بردن سطح سواد آنها مهم است که در این زمینه دولت یا سازمان‌های مربوطه باید محتوای کتب درسی را متناسب با نیاز زنان روستایی تهیه کنند و در اختیار آنها قرار بدهند. امید است که در آینده نزدیک با حمایت‌های هر چه بیشتر دولت وضع زندگی کشاورزان و خصوصاً زنان کشاورز به بهبودی کامل برسد.

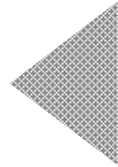
منابع

- امینی، مظفر و محمدعلی احمدی شاپور آبادی (۱۳۸۸)، خوداتکایی اقتصاد زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان)، **فصلنامه پژوهش زنان**، شماره ۴، صفحات ۲۹-۷.
- امینی، مظفر و محمدعلی احمدی شاپور آبادی (۱۳۸۶)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار و میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خود اتکایی اقتصادی آنها، **فصلنامه مطالعات زنان**، شماره ۱، صفحات ۹۱-۶۵.
- امیری، آزاده (۱۳۸۴)، **نقش و جایگاه زنان روستایی در توسعه کشاورزی (موردی شهرستان پلدختر)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان.
- بوذرجمهری، خدیجه، حمید شایان و فخری صادقی (۱۳۸۹)، «تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)»، **مطالعات جغرافیایی مناطق خشک**، شماره اول، ۸۶-۶۹.
- چهارسوقی امین، حامد و سیدمهدی میردامادی (۱۳۸۷)، «شناخت و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کشاورزی پایدار در بین زنان کشاورز شهرستان بندر انزلی با تأکید بر دانش بومی برنجکاری در منطقه»، **فصلنامه دانش کشاورزی ایران**، شماره ۱، ۸۳-۶۱.
- حجازی، یوسف، مهدیه میرترابی و سیدمحمود حسینی (۱۳۹۰)، «مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی (مطالعه موردی: بخش آسارا شهرستان کرج)»، **تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران**، دوره ۴۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۲۸-۱۱۷.
- روستا، کوروش، الهام تاجریری و اسداله زمانی‌پور (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌های تولید»، **مجله تعاون**، سال ۲۱، شماره ۲، صفحات ۱۰۹-۹۱.
- شاهرودی، علی اصغر (۱۳۸۵)، تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی، **ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد**، ش ۱۶۹.

- نوری، هدایت الله و نرگس علیمحمدی (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی؛ مطالعه موردی: منطقه برا آن شهرستان اصفهان»، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۰، شماره ۲، صفحات ۱۰۴-۸۷.

- Medeley, J.(2002), *Food for all the Need for a New Agriculture*, Global Knowledge, vol 2.
- Olawoy, J.E.(1985), *Rural Women Role in Agriculture Production: An Occupational Survey of Women*.
- World Bank(1989), *The Role of Women in Economic Development*, A world bank country study. Washington, DC: World Bank.
- Theodosia, A.(2010), Rural Women in Local Agri-food Production: Between Entrepreneurial Initiatives and Family Strategies, A Case study in Greece, *Journal of Rural Studies* 26: 394-403.

تأثیر ارزش افزوده بخش صنعت بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران



پروانه سلاطین^۱

سمانه محمدی^۲

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۸/۱۵)

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری ارزش افزوده بخش صنعت بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در ایران می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش حداقل مربعات معمولی در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۳ نشان می‌دهد ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در ایران دارد.

واژگان کلیدی: ارزش افزوده صنعت، توزیع درآمد، حداقل مربعات معمولی.

۱- مقدمه

رشد اقتصادی، به معنای گسترش امکانات و ظرفیت‌های اقتصاد در یک افق زمانی است و توزیع درآمد به نحوه توزیع این امکانات میان افراد جامعه می‌پردازد. پس از سال‌ها تأکید بر رشد اقتصادی، ادبیات مدرن اقتصادی بر فقرزدایی تأکید فراوان دارد. بررسی اقتصادی، اجتماعی فقر

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه، گروه اقتصاد، فیروزکوه، (نویسنده مسئول)، p_salatin@iaufb.ac.ir

۲- کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه، samanehmohammadi1392@gmail.com

و محرومیت از مسائل پیچیده‌ای است که در شناخت و درک آن باید الزاماً به عوامل و متغیرهای متعددی توجه کرد. با این همه، در مطالعات کلان اقتصادی و در اولین برخورد می‌توان مسأله فقر و محرومیت را از یک طرف به مقدار تولید سرانه و از طرف دیگر به درجه عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد مرتبط کرد. چنری^۱ و همکاران همبستگی زیادی میان تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش صنایع کارخانه‌ای را به اثبات رسانده‌اند. آنها صنایع کارخانه‌ای را موتور رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند. در صنایع کارخانه‌ای بازده صعودی است. این نکته، تمایز اصلی و بسیار مهم بخش صنایع کارخانه‌ای با دیگر بخش‌های اقتصادی است (بندی پادهای^۲، ۱۹۸۰). موضوع بازده صعودی در صنعت با سابقه‌ای طولانی در تحلیل‌های اقتصادی مورد توجه اقتصاددان انگلیسی، کالدور^۳ قرار گرفت. وی در مطالعات خود وجود همبستگی آماری بین رشد تولید ناخالص داخلی و رشد صنعت در کشورهای مختلف را اثبات کرد (بوتیستا^۴، ۲۰۰۳).

در این راستا رابطه میان توزیع درآمد و رشد اقتصادی از موضوعات مهمی است که از دیرباز مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی بوده است و راجع به آن نظریه‌های گوناگون ابراز شده است. در اقتصاد ایران به دست آوردن ارتباط متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد به دلیل اهمیتی که مبحث عدالت اجتماعی در مبانی ارزشی دارد و نیز حساسیت‌های اجتماعی که در این زمینه وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با توجه به اهمیت روز افزون بخش صنعت در ایجاد توسعه و رشد اقتصادی و نقش مهم آن در اشتغال‌زایی و توزیع درآمد بررسی وضعیت این بخش اهمیت دارد (تاری و عربی، ۱۳۸۵).

در طرح ساماندهی و برنامه‌های توسعه سال‌های پس از انقلاب اسلامی توزیع درآمد همراه با رشد اقتصادی مورد توجه خاصی قرار گرفته است، به طوری که در طرح ساماندهی آمده است «برنامه‌های توسعه علاوه بر تأمین و گسترش عدالت اجتماعی باید رشد تولید را به همراه آورند» و در راستای ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی در ماده ۱۵۲ لایحه برنامه چهارم آمده است «دولت مکلف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و

۱-Chenry

۲- Bandyopadhyay

۳- Kaldor

۴- Bautista

اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌ای پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را تهیه و به اجرا گذارد. بدین ترتیب بسیار ضروری است تا شیوه‌های تخصیص منابع که منجر به کاهش نابرابری درآمدها می‌شود، شناسایی شوند. در ضمن الگوهای رشد، تغییر در توزیع درآمد و فرصت‌ها و کاهش فقر، بازتاب مجموعه‌های از تعامل سیاست‌ها، نهادها، تاریخ و جغرافیای کشورها است. بدون تردید درک عوامل مؤثر در رشد نابرابر و ساز و کارهای اختصاص منافع رشد به افراد فقیر برای تنظیم راهبردهای کاهش فقر، اساسی است. در این راستا، این مقاله در قالب داده‌های سری زمانی به بررسی میزان تأثیرگذاری ارزش افزوده بخش صنعت بر توزیع درآمد و آزمون فرضیه زیر پرداخته است:

- ارزش افزوده بخش صنعت تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در ایران دارد.

ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این مقاله آمار موجود در درگاه اینترنتی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۳ می‌باشد. در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد گردیده است و در نهایت نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

۲- مبانی نظری

صنعت یکی از بخش‌های مهم و اساسی اقتصاد و بسترساز اصلی رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری است که بدون آن هیچ‌گاه توسعه پایدار رخ نخواهد داد. دروازه‌های اقتصادی هر کشوری زمانی آغوش خود را بر توسعه پایدار باز خواهد کرد که بسترسازی‌های صنعتی مناسبی صورت گرفته و سرمایه‌گذاری‌های در خور توجهی روی آن صورت گیرد، زیرا رشد و توسعه صنعتی است که زمینه و امکان رشد و توسعه اقتصادی سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم می‌کند (سلاطین و مرادی، ۱۳۹۱). صنعت برای خود و دیگر بخش‌های اقتصادی ابزار، ماشین‌آلات، مواد و سایر نهاده‌های اقتصادی را تولید می‌کند که بدون آنها بهره‌وری تولید بسیار پایین خواهد بود.

نقش کلیدی صنعت در افزایش توان مادی انسان و قابلیت آن در افزایش توان تولید و بهره‌وری سایر بخش‌ها موجب شده که رشد و توسعه صنعتی، محور توسعه اقتصادی قرار گیرد. صنعت در زمینه نوآوری‌های فنی و تحقیق و توسعه برای نیل به توسعه اقتصادی هر کشور نقش و جایگاهی ویژه دارد.

عمده‌ترین دلایلی که بخش صنعت را به یک عنصر کلیدی برای دستیابی به توسعه اقتصادی تبدیل می‌کند، عبارتند از:

▪ صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس: وجود صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در بخش صنعت سبب می‌شود هزینه‌ها در مقیاس وسیعی از تولید کاهش یابند. در حالی که این امر در مورد بسیاری از محصولات کشاورزی یا خدمات صدق نمی‌کند.

▪ صرفه‌جویی‌های خارجی: دومین دلیل برای این پندار که صنعت برای توسعه اقتصادی اهمیت بیشتری دارد، این است که صرفه‌جویی‌های خارجی در آن مهمتر از سایر بخش‌هاست. صرفه‌جویی‌های خارجی در بخش صنعت باعث به وجود آمدن منافع برای سایر بخش‌ها می‌شود. همچنین صرفه‌جویی‌هایی که بخش‌های مختلف صنعت برای یکدیگر ایجاد می‌کنند، قابل توجه می‌باشد.

▪ زنجیره‌های ارتباطی: صنایع کارخانه‌ای بیش از سایر بخش‌های اقتصاد به خصوص بخش کشاورزی، زنجیره‌های پسین و پیشین ایجاد می‌کنند.

زنجیره‌های ارتباطی پیشین به دلیل تقاضا برای نهاده‌ها جهت عرضه به صنعت کارخانه‌ای مورد نظر به وجود می‌آیند و زنجیره‌های ارتباطی پسین نیز در مسیر حرکت فعالیت تولیدی اولیه به طرف جلو پدید می‌آیند. هیرشمن در بین بخش‌های اقتصادی، بخش صنایع را به دلیل داشتن بیشترین ارتباط پسین و پیشین به کشاورزی ترجیح می‌دهد. وی می‌گوید: «صنعت نه تنها از کارایی بیشتری برخوردار است؛ بلکه ارتباط عمودی آن نیز دارای اثرهای بیشتری است و سرمایه‌گذاری القایی زیادتری ایجاد می‌کند. در حالی که بخش کشاورزی فاقد اثرهای ارتباط پسین با سایر بخش‌هاست و ارتباط پیشین آن نیز بسیار محدود است.»

▪ بهره‌وری: صنعت در مقایسه با سایر بخش‌ها میدان عمل وسیع‌تری برای افزایش بهره‌وری دارد. به دلیل امکان افزایش دانش کسب شده و بهبود تکنولوژی، هر چه محصولات صنعتی سریع‌تر افزایش پیدا کند، نرخ رشد بهره‌وری بیشتر خواهد شد. علاوه بر این از آن جا که صنعت برای

بخش‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات فراهم می‌کند، افزایش بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای می‌تواند هزینه‌ها را در سایر بخش‌های اقتصاد کاهش دهد.

■ افزایش سطح زندگی: به دلیل تغییر نیازهای انسان‌ها و جوامع انسانی و توانایی بخش صنعت برای برآورده ساختن نیازهای جدید، اهمیت بخش صنعت افزون‌تر می‌شود. لذا بخش صنعت قادر است با رفع این نیازها، سطح زندگی افراد را ارتقا دهد.

بخش صنعت یکی از زیرساخت‌های اصلی و یکی از بخش‌هایی است که علاوه بر اثر مستقیم آن بر رشد اقتصادی در رشد سایر بخش‌های اقتصادی نیز نقش بسزایی دارد. در یک جریان عمودی، رشد اقتصادی حاصل از بخش صنعت به تدریج از طریق یک فرآیند طبیعی از سوی اغنیا به فقرا سرریز می‌شود، به این معنا که منافع حاصل از رشد، ابتدا به ثروتمندان و اغنیا می‌رسد و آنگاه در مرحله بعدی، هنگامی که آنها این منافع را هزینه کنند، فقرا در یک جریان عمودی از کانال اغنیا از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند، به این ترتیب رشد اقتصادی به خودی خود از طریق به کارگیری عوامل بازار، نابرابری‌های درآمد را برطرف می‌سازد (محمودی، ۱۳۷۶).

در این راستا رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد از دیرباز مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی بوده است. همواره این دغدغه وجود داشته که آیا برای تسریع در رشد اقتصادی باید سطحی از نابرابری را پذیرفت و آیا برای بهبود در توزیع درآمد باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ از این لحاظ تبیین ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های اساسی و بنیادین برنامه‌ریزان اقتصادی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه باشد.

زیرا کشورهای مزبور، همواره از سطح پایین درآمد سرانه و نیز گستردگی شکاف‌های درآمدی در رنج بوده‌اند. شاید بتوان گفت، ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد، وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، به بزرگترین هدف و دشوارترین وظیفه سیاستگذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می‌شود. شایان ذکر است که نظریه‌های کلاسیک در این خصوص (نابرابری درآمد، انگیزه لازم را برای انباشت سرمایه و رشد اقتصادی فراهم می‌کند) برای سال‌های طولانی در عرصه اقتصادی مسلط بوده و به عنوان یک واقعیت مسلم در

برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تلقی می‌گردید (سایت-پال و وردیر^۱، ۱۹۹۶).

در سیاست‌های اقتصادی کارآمد میان توسعه واقعی و عدالت اجتماعی تضادی وجود ندارد و برنامه‌های توسعه باید افزون به تأمین و گسترش عدالت اجتماعی، رشد تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی را به همراه داشته باشند تا با ارتقای سطح زندگی، جلوه‌های خشن فقر را از زندگی مردم بزدایند (چو و تالماین^۲، ۱۹۹۶). با این همه، چنانچه تضادی میان این دو مقوله پدید آید، استقرار عدالت اجتماعی تقدم و اولویت خواهد داشت و دولت مسائل اقتصادی مربوط را به نفع عدالت اجتماعی حل خواهد کرد. بدیهی است که اگر رفاه جامعه افزایش یابد و فقر از میان برود و یا دست کم از شدت آن کاسته شود، نخست باید اقتصاد رشد کند. این موضوع به این معنی نیست که رشد اقتصادی سبب بهبود وضع همه افراد جامعه می‌شود. واقعیت نشان می‌دهد که در شرایط رشد اقتصادی، تعداد فقرا بیشتر نیز شده است. مقالات متعددی اثر مساعد صنعتی شدن را بر شاخص‌های توسعه انسانی، به خصوص توزیع درآمد نشان می‌دهد. پیشینه تحقیقات پیچیده و پر دامنه رشد و نیز تجارب گسترده در این زمینه، حکایت از آن دارد که حصول و موفقیت رشد بلندمدت اقتصادی، بستگی به لحاظ کردن عوامل تأثیرگذار از جمله مسأله توزیع درآمد، در برنامه‌های رشد اقتصادی دارد. مشاهدات آماری سال‌های اخیر، نمونه زیادی از کشورهای در حال توسعه را نمایان می‌سازد که رشد اقتصادی همراه با بهبود توزیع درآمد را تجربه کرده‌اند. این امر عمدتاً به واسطه سهولت جابه‌جایی سرمایه در مقیاس جهانی، برخورداری از ذخایر خدادادی و نیز سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی امکان‌پذیر شده است (چو و تالماین^۳، ۱۹۹۶).

رشد اقتصادی، به معنای توسعه و گسترش امکانات و ظرفیت‌های اقتصاد در یک افق زمانی است و توزیع درآمد به نحوه توزیع این امکانات بین افراد جامعه نظر دارد (عظیمی، ۱۳۷۱).

ادبیات موضوع رشد و توزیع درآمد در جهان، مشتمل بر ادبیات قدیم رشد و توزیع است که تأثیر رشد اقتصادی را بر توزیع درآمد بررسی می‌کند. اولین محقق در این زمینه که پایه‌گذار

۱- Saint – Paul and Verdier

۲-Chou and Talmain

۳-Chou and Talmain

ادیات رشد و توزیع درآمد نیز می‌باشد کوزنتس^۱ است. همچنین، کراویس^۲، اوشیما^۳، پاکرت^۴، اهلوالیا^۵، پاپانکوکین^۶، رام^۷، آناندو کانبور^۸، اثر رشد اقتصادی را بر توزیع درآمد مطالعه کرده‌اند.

در مکاتب اقتصادی در مورد توزیع درآمد و عوامل مؤثر بر آن نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است. مکاتب کلاسیک تشدید نابرابری در توزیع درآمد را یکی از آثار اولیه رشد سریع اقتصادی می‌دانند. به عقیده آنان گروه‌های پردرآمد از طریق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، زمینه را برای بهبود رشد اقتصادی فراهم می‌کنند و درآمد گروه‌های کم درآمد جامعه، صرف مخارج مصرفی زندگی روزمره‌شان می‌شود و درآمدی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری باقی نمی‌ماند که منجر به رشد اقتصادی شود. سایر مکاتب اقتصادی، رشد اقتصادی را رشد فقرزدا^۹ می‌دانند نه فقرزا^{۱۰} و رشد اقتصادی را به سه دسته فقرزدا، فقرزا و سرریز^{۱۱} شده تقسیم‌بندی می‌کنند (ابونوری، ۱۳۸۶).

در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حداکثر کردن رشد اقتصادی، محور سیاست‌های توسعه بود. انتظار می‌رفت که فقرا از اثر نفوذ به پایین منافع حاصل از رشد سریع اقتصادی بهره‌مند شوند. ولی در اواخر دهه ۱۹۶۰ مشخص شد که منافع رشد سریع اقتصادی نه تنها بسیار دیر به فقرا می‌رسد، بلکه گروه‌های بسیاری از رشد هیچ منفعتی نمی‌برند (مهرگان، ۱۳۷۹). تجربه هم نشان داده که در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ همگام با صنعتی شدن کشورها که انتظار بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری می‌رفت،

۱-Kuznets

۲-Kravis

۳-Oshima

۴-Paukert

۵- Ahluwalia

۶-Papanek & Kign

۷-Ram

۸-Anand & Kanbur

۹-Pro-poor Growth

۱۰- Immiserizing Growth

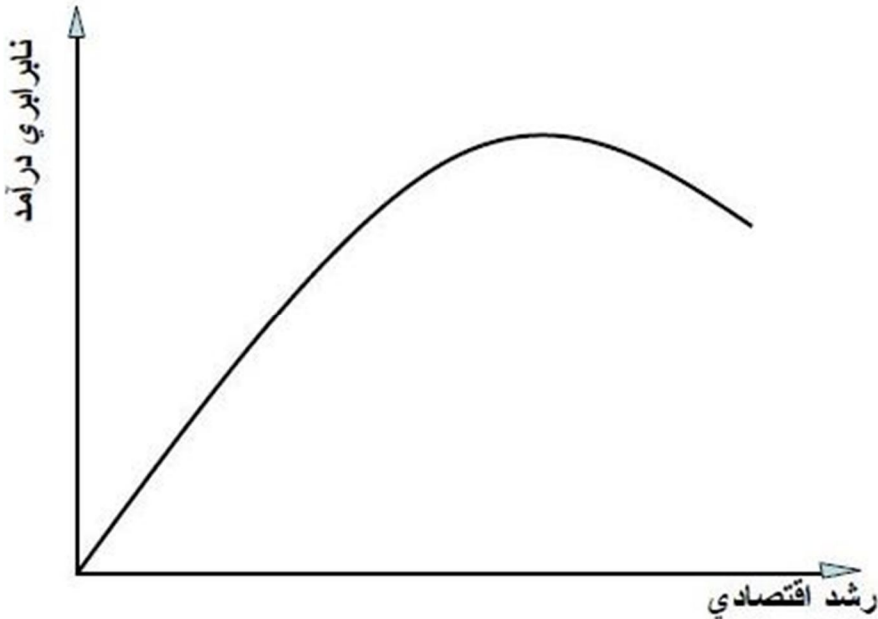
۱۱-Tricke-down Growth

علیرغم این انتظار، کشورهایی که به رشد اقتصادی قابل توجهی از صنعتی شدن نائل شده بودند، به تشدید نابرابری در توزیع درآمد نیز گرفتار آمدند.

تشدید نابرابری در توزیع درآمد در اثر صنعتی شدن و رشد اقتصادی حاصل از صنعتی شدن، منجر به تقویت نظریه مکتب کلاسیک‌ها در دهه ۱۹۵۰ شد. ولی در دهه‌های بعدی، از این نظریات، انتقادهای جدی به عمل آمد. مهمترین انتقادی که صورت گرفت توسط کوزنتس^۱ بود. وی در سال ۱۹۵۵ مطالعه‌ای در مورد رشد اقتصادی و توزیع درآمد انجام داد. کوزنتس در مطالعه‌اش، توزیع درآمد را در یک برش مقطعی از کشورهایی با سطوح مختلف توسعه‌یافتگی بررسی کرد و به این نتیجه رسید که نابرابری درآمد طی اولین مراحل رشد رو به افزایش می‌گذارد و سپس هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل بعدی کاهش می‌یابد (کوزنتس، ۱۹۹۵).

کوزنتس با استفاده از داده‌های اداره آمار ایالات متحده، به تخمین سهم هریک از ۱۰ گروه درآمدی (۱۰ درصد بالای درآمدی، ۱۰ درصد بعدی، ۱۰ درصد سوم و...) از کل درآمد بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۴۸ پرداخت. وی دریافت که در سال‌های جنگ جهانی اول، یک و پنج درصد جمعیت بالای درآمدی در ایالات متحده، به ترتیب ۱۵ و ۲۵ درصد کل درآمد این کشور را دریافت نموده‌اند. کوزنتس همچنین دریافت که در سال‌های جنگ جهانی دوم و پس از آن، نابرابری درآمدی در ایالات متحده کاهش یافته به نحوی که یک و پنج درصد جمعیت بالای درآمدی، به ترتیب ۸/۵ و ۱۸ درصد کل درآمد این کشور را دریافت کرده‌اند. کوزنتس با بررسی داده‌هایی با افق بلندمدت‌تر و نیز داده‌های سایر کشورها نتیجه گرفت که برابری درآمدی از یک الگوی U شکل پیروی می‌کند؛ برابری درآمدی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی کاهش می‌یابد و وضع فقرا را نسبتاً بدتر می‌کند، اما در مراحل پایانی توسعه، برابری درآمدی افزایش یافته و در نتیجه، گروه‌های کم‌درآمد منتفع می‌شوند (مهرگان و دیگران، ۱۳۸۷).

شکل ۱: منحنی U معکوس فرضیه کوزنتس



چنین تغییرات توزیع درآمد در مقابل رشد اقتصادی به «منحنی U- وارون» کوزنتس^۱ شهرت یافت. کوزنتس توسعه اقتصادی را یک فرآیند گذار از اقتصاد سنتی (روستایی) به اقتصاد نوین (شهری) بیان می‌کند. این فرآیند گذار اقتصادی توأم با رشد اقتصادی است. ولی در طی مراحل اولیه این گذار اقتصادی، رشد اقتصادی چندانی مشاهده نخواهد شد و گروه‌های پایین درآمدی از رشد بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه حتی ممکن است از آن متضرر نیز گردند و توزیع درآمد در جامعه نامتعادل‌تر شود، ولی در طی مراحل بعدی فرآیند گذار، از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند و توزیع درآمد متعادل‌تر می‌گردد.

کالدور نیز تقریباً همزمان (۱۹۵۶، ۱۹۵۷) با کوزنتس به صورت‌بندی مدل رشد اقتصادی و توزیع درآمد پرداخته که به مدل کمبریج شهرت یافته است. وی به گسترش مدل رشد هارود دومار

۱ -Kuznets's "U-Inverted" Curve

پرداخته و رابطه بین رشد و توزیع درآمد را به صورت تابع درآمدی مشخص کرده است. با این فرض که اقتصاد در اشتغال کامل می‌باشد و نرخ پس‌انداز درآمد ناشی از سود از درآمد، ناشی از دستمزد بزرگ‌تر است، رابطه مستقیم بین سهم سود در درآمد و نرخ سرمایه‌گذاری وجود دارد. هرچه توزیع درآمد به نفع صاحبان سرمایه تغییر کند، میزان بیشتری از درآمد به سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یابد و به تبع آن رشد اقتصادی سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد (نیلی، ۱۳۷۸). وجود نظریات کلاسیک‌ها، کوزنتس و کالدور در مورد رشد و توزیع درآمد و تفکر غالب اقتصاددانان بر وجود ارتباط میان رشد و توزیع درآمد، سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه را به چالش فراخواند. بانک جهانی در پی برطرف کردن چالش‌های فکری کشورهای در حال توسعه، تیم تحقیقاتی به سرپرستی هولیس چنری برای بررسی این موضوع اختصاص داد. وی معتقد است که رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد نسبت به سیاست‌گذاری حساس است. سیاست‌گذاری تغییرات قابل توجهی در توزیع درآمد از خود بر جای می‌گذارد. همچنین وی معتقد است که پیگیری و دستیابی به رشد اقتصادی به معنای دستیابی به هرنوع رشدی نیست. برخی از راهبردهای رشد اقتصادی منجر به بهبود چشمگیری در وضعیت گروه‌های کم درآمد جامعه می‌شود و در مقابل آن برخی از راهبردهای رشد، منجر به بهبود وضعیت گروه‌های بالای درآمدی می‌شود.

۳- مروری بر مطالعات گذشته

رضایی، حصار و صالحی‌نژاد (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد» به تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد در گروه کشورهای منتخب MENA با بهره‌گیری از داده‌های پانل و روش تخمین گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فساد، رشد جمعیت و درآمد سرانه و تحصیلات تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمدی داشته است و توزیع درآمد بیش از هر متغیر دیگری از رشد جمعیت و عامل فساد متأثر است. خداپرست و داوودی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «هزینه‌های دولت و کاهش فقر و نابرابری»، به بررسی اثرات انواع مخارج دولت بر کاهش فقر و نابرابری در ایران در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد ارتقا سطح بهداشت و آموزش و هزینه‌های اجتماعی

دولت به عادلانه شدن توزیع درآمد یاری می‌رساند و با جهت‌گیری هزینه‌های دولت به سمت ارتقا شاخص‌های اجتماعی در ایران می‌توان به توزیع برابر درآمد و کاهش فقر یاری رساند و پس از این مراحل توسعه زیرساخت‌ها اقتصادی می‌تواند در مراحل بعدی لحاظ گردد.

مهرگان و دهقان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تخمین اثر رشد اقتصادی بخش حمل و نقل بر توزیع درآمد در ایران»، در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۴۸ دریافتند که رشد اقتصادی حاصل از بخش حمل و نقل، رشد اقتصادی توأم با کاهش نابرابری درآمد را به ارمغان می‌آورد. علاوه بر آن، با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در بخش حمل و نقل منطقه، شبکه حمل و نقل ایران از پتانسیل‌های بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند توزیع درآمد در بین اقشار شهری و روستایی را متعادل‌تر کند و از شکاف درآمدی خانوار شهری و روستایی بکاهد.

قنبری (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران» به بررسی رابطه میان توسعه مالی و نابرابری در ایران پرداخت. بدین منظور با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته و با استفاده از آزمون تئوری‌های موجود در این زمینه، رابطه میان توسعه مالی و نابرابری در ایران را در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۰ مورد بررسی قرار داد. نتایج تجربی حاصل از این مطالعه رابطه منفی میان توسعه مالی و نابرابری درآمدی را در ایران تأیید می‌کند.

مهرگان و دیگران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران» با استناد به اطلاعات و آمار موجود، بر اساس برآورد مدل‌های رگرسیونی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را بررسی نمود. نتایج در دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۴۷ نشان می‌دهد که «هرچه سهم بخش کشاورزی در تولید ملی بیشتر باشد از شدت نابرابری درآمدها در کشور کاسته می‌شود». همچنین ترکیب و سهم بخش‌ها در رشد اقتصادی، بر چگونگی توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد. هرچه سهم بخش کشاورزی افزایش یابد، توزیع اقتصادی متعادل‌تر می‌شود.

صادقی و مسائلی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد با روند فقر در ایران» با استفاده از منطق فازی در دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۶۸ نشان دادند روند فقر در ایران نزولی بوده و بیشترین و کمترین میزان شاخص فقر در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۲ رخ داده است و در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۷۲ نیز به ترتیب دارای ماکزیمم و مینیمم نسبی می‌باشد.

عمادزاده و بکتاش (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «اثر آموزش بر ارزش افزوده بخش صنعت» با بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی ۸۰-۱۳۴۵ و مدل کاب داگلاس، به این نتایج دست یافتند که

یک درصد افزایش در سرمایه فیزیکی و نیروی کار متخصص و غیر متخصص به ترتیب به ۲۹/۳۴، ۰/۰ و ۰/۱۱ درصد افزایش در ارزش افزوده بخش صنعت منجر می‌شود. بنابراین آموزش بر ارزش افزوده بخش صنعت تأثیر مثبت دارد و تولید ناخالص داخلی نسبت به نیروی شاغل متخصص از خود واکنش بیشتری در مقایسه با سایر عوامل تولید نشان می‌دهد. همچنین آموزش نیروی کار، تولید بخش صنعت را افزایش می‌دهد و با افزایش سرمایه انسانی تولید داخلی افزایش خواهد یافت. این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بخش صنعت از یک سو رشد تولید صنعتی و از سوی دیگر به رشد اقتصادی دامن می‌زند.

واهیبا و وریمی^۱ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمد» به بررسی ارتباط میان رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در کشور تونس در دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۸۴ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد عوامل تشدید کننده نابرابری درآمدی در تونس بوده است. همچنین نابرابری درآمدی یک اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. این نتیجه را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که این کشور دارای یک سطح "غیر قابل تحمل" نابرابری است.

سلیمی و دیگران^۲ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مثلث آزادسازی تجاری، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد» با استفاده از مشاهدات ۳۰ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۰ دریافتند که آزادسازی بیشتر تجارت همراه با رشد اقتصادی بالاتر می‌تواند توزیع نابرابر درآمد در جامعه را کاهش دهد.

ژکلی و سامانو^۳ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "آیا آزاد بودن تجارت بر روی توزیع درآمد در آمریکای لاتین اثر می‌گذارد؟" یک دورنمای میان مدت برای تحلیل روابط نابرابری-آزاد بودن تجارت در آمریکای لاتین را با ارائه مدارک تجربی در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰ ارائه می‌کند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده تعامل میان آزاد بودن تجارت و توزیع درآمد در طول دوره ۳۰ ساله است. نتیجه اصلی در این باره آن است که آزادی بیشتر تجارت در تعامل با افزایش‌های معاصر در بی‌عدالتی منطقه است. همچنین آزاد بودن تجارت همراه با سایر عوامل در افزایش

۱ - Wahiba & Weriemmi

۲-Szekely & Samano

نابرابری در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نقش داشته است و آزاد بودن تجارت یک مانع برای بهبود در توزیع درآمد نیست، بلکه به وسیله سایر عوامل نظیر سطوح بالاتر تحصیلات در بین جامعه ایجاد شده است.

آنگ^۱ (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "بخش مالی و نابرابری توزیع درآمد" رابطه میان توسعه مالی و توزیع درآمد را در کشور هند در دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۵۱ بررسی نمود. نتایج حاصل از مطالعه وی نشان می‌دهد که توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد داشته است. حکومت‌ها با استفاده از سیاست‌های مالی برای تثبیت اقتصادی که یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها است، گام بر می‌دارند تا از این طریق اثر نوسانات گوناگون اقتصادی را در جامعه خنثی نموده و تا حد زیادی از تحمیل هزینه‌های مختلف بر اقتصاد جلوگیری کنند.

لیانگ^۲ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "ارتباط توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد" نابرابری را در بخش شهری کشور چین بررسی نموده است. وی در این مطالعه اطلاعات مربوط به ۲۹ استان چین را در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۶ به عنوان نمونه جمع‌آوری کرد و به این نتیجه رسید که توسعه مالی قویاً بر توزیع درآمد تأثیرگذار است.

میر^۳ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "توسعه مالی و توزیع درآمد" اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد را با توجه با استفاده از اطلاعات مربوط به دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در کشور برزیل بررسی نمود. وی دریافت که دسترسی بیشتر افراد به بازارهای مالی و اعتباری در طول دوره مورد بررسی، اثر معنادار و بزرگی بر کاهش نابرابری در برزیل داشته است. به اعتقاد وی، کاهش نابرابری تنها به دلیل دسترسی افراد کم درآمد به اعتبارات لازم برای سرمایه‌گذاری رخ نداده است بلکه افزایش توانایی افراد کم درآمد برای مقابله با شوک‌های اقتصاد کلان از جمله افزایش تورم، همگام با پیشرفت بخش مالی نیز از دلایل کاهش نابرابری در شرایط توسعه مالی بوده است.

وریمی و ارهارت^۴ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی در

۱ -Ang

۲ -Liang

۳ -Meyer

۴ - Weriemmi M. E. and Ch. Ehrhart

کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه دریای مدیترانه» دریافتند:

- رشد سریع اقتصادی باعث افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد.
- اختلاف درآمدی بیشتر باعث تسریع روند رشد اقتصادی می‌شود.
- افزایش میزان آزادی تجاری تأثیر قابل توجهی بر اختلاف درآمدی ندارد.

کامران دادخواه (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایالات متحده» توزیع درآمد و رشد اقتصادی را با استفاده از داده‌های سری زمانی و مدل خود رگرسیون برداری در دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۴۷ بررسی نموده است.

نتایج این تحقیق مؤید دو نظریه زیر می‌باشد:

- بین توزیع برابرتر درآمد و رشد اقتصادی، یک رابطه دو طرفه مثبت وجود دارد و سیاست‌های اقتصادی که در زمینه افزایش رشد اقتصادی و یا توزیع برابر درآمد اجرا شده‌اند به صورت متقابل تأثیر مثبت بر هم داشته‌اند.
- توزیع برابر درآمد باعث کاهش پس‌انداز کل نخواهد شد. این نتیجه‌گیری بر اساس سری‌های زمانی سازگار و طولانی (حدود پنجاه سال) بدست آمده است.

کوزنتس (۱۹۵۵)^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «رشد اقتصادی و توزیع درآمد» آمار و اطلاعات سه کشور انگلیس، آلمان و ایالات متحده آمریکا، به تخمین تجربی تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد پرداخت و مشاهده کرد که نابرابری توزیع درآمد طی اولین مرحله رشد اقتصادی رو به افزایش است و سپس، هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل نهایی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. نتایج این مطالعات تحت فرضیه کوزنتس شهرت یافت و برای چهاردهه به عنوان یک تئوری غیر قابل تردید در مورد فرآیند رشد اقتصادی مورد استفاده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گرفت.

۳- تصریح مدل و برآورد

در این مقاله با استفاده از مطالعات تجربی (ژکلی و سامانو)^۲ (۲۰۱۲)، کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) و با

۱- Kuznets

۲- Szekely & Samano

به متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر توزیع درآمد برای بررسی میزان تأثیرگذاری ارزش افزوده بخش صنعت بر توزیع درآمد با تعدیلاتی از مدل (۱) استفاده شده است.

$$G_t = \beta_0 + \beta_1 AK_t + \beta_2 BAN_t + \beta_3 SH_t + \beta_4 IN_t + \beta_5 TAK_t + U_t \quad (1)$$

در این معادله G ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد، AK ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن به عنوان ارزش افزوده بخش صنعت^۲، BAN بهروری نیروی کار، SH تعداد شاغلان بخش صنعت، IN نرخ تورم، TAK سهم صادرات کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن بر تولید ناخالص داخلی، U جمله خطای معادله و t نشان دهنده زمان می‌باشند^۳.

۳-۱- آزمون ریشه واحد

جهت بررسی ایستایی یا نایستایی متغیرها در این مقاله از آزمون ریشه واحد استفاده گردیده است که نتایج حاصل از این آزمون برای تمام متغیرهای مورد استفاده در جدول ۱ نشان داده شده است.

۱- Kuznets

۲- در این مقاله از شاخص‌های ارزش تولیدات کارگاه‌های صنعتی، درصد تغییرات ارزش افزوده بخش صنعت و ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن برای نشان‌دهنده ارزش افزوده بخش صنعت استفاده گردید. اما با توجه به نتایج برآوردها فقط از ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن به عنوان شاخص ارزش افزوده بخش صنعت در این مقاله استفاده شده است.

۳- در این مقاله برای بررسی میزان تأثیرگذاری ارزش افزوده بخش صنعت بر توزیع درآمد از متغیرهای ضریب جینی دوره قبل، شاغلان بخش خدمات، شاغلان بخش کشاورزی، آمار دانش‌آموزان در دوره متوسطه، دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز عالی و دانشگاه آزاد اسلامی، نرخ بیکاری سالانه جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، نرخ بیکاری سالانه جوانان ۲۴-۱۵ ساله کل کشور، نرخ مشارکت سالانه جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۷۶، ارزش افزوده بخش خدمات به قیمت ثابت سال ۷۶، به عنوان متغیرهای مستقل استفاده گردید. اما با توجه به نتایج برآوردها و مشکلات اقتصادسنجی حذف گردیدند.

جدول (۱) - بررسی ایستایی و ناپایستایی متغیرها

TAK	IN	SH	BAN	AK	G	نوع رگرسیون
0.9990	0.0229	0.8392	0.9321	0.0378	0.9997	آزمون دیکی فولر $(P - \nabla value)$ در سطح
0.0000	-	0.0000	0.0000	-	0.0000	آزمون دیکی فولر $(P - \nabla value)$ در تفاضل مرتبه اول
I_1	I_0	I_1	I_1	I_0	I_1	نتیجه

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار EViews

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود بر اساس آماره دیکی فولر، نرخ تورم و ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن به عنوان ارزش افزوده بخش صنعت در سطح و سایر متغیرها بایک بار تفاضل‌گیری ایستا شده‌اند. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. در نتیجه پایداری داده‌های مورد استفاده در این مقاله قبل از برآورد مدل، مورد تأیید واقع می‌شوند. در ادامه برای بررسی رابطه بلند مدت میان متغیرها از آزمون هم‌انباشتگی استفاده می‌شود. در این راستا در روش سری زمانی می‌توان از آزمون انگل گرنجر برای بررسی هم-انباشتگی بین متغیرها استفاده کرد. انگل-گرنجر آزمون ریشه واحد را روی پسماندهای مدل انجام می‌دهد در این آزمون در صورتی که همه متغیرها در سطح I_d باشند و پسماندها I_b باشند به شرطی که b کوچکتر از d باشد، سری مورد نظر هم‌انباشته خواهد بود. در این مقاله نتایج آزمون انگل-گرنجر فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را قویاً رد می‌کند؛ به این معنی که پسماندهای مدل در سطح (I_0) ، مانا هستند. این مطلب بیانگر وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای مدل است. نتایج برآورد معادله ۱ با استفاده از روش OLS حداقل مربعات معمولی در ایران در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲)- نتایج برآورد تأثیر ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن به عنوان شاخص ارزش افزوده بخش صنعت بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد متغیر وابسته: ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد

متغیرها	ضرایب	آماره t
C	0.235175	6.483750
AK	-7.81E-10	-3.494642
BAN	-5.89E-07	-3.129389
SH	-1.78E-07	-4.524316
IN	0.000474	2.544243
TAK	-0.000182	-1.910075
R ²		0.710166
DW		75733.2.
Heteroskedasticity Test White	F(6,10)=3.54404 P-value=(0.3380)	
Breusch-Godfrey Serial Correlation LM Test	5.159850=F(2,8) P-value=(0.1364)	

منبع: (محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار EVIEWS)

۴- نتایج مدل

نتایج حاصل از برآورد مدل به روش حداقل مربعات معمولی در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۳ نشان می‌دهد:

- ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن به عنوان ارزش افزوده بخش صنعت تأثیر منفی و معنی‌داری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط منفی و معنادار میان ارزش افزوده بخش صنعت و ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در ایران را نمی‌توان رد کرد. با افزایش ارزش افزوده بخش صنعت، میزان مشارکت

تولید کنندگان بخش صنعت در تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد. در نتیجه درآمد ملی افزایش و شکاف درآمدی کاهش می‌یابد که موجب بهبود توزیع درآمد می‌گردد.

- بهره‌وری نیروی کار تأثیر منفی و معنی داری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد دارد.

- تعداد شاغلان بخش صنعت تأثیر منفی و معنی داری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد دارد. با افزایش تعداد شاغلان بخش صنعت، تولید و در نتیجه صادرات افزایش یافته که منجر به رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم و عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌گردد. اشتغال از مهمترین ابزارهای کاهش فقر، بیکاری و نابرابری است. اشتغال‌زایی متوازن و متعادل از یک سو موجب افزایش سطوح درآمدی شده و از سوی دیگر سبب کاهش اختلاف درآمدی خواهد شد (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۰).

- نرخ تورم تأثیر مثبت و معنی داری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد دارد. افزایش نرخ تورم، موجب کاهش قدرت خرید و متضرر شدن تمام افرادی می‌شود که نمی‌توانند درآمد خود را متناسب با نرخ تورم تغییر دهند. در واقع این امر نوعی انتقال دارایی از افرادی که دارای دستمزد ثابتی می‌باشند به افرادی که دارای سرمایه فیزیکی هستند به شمار می‌رود، در نتیجه تورم می‌تواند به افزایش شکاف درآمدی و بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش فقر منجر گردد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۳).

- سهم صادرات کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن از تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد دارد. صادرات اثر تولیدی و اشتغال‌زایی بسیار بالایی دارد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد (ناصری، ۱۳۷۸).

- مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نشان می‌دهد که بیش از هفتاد درصد از تغییرات ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد توسط متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده شده است.

۵- پیشنهادات

به سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های صنعت و بهبود بخشیدن در ارائه خدمات که از عوامل مؤثر بر افزایش ارزش افزوده این بخش می‌باشد، توجه شود. اتخاذ سیاست‌های حمایتی، اعتباری، کمک‌های فنی، اطلاعاتی و فراهم کردن شرایط برای سرمایه‌گذاران می‌تواند مفید باشد. همچنین پیگیری سیاست‌هایی در جهت تجمع سرمایه‌گذاری‌های کوچک در قالب شرکت‌های سهامی بزرگ‌تر گامی مؤثر در ورود به عرصه رقابت است که نتیجه آن افزایش تولید، اشتغال و درآمد بیشتر و بهبود توزیع درآمد است.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و عباسی قادری، رضا (۱۳۸۶)، «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۳۰، صص ۵۲-۲۳.
- تاری، فتح‌الله؛ عربی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «بررسی تحولات شاخص‌های اقتصادی در کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور و اثرگذاری آن بر رشد بخش صنعت»، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، زمستان ۱۳۸۶، دوره سوم، شماره ۴، صص ۱۱۶-۹۵.
- رضایی، جواد؛ نادعلی، محمد؛ عزیزاده، جواد (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه علی رشد بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی؛ مطالعه موردی بخش بازرگانی»، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۴۱، (علمی- پژوهشی)، صص ۱۳۶-۱۱۱.
- رضایی، ابراهیم، عزیزاده حصار، آیسا و صالحی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳)، «تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصاد سنجی*، (۲)۲، صص ۹۵-۸۱.
- خدایپرست، مهدی و داودی، آزاده (۱۳۹۲)، «هزینه‌های دولت و کاهش و فقر و نابرابری»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، (۴)۱، صص ۵۰-۳۷.
- سلاطین، پروانه؛ مرادی، الهام (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر اقتصادی بر ترکیب اشتغال در بخش صنعت ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۷)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه.
- صادقی، حسین؛ مسایلی، ارشک (۱۳۸۷)، «رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد با روند فقر در ایران با استفاده از رویکرد فازی»، *نشریه رفاه اجتماعی*، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۷۲-۱۵۱.
- صادقی، حسین و مهرگان، نادر (۱۳۷۹)، «رشد اقتصادی در بخش کشاورزی و توزیع درآمد روستایی»، *نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۷۰-۵۷.
- صیدایی، سید اسکندر؛ بهاری، عیسی؛ زارعی، امیر (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۳۵»، *فصلنامه راهبرد توسعه (راهبرد یاس سابق)*، شماره ۲۵، بهار.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، نشر نی.

- عمادزاده، مصطفی؛ بکتاش، فروزان (۱۳۸۴)، «اثر آموزش بر ارزش افزوده بخش صنعت»، **مجله دانش و توسعه** (علمی-پژوهشی)، نیمه اول سال ۱۳۸۴، شماره ۱۶، صص ۵۰-۳۷.
- قبری، علی (۱۳۸۸)، «بررسی توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، **پژوهشنامه اقتصادی**، سال یازدهم، شماره اول.
- کیمیجانی، اکبر و محمدزاده، فریدون (۱۳۹۳)، «تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی»، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، صفحات ۲۴-۵.
- محمودی، علی (۱۳۷۶)، **اقتصاد حمل و نقل**، تهران، نشر اقتصاد نو.
- مهرگان، نادر؛ موسایی، میثم و کیانی حکمت، رضا (۱۳۸۷)، «ارشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران»، **رفاه اجتماعی**، سال ۸، شماره ۲۸، صص ۷۷-۵۷.
- مهرگان، نادر و دهقانی احمدآباد، هانی (۱۳۸۹)، «تخمین اثر رشد اقتصادی بخش حمل و نقل بر توزیع درآمد در ایران»، **پژوهشنامه حمل و نقل**، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹.
- میر، جرالد (۱۳۷۸)، **اقتصاد توسعه**، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نشر نی.
- ناصری، سید مهدی (۱۳۷۸)، «تأثیر صادرات بر تولید، اشتغال، درآمد دولت و تراز پرداخت‌ها»، **تازه‌های اقتصاد**، خرداد ۷۸، شماره ۷۷، صص ۵۳-۵۰.
- نیلی، فرهاد (۱۳۷۸)، «رشد اقتصادی و توزیع درآمد: چهار دهه، بعد از کوزنتس و کالدور»، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۳۸ و ۳۹، صص ۴۵-۳.

- Ang, James (2010), Financee and Inequality: The Case of India, *Sothern Economic Journal*, 76(3):738-761.
- Bandyopadhyay, R., OR, Applications in Industry and Problems of Industrialisation of Deveio Economy with Special Reference to India, *The Journal of the Operational Research Society*, Vol.31, No.9, 1980, pp. 769-780.
- Batista, A., D. (2003), "*Mexicos Industrial Engine of Erowth: Cointegration and Causality*", Marzo-Abrilde, pp.34-41.
- Chou, C. and G. Talmain (1996), "*Redistribution and Growth: Pareto Improvements*", *Journal of Economic Growht*, 1, P.505-23.
- Dadkhah K. M., (2001), "*Income Distribution and Economic Growthin the United States: 1947-2001*" Department of economics.
- Garcia F. and A.C. Banderia, (2004), "*Economic Reforms, Inequalityand Growth in Latin America and the Caribbean*", University of SoPaulo, school of economics and business.
- Kuznets S., (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *The American Economic Review*, 45(1), P.1-28.
- Liang, Zh (2006), Financial Devolpment and Income Distribution :a System GMM Panel analysis with application to urban china, *Journal of Economic Development*, 31(2):1-21.

- Meyer Bittencourt, Manoel F.,(2006), "**Financial Development and Inequality: Brazil 1985-99**", Ecineq, Society for the Study of Economic Inequality, Working Paper Series.
- Saint-paul, G. and T. Verdier, (1996), "Inequality, redistribution and growth: A challenge to the conventional political economy approach", **European Economic Review**, 40, 719-28.
- Salimi, Farshid.and Akhoondzadeh, Tahereh, and Arsalanbod, Mohamad Reza(2014), "**The Triangle of Trade Liberalization, Economic growth and Income Inequality**", Communications on Advanced Computational Science with Applications, 15 Pages, <http://www.ispacs.com/journals/cacsa/2014/cacsa-00026>.
- Szekely, Miguel and Samano, Claudia,(2012), "**Did Trade Openness Affect Income Distribution in Latin America?** ", United Nations University, UNU-WIDER, Working Paper No.2012/03.
- Wahiba, Nasfi Fkili. And Weriemmi, Malek El,(2014), "The Relationship Between Economic Growth and Income Inequality", **International Journal of Economics and Financial Issues**, Vol. 4, No. 1, 2014, pp.135-143.
- Weriemmi M.E. and Ch. Ehrhart, (2004), "**Inequality and Growth in a Context of Commercial Openness, Theoretical Analysis and Empiricalstudy: The Case of the Countries around the Mediterranean Basin**",University of nice-Sophia antipolice.

Dependent Variable: G
 Method: Least Squares
 Date: 04/23/06 Time: 06:41
 Sample (adjusted): 13۶3 1389
 Included observations: 17 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.235175	0.036271	6.483750	0.0000
AK	-7.81E-10	2.23E-10	-3.494642	0.0050
BAN	-5.89E-07	1.88E-07	-3.129389	0.0096
SH	-1.78E-07	3.93E-08	-4.524316	0.0009
TAK	-0.000182	9.53E-05	-1.910075	0.0825
IN	0.000474	0.000186	2.544243	0.0273
R-squared	0.800739	Mean dependent var		0.399871
Adjusted R-squared	0.710166	S.D. dependent var		0.009321
S.E. of regression	0.005018	Akaike info criterion		-7.481035
Sum squared resid	0.000277	Schwarz criterion		-7.186960
Log likelihood	69.58880	Hannan-Quinn criter.		-7.451803
F-statistic	8.840803	Durbin-Watson stat		2.۰75733
Prob(F-statistic)	0.001400			

Null Hypothesis: SH has a unit root
 Exogenous: Constant
 Lag Length: 0 (Automatic based on SIC, MAXLAG=8)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-0.674523	0.8392
Test critical values:		
1% level	-3.653730	
5% level	-2.957110	
10% level	-2.617434	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Augmented Dickey-Fuller Test Equation

Dependent Variable: D(SH)

Method: Least Squares

Date: 10/12/14 Time: 06:14

Sample (adjusted): 13۶۳ 1390

Included observations: 32 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
SH(-1)	-0.028547	0.042322	-0.674523	0.5051
C	49262.45	36173.89	1.361823	0.1834
R-squared	0.014939	Mean dependent var		25888.66
Adjusted R-squared	-0.017896	S.D. dependent var		58205.61
S.E. of regression	58724.12	Akaike info criterion		24.85955
Sum squared resid	1.03E+11	Schwarz criterion		24.95116
Log likelihood	-395.7528	Hannan-Quinn criter.		24.88992
F-statistic	0.454981	Durbin-Watson stat		2.482705
Prob(F-statistic)	0.505144			

Null Hypothesis: D(SH) has a unit root

Exogenous: Constant

Lag Length: 0 (Automatic based on SIC, MAXLAG=8)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-7.114519	0.0000
Test critical values:		
1% level	-3.661661	
5% level	-2.960411	
10% level	-2.619160	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Augmented Dickey-Fuller Test Equation

Dependent Variable: D(SH,2)

Method: Least Squares

Date: 10/12/14 Time: 06:15

Sample (adjusted): 136 1390

Included observations: 31 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
D(SH(-1))	-1.271008	0.178650	-7.114519	0.0000
C	32112.57	11409.42	2.814566	0.0087
R-squared	0.635753	Mean dependent var		-2085.871
Adjusted R-squared	0.623193	S.D. dependent var		93854.17
S.E. of regression	57612.00	Akaike info criterion		24.82319
Sum squared resid	9.63E+10	Schwarz criterion		24.91571
Log likelihood	-382.7595	Hannan-Quinn criter.		24.85335
F-statistic	50.61639	Durbin-Watson stat		2.039202
Prob(F-statistic)	0.000000			

Null Hypothesis: IN has a unit root

Exogenous: Constant

Lag Length: 0 (Automatic based on SIC, MAXLAG=8)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-3.302749	0.0229
Test critical values:		
1% level	-3.646342	
5% level	-2.954021	
10% level	-2.615817	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Augmented Dickey-Fuller Test Equation

Dependent Variable: D(IN)

Method: Least Squares

Date: 09/11/14 Time: 22:26

Sample (adjusted): 13۶۳ 139۰

Included observations: 33 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
IN(-1)	-0.533755	0.161609	-3.302749	0.0024
C	10.72822	3.359168	3.193712	0.0032
R-squared	0.260287	Mean dependent var		0.578788
Adjusted R-squared	0.236425	S.D. dependent var		8.918722
S.E. of regression	7.793425	Akaike info criterion		7.003130
Sum squared resid	1882.862	Schwarz criterion		7.093827
Log likelihood	-113.5516	Hannan-Quinn criter.		7.033647
F-statistic	10.90815	Durbin-Watson stat		1.559346
Prob(F-statistic)	0.002419			

Null Hypothesis: AK has a unit root

Exogenous: Constant

Lag Length: 4 (Automatic based on SIC, MAXLAG=8)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-3.103984	0.0378
Test critical values:		
1% level	-3.689194	
5% level	-2.971853	
10% level	-2.625121	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Augmented Dickey-Fuller Test Equation

Dependent Variable: D(AK)

Method: Least Squares

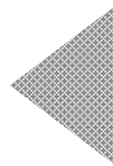
Date: 09/11/14 Time: 20:52

Sample (adjusted): 1363 1390

Included observations: 28 after adjustments

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
AK(-1)	-0.531139	0.171115	-3.103984	0.0052
D(AK(-1))	1.181622	0.294178	4.016685	0.0006
D(AK(-2))	0.148329	0.252091	0.588394	0.5623
D(AK(-3))	1.341236	0.497400	2.696495	0.0132
D(AK(-4))	2.794844	0.533952	5.234263	0.0000
C	1385289.	2208338.	0.627299	0.5369
R-squared	0.940482	Mean dependent var		22264595
Adjusted R-squared	0.926955	S.D. dependent var		31553637
S.E. of regression	8527964.	Akaike info criterion		34.94301
Sum squared resid	1.60E+15	Schwarz criterion		35.22848
Log likelihood	-483.2021	Hannan-Quinn criter.		35.03028
F-statistic	69.52679	Durbin-Watson stat		2.022796
Prob(F-statistic)	0.000000			

سنجش سطح توسعه و نابرابری های ناحیه ای در جنوب شرق ایران (نمونه موردی: شهرستان های استان سیستان و بلوچستان)



محمد تقی معبودی^۱

هادی حکیمی^۲

(تاریخ دریافت ۹۴/۶/۷ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۰/۲۰)

چکیده

نابرابری های فضایی در توزیع درآمد، خدمات بهداشتی، آموزشی و شاخص های فقر؛ چالش های گسترده اقتصادی و سیاسی را برای دولت های بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوجود آورده است. اصولاً نابرابری های منطقه ای از دو زمینه اصلی نشأت می گیرند. نخست شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و دوم تصمیمات سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی. نکته قابل ذکر در این مورد این است که با پیشرفت تکنولوژی از اهمیت عامل اول کاسته شده و به اهمیت عامل دوم اضافه شده است. بنابراین در ایجاد نابرابری های منطقه ای بیشتر تصمیمات سیاستگذاران و برنامه ریزان تأثیر می گذارد. هدف تحقیق حاضر در راستای ارزیابی و تحلیل نابرابری های منطقه ای بین شهرستان های استان سیستان و بلوچستان بوده که بر اساس ۲۹ شاخص منتخب انجام یافته است. از این رو ابتدا ۲۹ شاخص منتخب اقتصادی-اجتماعی، بهداشتی-درمانی، آموزشی، زیربنایی در مقیاس شهرستان از اطلاعات مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسؤل)، mohammad.maboodi@gmail.com

۲- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، h.hakimi@tabrizu.ac.ir

استخراج گردید و در ادامه با استفاده از چهار روش، ویکور (vikor)، تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)، روش موریس و روش امتیاز Z استاندارد به تحلیل وضعیت شهرستان‌های استان با توجه به شاخص‌های مذکور پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به جزء روش موریس، در سه روش دیگر شهرستان‌های زاهدان و زابل با شاخص ترکیبی بالا در سطح برخورداری قرار گرفته‌اند و تقریباً در هر چهار مدل شهرستان‌های زابلی، دلگان و سرپاز به تناوب در رتبه‌های پایین‌تر سطح برخورداری قرار دارند.

واژگان کلیدی: نابرابری‌های منطقه‌ای، توسعه، روش‌های رتبه‌بندی، استان سیستان و بلوچستان.

۱- مقدمه

آرمان برابری، مانند آزادی، از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است که پیامبران، آزادگان، روشنفکران و همه مردم محروم و زجرکشیده، در طول قرون بر آن تأکید داشته‌اند. ساختار اجتماعی جوامع، تقریباً همیشه نظام نابرابر است و از آن‌جا که حکومت‌ها خود جزئی از این ساختار اجتماعی هستند، طبیعی است که نمی‌توانند به‌طور جدی با نابرابری مبارزه کنند، مگر این‌که دولتی انقلابی یا اصلاح‌طلب پدید آید. یعنی برابری مانند آزادی است؛ نه تنها خود به خود به دست نمی‌آید، بلکه فقط با مراقبت و هوشیاری و همبستگی امکان‌پذیر است. اوضاع نابرابری در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته بسیار مشکل‌تر است. فقر، تبعیض، فساد مالی و نابرابری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در بیش‌تر کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، امید به زندگی آبرومندانه را برای عموم مردم کاهش داده است (جهانیان، ۱۳۸۱: ۹۰). نابرابری‌های فضایی در توزیع درآمد، خدمات بهداشتی، آموزشی و شاخص‌های فقر چالش‌های گسترده اقتصادی و سیاسی برای دولت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوجود آورده است (کیم^۱، ۲۰۰۸: ۱). نابرابری‌های منطقه‌ای در سطوح توسعه، تقریباً در همه کشورهای جهان و

سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی وجود دارد (کله^۱، ۱۹۸۷: ۱۵). چنین وضعیتی به طور معمول در دسترسی نابرابر افراد و گروه‌ها در مکان‌های جغرافیایی مختلف به منابع مادی و غیر مادی یک جامعه انعکاس می‌یابد (هیندرینک^۲ و همکاران، ۱۹۷۸: ۴۵). اصولاً نابرابری‌های منطقه‌ای از دو زمینه اصلی نشأت می‌گیرند. نخست شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و دوم تصمیمات سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی. نکته قابل ذکر در این مورد این است که با پیشرفت تکنولوژی از اهمیت عامل اول کاسته شده و به اهمیت عامل دوم اضافه شده است. بنابراین در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای بیشتر تصمیمات سیاستگذاران و برنامه‌ریزان تأثیر می‌گذارد (زالی، ۱۳۸۰: ۱). سیاست‌گذاری منطقه‌ای به عنوان کوشش‌های آگاهانه عمومی حکومت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل جمعیت، درآمد، درآمدهای دولت، تولید کالا و خدمات، تسهیلات حمل و نقل و سایر زیرساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی به معنای فراگیر آن مطرح گردیده است. شوماخر، بیان می‌کند که یکی از گرایش‌های ناسالم و مخرب در اغلب کشورهای در حال توسعه ظهور دوگانگی اقتصادی است که در پهنه سرزمینی آنها گسترده است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶).

برنامه‌ریزان جهت تحقق عدالت اجتماعی در فرآیند توسعه، سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و گسترش همه جانبه جنبه‌های مثبت توسعه یافتگی دارند. گام اساسی در این زمینه شناسایی شرایط موجود و تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت‌های موجود است. چه بسا عدم شناخت دقیق وضع موجود، کلیه تلاش‌های دست‌اندرکاران امر محرومیت‌زدایی و کسب عدالت اجتماعی را عقیم می‌گذارد. بنابراین در اجرای برنامه‌های اجتماعی- اقتصادی، لازم است تخصیص منابع با توجه به شرایط موجود مناطق انجام گیرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲). توسعه متعادل و هماهنگ مناطق، یک پیش نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشور به شمار می‌رود. در کشورهای در حال توسعه، کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری‌های عظیمی است که در بسیاری موارد به سرعت در حال افزایش است. لذا توزیع متعادل امکانات و خدمات،

۱- Cole

۲- Hinderink

گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای است. زیرا هر چه قدر تفاوت‌های منطقه‌ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد، منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پرجاذبه می‌گردد (شیخ‌بیگللو و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

کشور ایران به دلیل پهنه سرزمینی گسترده و ویژگی‌های جغرافیایی متفاوت مناطق آن از سطوح متفاوت توسعه برخوردار است. در این زمینه استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از پهناورترین استان‌های کشور به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و مورد غفلت واقع شدن از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در دهه‌های گذشته، یکی از محروم‌ترین مناطق کشور به لحاظ شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد این وضعیت در مقیاس ناحیه‌ای بین شهرستان‌های استان نیز وجود دارد. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که وضعیت شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان به لحاظ شاخص‌های توسعه چگونه بوده و شکاف بین آنها به چه شکل می‌باشد؟ بنابراین جهت پاسخگویی به این سؤال با استفاده از روش‌های مختلف سنجش توسعه‌یافتگی مناطق، به ارزیابی نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری

در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یک پدیده فراگیر و رو به گسترش قابل مشاهده است. هر چند تلاش عمومی برنامه‌ریزی اجتماعی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در پی کاهش این نابرابری‌هاست، اما حرکت تاریخی توسعه، به رغم و به همراه افزایش ثروت، همواره در جهت گسترش نابرابری‌ها بوده است. به گفته هاروی هیچ مرکزی بدون حاشیه وجود ندارد. این نابرابری در تبلور خارجی خود، تمرکز را در اشکال گوناگون نشان می‌دهد. کشورهای توسعه‌یافته در برابر کشورهای در حال توسعه، شمال در برابر جنوب، تمرکز ثروت و قدرت در سطح جهانی را نشان می‌دهد. در سطح ملی و محلی نیز، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه جغرافیای نابرابری، قطب‌های توسعه‌یافته با مناطق محروم پیرامون وجود دارد (شالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸).

توسعه یک کشور یا منطقه، افزایش تولید، دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، فرصت‌های شغلی مناسب، بکارگیری تکنولوژی جدید و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و مصرف را شامل

می‌گردد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷). اغلب کشورهای در حال توسعه از روند توسعه فضائی سکونتگاه‌ها و نحوه توزیع منطقه‌ای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی خود ناراضی هستند، چنین نابرابری مابین مناطق و عدم توزیع متعادل منابع و سرمایه‌ها باعث به چالش کشیده شدن توسعه پایدار می‌شود (ایلا^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۳۵). مروری بر ادبیات نظری و کاربردی در زمینه توسعه منطقه‌ای نشان می‌دهد که توسعه منطقه‌ای از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به طور عموم این نوع برنامه‌ریزی‌ها در سطح جهانی بعد از جنگ جهانی اول (مهدیزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۶) به عنوان نگرش‌هایی برای برقرار کردن عدالت اجتماعی و اقتصادی، توزیع بهینه و کارآتر منابع و امکانات و رفاه ثروت مطرح گردید (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۲: ۲۰۰، به نقل از ابراهیم زاده، ۱۳۸۹: ۹).

دیوید هاروی معتقد است که توزیع عادلانه در مقیاس سرزمینی و منطقه‌ای لزوماً مترادف با توزیع عادلانه در سطوح دیگر یا توزیع عادلانه بین افراد نیست و برای بررسی عدالت منطقه‌ای فرض می‌کند که توزیع عادلانه در سطح مناطق، توزیع عادلانه بین افراد را نیز به دنبال خواهد داشت. هاروی ماهیت عدالت اجتماعی را به کمک سه معیار کلی تشریح می‌کند: نیاز، منفعت عمومی و استحقاق (زالی، ۱۳۸۰: ۹۹). از نظر وی میزان محرومیت نسبی افراد در مناطق مختلف را می‌توان با سه خصوصیت تشخیص داد. اول اینکه افراد از خدماتی محروم باشند، دوم اینکه، سایر افرادی را مشاهده کنند که از آن خدمات برخوردارند و سوم؛ چیزی را بخواهند و داشتن آن را مقدور بدانند. وی معتقد است که مفهوم محرومیت نسبی معمولاً با گروه مرجع آمیخته است و گروه مرجع می‌تواند به لحاظ اجتماعی تعیین گردد. تفاوت میان آمال و خواسته‌های افراد با سطح خدمات گروه مرجع می‌تواند شاخصی برای اندازه‌گیری میزان محرومیت نسبی باشد.

وی مفهوم عدالت اجتماعی منطقه‌ای را به این صورت قابل دسترس می‌داند که:

- ۱- توزیع درآمد و منابع به طریقی باشد که الف: نیازهای جمعیت هر منطقه برآورده شود؛ ب: تخصیص منابع به طریقی صورت گیرد که ضرایب فزاینده‌گی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد؛ ج: تخصیص منابع اضافی به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر باشد.

۲- ساز و کارهای سازمانی، اقتصادی و سیاسی به طریقی باشد که دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق تا حد امکان بهبود یابد (زالی، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

به عقیده میردال رشد مراکز خاصی در کشور به هر دلیل اولیه که صورت گیرد، پس از چندی باعث افزایش صرفه‌جوئی‌های داخلی و خارجی می‌شود که این امر خواه ناخواه باعث عقب‌ماندگی مراکز و مناطق دیگر خواهد شد (اردشیری، ۱۳۷۰: ۴۶). وی در تشریح نظریه خود از دو واژه «اثرات بازدارنده^۱» و «اثرات تهییج‌کننده^۲» یا اثر انتشار استفاده می‌کند. به نظر او اثرات بازدارنده تمام تأثیراتی است که در اقتصاد انجام می‌شود که نتیجه فعالیت نیروهایی در خارج از سیستم است. میردال در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی‌ها، نظام سرمایه‌داری را مقصر می‌داند. چون در این نظام، سود هدف اصلی است و منابع جایی می‌روند که سود بیشتر باشد و نظام سرمایه‌داری از نظر او مثل آهن‌ربا عمل می‌کند. یعنی مناطقی که از شرایط بهتری برای توسعه برخوردار هستند و نرخ سود در آنها بالاست، نیروی کار و سرمایه را به خود جذب می‌کنند. از نظر وی اثر انتشار، اثری است که موجب می‌شود فرآیند توسعه در یک بخش یا یک منطقه یا کشور به سایر بخش‌ها یا مناطق دیگر سرایت کند. در مقابل اثرات بازدارنده اثری است که موجب می‌شود تا جلو گسترش توسعه یک بخش یا منطقه به سایر بخش‌ها گرفته شود (میردال، ۱۳۵۵: ۹۷).

در پاسخ به این سؤال که چرا نابرابری همچنان تداوم دارد. عده‌ای دو عامل اصلی و مبنائی را در ایجاد فضاهای ناموزون توسعه در مقیاس یک کشور و منطقه دخیل می‌دانند. این دو عامل عبارتند از منشاء جغرافیایی قدرت و جغرافیای سود. یکی از وجوه قدرت در حاکمیت ملی و منطقه‌ای منشاء جغرافیایی آن است. متأسفانه میزان نفوذ این قدرت عموماً به زیان مناطق کم‌توسعه در مقیاس ملی و نواحی کم‌توسعه در مقیاس منطقه است (عظیمی، ۱۳۸۴: ۶۶، به نقل از قنبری ۱۳۹۰).

سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی را در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مناطق محروم و به دنبال آن، کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری

۱- Backwash Effects

۲- Spread Effect

های عمومی گامی در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تحقق توسعه متعادل به شمار می‌رود. هم‌گرایی در توسعه مناطق زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه یافته با شتاب بیشتری نسبت به سایر مناطق، رشد و توسعه یابند. در غیر این صورت، ادامه روندهای موجود با تمرکز توسعه اقتصادی در مناطق توسعه یافته، واگرایی و عدم تعادل ملی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت؛ لذا برنامه‌ریزی منطقه‌ای کوشش می‌نماید تا نوعی هماهنگی و همسانی رشد بین مناطق مختلف ایجاد نماید و هر منطقه در یکسویی و یکنواختی با نظم و نظام کل فضای سرزمین ملی از رشد و توسعه فراخور برخوردار باشد (شیخ‌بیگللو و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

۳- پیشینه تحقیق

در زمینه مباحث مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛ پژوهش‌های متعددی در ابعاد مختلف انجام یافته که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

نادر زالی (۱۳۸۰): پایان نامه کارشناسی ارشد، سطح بندی توسعه منطقه‌ای، شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی. نتیجه تحقیق نشانگر تقسیم‌بندی استان به چهار سطح توسعه شامل: سطح اول: تبریز، سطح دوم: مراغه- مرند- بناب- شیسستر- جلفا، سطح سوم: سراب- بستان‌آباد- ملکان- هریس- میانه و سطح چهارم: اهر- هشترود- کلبر می‌باشد.

تقوایی و رضانی (۱۳۸۴): تحلیلی بر روند تحولات شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های چهار محال بختیاری. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، با مقایسه‌ای که بین ۲۴ شاخص در سطح شهرستان‌ها صورت گرفته است بیش از نیمی از شاخص‌ها هنوز از جایگاه مناسبی از نظر رشد و توسعه هم در سطح شهرستان و هم در سطح استان برخوردار نیستند.

آهنگری و سعادت (۱۳۸۶): مطالعه تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نابرابری بین شهرستان‌های استان لرستان طی دوره زمانی مورد بررسی در بخش‌های آموزش، بهداشت و درمان، مسکن و خدمات رفاهی زیربنایی و صنعت افزایش و در بخش کشاورزی کاهش داشته است.

شالی و رضویان (۱۳۸۹): نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه‌بندی. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۱۹ شهرستان استان، ۱ شهرستان توسعه یافته، ۹ شهرستان نسبتاً توسعه یافته، ۶ شهرستان توسعه نیافته و ۳ شهرستان محروم

می‌باشد.

یوسف قنبری و همکاران (۱۳۹۰): سنجش توزیع فضایی مؤلفه‌های صنعتی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر برخورداری از سطوح توسعه. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین بهره‌مندی شهرستان‌ها در بخش صنعتی مربوط به شهرستان اصفهان است و شهرستان‌های برخوردار کاشان و فلاورجان در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

تقوایی و همکاران (۱۳۹۰): تحلیل فضائی و سنجش توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان میاندوآب. نتایج تحقیق نشانگر تقسیم‌بندی دهستان‌های شهرستان به سه سطح برخورداری است که دهستان آجرلوی غربی به عنوان تنها گزینه سطح برخوردار، رتبه نخست توسعه را به خود اختصاص داده است. در سطح نیمه برخوردار، ۶ دهستان و در سطح محروم؛ ۴ دهستان قرار دارند.

فرزام پوراصغر سنگاچین و همکاران (۱۳۹۲): مقایسه روش‌های سنجش توسعه پایدار با استفاده از شاخص‌های ترکیبی. نتایج سطح‌بندی بر اساس شاخص‌های مورد مطالعه در این تحقیق نشان می‌دهد که استان‌های تهران و کهگیلویه و بویراحمد در رتبه‌های اول تا سوم و استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان در رتبه‌های آخر از نظر حرکت به سوی پایداری قرار گرفتند.

۴-اهداف تحقیق

اهداف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

- ارزیابی و سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای در مقیاس شهرستان‌های استان با توجه به شاخص‌های منتخب؛
- شناخت و برنامه‌ریزی در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، شهرستان‌های محروم و عقب‌مانده.

۵-قلمرو تحقیق

استان سیستان و بلوچستان با وسعت حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع معادل ۱۱/۵ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. این استان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه ۴۹ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است و از شمال

به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای افغانستان و پاکستان و از غرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود شده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان دارای ۱۴ شهرستان، ۳۶ مرکز شهری، ۴۰ بخش، ۱۰۲ دهستان و ۸۹۰۸ آبادی کد دار است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸).

۶- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از جهت ماهیت و روش، تحلیلی- توصیفی به شمار می‌رود. در این تحقیق جهت ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان ابتدا ۲۹ شاخص در این زمینه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی- درمانی، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، استخراج گردید و در نهایت با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌ای اساسی، روش موریس، امتیاز استاندارد شده Z و روش ویکور به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان با توجه به شاخص‌های فوق پرداخته شده است.

۶-۱- روش ویکور^۱

روش ویکور یکی از روش‌های جدید برای حل مسائل تصمیم‌گیری چند معیاره است که هدف آن انتخاب بهترین گزینه بر اساس نزدیک‌ترین جواب ممکن به ایده‌آل است. روش مذکور توسط اپراکئییک^۲ (۱۹۹۸) و تزنگ^۳ (۲۰۰۲) توسعه یافته است (اپراکئییک و تزنگ، ۲۰۰۲: ۲۱۸). این روش بر روی رتبه‌بندی و انتخاب از میان مجموعه‌ای از گزینه‌ها متمرکز است و راه حل سازشی را برای یک مسئله با توجه به شاخص‌های متضاد ارائه می‌دهد که می‌تواند تصمیم‌گیرنده را در دستیابی به راه حل نهائی کمک کند. راه حل سازشی، موجه‌ترین و نزدیک‌ترین راه حل به نقطه ایده‌آل است (راه حل سازشی به معنی ایجاد امتیازهای متقابل است) (اپراکئییک و تزنگ، ۲۰۰۲: ۴۴۸).

۱- Vikor

۲- Opricovic

۳- Tzeng

۶-۲- تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۱

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی روشی برای خلاصه کردن اطلاعات زیاد می‌باشد. ولی در عین حال خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می‌گیرد که نتیجه خلاصه شده از نظر مفهوم معنی‌دار است. مراحل انجام آن عبارتند از:

۱- تشکیل ماتریس داده‌ها

ماتریس داده‌ها در این تحقیق عبارت است از ماتریسی که ستون‌های آن شامل ۲۹ شاخص و سطرهای آن شامل ۱۴ شهرستان استان سیستان و بلوچستان است.

۲- محاسبه ماتریس همبستگی

برای انجام محاسبات در مراحل بعدی و ارتباط درونی بین شاخص‌ها از ماتریس همبستگی استفاده می‌شود. اگر هم شاخص‌ها در جهت مثبت مرتب شده باشد و کیفیت بیشتر نشانگر وضع بهتر باشد، همبستگی‌ها مثبت خواهند بود. همبستگی میان Π شاخص را می‌توان به صورت ماتریس $\Pi^* \Pi$ نوشت (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۰).

۳- استخراج عامل‌ها

استخراج عامل‌ها با استفاده از ماتریس همبستگی انجام می‌شود. با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک^۲ و اهمیت نسبی هر یک از شاخص‌ها معلوم می‌گردد. سپس بردارهای ویژه برای تمامی مقادیر ویژه غیر صفر محاسبه می‌گردد.

۴- دوران عامل‌ها و علت آن

اگر هر شاخص روی یک عامل حمل شود و یا مقادیر بارگذاری شده هر شاخص در عامل، بزرگ و مثبت و یا نزدیک به صفر باشد، در آن صورت کار تفسیر عوامل ساده خواهد بود. در صورتی که مقادیر بارگذاری شده هر شاخص شامل مقادیر متوسط روی چند عامل باشد، کار تفسیر عامل سخت خواهد بود.

۵- نام‌گذاری عامل‌ها

با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها می‌توان اسامی یا عناوین مناسبی را برای هر

۱- Principal Component Analysis

۲- Common Factor

یک از آنها انتخاب نمود (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۱).

۶-۳- روش امتیاز استاندارد^۱ Z

در این روش، متغیرهای مورد استفاده به گونه‌ای استاندارد می‌شوند که دو ویژگی آنها یعنی میانگین و انحراف معیار برای تمام متغیرها یکسان می‌شوند. برای تبدیل شاخص به استاندارد-Z از فرمول زیر استفاده شد:

$$Z = \frac{(X_{ij} - \bar{X}_i)}{\sqrt{\frac{\sum (X_i - \bar{X}_i)^2}{N}}}$$

X_{ij} = مقدار متغیر i در منطقه، j = میانگین متغیر i ، Z = مقادیر استاندارد شده، N = تعداد مناطق (شهرستان‌ها)، (اصغرپور سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸).

۶-۴- روش موریس^۲

این روش که به روش ضریب محرومیت نیز موسوم است، برای محاسبه شاخص توسعه انسانی توسط برنامه سازمان ملل متحد نیز استفاده می‌شود. محاسبه این شاخص از طریق فرمول زیر قابل محاسبه است (موریس^۳، ۱۹۹۷، به نقل از اصغرپور سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸):

$$Y = \frac{(X_{ij} - X_i \min)}{X_i \max - X_i \min}$$

Y_{ij} = شاخص موریس برای متغیر i در منطقه (شهرستان) j ، X_{ij} = مقدار متغیر در شهرستان j ، $X_i \max$ = حداکثر مقدار شاخص i در بین شهرستان‌ها، $X_i \min$ = حداقل مقدار شاخص i در بین شهرستان‌ها).

۱- Z-Score

۲- Morris Method

۳- Morris

۷- شاخص‌ها و داده‌های تحقیق

در این تحقیق داده‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در مقیاس شهرستان از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، استخراج گردید. این داده‌ها در قالب ۲۹ شاخص اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، آموزشی و بهداشتی- درمانی، برای تحلیل سطح توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان استفاده شدند. (جدول شماره ۱)

جدول شماره (۱)- شاخص‌های ارزیابی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان

شماره	شاخص	ردیف	ابعاد
E1	درصد شاغلان بخش صنعت نسبت به کل جمعیت شاغلان شهرستان	۱	بعد اقتصادی
E2	درصد شاغلان بخش معدن نسبت به شاغلان کل شهرستان	۲	
E3	درصد شاغلان بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی نسبت به کل جمعیت	۳	
E5	درصد شاغلان بخش آموزش نسبت به شاغلان کل شهرستان	۴	
E6	درصد شاغلان بخش حمل و نقل نسبت به کل جمعیت شاغلان شهرستان	۵	
E7	درصد شاغلان متخصص نسبت به کل جمعیت شهرستان	۶	
E8	درصد شاغلان زن متخصص نسبت به کل جمعیت شهرستان	۷	
E9	درصد شاغلان دارای تحصیلات عالی نسبت به کل شاغلان شهرستان	۸	
E10	درصد شاغلان زن دارای تحصیلات عالی نسبت به کل شاغلان شهرستان	۹	
E11	درصد شاغلان نسبت به کل جمعیت شهرستان	۱۰	
E12	ضریب اشتغال زنان	۱۱	اجتماعی- فرهنگی
E13	معکوس بار تکفل	۱۲	
E14	معکوس نرخ بیکاری	۱۳	
Ed1	تعداد دانشجویان هر شهرستان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	۱۴	
Ed2	درصد قانونگذاران و مقامات عالی رتبه نسبت به کل جمعیت ناحیه	۱۵	
Ed3	تعداد فارغ التحصیلان فوق الیسانس و بالای شهرستان به ازای هر هزار نفر	۱۶	
Ed4	تعداد فارغ التحصیلان زن شهرستان به ازای هر هزار نفر	۱۷	
Ed6	ضریب باسوادی زنان شهرستان	۱۸	
C	تعداد کتابخانه‌های شهرستان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۱۹	بهداشتی- درمانی
H1	تعداد پزشکان عمومی شهرستان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۲۰	
H2	تعداد پزشکان متخصص شهرستان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۲۱	
H3	تعداد مراکز بهداشتی- درمانی روستائی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۲۲	

شماره	شاخص	ردیف	ابعاد
H4	تعداد تخت بیمارستان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۲۳	کالبدی - زیربنایی
H5	تعداد داروخانه‌های شهرستان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۲۴	
In1	مسکن‌های بادوام شهرستان	۲۵	
In2	درصد مسکن دارای آب لوله کشی شهرستان	۲۶	
In3	درصد مسکن دارای تلفن ثابت شهرستان	۲۷	
In6	معکوس خانوار به مسکن	۲۸	
U	ضریب شهرنشینی	۲۹	

۸- یافته‌های تحقیق

در این قسمت به تجزیه و تحلیل با استفاده از روش‌های ویکور، ضریب موریس، امتیاز استاندارد و تحلیل مؤلفه‌های اصلی پرداخته شده که نتایج مبسوط آن به قرار زیر است:

۸-۱- روش ویکور

برای رتبه‌بندی و ارزیابی سطح توسعه شهرستان‌های استان، ماتریس تصمیم‌گیری و وزن هر یک از شاخص‌ها مشخص گردید که وزن شاخص‌ها از طریق آنتروپی شانون محاسبه شد. سپس مراحل مختلف روش ویکور برای شهرستان‌های استان محاسبه و در نهایت شهرستان‌ها بر اساس امتیازات به دست آمده، رتبه‌بندی شدند.

رتبه‌بندی و ارزیابی سطح توسعه شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان بر اساس روش ویکور نشان می‌دهد که شهرستان‌های زاهدان و زابل به ترتیب با امتیاز ۰/۹۹۱ و ۰/۸۷۱ از نظر برخورداری در رتبه‌های اول و دوم توسعه قرار دارند و شهرستان‌های سرباز، دلگان و زابلی به ترتیب با امتیازات ۰، ۰/۰۱۷ و ۰/۰۲۲ رتبه‌های آخر برخورداری از شاخص‌های توسعه منطقه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند.

۸-۲- روش امتیاز استاندارد Z

جهت سطح‌بندی توسعه شهرستان‌های استان با استفاده از روش امتیاز استاندارد شده، پس از تشکیل ماتریس با تقسیم کردن اختلاف انحراف، مقادیر هر شاخص از میانگین به انحراف معیار، مقادیر اصلی هر شاخص استاندارد شدند. پس از استاندارد کردن شاخص ترکیبی و تهیه ماتریس

استاندارد شده، مقادیر حاصل از هر ردیف را با یکدیگر جمع کرده و شاخص ترکیبی هر شهرستان مورد محاسبه قرار گرفت. پس از محاسبه شاخص ترکیبی ارقام به صورت نزولی مرتب شده و رتبه شهرستان‌ها مشخص شدند (جدول ۲). بر اساس روش امتیاز Z- استاندارد، شهرستان‌های زاهدان و زابل به ترتیب با شاخص‌های ترکیبی ۱/۴۳۷ و ۱/۱۴۰ در رتبه اول و دوم و شهرستان زابلی با شاخص ۰/۷۳۱- در آخرین رتبه در بین شهرستان‌های استان قرار گرفته است.

۸-۳- روش موریس

برای تهیه شاخص ترکیبی با استفاده از روش ضریب محرومیت موریس، نخست جدول ماتریس خام اولیه داده‌ها تهیه شد. سپس، بیشترین مقدار در هر ستون شاخص‌ها از رقم شاخص مربوط به آن استان کسر و حاصل آن بر اختلاف بزرگترین مقدار به کمترین مقدار تقسیم شد. پس از محاسبات کلیه ستون‌ها، اعداد هر ردیف جمع شده و نتیجه نهایی بر تعداد شاخص‌ها تقسیم شد که در نهایت شاخص ترکیبی با استفاده از این روش مورد محاسبه قرار گرفت. در مرحله آخر، شاخص ترکیبی محاسبه شده به صورت نزولی مرتب شده و رتبه شهرستان‌ها بر این اساس محاسبه شد. برای نشان دادن تفاوت بهتر شاخص ترکیبی، ارقام محاسبه به روش موریس در ۱۰۰ ضرب شدند.

نتایج حاصل از این روش نشان می‌دهد (جدول ۲) که شهرستان سیب و سوران با شاخص ترکیبی ۷۶/۱ درصد در سطح اول توسعه و شهرستان زابلی با شاخص ترکیبی با ۱۶/۱ درصد در رتبه آخر قرار گرفته است. مقایسه نتایج این روش با روش امتیاز Z استاندارد نشان می‌دهد که در هر دو روش شهرستان‌های زابلی، سرباز و دلگان در سطوح پایین توسعه و دارای رتبه مشابه هستند ولی در مورد سایر شهرستان‌ها شاهد تغییری جزئی در رتبه آنها هستیم.

جدول شماره (۲)- نتایج حاصل از سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان

روش ویکور (vikor)			تحلیل مؤلفه‌های اساسی			روش موریس			روش Z - استاندارد		
رتبه	نام شهرستان	رتبه	رتبه	نام مؤلفه	رتبه	رتبه	نام مؤلفه	رتبه	نام شهرستان	رتبه	رتبه
۱	زاهدان	۰/۹۹۱	۱	زاهدان	۳/۴۶	۱	سیب و سوران	۷۶/۱	۱	زاهدان	۱/۴۳۷
۲	زابل	۰/۸۷۱	۲	زابل	۳/۳۰	۲	زاهدان	۶۹/۵	۲	زابل	۱/۱۴۰
۳	ایرانشهر	۰/۴۷۵	۳	هیرمند	۲/۲۴	۳	نیکشهر	۴۹/۹	۳	ایرانشهر	۰/۴۹۶
۴	سراوان	۰/۳۹۹	۴	خاش	۱/۵۷	۴	سراوان	۳۹/۴	۴	سراوان	۰/۱۰۳
۵	خاش	۰/۳۵۲	۵	کنارک	۱/۱۴	۵	ایرانشهر	۳۹/۳	۵	خاش	۰/۰۹۷
۶	چابهار	۰/۳۱۲	۶	ایرانشهر	۰/۶۰	۶	زهک	۳۷/۲	۶	کنارک	۰/۰۳۲
۷	زهک	۰/۲۰۱	۷	چابهار	۰/۱۷	۷	هیرمند	۳۶/۲	۷	زهک	۰/۰۲۰
۸	نیکشهر	۰/۱۹۷	۸	زهک	۰/۲۲	۸	کنارک	۳۰/۵	۸	چابهار	۰/۱۳۸
۹	کنارک	۰/۱۲۷	۹	سراوان	۰/۴۹	۹	زابل	۲۹/۵	۹	نیکشهر	۰/۱۵۸
۱۰	هیرمند	۰/۰۵۹	۱۰	نیکشهر	۰/۱۱۳	۱۰	چابهار	۲۵/۷	۱۰	هیرمند	۰/۴۱۴
۱۱	سیب و سوران	۰/۰۳۶	۱۱	سریاز	۰/۶۳	۱۱	خاش	۲۰/۹	۱۱	سیب و سوران	۰/۴۷۲
۱۲	زابلی	۰/۰۲۲	۱۲	دلگان	۰/۰۰۷	۱۲	دلگان	۱۸/۳	۱۲	دلگان	۰/۶۶۶
۱۳	دلگان	۰/۰۱۷	۱۳	زابلی	۰/۴۰	۱۳	سریاز	۱۶/۸	۱۳	سریاز	۰/۰۰۵
۱۴	سریاز	۰	۱۴	سیب و سوران	۰/۶۱	۱۴	زابلی	۱۶/۱	۱۴	زابلی	۰/۷۳۱

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳)

۸-۴- روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی

برای محاسبه شاخص ترکیبی به روش مؤلفه‌های اصلی، ابتدا ماتریس اولیه با ابعاد 14×29 تشکیل شد، به طوری که متغیرها در ستون و شهرستان‌ها در ردیف قرار داده شدند و داده‌های مرتبط با هر شهرستان در فیلد مربوطه وارد شد. در ادامه فرآیند تحلیل این روش با استفاده از نرم‌افزار Spss انجام، که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

براساس روش تحلیل مؤلفه اصلی، شهرستان زاهدان با شاخص ترکیبی $3/46$ و شهرستان زابل با $3/30$ در سطح اول توسعه قرار گرفته‌اند، و شهرستان‌های سیب و سوران و زابلی به ترتیب با شاخص ترکیبی $3/61$ و $-3/40$ ، آخرین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۳) - عوامل اصلی استخراج شده حاصل از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها				
	۱	۲	۳	۴	۵
E1	۰.۳۸۸	۰.۵۱۰	۰.۳۱۵	-۰.۳۳۸	-۰.۴۴۰
E2	۰.۵۳۳	-۰.۰۲۱	۰.۳۱۶	۰.۶۹۳	۰.۲۴۷
E3	۰.۸۱۳	-۰.۳۳۴	۰.۴۳۶	۰.۰۳۴	-۰.۰۹۰
E5	۰.۹۳۱	-۰.۲۰۸	۰.۱۲۱	۰.۰۳۳	-۰.۰۰۷
E6	۰.۷۰۴	۰.۰۶۷	۰.۳۵۲	۰.۴۶۴	-۰.۰۹۰
E11	-۰.۰۱۴	۰.۹۷۷	۰.۰۳۱	۰.۰۸۲	۰.۰۳۵
E7	۰.۹۶۹	۰.۰۵۲	۰.۱۱۲	۰.۱۰۹	-۰.۰۱۹
E8	۰.۹۶۴	۰.۱۰۶	۰.۱۱۶	۰.۱۴۲	۰.۰۲۷
E9	۰.۹۳۶	-۰.۰۴۳	۰.۲۸۰	۰.۱۰۴	-۰.۰۹۲
E10	۰.۹۶۲	-۰.۰۹۷	۰.۲۰۷	۰.۰۷۸	-۰.۰۱۹
Ed2	۰.۸۹۷	۰.۲۵۲	۰.۱۵۸	۰.۲۰۱	-۰.۱۷۸
Ed1	۰.۹۳۹	۰.۱۴۴	۰.۱۴۸	۰.۲۱۸	۰.۰۷۷
Ed3	۰.۸۵۹	۰.۲۲۶	۰.۰۱۶	۰.۳۲۳	۰.۰۶۵
Ed4	۰.۹۲۱	۰.۲۵۱	۰.۱۳۱	۰.۱۷۱	۰.۱۳۵
In1	۰.۵۴۹	۰.۶۹۳	۰.۱۲۵	۰.۳۲۷	۰.۰۲۰
In2	۰.۳۶۶	۰.۰۷۰	۰.۳۶۲	۰.۲۳۷	۰.۷۵۰
H3	-۰.۰۱۳	۰.۱۶۱	-۰.۰۸۷	۰.۱۹۴	۰.۸۵۷
H4	۰.۸۵۵	۰.۰۹۷	۰.۳۳۱	۰.۲۸۱	۰.۱۰۹
c	-۰.۲۸۷	۰.۳۷۶	-۰.۷۰۷	-۰.۱۴۰	۰.۰۸۳
H5	۰.۶۲۳	۰.۱۶۹	۰.۶۳۷	۰.۲۰۳	۰.۲۷۵
H1	۰.۲۸۵	۰.۰۱۵	۰.۸۸۹	-۰.۰۱۱	۰.۰۶۰
H2	۰.۸۲۰	۰.۰۰۱	۰.۳۴۲	۰.۴۱۶	-۰.۰۵۵
In6	۰.۳۰۵	۰.۰۳۲	-۰.۰۲۴	۰.۷۹۰	۰.۲۶۱
E13	-۰.۱۷۰	۰.۹۰۷	۰.۲۰۷	-۰.۱۳۸	۰.۰۷۲
E12	۰.۱۴۱	۰.۸۰۷	۰.۲۰۶	-۰.۱۵۷	۰.۲۲۸
Ed5	۰.۸۸۹	۰.۰۱۸	۰.۲۱۴	۰.۰۴۸	۰.۲۹۷
Ed6	۰.۸۹۶	-۰.۱۰۴	۰.۱۳۲	۰.۴۵	۰.۳۲۴
u	۰.۸۰۶	۰.۲۷۷	۰.۳۳۶	۰.۲۲۹	-۰.۱۱۸
E14	-۰.۰۸۹	۰.۸۳۶	-۰.۱۸۶	۰.۱۵۱	-۰.۰۴۱
In3	۰.۸۲۱	۰.۰۴۶	۰.۰۹۳	-۰.۲۴۶	۰.۰۶۷

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳)

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه نامتوازن و تمرکز شدید یکی از ویژگی‌های ساختاری کشورهای جهان سوم است که کشورمان ایران نیز از این امر مستثنی نیست. عدم تعادل‌های درون منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان، از جایگاه این استان در سطح ملی تبعیت می‌کند. به این مفهوم که این استان ضمن اینکه در سطح ملی جزء محروم‌ترین و کم‌برخوردارترین استان‌ها به لحاظ شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود؛ از جهت توسعه درون منطقه‌ای نیز شکاف زیادی بین شهرستان‌های استان وجود دارد، لذا در یک جمع‌بندی کلی از نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت که:

رتبه‌بندی و ارزیابی سطح توسعه شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان بر اساس روش ویکور نشان می‌دهد که شهرستان‌های زاهدان و زابل به ترتیب با امتیاز ۰/۹۹۱ و ۰/۸۷۱ در رتبه‌های اول و دوم توسعه قرار دارند و شهرستان‌های سرباز، دلگان و زابلی به ترتیب با امتیازات ۰/۰۱۷ و ۰/۰۲۲ رتبه‌های آخر به لحاظ سطح‌بندی توسعه به خود اختصاص داده‌اند.

ارزیابی توسعه منطقه‌ای بر اساس روش امتیاز Z- استاندارد نشان می‌دهد که شهرستان‌های زاهدان و زابل به ترتیب با شاخص‌های ترکیبی ۱/۴۳۷ و ۱/۱۴۰ در رتبه اول و دوم و شهرستان‌های زابلی، سرباز و دلگان به ترتیب با شاخص ۰/۷۳۱، ۰/۷۰۵، ۰/۶۶۶- در آخرین سطح توسعه در بین شهرستان‌های استان قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از روش موريس نشان می‌دهد که شهرستان‌های سیب و سوران و زاهدان با شاخص ترکیبی ۷۶/۱ و ۶۹/۵ درصد در سطح اول توسعه و شهرستان‌های زابلی، سرباز و دلگان به ترتیب با شاخص ترکیبی با ۱۶/۱، ۱۶/۸، ۱۸/۳ درصد در رتبه آخر قرار گرفته‌اند.

بر اساس روش تحلیل مؤلفه اصلی، شهرستان زاهدان با شاخص ترکیبی ۳/۴۶ و شهرستان زابل با ۳/۳۰ در سطح اول توسعه قرار گرفته‌اند، و شهرستان‌های سیب و سوران، زابلی و دلگان به ترتیب با شاخص ترکیبی ۳/۶۱-، ۳/۴۰- و ۲/۰۰۷- آخرین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج فوق نشان می‌دهد که تقریباً در هر چهار مدل مورد بررسی (به جزء موريس) شهرستان‌های زاهدان و زابل در سطح اول توسعه قرار گرفته و به عنوان قطب رشد عمل کرده و شهرستان‌های زابلی، دلگان، سرباز و سوران در هر چهار روش به تناوب در پایین‌ترین سطوح توسعه قرار گرفته‌اند، این موضوع نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت در روش‌ها، ولی شاهد نتایجی تقریباً مشابه هستیم که شکاف و شدت عدم تعادل درون استانی را بیان می‌کند که این مسأله نیاز

به برنامه‌ریزی بلندمدت در جهت کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای و نیز ارتقاء شاخص‌های توسعه را در شهرستان‌های محروم و عقب‌مانده ضروری می‌نماید.

منابع

- اردشیری، مهیار (۱۳۷۰)، **نقش شهرک‌های جدید در توازن منطقه‌ای**، جزوه درسی، بخش برنامه‌ریزی، دانشگاه شیراز.
- آهنگری، عبدالمجید؛ سعادت‌مهر، مسعود (۱۳۸۶)، «مطالعه تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی»، **مجله دانش و توسعه**، شماره ۲۱.
- پور اصغر سنگاچین، اصغر؛ صالحی، اسماعیل؛ دیناروندی، مرتضی (۱۳۹۲)، مقایسه روش‌های سنجش توسعه پایدار منطقه‌ای با استفاده از شاخص ترکیبی (مطالعه موردی: استانهای ایران)، **پژوهش‌های محیط زیست**، شماره ۷.
- تقوائی، مسعود؛ احمدیان، مهدی؛ علیزاده، جابر (۱۳۹۰)، تحلیل فضائی و سنجش توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی، **مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضائی**، شماره ۳.
- تقوائی، مسعود؛ رضائی، علیرضا (۱۳۸۴)، تحلیلی بر روند تحولات شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری، **نشریه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)**، شماره ۱۸.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۱)، علل نابرابری در جوامع توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، **فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی**، شماره ۷.
- زالی، نادر (۱۳۸۰)، **سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای (نمونه موردی: استان آذربایجان شرقی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- شالی، محمد؛ رضویان، محمدتقی (۱۳۸۹)، نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه‌بندی، **فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، شماره ۱۷.
- شیخ‌بیگلر، رعنا؛ تقوائی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۴۶.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۴)، **برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر، انباشت سرمایه**، مشهد، نشر نیکا.
- قنبری، یوسف؛ برقی، حمید؛ حجاریان، احمد (۱۳۹۰)، سنجش توزیع فضایی مؤلفه‌های صنعتی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر برخورداری از سطوح توسعه، **مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضائی**، شماره ۱.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۰)، **برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای**، چاپ اول، تهران، انتشارات خوشبین.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان*، تهران، مرکز آمار ایران.
- موسوی، میرنجف؛ حکمت‌نیا، حسن (۱۳۸۴)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۶.
- مولایی، محمد (۱۳۸۷)، بررسی و مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۶۳.
- میردال، گونار (۱۳۵۵)، *طرحی برای مبارزه با فقر جهان*، ترجمه قهرمان قدرت‌نما، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- نصرالهی، خدیجه؛ اکبری، نعمت‌الله؛ حیدری، مسعود (۱۳۹۰)، تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان خوزستان)، *مجله آمایش سرزمین*، شماره ۴.

- Bar-Ela. Raphael, Schwartzb. Dafna(2006), Review Regional Development as a Policy for Growth with Equity: The State of Ceara (Brazil) as a Model, *Progress in Planning*, 65.
- Cole, J.P.(1987), Regional Inequalities in the Peoples Republic of China, *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 78.
- Hinderick, J. Sterkenburg, J.J.(1978), Spatial Inequality in Underdeveloped Countries and Role of Government policy, *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 69
- Morris, M. D.(1997), Measuring the Condition of the World's Poor: The Physical Quality of Life Index, *Pergamon Policy Studies*, 42.
- Opricovic, S.(1998), *Multi-criteria Optimization of Civil Engineering Systems*, Faculty of Civil Engineering, Belgrade.
- Opricovic, S., and Tzeng, G.-H.(2002), Multicriteria Planning of Postearthquake Sustainable Reconstruction, *Computer-Aided Civil and Infrastructure Engineering*, 17.
- Sukko, Kim(2008), *Spatial Inequality and Economic Development: Theories, Facts, and Policies, the International Bank for Reconstruction and Development*, World Bank.

جایگاه صنعت در اقتصاد ایران از عصر صفوی تا کنون

سیروس احمدی^۱

(تاریخ دریافت ۹۴/۵/۱۲ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۰/۲۰)

چکیده

هدف پژوهش حاضر این است که جایگاه صنعت را در ایران در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار دهد. براساس یافته‌های تحقیق، قبل از شکل‌گیری انقلاب صنعتی، ایران در دوره صفویه گام‌های بلندی به ویژه در صنعت نساجی برداشته بود اما در دوران افشاریه و زندیه، پیشرفتی در فعالیت‌های صنعتی در ایران به وجود نیامد. در دوره قاجاریه که کارآمدی آشکار اقتصاد صنعتی انگلستان باعث شده بود کشورهای مختلف به دنبال تکرار تجربه انگلستان باشند، اقداماتی در گسترش صنعت در حوزه‌های مختلف اتفاق افتاد، اما ایران در این دوره اساساً فاقد سیاستی مشخص در صنعتی شدن بود و مقدار ناچیزی از تولید ناخالص داخلی آن از فعالیت‌های صنعتی به دست می‌آمد. در دوره پهلوی، اولین قدم‌های واقعی در جهت صنعتی کردن ایران برداشته شد و سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش صنعت صورت گرفت. این روند در دوره جمهوری اسلامی نیز تداوم یافت و سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی و اشتغال، به میزان زیادی افزایش پیدا کرد. اما صنعت ایران در دو دوره اخیر اساساً مصرفی، وابسته به درآمدهای نفت و فاقد رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی بوده است.

واژگان کلیدی: صنعت، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی.

مقدمه

تا قرن هیجدهم، زمین مهم‌ترین منبع تولید غذا و فعالیت انسان بود. از اواسط این قرن چندین اختراع فنی روی داد که در نتیجه آن، بریتانیا به یک کشور صنعتی تبدیل گردید که از اساس با جامعه کشاورزی پیشین، متفاوت بود. افزایش ۴۰۰ درصدی تولیدات بریتانیا به دنبال انقلاب صنعتی (گیلیس، ۱۳۷۹: ۶۸۲) باعث گردید، صنعتی شدن یا انتقال از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به اقتصادی که تولید کارخانه‌ای شیوه اصلی معیشت باشد (هدلی، ۲۰۰۰: ۱۳۱۷)، مورد توجه سایر کشورها قرار گیرد. تمایل گسترده کشورها به صنعتی شدن، به دلیل نقش محوری صنعتی شدن در توسعه است (کیچینگ، ۱۹۸۲؛ روستو، ۱۹۶۰؛ مور، ۱۳۶۹؛ سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳). به علاوه، صنعتی شدن برای کشورهای در حال توسعه، به معنای کسب استقلال است. اگر کشورهای جهان سوم بخواهند به حیات خود ادامه دهند و مانع نفوذ فرهنگی و سیاسی خارجی شوند، باید بتوانند نیازهای صنعتی خود را از طریق صنعتی شدن برآورده سازند (گیلیس، ۱۳۷۹: ۷۰۹). در آغاز قرن نوزدهم علاوه بر انگلستان، کشورهای فرانسه، بلژیک، آلمان، اتریش و آمریکا نیز صنعتی شدند. در اواخر قرن نوزدهم روسیه و ژاپن، در قرن بیستم، بخش عمده کشورهای اروپای غربی، استرالیا و کانادا و در اواخر قرن بیستم شمار دیگری از کشورها همچون ممالک جنوب شرق آسیا (تودارو، ۱۳۷۷: ۳۶) عملاً صنعتی شدند. ایران یکی از کشورهایی است که علیرغم قدمت تمدن و سرآمد بودن در دوران قدیم، در دوران جدید نتوانسته است توفیقی در صنعتی شدن به دست آورد. اگرچه توسعه نیافتگی اقتصادی ایران از منظرهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است (بنانی^۱، ۱۹۶۱؛ اشرف، ۱۳۵۹؛ عظیمی، ۱۳۷۱؛ زیباکلام، ۱۳۷۴؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۴؛ آبراهامیان، ۱۳۷۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷؛ لهسایی‌زاده و عبداللهی، ۱۳۸۱؛ علمداری، ۱۳۸۵)، اما تحلیل وضعیت صنعت در ایران در دوره‌های مختلف تاریخی کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. براین اساس، هدف پژوهش حاضر این است که وضعیت صنعت را در ایران در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع به روش تاریخی انجام شده است. تحقیق تاریخی به دلیل عدم حضور محقق در صحنه واقعه، مبتنی بر اسناد و مدارک است (گال و همکاران، ۱۳۸۶) و تلاش می‌کند ویژگی‌های مشترک پدیده‌ها و حوادث تاریخی و دلایل بروز آنها را تبیین کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶). در تحقیق تاریخی بر خلاف سایر روش‌های تحقیق، به یافتن داده‌ها پرداخته می‌شود نه تولید داده‌ها (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶). بر همین اساس، اعتبار اسناد و مدارک بسیار حایز اهمیت است. در این تحقیق تلاش شده است با مراجعه به همکاران متخصص و نقد بیرونی و درونی منابع داده‌ها، اعتبار منابع مورد استفاده تضمین شود.

دوره صفویه تا پایان زندیه

ایران از زمان ورود اعراب مسلمان در سال ۱۵ هجری از مقام یک قدرت جهانی، به یکی از ولایات امپراتوری اسلامی تبدیل گردید. اگر چه حکومت‌هایی با هویت ایرانی از قرن سوم هجری در برخی مناطق ایران تشکیل گردید اما ایران تا نه قرن بعد، دارای یک حکومت ملی و یک واحد سیاسی یکپارچه نبود. سلسله صفویه در سال ۱۵۰۲ تقریباً مقارن با دوره رنسانس در اروپا، در ایران ظهور یافت. سلسله صفویه نشانه آغاز دورانی جدید در تاریخ ایران است. شاه اسماعیل صفوی به سرعت حکومت‌های محلی و مستقل درون ایران را درهم شکست و بر مبنای عامل مذهب تشیع، حکومتی فراگیر به وجود آورد. شاه اسماعیل اقدامات متعددی برای بهبود شرایط اقتصادی ایران به عمل آورد. به زعم پطروشفسکی (۱۳۵۹: ۴۸۱) در دوره شاه اسماعیل، بیگاری در ساختن جاده‌ها و شبکه‌های آبیاری، بسیار وسیع و گسترده بوده است. در دوره حکومت شاه طهماسب، با کاهش میزان تولید، مشکلات اقتصادی بیشتر گردید. ناامنی گسترده جاده‌ها به ویژه راه تجارتهی بین هرمز و حلب، باعث کاهش تجارت خارجی شد و احتمالاً به همین سبب بود که فرستاده تجاری انگلیس که در سال ۱۵۷۱ از طریق روسیه به ایران آمد، نتیجه گرفت که ادامه تجارت با ایران مناسب نمی‌باشد (سیف، ۱۳۷۳: ۲۸). با روی کار آمدن شاه عباس در سال ۱۵۷۸ و اقداماتی که تا سال ۱۶۲۹ به وسیله او انجام شد، بحران اقتصادی تخفیف یافت. شاه عباس برای تثبیت موقعیت خویش، دست به اقداماتی جهت احیای اقتصادی مملکت زد. تعمیر و گسترش شبکه‌های آبیاری یا قنات‌ها، کاهش مقدار مالیات‌ها به سطح قبل از ۱۵۷۰، قلع

و قمع راهزنان، افزایش امنیت داخلی، ساخت کاروان‌سراها و ساخت جاده‌های ارتباطی برخی از این اقدامات بودند که نه تنها موجب افزایش تولید گردید بلکه به تجارت هم رونق بخشید و در نتیجه، دوره‌ای پررونق در اقتصاد ایران به وجود آمد. تولید ابریشم به سرعت افزایش یافت به گونه‌ای که تخمین زده می‌شود، محصول ابریشم خام ایران در حدود ۲۰۰۰ تن بوده است (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱). قالیبافی در این دوره از سطح یک صناعت روستایی به فعالیتی در سطح کشور ارتقا یافت و نخستین کارگاه قالی‌بافی در اصفهان دایر گردید (سیوری، ۱۳۷۶: ۱۳۲). به علاوه، صنعت نساجی به میزان حیرت‌آوری ترقی یافت و کارگاه‌های متعددی در اصفهان، شیروان، قراباغ، گیلان، کاشان، مشهد و استرآباد شکل گرفتند. به گونه‌ای که در بازار اصفهان برای ۲۵۰۰۰ کارگر دکه وجود داشت و رییس صنف نساجان از قدرتمندترین افراد کشور بود (سیوری، ۱۳۷۶: ۱۳۸). ایران در این دوران شاهد رشد و گسترش اقتصاد شهری بود. تبریز با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر (عون الهی، ۱۳۸۷) مرکز عمده تجارت، تولید نساجی و جنگ‌افزار بود و اصفهان با جمعیتی بین ۵۰۰ هزار نفر (اولناریوس^۱، ۱۳۶۳) تا ۶۰۰ هزار نفر (شاردن^۲، ۱۳۴۹) شهری بسیار پررونق بود که بازرگانان زیادی را از چین، هند، آسیای مرکزی، عربستان، ترکیه و اروپا برای خرید اشیاء صنعتی به خود جلب می‌نمود. علاوه بر اصفهان و تبریز، شهرهای دیگری هم بودند که به دلیل مناسب بودن برای تجارت، به سرعت رشد یافتند. گمرون (بندرعباس) از یک دهکده کوچک به شهری با تجارت فوق‌العاده مبدل شد که تجار انگلیسی، هلندی، پرتغالی، هندی و غیره در آن به تجارت مشغول شدند (سیف، ۱۳۷۳: ۳۳). کاشان نیز به همین دلیل به سرعت رشد یافت. هربرت^۳، جهانگرد انگلیسی، که در سال ۱۶۰۰ در کاشان بود، می‌نویسد، این شهر که جمعیت زیادی دارد یکی از مراکز عمده صنایع نساجی است و مقدار ابریشمی که به آن وارد می‌شود از مقدار ماهوتی که به لندن وارد می‌شود، بیشتر است. کاروانسراها در این شهر بسیار خوب هستند و به عبارتی بی‌نظیرند (سیف، ۱۳۷۳: ۳۴).

در این دوره، تجارت بین‌المللی نیز توسعه یافت. شاه عباس در سال ۱۶۱۵ فرمانی به مدیر عامل

۱-Adam Olearius

۲-Jean Chardin

۳-T.Herbert

کمپانی هند شرقی داد که طی آن امتیازات مختلفی مانند آزادی ادای مراسم مذهبی به مأموران کمپانی واگذار می‌کرد و به آنان اختیار می‌داد که کارگاه‌هایی در ایران تأسیس کنند. در پی این امتیازات، کارگاه‌های متعددی در جاسک، شیراز و اصفهان دایر گردید (نویسی، ۱۳۶۰). تجارت ابریشم توسعه زیادی یافت، به نحوی که ابریشم خام ایران، دومین محصول وارداتی اروپا از آسیا بود و دولت ایران سالانه بالغ بر ۴۰ میلیون دینار از عوارض صادراتی ابریشم درآمد کسب می‌کرد. در مجموع، اقتصاد ایران در این دوره متکی به خود بود و بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات آن با یکدیگر هماهنگ و منطبق با نیازهای جامعه بودند. تجارت خارجی براساس صادرات قالی، ابریشم، بافته‌های ابریشمی و صنایع پیشه‌وری، و واردات پارچه‌های پشمی و نخی، سرب، قلع، ادویه، شکر و عطریات بود. تجارت خارجی از چنان بنیانی برخوردار بود که موجب شکوفایی صنایع داخلی و کسب مازاد تجاری می‌گردید (رزاقی، ۱۳۸۱: ۱۲). پس از شاه عباس، سیاست‌ها و برنامه‌های او تداوم نیافتند و اقتصادی ایران به تدریج در سراسیمی قرار گرفت و با سقوط صفویه در سال ۱۷۲۲ به وسیله محمود افغان، متحمل ضربات سنگینی گردید. اقتصاد ایران در دوره حکومت محمود افغان با خرابی‌های گسترده‌ای مواجه گردید و مجالی برای توسعه نیافت (لمبتون، ۱۳۵۴). در دوره حاکمیت محمود افغان در ایران، اولین جرقه صنعتی شدن در بریتانیا شکل گرفت و طی آن در سال ۱۷۳۳ جان کی موفق شد ماکوی متحرک اختراع کند (احمدی، ۱۳۹۳) که تعداد کارگران مورد نیاز برای بافتن پارچه را به نصف کاهش می‌داد. دقیقاً در همین زمان در ایران، دوره‌ای از اغتشاش، بی‌نظمی و غارت سراسر مملکت را فراگرفت و شکل‌گیری جنگ‌های داخلی و خارجی، چنان لطمه‌ای به ایران زد که در سال ۱۷۳۵ قحطی ایران را فرا گرفت و فقر و بیچارگی مردم باعث کاهش تجارت و نابودی صنایع دستی گردید (سیف، ۱۳۷۳: ۴۰). به علاوه، نمایندگی‌های بازرگانی اروپایی در ایران بسته شد (سایکس، ۱۳۸۰: ۴۰۵) و تجارت خارجی دچار رکود شد. در سال ۱۷۳۶ نادر شاه افشار با بیرون راندن افغان‌ها از ایران، تلاش کرد با احیای حاکمیت مرکزی، سیر رو به رشد بحران اقتصادی ایران را کند نماید اما تقریباً در تمام دوران حکومتش تا سال ۱۷۴۸، درآمدهای دولت به جای احیای نظام آبیاری منهدم شده، جاده‌ها، کاروانسراها، کارگاه‌ها و صنایع دستی و غیره،

صرف جنگ و کشورگشایی گردید. محاسبات هانوی^۱ بیانگر آن است که نادر در تأمین هزینه‌های سپاه دویست هزار نفری خویش معمولاً با یک کسری بودجه سنگین در حدود ده میلیون کراون مواجه بود (سیف، ۱۳۷۳: ۴۵). شدت فشارها به مردم به حدی بود که شهرهایی که در مسیر سپاهیان نادر قرار داشتند، به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه‌ها و مخارج سپاه، به قحطی می‌افتادند. این امر باعث شد احیای بنیه اقتصادی و توجه به بخش صنعت مورد غفلت قرار گیرد. او حتی حمله گسترده‌ای به هند نمود و غنایم بسیاری که ارزش آنها بالغ بر ۸۷ میلیون لیره استرلینگ بود، به دست آورد اما این ثروت، هیچ‌گاه در راه توسعه صنعتی ایران مورد استفاده قرار نگرفت (سایکس، ۱۳۸۰: ۳۷۸) و تأثیری بر ساختار صنعتی مملکت نگذاشت. با مرگ نادرشاه و پس از دوره‌ای کوتاه از ناآرامی‌ها، کریم خان زند در سال ۱۷۵۰ قدرت را در دست گرفت. در همین دوره، مرحله اول انقلاب صنعتی که با ماشین بخار، آهن، زغال سنگ، ماشین‌های نساجی و کارخانجات مشخص می‌شود در بریتانیا شکل گرفت (نولان و لنسکی، ۲۰۰۹: ۱۹۵). کریم خان زند اگرچه در جریان تحولات صنعتی در بریتانیا نبود اما با کاهش نرخ مالیات‌ها به تشویق صنعتگران پرداخت (پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۶۱۵). در این دوره برخی کارگاه‌های چینی‌سازی و شیشه‌گری در ایران احداث و صنایع و بازرگانی تا حدودی رونق یافت. کریم‌خان تسهیلاتی برای شرکت‌های انگلیسی قائل شد تا آنها پارچه‌هایی به ایران وارد کنند و از پرداخت حقوق گمرکی معاف باشند، به شرط اینکه در مقابل، کالاهای ایرانی خریداری نمایند (سلیم، ۱۳۷۴: ۱۰۹).

دوره قاجاریه

با مرگ کریم خان، ایران بار دیگر دستخوش ناآرامی گردید اما آقا محمدخان قاجار با کنار زدن رقبای داخلی، در سال‌های پایانی قرن هیجدهم، زمام امور را به دست گرفت و سلسله قاجاریه را بنا نهاد. آقا محمدخان پس از حدود دو سال حکومت، بی‌آنکه بر ساختار صنعتی ایران تأثیر مثبتی داشته باشد، به قتل رسید و زمام امور به فتحعلی شاه رسید. صنعت در ایران در دوره ۳۷ ساله حکومت فتحعلیشاه به دلیل شکست در دو جنگ با روسیه و الزام به پرداخت پنج میلیون تومان خسارت جنگ (شمیم، ۱۳۷۰)، مجالی برای توسعه نیافت اما دقیقاً در همین دوره

کشورهای فرانسه، بلژیک، آلمان، اتریش و آمریکا توسعه صنعتی سریعی را تجربه نموده و عملاً در ردیف کشورهای صنعتی قرار گرفتند. شکست‌های پیاپی ایران از روسیه که نسبت به سایر ممالک اروپایی در وضعیت عقب‌مانده‌تری قرار داشت، این واقعیت را برای برخی سیاستمداران و روشنفکران ایرانی همچون عباس میرزا آشکار ساخت که تحول عظیمی در غرب در حال وقوع است که ما از آن بی‌خبریم. عباس میرزا کوشید تا ایران را در مسیر توسعه صنعتی قرار دهد. اگر چه او عمدتاً بر صنایع نظامی و کسب آنها از اروپا تأکید می‌ورزید (راوندی، ۱۳۷۴: ۵۲۶) اما تلاش کرد افراد مستعدی را برای کسب علوم و فنون جدید به انگلستان بفرستد و برخی صنعتگران اروپایی را برای تعلیم به ایران بیاورد. در این دوره، آبله کوبی در ایران معمول شد و نخستین چاپخانه سربی پایه‌گذاری گردید (نفیسی، ۱۳۷۲: ۲۲۲). دوره حکومت ۱۴ ساله محمد شاه عمدتاً به دفع برخی کشمکش‌ها و مسائل داخلی گذشت اما میرزا ابوالقاسم قائم مقام که مدت کوتاهی به مقام صدراعظمی رسید، تلاش‌هایی در جهت راه‌اندازی صنایع و معادن و به کارگیری صنعتگران خارجی و فرستادن دانشجویان به خارج به عمل آورد (امینی و شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

از نیمه قرن نوزدهم تا پایان این قرن، دوران طولانی حکومت ناصرالدین شاه قاجار است. این دوره دقیقاً مصادف با ظهور دومین مرحله انقلاب صنعتی است که با اختراع راه آهن، کشتی بخار، فولاد، پلاستیک، تلگراف و ماشین‌آلات کشاورزی بازشناخته می‌شود و طی آن انگلستان، عملاً پیشگامی خود را در صنعت و فن‌آوری از دست داد (نولان و لنسکی، ۲۰۰۹: ۱۹۷). مهمترین ویژگی دوران حکومت ناصرالدین شاه، اعطای امتیازات متعدد به روسیه و انگلستان است. در اوایل این دوره یعنی در زمان صدرات امیرکبیر اقداماتی در گسترش صنعت در ایران انجام شد. او کارخانه‌های مختلف صنعتی و پارچه‌بافی ایجاد کرد، از اهل فن چند نفری را به روسیه فرستاد که صنایع غربی را بیاموزند، در رقابت با کالاهای خارجی از صنعت ملی سخت حمایت کرد و کالاهای وطنی را معمول ساخت، به استخراج معادن دست زد و آن را تا پنج سال از مالیات معاف کرد، استاد معدن‌شناسی استخدام و مجمع الصنایعی از مصنوعات ایرانی تأسیس کرد و محصولات ایران را به نمایشگاه بین‌المللی لندن فرستاد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۲۰). افزون بر آن، او برای تأمین نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز به تأسیس مدرسه دارالفنون پرداخت و اساتید برجسته اروپایی را برای تدریس در مدرسه به ایران دعوت کرد. خود ناصرالدین شاه نیز به دلیل مسافرت‌های متعدد و طولانی مدت

به اروپا با برخی مظاهر تمدن صنعتی آشنا شده بود و اقداماتی هر چند محدود در توسعه صنعت انجام داد. ایجاد تلگراف خانه بین تهران و تبریز (امینی و شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۷۵)، تأسیس راه آهن بین تهران و حرم حضرت عبدالعظیم (امینی و شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۷۷)، ایجاد سیم تلفن بین کامرانیه و کاخ گلستان، راه اندازی کارخانه های چلوار بافی، گلوله ریزی، چینی سازی، شمع ریزی، نساجی، ابریشم تابی، باروت کوبی، چای سازی، سیگار سازی، قند سازی، کاغذ سازی و چاپخانه از مهمترین اقدامات صنعتی در عهد ناصرالدین شاه می باشند. اما این اقدامات برای صنعتی کردن کشور به هیچ روی کافی نبود.

کرزن^۱ دیپلمات انگلیسی در سال ۱۸۹۱ می نویسد، اساساً در ایران کارخانه به آن معنا که در اروپا شناخته می شود، وجود ندارد. صنعت نیز به معنای استفاده از بخار و آب برای انتقال نیرو و ایجاد حرکت، هنوز پدیده ای ناشناخته است (زیبا کلام، ۱۳۷۶: ۱۰۶). پس از مرگ ناصرالدین شاه سه تن دیگر از خاندان قاجار یعنی مظفرالدین شاه (۱۹۰۷-۱۸۹۶)، محمد علی شاه (۹-۱۹۰۷) و احمد شاه (۲۵-۱۹۰۹) بر ایران حکومت کردند. در این دوره، انقلاب صنعتی وارد مرحله سوم شد و ویژگی اساسی آن پیشرفت های چشمگیر در تلفن، برق، اتومبیل، نفت، هواپیما، رادیو و امواج است (نولان و لنسکی، ۲۰۰۹: ۲۰۰). مهمترین تحول در حوزه صنعت ایران در این دوره، کشف منابع نفتی و به نفت رسیدن دو حلقه چاه در منطقه مسجد سلیمان در سال ۱۹۰۹ توسط مؤسسه متعلق به داری^۲ انگلیسی بود که منجر به تأسیس شرکت نفت انگلیس و ایران و شکل گیری صنعت نفت در ایران گردید. علیرغم اینکه در اواخر دوره قاجار ۴۱ کارخانه و کارگاه خارجی (شامل ۱ بلژیکی، ۴ آلمانی، ۳۱ روسی و ۵ آلمانی- روسی) با ۱۵۲ نفر کارگر و ۲۰ کارخانه و کارگاه ایرانی با ۵۲۴ نفر کارگر در ایران مشغول فعالیت بودند (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۹)، اما ایران اساساً سیاستی مشخص در صنعتی شدن نداشت و هم چنان یک کشور غیر صنعتی به شمار می آمد که مقدار ناچیزی از تولید ناخالص داخلی آن از فعالیت های صنعتی به دست می آمد (فلور، ۱۳۷۱: ۹).

۱-G.N.Curzon

۲-W.N.Darcy

دوره پهلوی

با انحلال حکومت قاجار توسط مجلس پنجم در سال ۱۳۰۴، رضاخان پهلوی که با کودتای سال ۱۲۹۹ به عنصر نیرومندی در ساختار سیاسی ایران تبدیل شده بود، زمام امور را به دست گرفت و حکومت پهلوی در ایران به قدرت رسید. اولین قدم‌های واقعی در جهت صنعتی شدن ایران به استثنای صنعت نفت، در همین زمان برداشته شد (فوران، ۱۳۸۰: ۳۵۱). در ابتدای حکومت رضاشاه، نظام حمل و نقل برای پیشبرد بازرگانی نامناسب بود، تهیه برق رضایت‌بخش نبود، نظام بانکداری و مؤسسات مالی توانایی تشویق و یاری ابتکارهای صنعتی نداشتند و نیروی انسانی مجرب و مورد نیاز بخش صنعت نیز در همه سطوح وجود نداشت. در نتیجه، حکومت با اتکا به درآمدهای نفتی، برنامه وسیعی برای برآورده ساختن این نیازها انجام داد. ایجاد راه آهن سراسری که دو دریا را به هم وصل می‌کرد، کشیدن بیست هزار کیلومتر راه، تأسیس بانک ملی با حق انتشار اسکناس و تنظیم سیاست مالی کشور، ایجاد نظام نوین آموزش و پرورش و دانشگاه تهران، اعزام دانشجویان به خارج و راه‌اندازی نیروگاه برق در همه شهرهای بزرگ، در همین راستا صورت پذیرفت. تلاش‌های زیادی برای یافتن سرمایه‌گذارانی که مایل به ایجاد صنایع جدید باشند، انجام شد و قوانین متعددی در جهت حمایت از صنعت مانند معافیت‌های عوارض گمرکی و مالیاتی بلند مدت ده ساله برای واردکنندگان ماشین‌آلات صنعتی، کاهش واردات و انحصار بازرگانی خارجی، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ایران تا سال ۱۳۲۰ یک برنامه صنعتی ۲۶۰ میلیون دلاری را تحقق بخشید و ۲۰/۹ درصد از بودجه کل کشور به بخش صنعت اختصاص یافته بود (فلور، ۱۳۷۱: ۴۸). در سال ۱۳۲۰ بالغ بر ۲۹۵ واحد صنعتی در ۲۲ رشته صنعت در ایران دایر شده بودند (صداقت کیش، ۱۳۵۲: ۵۰). نکته مهم در صنعت ایران این بود که تمرکز عمده بر صنایع سبک بود (کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۱۷) و صنایع سنگین، کمتر مورد توجه قرار داشت. به علاوه، هر چند جهش بزرگی در ساختار صنعتی کشور صورت گرفته بود، اما محصولات و فرآورده‌های صنعت ایران به دلیل کیفیت پایین، از توان رقابت برخوردار نبودند (فلور، ۱۳۷۱: ۳۶) و صنعت ایران هنوز حتی در مقایسه با ممالک هم‌ردیف مانند مصر و ترکیه عقب‌مانده محسوب می‌شد (فلور، ۱۳۷۱: ۵۲).

با ورود نیروهای متفقین به خاک ایران در شهریور ۱۳۲۰، رضا شاه از قدرت برکنار و پسرش محمدرضا شاه به قدرت رسید. از این زمان (نیمه دوم قرن بیستم) به بعد، انقلاب صنعتی وارد

مرحله چهارم گردید که اصطلاحاً عصر اطلاعات نامیده می‌شود و ویژگی اساسی آن اختراع تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت و سرعت دسترسی به انواع گوناگون اطلاعات است (نولان و لنسکی، ۲۰۰۹: ۲۰۱). در طی چند سالی که کشور در دست نیروهای خارجی بود صنعت ایران به شدت آسیب دید (فوران، ۱۳۸۰: ۳۹۵) در نتیجه، تحویلی در ساختار صنعت ایران مشاهده نشد. تحولات ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و به قدرت رسیدن محمد مصدق اگرچه باعث گردید در مدت زمانی بسیار کوتاه اقتصاد ایران بدون نفت اداره گردد و حتی تراز بازرگانی کشور مثبت شود، اما تغییر خاصی در ساختار صنعتی ایران بوجود نیامد (احمدی، ۱۳۹۳). شاه ایران در سال ۱۳۳۳ قرارداد جدیدی با غرب در مورد تولید و فروش نفت منعقد نمود که به موجب آن، سود خالص بین ایران و کنسرسیوم بر مبنای ۵۰-۵۰ تقسیم شود. سهم ایران در سال ۱۳۴۱ به ۵۶ درصد و در سال ۱۳۴۹ به ۶۱ درصد افزایش یافت. درآمد دولت ایران به رغم استعمار از سوی کنسرسیوم به نحو قابل توجهی افزایش یافت، خاصه بعد از آنکه اوپک^۱ در سال ۱۳۳۹ تشکیل شد و در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۲ جنگ‌های اعراب و اسرائیل به وقوع پیوست که در نتیجه آن، قیمت نفت بالا رفت. در طی این قضایا، درآمد نفتی ایران تقریباً هزار برابر شد و از ۲۲/۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۳ به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید (فوران، ۱۳۸۰: ۴۶۳). به همین خاطر سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش صنعت ایران صورت گرفت (رشیدی، ۱۳۷۹). تعداد کارخانه‌های کوچک (بین ۱۰ تا ۴۹ کارگر) از هزار واحد در سال ۱۳۳۲ به بیش از ۷۰۰۰ واحد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت. تعداد کارخانه‌های متوسط (بین ۵۰ تا ۱۰۰ کارگر) در طی همین دوره از ۳۰۰ واحد به ۸۳۰ واحد رسید و کارخانه‌های بزرگ (با بیش از ۵۰۰ کارگر) نیز از ۱۹ واحد به ۱۵۹ واحد افزایش یافت (فوران، ۱۳۸۰: ۴۸۴). تعداد کارگران صنعتی با یک افزایش چشمگیر به رقم ۲/۵ میلیون نفر رسید (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۳۰) و سهم صنعت در اشتغال کشور در سال ۱۳۵۷ به ۳۰ درصد افزایش یافت (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۵۸). نرخ رشد صنعتی دو رقمی (بین ۹/۴ تا ۱۵ درصد) گردید و سهم صنعت در تولید ناخالص ملی به ۱۸ درصد رسید. با این حال، صنایع ایران ساختاری مصرفی و وابسته داشتند (رزاقی، ۱۳۸۱: ۲۲) به گونه‌ای که ۶۰ درصد صنایع به تولید کالاهای مصرفی اختصاص داشت و ۵۰ درصد واردات کشور را جذب

می‌کرد (رشیدی، ۱۳۷۵: ۱۱۳). به علاوه، صنایع ایران بسیار کمتر از ظرفیت خود تولید می‌کردند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۲۶) و در عرصه بین‌المللی رقابت‌پذیر نبودند. به صورتی که در سال ۱۳۵۷ کل صادرات محصولات صنعتی و معدنی و سرمایه‌های ایران در حدود ۳۱۵ میلیون دلار بود (رشیدی، ۱۳۷۵: ۱۱۳).

جمهوری اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بخش صنعت و به ویژه صنعتی شدن ایران، مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفت. اما در دوره ده ساله ۶۷-۱۳۵۷ در نتیجه تحریم اقتصادی آمریکا و ممالک غربی که به دنبال ماجرای گروگان‌گیری رخ داد، صنایع ایران با کمبود شدید قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز، مواجه شدند (رزاقی، ۱۳۸۱: ۲۴) و در نتیجه جنگ هشت ساله، تعداد زیادی از کارخانجات صنعتی کشور از بین رفتند و ظرفیت تولید آنها در صنایع سرمایه‌ای به ۲۵ درصد، در صنایع مصرفی به ۵۰ درصد و در صنایع واسطه‌ای به ۸۰ درصد کاهش یافت (مدنی، ۱۳۷۴: ۱۴۳). به علاوه، در نتیجه خروج سرمایه‌ها از کشور، آشوب‌های سیاسی، عدم تثبیت مدیران، کمبود نقدینگی، بی‌تجربگی مدیران و نامعلوم بودن تکلیف مالکیت، مشکلات بخش صنعت تشدید گردید (رشیدی، ۱۳۷۵: ۱۱۴). در مجموع، در این دوره بخش صنعت ایران مجالی برای رشد نیافت و بخش صنعت با توجه به محدودیت شدید درآمدهای ارزی اساساً در پی این بود که نیازهای کشور را در حد امکان برآورده کند. در نتیجه، کل صادرات صنعتی ایران در سال ۱۳۶۷ به حدود ۷۰ میلیون دلار می‌رسد (رشیدی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). از سال ۱۳۶۸ به دنبال خاتمه جنگ، با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، تنظیم برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های کلان، تلاش گردید ساختار صنعت کشور متحول گردد. نتایج این امر باعث گردید در آغاز دهه ۱۳۹۰ سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی به ۲۱/۵ درصد و میزان اشتغال در بخش صنعت به ۳۲/۴ درصد برسد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). به علاوه، صادرات صنعتی ایران در سال ۱۳۹۰ به ۱۲/۹ میلیارد دلار افزایش یافت که تقریباً سه پنجم آن محصولات معدنی و محصولات صنایع شیمیایی بوده است. با این حال، صنعت ایران در دوره پس از انقلاب، همچنان ساختاری عمدتاً مصرفی دارد، مونتاژی و برای مصرف داخلی است، فاقد رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی است، به درآمد نفتی دولت

وابستگی دارد(رزاقی، ۱۳۸۱: ۱۶۷) و دارای سطح بهره‌وری پایین است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش محوری صنعت در توسعه، پژوهش حاضر تلاش کرده است جایگاه صنعت را در دوره‌های مختلف تاریخی ایران، بررسی کند. در دوره صفوی که اساساً قبل از وقوع انقلاب صنعتی در اروپاست، به ویژه تا اواسط قرن هفدهم فعالیت‌های قابل قبولی در حوزه صنعت صورت گرفت. دایر گردیدن نخستین کارگاه‌های قالیبافی و گسترش صنعت نساجی بیانگر این بود که ایران گام‌های بلندی در توسعه صنعت برداشته است. گسترش اقتصاد شهری و تجارت خارجی نیز نوید دهنده تداوم این فعالیت‌ها بودند. اما این سیاست‌ها در دولت صفوی تداوم نیافت و با سقوط آنها در اوایل قرن هیجدهم، صنعت ایران به سمت نابودی رفت و تجارت خارجی دچار رکود شد. دولت افشار اگرچه با بیرون کردن افغان‌ها، وحدت ایران را احیا نمود اما درآمدهای دولت به جای احیای کارگاه‌ها و صنایع دستی، صرف جنگ و کشورگشایی گردید و در نتیجه صنعت در ایران مجالی برای توسعه نیافت.

در نیمه قرن هیجدهم با به قدرت رسیدن دولت زندیه، تلاش‌هایی در جهت تشویق صنعتگران صورت گرفت و برخی کارگاه‌های چینی‌سازی و شیشه‌گری احداث شدند اما عمر کوتاه دولت زندیه باعث گردید روند توسعه صنعتی در ایران جامع نباشد. در این سال‌ها، اگرچه انقلاب صنعتی در بریتانیا عملاً اتفاق افتاده بود اما توسعه اقتصادی ناشی از آن چندان آشکار نبود. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، با رشد ۴۰۰ درصدی اقتصاد صنعتی انگلستان، مشخص گردید اقتصاد این کشور به دنبال انقلاب صنعتی از کارآمدی محسوسی برخوردار است و به همین دلیل، دولت‌های مختلف تلاش کردند صنعتی شدن را به عنوان یک خواست مطلوب، مورد نظر قرار دهند. این دوره که مقارن با حکومت قاجارها در ایران است، پیشرفت قابل قبولی در صنعت به وجود نیامد و دولت قاجار فاقد سیاستی مشخص در صنعتی شدن بود به گونه‌ای که فقط بخش ناچیزی از تولید ناخالص داخلی کشور از فعالیت‌های صنعتی به دست می‌آمد.

در دوره پهلوی نخستین گام‌های عملی برای توسعه صنعت در ایران برداشته شد و حکومت با اتکا به درآمدهای نفتی، برنامه وسیعی برای توسعه صنعتی انجام داد به طوری که در دوره ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ تعداد کارخانه‌ها، تعداد کارگران، سهم صنعت در اشتغال کشور، نرخ رشد صنعتی و سهم صنعت در تولید ناخالص ملی به میزان قابل توجهی افزایش یافت اما ایراد اساسی آن این

بود که ساختاری مصرفی و وابسته داشتند و رقابت‌پذیر در عرصه بین‌المللی نبودند. در دوره جمهوری اسلامی، بخش صنعت به دلیل کارکردهای آن در کمک به استقلال سیاسی و اقتصادی، مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفت اما در دوره ده ساله ۶۷-۱۳۵۷ به دلیل تحریم اقتصادی، خروج سرمایه‌ها از کشور و جنگ، آسیب فراوانی دید. از اواخر دهه ۱۳۶۰ با اجرای سیاست تعدیل و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، وضعیت صنعت کشور متحول گردید. به طوری که در آغاز دهه ۱۳۹۰ سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی و نیز میزان اشتغال در بخش صنعت به طور قابل توجهی افزایش یافته است اما صنعت ایران همچنان مصرفی و فاقد رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی است. با توجه به اینکه در ایران در طول تاریخ، دولت‌ها نقش اصلی در امور مختلف کشور داشته‌اند، با استناد به نظریه دولت توسعه لغت ویچ (۱۳۷۸) می‌توان توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران را به عدم وجود یک عزم راسخ در دولت‌ها برای توسعه صنعتی کشور منتسب نمود. بر اساس یافته‌های تحقیق اگر چه دولت قاجار زمینه ساز توسعه نیافتگی صنعتی ایران گردید، اما توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران را صرفاً به قاجارها نمی‌توان منتسب کرد. در قرن هیجدهم تنها کشور صنعتی جهان، انگلستان بود اما به تدریج بر شمار کشورهای صنعتی افزوده گردید. حتی در سال‌های پایانی قرن بیستم، چندین کشور عملاً صنعتی شدند و اکنون نیز شماری دیگر از کشورها در آستانه صنعتی شدن قرار گرفته‌اند. این امر بیانگر این است که شانس صنعتی کردن ایران برای دولت‌های پس از قاجار نیز کم نبوده است.

منابع

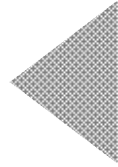
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۶)، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر شیرازه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، انتشارات خوارزمی.
- احمدی، سیروس (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی صنعتی*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران، انتشارات زمینه.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، تهران، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- امینی، علیرضا؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب (۱۳۸۵)، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجاریه تا رضا شاه*، تهران، انتشارات قومس.
- پطروشفسکی، پ. (۱۳۵۹)، *تاریخ ایران*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، انتشارات توس.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۴۶)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات سمت.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران*، ترجمه محمد فخر داعی گیلانی، تهران، انتشارات افسون.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه.
- سلیم، غلامرضا (۱۳۷۶)، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران، نشر چشمه.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۴)، *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران، پژوهشکده جامعه‌پژوهی و برنامه‌ریزی میزان.
- سیوری، راجر (۱۳۷۶)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹)، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۰)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، انتشارات علمی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، انتشارات نگاه.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۱)، *آشنایی با اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی.
- رشیدی، علی (۱۳۷۹)، «توسعه صنعتی ایران، تجربه گذشته و افق آینده»، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، خرداد و تیر، شماره ۱۵۴-۱۵۳.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۶)، *سنت و مدنیت، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*، تهران، انتشارات روزنه.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۴)، *ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران*، تهران، نشر روزنه.
- صداقت‌کیش، جمشید (۱۳۵۲)، *صنایع در توسعه اقتصادی ایران*، تهران، سازمان چاپ خوشه.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۵)، *چرا ایران عقب‌ماند و غرب پیش رفت؟* تهران، نشر توسعه.
- عون‌اللهی، سیدآغا (۱۳۸۷)، *تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویه*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۲۵-۱۹۰۰*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
- فوران، جان (۱۳۸۰)، *مقاومت‌شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.

- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، *نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، گام نو.
- کریمی، زهرا (۱۳۹۰)، «توان اشتغالزایی بخش صنعت در ایران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۸۵، صص ۲۷۱-۲۵۰.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جويس (۱۳۸۶)، *روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گیلیس، مالکوم (۱۳۷۹)، *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نشر نی.
- لفت ویچ، آدریان (۱۳۷۸)، *دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و احد علیقلیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- لهسایی زاده، علی؛ عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی جهان سوم*، شیراز، انتشارات نوید.
- لمبتون، آن (۱۳۵۴)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مدنی، امیرباقر (۱۳۷۴)، *موانع توسعه اقتصادی ایران، مقایسه با ژاپن*، تهران، انتشارات شهرآشوب.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، *سالنامه آماری کشور*، تهران، مرکز آمار ایران.
- مور، برینگتون (۱۳۶۹)، *ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر دانشگاهی.
- نفیسی، سعید (۱۳۷۲)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران، انتشارات بنیاد.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۰)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران عصر صفوی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- Banani, A.(1961), *The Modernization of Iran*, Stanford, Stanford University Press.
- Hedley, R., A.(2000), *Industrialization in Less Developed Countries, In Encyclopedia of Sociology*,(eds), E., F., Borgatta & R., Montgomery, New York, Macmillan Press, pp1316-1324.
- Kitching, G.(1982), *Development and Under Development in Historical perspective*, London, Methuen.
- Nolan, P., Lenski, G.(2009), *Human Societies, An Introduction to Macro Sociology*, London, Paradigm Publishers.
- Rostow, W.(1960), *The Stage of Economic Growth*, New York, Cambridge University Press.
- United Nations Development Programme (UNDP)(2013), *Human Development Report*, Oxford, Oxford University Press.

تحلیلی بر اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری (مطالعه شهرستان بیرجند)



جواد یوسفی^۱

محمد شریفی تهرانی^۲

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۸/۱۵)

چکیده

موضوع اثرات گردشگری در سه حیطه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و زیست محیطی مورد توجه می‌باشد. آنچه در این تحقیق مورد بحث است اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه صنعت گردشگری در شهرستان بیرجند می‌باشد. تحقیق از نظر روش شناسی توصیفی - تحلیلی و از نوع پژوهش‌های پیمایشی می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و همچنین منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک آزمون T تک نمونه‌ای صورت پذیرفته است. بر اساس نتایج استخراج شده از آزمون باید گفت توسعه صنعت گردشگری به تقویت اثرات مثبت آن در شهرستان بیرجند کمک خواهد کرد ولی از سوی دیگر این توسعه اثرات منفی را نیز در پی خواهد داشت. از جمله راهبردهایی که می‌توان برای خنثی نمودن اثرات منفی توسعه گردشگری به کار برد، می‌توان به جلب مشارکت بیشتر مردم در فعالیت‌های گردشگری، آموزش مردم جهت برقراری ارتباط مؤثر و حل تعارضات، و دادن اطلاعات و آگاهی به گردشگران از طرق مختلف و ... اشاره نمود.

۱ - مربی، گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)، yousefi.j@skpnu.ac.ir

۲ - دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، ایران،

Msharifit@chmail.ir

واژگان کلیدی: اثرات گردشگری، پیامدها و عوارض، توسعه، اثرات اجتماعی و فرهنگی، بیرجند.

۱- مقدمه

امروزه صنعت گردشگری در دنیا یکی از منابع مهم درآمد و درعین حال از عوامل مؤثر در تبدلات فرهنگی بین کشورهاست و به عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. هر چند رکن اصلی پدیده گردشگری جاذبه‌های طبیعی مقصد مانند کوه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها است که سبب می‌شود گردشگران و جهانگردان برای دیدن آن‌ها به آن مقصد خاص سفر کنند، اما عامل مؤثر دیگر در گردشگری امروز مردم دنیا، آشنایی با سبک زندگی مردمان ملت‌های دیگر است. از این رو برقراری تعاملات میان فرهنگی بین ساکنان منطقه میزبان و گردشگران از موضوعات مورد توجه در این زمینه است.

فرهنگ مردم هر منطقه منعکس‌کننده ویژگی‌های ساکنان هر منطقه است. موفقیت در این عرصه و دستیابی به منافع مادی و غیر مادی حاصل از آن مستلزم درک پدیده گردشگری، شناخت ابعاد و آثار آن و همچنین آشنایی با مدیریت صحیح مؤسسات و دستگاه‌های متولی صنعت گردشگری است.

گردشگری با انسان و انگیزه‌ها، خواسته‌ها و نیازها و آرزوهای او که منبعث از فرهنگ جامعه است، ارتباط دارد به حدی که می‌توان گفت محرک اصلی گردشگری در واقع همین اختلاف فرهنگ‌ها است. بنابراین گردشگری وابسته به انسان و انسان‌محور است.

نگرش مثبت میزبانان به گردشگران، تواضع و ادب و برخورد‌های صمیمی و دوستانه که نشأت گرفته از فرهنگ آن‌هاست مبنای اصلی تجربه لذت‌بخش برای گردشگران و توفیق صنعت گردشگری است.

فرهنگ منبعی حیاتی برای توسعه گردشگری محسوب می‌شود و گردشگری نیز سهم مهمی در توسعه فرهنگی دارد (ریچاردز^۱، ۲۰۰۲: ۹). بنابراین آثار و پیامدهای این دو پدیده دوسویه است. در مقاله پیش رو سعی بر آن است که ضمن معرفی برخی آثار مثبت و منفی اجتماعی و فرهنگی

گردشگری، تحلیلی از تأثیر آنها بر گردشگری ارائه شود و متناسب با آن راهبردهایی جهت تقویت اثرات مثبت و محدود کردن اثرات منفی پیشنهاد گردد.

۲- مبانی نظری تحقیق

چارچوب مفهومی

توسعه چشمگیر صنعت جهانگردی در دهه‌های اخیر این صنعت را به صورت یکی از فعالیت‌های مهم اقتصادی- اجتماعی بسیاری از کشورها درآورده است. تعداد جهانگردان روز به روز در حال فزونی است به همین سبب امروز جهانگردی یکی از راههای اثربخش ارزآوری برای کشورها به شمار می‌آید. کارشناسان اقتصاد منطقه‌ای نیز گردشگری را تنها عامل استقرار منابع و توسعه مناطق کمتر توسعه یافته معرفی نموده‌اند (معصومی، ۱۳۸۸: ۱۴).

در توسعه جهانگردی اگر به جز ارزش‌های اقتصادی ارزش‌های دیگری ملاک انتخاب نباشد، مسلماً آینده این صنعت بسیار تاریک و مبهم خواهد بود. در چنین حالتی توسعه جهانگردی منجر به از بین رفتن منابع طبیعی و فرهنگی و انحطاط اخلاقی و ارزشی شده است و کیفیت‌ها فدای کمیت‌ها می‌شود، بنابراین باید با ارزیابی و تحلیل اثرات و پیامدهای گردشگری بر دیگر جنبه‌ها و ابعاد توسعه جوامع از وقوع این رخدادها جلوگیری به عمل آورد. از طرف دیگر و در حوزه مطالعات و تحقیقات نیز متأسفانه پژوهش‌ها در این حیطه موضوعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله می‌توان به تحقیق گنل و باربارا^۱ (۲۰۰۸: ۲۳۰) اشاره کرد که بر اساس آن این نتیجه حاصل شده است که با عنایت به اینکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته نیاز شدیدی به مزایای اقتصادی صنعت گردشگری دارند و همچنین از پتانسیل‌های لازم مربوطه برخوردارند، اما کشورهای توسعه یافته توجه بیشتری را به این صنعت معطوف ساخته‌اند. همانطور که پیداست تنها به اثرات اقتصادی توجه شده است و دیگر ابعاد اثرات گردشگری مورد توجه قرار نگرفته است.

کشورهای در حال توسعه عمدتاً نسبت به تأثیرهای اجتماعی و فرهنگی گردشگری حساس هستند و حجم ورود گردشگران خارجی به ویژه از کشورهای صنعتی ممکن است به علت

تفاوت‌های فرهنگی و نحوه زندگی سبب بروز تنش‌هایی گردد (ولا و بیرچیل، ۱۳۸۴: ۲۴۵). تیموتی و نیپان نیز در تحقیق خود پیرامون گردشگری در کشورهای در حال توسعه اظهار می‌دارند که این قبیل کشورها بیش از همه واجد قابلیت‌های متعدد برای رشد گردشگری فرهنگی هستند (تیموتی و نیپان، ۲۰۰۹: ۹-۳). بیش از همه این نوع گردشگری متناسب با توسعه در این کشورهاست به این معنا که با این نوع گردشگری، اثرات و پیامدهای ناشی از گسترش آن به مراتب کمتر از دیگر گونه‌های گردشگری خواهد بود. زیرا گردشگری فرهنگی معمولاً با زمینه‌ای از آگاهی و بینش فرهنگی است و گردشگر به منظور معرفت‌شناسی بیشتر سفر می‌کند (علی‌اکبری، ۱۳۹۲: ۷۰). در همین رابطه سازمان جهانی گردشگری تخمین می‌زند که از کل سفرهای بین‌المللی، در حدود ۳۷ درصد با انگیزه بازدید از یکی از عناصر فرهنگی انجام می‌گیرد (دهقان و شریفی تهرانی، ۱۳۹۰: ۵۵) که این سهم گردشگری فرهنگی، رشدی سریع‌تر از میانگین رشد کلی گونه‌های مختلف گردشگری در دنیا را دارد (لوکیتو-سیدریس و سورلی^۲، ۲۰۱۲: ۵۰). این آمارها بر مزایای گردشگری فرهنگی به خصوص برای کشورهای در حال توسعه تأکید دارد (تیموتی و نیپان، ۲۰۰۹: ۶). باید توجه داشت گردشگری فرهنگی تنها مشتمل بر بازدید از آثار و بناهای تاریخی نیست، بلکه بازدید گردشگران از میراث طبیعی و میراث مذهبی را نیز در برمی‌گیرد (شریفی تهرانی و یوسفی، ۱۳۹۱: ۲۵). هال و جنکینز^۳ (۱۳۸۲: ۸۰) نیز عنوان می‌دارند میراث با توجه به محلی که در آن واقع شده، سازه‌ای اجتماعی است و مؤلفه‌ای اساسی در پیشبرد و تبلیغ یک محل محسوب می‌شود.

به هر حال با وجود بررسی‌های زیادی صورت گرفته است، هنوز الگوی روش‌شناختی مناسبی برای توصیف آثار و شناخت تمام قواعد آن وجود ندارد. در سال ۱۹۷۵، ریموند نون‌ها آماری از مقاله‌های جامعه‌شناختی و غیرجامعه‌شناختی در مورد آثار فرهنگی و اجتماعی گردشگری تهیه کرد و به این نتیجه رسید که اقتصاددانان در گذشته کنجکاوی خود را در مورد آثار آن ابراز داشته‌اند؛ زیرا روابط نزدیکی میان اقتصاد و جامعه‌شناسی وجود دارد، به ویژه در مورد

۱ - Timothy and Nyaupane

۲ - Loukaitou-Sideris and Soureli

۳ - Hall and Jenkins

جهانگردی قابل درک است (لانکوار^۱، ۱۳۸۱: ۶۵).

اثرات گردشگری

تعاریف متعددی از گردشگری ارائه شده است اما در این تعاریف کمتر به اثرات گردشگری به طور مستقیم پرداخته شده است. تنها جعفری (۱۹۷۷) در تعریف خود از گردشگری به اثرات آن اشاره دارد. جعفری اظهار داشته است که "گردشگری مطالعه انسان خارج محل سکونت معمولی اش و بررسی اثراتی است که این صنعت بر محیط فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی و فیزیکی میزبان دارد." (ضیایی و تراب احمدی، ۱۳۹۱: ۱۳). گردشگری می تواند به عنوان یک فعالیت انسانی اثرات مهمی داشته باشد. این اثرات در منطقه مقصد جایی که گردشگران با محیط محلی، اقتصاد، فرهنگ و جامعه تعامل دارند، بسیار مشهود است. از این رو می توان به طور مرسوم اثرات گردشگری را تحت عناوین اثرات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی مورد بررسی قرار داد.

بررسی وضعیت نواحی و سرزمین هایی که همه سال و در فصل های مختلف سال مورد بازدید جهانگردان قرار می گیرد نیز نشان می دهد تغییراتی که بر اثر جهانگردی در آن نواحی به وجود می آید، بسیار چشمگیر و مهم تر از تحولاتی است که از ایجاد و گسترش سایر فعالیت های اقتصادی انسان ناشی می شود. تجهیزات مورد نیاز جهانگردان نظیر مهمانسرا و غذاسرا و مکان های تفریحی که در کرانه های دریا و مناطق جنگلی و در اطراف چشمه های آب گرم معدنی تأسیس شده اند، گویای نقش و تأثیر جهانگردی در دگرگون ساختن چهره زمین است. سنجش اثرات اقتصادی و زیست محیطی به نسبت اثرات فرهنگی و اجتماعی گردشگری راحت تر است. این امر تا حدی توضیحی است بر این که چرا اثرات فرهنگی و اجتماعی در گذشته کم اهمیت تر از اثرات اقتصادی قلمداد می شده است.

اثرات گردشگری سه گانه معرفی شده می تواند مثبت یا سودمند و هم چنین منفی یا زیان آور باشد. مثبت یا منفی بودن اثرات گردشگری به ارزش گذاری و قضاوت ناظر این اثرات بستگی

دارد. به طور کلی عوامل عمده مؤثر بر اثرات گردشگری عبارتند از: (میسون^۱، ۱۳۸۷: ۵۳)

۱. گردشگری در کجا صورت می گیرد؟
۲. گردشگری در چه میزان و مقیاسی شکل گرفته است؟
۳. گردشگران چه کسانی هستند؟
۴. گردشگران در چه نوعی از فعالیت‌ها شرکت می کنند؟
۵. چه زیرساخت‌هایی برای گردشگری وجود دارد؟
۶. چه مدت از عمر گردشگری می گذرد؟
۷. فصل گردشگری چه زمانی است؟

ویلیامز^۲ (۱۳۸۸: ۱۶۴) نیز به طور کلی این عوامل را در ماهیت رویارویی و نوع دیدارکننده، ماهیت مکان، همجواری جغرافیایی میزبان و مهمان، میزان فراگیر بودن گردشگری، و میزان مشابهت فرهنگی و مرحله توسعه مقصد خلاصه می کند. از آنجا که هر یک از انواع اثرات، تحلیل و ارائه راهبردهای جداگانه‌ای نیاز داشته و دلایل بروز آنها بسیار با هم متفاوت است، در اینجا با محدود کردن حوزه مطالعه به شهرستان بیرجند، تنها به اثرات مثبت و منفی اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری می پردازیم. بعلاوه ذکر این موضوع نیز ضروری است که تفکیک آثار گردشگری از فرآیندها و تغییرهای اجتماعی منتج از آن ممکن نیست؛ زیرا آثار گردشگری نیز بر تمام ساختارهای پیچیده نظام اجتماعی بدون آنکه بتوان آن‌ها را قاطعانه از هم جدا کرد، گسترده می شود (لانکوار، ۱۳۸۱: ۶۷).

آثار اجتماعی - فرهنگی

سیر و سیاحت عاملی برای برقراری ارتباط با همنوعان و سایر اقوام و ملل بوده و موجب تحکیم و تقویت مبانی زندگی اجتماعی می شود. از طریق سیر و سفر آدمی با آداب و سنن، اعتقادات و تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع گوناگون آشنا شده و از فرهنگ آنان برترین‌ها را به عنوان محاسن ارتباط اجتماعی برمی گزیند. این تعاملات دو جانبه بوده و سبب تبادل عقاید دینی،

۱- Misson

۲- Williams

علمی و تبلیغی می‌شود. اما با توجه به زندگی صنعتی و گسترش تکنولوژی، گاه ره‌آورد سفر نفوذ فرهنگ‌های مبتدل، انتقال بیماری و از خود بیگانگی است. از سوی دیگر هوشیاری جامعه در پذیرش گردشگران مهم و سرنوشت‌ساز است. بسیارند افراد مفسدی که با مکر و فریب تحت عنوان سیاح و جهانگرد وارد کشورهایی با زیربنای فکری و عقیدتی سالم شده و با ترفندها و یورش فرهنگی، آرمان‌ها و ایده‌های اجتماعات آسیب‌پذیر را مورد نفوذ خود قرار می‌دهند و حتی با تحقیر و بی‌ارزش نمودن اعتقادات و باورداشتهای آن‌ها، افراد و جامعه را از ارزش‌های اخلاقی تهی نموده و شیوه‌های استکباری خویش را بر آنان تحمیل می‌نمایند (شالچیان، ۱۳۸۵: ۱۷۱). با این حال رابطه بین گردشگری و فرهنگ صرفاً در نقش فرهنگ به عنوان کانون اصلی توجه گردشگر خلاصه نمی‌شود، بلکه طیف وسیعی از آثار اجتماعی و فرهنگی ناشی از تماس میان میزبان و بازدیدکننده را نیز در بر می‌گیرد. مقصود از اثرات اجتماعی گردشگری، تغییراتی است که در زندگی مردم جامعه میزبان گردشگر رخ می‌دهد و این تغییرات بیشتر به سبب تماس مستقیم اهالی و ساکنان آن دیار و گردشگران صورت می‌گیرد و مقصود از اثرات فرهنگی تغییراتی است که در هنر، عادات، رسوم و معماری مردم ساکن جامعه میزبان رخ می‌دهد. این تغییرات بلندمدت‌تر است و در نتیجه رشد و توسعه صنعت گردشگری رخ خواهد داد. از آنجا که نتیجه یا ره‌آورد صنعت گردشگری موجب تغییراتی در زندگی روزانه و فرهنگ جامعه میزبان می‌شود، اصطلاح «اثرات اجتماعی- فرهنگی» را به معنای تغییراتی بکار می‌برند که در تجربه‌های روزانه ارزشها، شیوه زندگی و محصولات هنری و فکری جامعه میزبان رخ می‌دهد (گی^۱، ۱۳۸۲: ۳۲۷). گردشگری هم عامل و هم محصول توسعه اجتماعی و فرهنگی است و از آنجا که کارگزاران، مؤسسات و شرکت کنندگان مختلف با انگیزه‌های متفاوتی را شامل می‌شود، اثرات آن نیز متنوع و گاهی غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. این امر منجر به تنوع فضایی و زمانی در ماهیت رابطه میان گردشگری، جامعه و فرهنگ و اثرات ناشی از آن خواهد شد. همانطور که قبلاً نیز عنوان شد پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گردشگری نیز مانند دیگر آثار طیفی از مثبت تا منفی را در بردارد (ویلیامز، ۱۳۸۸: ۱۶۰ و ۱۶۲). آگاهی از تبعات مثبت و منفی توسعه صنعت گردشگری در خط مشی‌گذاری کمک خواهد کرد تا تصمیم‌گیران

و سیاستگذاران، با شناخت بیشتر اقدام به برنامه‌ریزی نمایند (زاهدی، ۱۳۸۵: ۳۹).

اثرات مثبت اجتماعی - فرهنگی

یکی از مهمترین فواید اجتماعی گردشگری برقراری پیوند و ارتباط فرهنگی میان مرزی، درون مرزی و فرامرزی با جوامع و ملت‌ها است. ضمن سفر انسان با فرهنگ، آداب و رسوم، طرز تفکر و شیوه‌های زندگی، هنر و پیشرفت‌های فنی و صنعتی سایر نقاط جهان آشنا می‌شود و این امر سبب اشاعه فرهنگ و تمدن و توسعه اندیشه‌ها و افکار فلسفی است.

گردشگری از دید جامعه‌شناسی و روان‌شناسی سبب رشد شخصیت و شکوفایی استعداد، نوآوری و خلاقیت، وسعت نظر، بسط افق دید، افزایش دانش و فهم ما از فرهنگ جامعه میزبان، غنای تجارب فرهنگی، حفظ ارزش‌ها و سنن ملی و فائق آمدن بر خودمحوری و وحدت خانواده انسانی می‌شود (تولایی، ۱۳۸۵: ۸۶).

علاوه بر دو بعد فرهنگی و اقتصادی بعد سیاسی گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و امروزه ارزش سیاسی گردشگری به صورت اصلی مسلم درآمده و اعتباری جهانی به خود گرفته است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۵۳). مهم‌ترین اثرات آن بهبود و تقویت مناسبات بین‌المللی، تقویت سیاست عدم تمرکز، وفاق ملی، رونق بازرگانی، صدور کالا و مهار روند مهاجرت‌هاست. مهم‌ترین آثار سفرهای سیاسی انتقال مفاهیم و ارزش‌های اعتقادی به صورت تعاملی بین کشورهاست (شالچیان، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

ویلیمز (۱۳۸۸: ۱۷۲) اثرات عمده مثبت گردشگری بر فرهنگ و جامعه میزبان را به این ترتیب عنوان می‌کند: افزایش شناخت و درک جامعه و فرهنگ میزبان، بهبود شهرت و اعتبار فرهنگی جوامع میزبان در نزد جامعه جهانی، معرفی و رواج ارزش‌ها و رویه‌های جدید، و احیاء هنرها و پیشه‌های سنتی و هنرهای نمایشی. همچنین می‌توان بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح زندگی، رفاه عمومی و تعادل و توازن منطقه‌ای را از عمده اثرات مثبت اجتماعی گردشگری عنوان کرد (معصومی، ۱۳۸۸: ۱۴).

اثرات منفی اجتماعی - فرهنگی

اغلب مخالفان توسعه گردشگری به اثرات زیان‌آور و بسیار گسترده این پدیده بر جامعه و

فرهنگ مناطق میزبان تأکید دارند و از این جهت گردشگری را مخرب و ضد ارزش و ابزار تهاجم فرهنگی معرفی می‌کنند. این نوع نگرش بسیار ساده‌انگارانه با گردشگری برخورد می‌کند. گردشگری نیرویی یکدست و یکسان نیست و از دیگر روندهای گسترده تغییر و توسعه نیز جدا نیست (ویلیامز، ۱۳۸۸: ۱۶۲). در خلال دهه ۶۰ میلادی نیز اعتقاد بر این بود که جهانگردی فرهنگ را زایل می‌کند، به محیط زیست آسیب می‌رساند و ارزش هنر و صنایع دستی را پایین می‌آورد و اغلب بیماری‌های اجتماعی نظیر مواد مخدر و فحشا را به ارمغان می‌آورد (داس و ویل^۱، ۱۳۷۹: ۱۹۳). یکی از اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم گردشگری اثری است که از آن با عنوان اثر نمایشی یاد می‌شود. این اثر بستگی به تفاوت‌های مشهود بین گردشگر و جامعه میزبان دارد. چنین وضعیتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آید. در همین راستا ویلیامز (۱۳۸۸: ۱۶۳) در نظریه فرهنگ‌پذیری اظهار می‌کند که وقتی دو فرهنگ برای مدت زمانی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، مبادله عقاید و محصولات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که در طی زمان منجر به ایجاد سطوح مختلف همگرایی بین دو فرهنگ می‌شود، به عبارت دیگر دو فرهنگ شبیه هم می‌شوند.

از جمله آثار منفی دیگر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

گسترش آلودگی‌های رفتاری، تعارضات و ناهنجاری‌های ناشی از تهاجمات فرهنگی گردشگران از یک سو و ضعف ضوابط محدودکننده در میان گردشگران و جامعه میزبان از دیگر سو، سبب ایجاد اختلال در این فراگرد مهم ارتباطی و بروز آثار مخرب فرهنگی می‌شود. میزان این اثرات به تفاوت‌های فرهنگی گردشگران و سیستم ارزشی و الگوی رفتاری جامعه میزبان بستگی دارد. از دیگر آثار منفی اجتماعی و فرهنگی گردشگری تغییر در سن آداب و ابزار نهادینه فرهنگ محلی و به گونه‌ای تخریب آن‌ها می‌باشد که بر گرفته شده از تجاری شدن برخی جنبه‌های مادی و معنوی است.

ایجاد ساختار اجتماعی جدید و اقتدارگرایی از جمله دیگر آثار منفی اجتماعی - فرهنگی گردشگری است. ترویج فحشا و روسپی‌گری، وقوع جرم و جنایت و گسترش برخی از بیماری‌ها، گسترش مواد مخدر و سوءاستفاده جنسی از کودکان و افزایش منازعات در استفاده از

منابع محلی خصوصاً منابع کمیاب (آب) جهت استفاده مصارف تشریفاتی گردشگران را از دیگر اثرات سوء فرهنگی و اجتماعی گردشگری می‌توان قلمداد کرد. ویلیامز (۱۳۸۸: ۱۷۲) اثرات عمده منفی گردشگری بر فرهنگ و جامعه میزبان را در شش مورد به شرح زیر خلاصه کرده است: ۱- تجاری نمودن و تنزل فرهنگ‌ها، ۲- از بین رفتن بار ارزشی و مفاهیم آداب و رسوم سنتی در نتیجه کالایی شدن آنها، ۳- افزایش تنش میان شیوه‌های زندگی سنتی و وارداتی، ۴- تحلیل تدریجی زبان محلی، ۵- الگوهای نوین مصرف محلی، ۶- افزایش خطر ترویج فعالیت‌های ضد اجتماعی از قبیل قمار و فحشا.

پیشینه پژوهش

در زمینه اثرات اجتماعی- فرهنگی گردشگری در سطح ملی پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته است و تنها می‌توان به تحقیق امیرحاجلو و همکاران اشاره کرد که با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به راه‌حل ایده‌آل به ارزیابی و اولویت‌بندی اثرات مثبت و منفی گردشگری می‌پردازند. بر اساس نتایج محققان تأکید دارند کشور نسبت به اثرات اجتماعی- فرهنگی توسعه گردشگری بسیار حساس است. در تحلیل شاخص‌های بعد اجتماعی شاخص «تغییر در الگوهای فرهنگی» با بیشترین نزدیکی نسبی به ایده‌آل مثبت (۰.۶۴) حائز بالاترین اولویت بوده و کمترین نزدیکی نسبی به ایده‌آل مثبت شاخص «حفاظت و مرمت آثار تاریخی» (۰.۳۴) است. شاخص‌های «ارتقاء سطح آگاهی» و «احیای سنت‌ها و آداب و رسوم» دارای ارزش بینابین بوده و میزان نزدیکی آن‌ها به ایده‌آل مثبت به ترتیب ۰.۶۳ و ۰.۳۶ است (امیرحاجلو، ۱۳۹۲: ۲۳ و ۲۴). پژوهش دیگر مربوط به قربانی و همکاران است که اثرات منفی توسعه گردشگری را بر روستاهای جاذب گردشگر در روستای کندوان شهرستان اسکو مورد مطالعه قرار داده است. بر این اساس اثرات منفی توسعه گردشگری در روستای کندوان در شش عامل ترکیبی تغییرات منفی در آداب و رسوم سنتی روستا، تغییرات منفی در فعالیت اقتصادی و شکاف درآمدی، فصلی شدن درآمد و افزایش قیمت کالا، تغییرات منفی در شرایط اکولوژیکی، از بین رفتن ابنیه و آثار تاریخی، و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی خلاصه می‌شود. در این میان عامل اول بیشترین اثرات منفی را به خود اختصاص می‌دهد و متغیر تأثیر رفتار و شیوه زندگی گردشگران بر رفتار و شیوه زندگی روستاییان بیشترین بار عاملی (۰.۹۳۴) را دارا می‌باشد (قربانی و

همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

تحقیق دیگر را صیدالی و همکاران با عنوان بررسی اثرات گردشگری در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان چهل چای شهرستان مینودشت) انجام داده‌اند. در زمینه اثرات اجتماعی- فرهنگی گردشگری این طور بیان داشته‌اند: در بُعد مثبت اجتماعی گردشگری کارکردهای مطلوب در زمینه کاهش نرخ مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش تعلق خاطر روستاییان، بهبود بهداشت فردی و عمومی و بهبود روابط ساکنان با روستاهای پیرامون را موجب شده است. اما از طرف دیگر اثرات اجتماعی منفی ورود گردشگران نیز قابل توجه است که می‌توان به مواردی از قبیل فاصله گرفتن برخی روستائیان (خصوصاً جوانان) از فرهنگ بومی و گرایش آنان به سمت فرهنگ شهری، بروز برخی ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها و بروز ناامنی اشاره نمود (صیدالی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲ و ۸۳).

تحقیق دیگری توسط مهدوی و همکاران در روستاهای دره کن و سولقان پیرامون اثرات گردشگری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی انجام شده است که نتایج نشان می‌دهد در زمینه اجتماعی- فرهنگی گردشگری تأثیر مثبتی در کاهش مهاجرت روستاییان به شهر، ارتقای سطح بهداشت عمومی و فردی در روستا، افزایش تعلق خاطر روستاییان و بالارفتن امنیت در روستاها داشته است، اما در گسترش میزان ناهنجاری‌ها در بین جوانان روستا تأثیر منفی داشته است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۱).

شکوهی و همکاران نیز در پژوهشی دیگر به بررسی اثرات گردشگری بر کیفیت زندگی جامعه میزبان در شهر بندرترکمن پرداخته‌اند که در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی اثر گردشگری را می‌توان در متغیرهایی نظیر آشنایی ساکنان با سایر فرهنگ‌ها، بهبود تعامل و روابط عمومی، افزایش عزت نفس و آگاهی نسبت به فرهنگ خویش مثبت ارزیابی نمود (شکوهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

با بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق باید اذعان داشت که موضوع بررسی اثرات گردشگری هر چند در کلیت موضوع واحدی است اما در مناطق مختلف با توجه به شرایط و خصوصیات ویژه آن منطقه ابعاد خاصی پیدا می‌کند. از این رو تعمیم نتایج تحقیقات گذشته در کشورها، شهرها و روستاهای دیگر صحیح نبوده و نیاز به پژوهش‌های جدید در منطقه دارد. انتقاد دیگری که می‌توان به عمده پژوهش‌های مشابه وارد ساخت، بررسی همه اثرات گردشگری با یکدیگر در

یک پروژه است که باعث کم‌توجهی و عمیق نشدن پژوهشگران در هر حیطه شده است. به خصوص که محور اثرات اجتماعی و فرهنگی عمدتاً در سایه تأثیرات اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری قرار می‌گیرد و کمتر به آن توجه می‌شود.

با عنایت به آنچه مطرح شد در تحقیق حاضر با توجه به متغیرهای تعریف شده توسط محققان مختلف از جمله تحقیق لیو و یین^۱ (۲۰۱۰) تنها اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری مورد مطالعه قرار گرفته است و عواملی همچون «افزایش تصادفات رانندگی»، «تخریب‌های مختلف و متفرقه»، «شلوغی بیش از حد»، «تخریب فرهنگ محلی و بومی»، «اثر منفی بر نحوه زندگی ساکنان مناطق نزدیک» برای پژوهش در شهرستان بیرجند به عنوان اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی مناسب تشخیص داده شد و در رابطه با اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی گردشگری نیز، ۵ عامل «شکل‌گیری ویژگی‌های خاص فرهنگی»، «ارتقای کیفیت زندگی مردم منطقه»، «حفظ فعالیت‌های متنوع فرهنگی»، «توسعه محصولات منحصر به فرد»، و «افزایش سطح تجارب شخصی بازدیدکنندگان» مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

از آنجا که در پژوهش حاضر به توصیف و مطالعه آنچه هست می‌پردازیم، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها یک تحقیق توصیفی است، و از سویی چون در تحقیقات توصیفی می‌توان ویژگی‌های جامعه مورد نظر را از طریق پیمایش ارزیابی نمود. این تحقیق، یک تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. از نظر هدف نیز جزء تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات مبانی نظری تحقیق و روش‌شناسی از مقالات و منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه‌هایی بوده که در بین کارشناسان مرتبط با فعالیت‌های گردشگری در سازمان‌ها و اداره‌های ذیربط توزیع شده است. پرسشنامه در قالب ۱۰ گویه جنبه‌های مثبت و منفی اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری را به تفکیک مطرح می‌نماید. مقیاس مورد استفاده نیز طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت می‌باشد.

۴- یافته‌های تحقیق

همانطور که پیش‌تر ذکر شد جهت بررسی اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند ۵ سؤال از کارشناسان متولی و درگیر در فعالیت‌های گردشگری شهرستان در رابطه با «شکل‌گیری ویژگی‌های خاص فرهنگی»، «ارتقای کیفیت زندگی مردم منطقه»، «حفظ فعالیت‌های متنوع فرهنگی»، «توسعه محصولات منحصر به فرد»، و «افزایش سطح تجارب شخصی بازدیدکنندگان» مطرح شد.

برای بررسی اثرات منفی نیز با ۵ سؤال به شرح ذیل نظر کارشناسان راجع به اثر توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند بر آنها جمع‌آوری گردید:

«افزایش تصادفات رانندگی»، «تخریب‌های مختلف و متفرقه»، «شلوغی بیش از حد»، «تخریب فرهنگ محلی و بومی»، «اثر منفی بر نحوه زندگی ساکنان مناطق نزدیک».

فرضیه‌های تحقیق:

۱- توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث تقویت اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

۲- توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث افزایش اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

جدول ۱-۴- تجزیه و تحلیل اثرات مثبت

ارزش آزمون = ۳					
آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری Sig. (2-tailed)	تفاوت میانگین	تفاوت فاصله اطمینان در سطح ۹۵٪	
				حداقل	حداکثر
۹/۴۲۹	۴۴	۰/۰۰	۴/۶۸۸	۳/۶۸۶	۵/۶۹۱

فرضیه صفر: توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث تقویت اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی نمی‌شود.

فرضیه مقابل: توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث تقویت اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون اطلاعات گردآوری شده در جدول فوق می‌توان چنین استدلال کرد که با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری (مقدار آماره p) در سطح اطمینان ۹۵ درصد کمتر از ۰.۰۵ است ($0.05 > 0.00$)؛ فرض صفر رد می‌شود به این معنا که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث تقویت اثرات اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

جدول ۲-۴- تجزیه و تحلیل اثرات منفی

ارزش آزمون = ۳						اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی
تفاوت فاصله اطمینان در سطح ۹۵٪		تفاوت میانگین	سطح معنی داری Sig. (2-tailed)	درجه آزادی	آماره t	
حداکثر	حداقل					
۱/۳۰۳	۱/۶۱۴	۰/۳۱۱	۰/۸۳۱	۴۴	۰/۲۱۵	

فرضیه صفر: توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث افزایش اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی نمی‌شود.

فرضیه مقابل: توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث افزایش اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون اطلاعات گردآوری شده در جدول فوق می‌توان چنین استدلال کرد که با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری (مقدار آماره p) در سطح اطمینان ۹۵ درصد بزرگتر از ۰.۰۵ است ($0.831 > 0.05$)؛ نمی‌توان فرض صفر تحقیق را رد کرد. از این رو باید گفت به احتمال ۹۵ درصد توسعه گردشگری در شهرستان بیرجند باعث افزایش اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

۵- نتیجه

اثرات گردشگری بر جوامع و فرهنگ‌ها تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. آنچه مسلم است این آثار باید در چارچوب جامعه‌شناسی تغییرها و حرکات اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی تحلیل شود. اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری متنوع بوده و می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شد بررسی پیرامون اثر توسعه گردشگری بر ۵ عامل مثبت و ۵ عامل منفی بوده است.

نتایج حاصل از انجام آزمون‌های آماری در خصوص عوامل مثبت مطرح شده نشان داد توسعه گردشگری می‌تواند زمینه‌ساز بروز اثرات و پیامدهای مثبتی برای جامعه شهرستان بیرجند باشد. به عبارت دیگر توسعه گردشگری و حضور گردشگران می‌تواند باعث شکل‌گیری ویژگی‌های خاص فرهنگی در بین مردم این شهرستان شود. همچنین کیفیت زندگی مردم منطقه ارتقا خواهد یافت و جامعه سطح بالاتری از رفاه را تجربه خواهد کرد. بعلاوه توجه گردشگران به مقوله‌های فرهنگی باعث حساسیت بیشتر مردم نسبت به حفظ فعالیت‌های متنوع فرهنگی در جامعه خواهد شد و سطح تجارب شخصی بازدیدکنندگان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر توجه گردشگران به محصولات منحصر به فرد زمینه توسعه و تولید هر چه بیشتر آنها را فراهم می‌سازد که به طور مستقیم بر اشتغال و درآمدزایی خانوارهای جوامع میزبان اثر مثبت دارد.

نتایج بررسی عوامل منفی اجتماعی و فرهنگی مطرح شده بیانگر این واقعیت است که حتی در بین کارشناسان مرتبط با فعالیت‌های گردشگری نیز این دغدغه در مورد اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری وجود دارد که در صورت توسعه گردشگری وقوع اثرات منفی آن گریز ناپذیر است. این مسئله در شهرستان بیرجند به دلیل کوچک بودن جامعه و همچنین بافت سنتی و مذهبی آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و از همین رو کارشناسان بر وقوع اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی گردشگری در شهرستان بیرجند تأکید بیشتری داشته‌اند. از این رو در ادامه به بعضی از راهبردهای مؤثر جهت کاهش تأثیر پیامدهای منفی اشاره می‌شود.

۶- راهبردهای پیشنهادی

تعیین راهبردها مشخص کننده نقشه راه دستیابی به اهداف می‌باشند (لامزدن^۱، ۱۳۸۷: ۱۶۲). با توجه به مباحث مطرح شده و اهمیت مدیریت اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری جهت تقویت آثار مثبت و کنترل و محدود نمودن آثار منفی راهبردهایی برای توسعه گردشگری به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

➤ به نظر می‌رسد در مقصدهای گردشگری به ویژه در مناطق کوچک مانند شهرستان بیرجند تحلیل به موقع وضعیت گردشگری از نظر اینکه گردشگری در آن منطقه در کدام مرحله از چرخه حیات خود به سر می‌برد ضروری است تا برنامه‌ریزی با توجه به آن به درستی صورت گیرد. نتایج مطالعات نیز نشان داده است گردشگری در کشورهایی که به شکل بد و ضعیفی برنامه‌ریزی و کنترل شده، آثار مخربی را ایجاد کرده است (داس و ویل، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

➤ استفاده از الگوی توسعه پایدار صنعت گردشگری تا بدین وسیله ابعاد متفاوت اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی در کنار هم مورد توجه قرار گیرد. بر اساس آنچه گی (۱۳۸۲: ۳۱۴) و زاهدی (۱۳۸۵: ۱۲۱) و رضوانی (۱۳۸۷: ۱۲۰) اظهار می‌دارند گردشگری پایدار بر سه محور ابعاد زیست محیطی، ابعاد اجتماعی و ابعاد اقتصادی متمرکز است و توسعه در صورتی پایدار خواهد بود که تعاملی سازنده میان سه عامل مؤثر در توسعه گردشگری یعنی گردشگران، میزبانان و ویژگی‌های مقصد برقرار شود. به عبارت دیگر هر چه بیشتر بتوان ابعاد سه گانه را بسمت یکدیگر نزدیک کرد و همپوشانی بین سه عامل مؤثر در توسعه گردشگری را محقق ساخت؛ آنگاه می‌توان توسعه پایدار گردشگری را انتظار داشت (الوانی و پیروزیخت، ۱۳۸۵: ۱۱۵). در گردشگری پایدار مدیریت تمامی منابع به گونه‌ای پیش‌بینی می‌شود که نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیبایی شناختی، همزمان با نگهداری تمامیت فرهنگی، فرایندهای ضروری زیست محیطی، تنوع زیستی و سیستم‌های حفاظت از محیط زیست و حیات وحش محقق شود (ضرغام بروجنی، ۱۳۹۱: ۲۶).

- فرهنگ سازی در جوامع میزبان در جهت معرفی قابلیت‌های گردشگری برای ایجاد رفاه در جوامع انسانی می‌تواند نقش مهمی در تعامل مثبت بین جوامع میزبان و میهمان ایفا نماید.
- دستگاه‌های متولی گردشگری و به ویژه دفاتر خدمات مسافرتی و تورگردان‌ها باید ملزم شوند تا به مسافران خود آگاهی‌های لازم پیرامون ویژگی‌های فرهنگی مقصد ارائه نمایند تا گردشگران از قبل با آمادگی وارد تعامل با جوامع میزبان شوند.
- تدوین، چاپ و نشر دفترچه‌ها، کتابچه‌ها و بروشورها و لوح‌های فشرده ضمن اینکه می‌تواند به عنوان یک ابزار مناسب تبلیغاتی برای مقصدهای گردشگری مطرح باشد به عنوان یک ابزار اطلاعاتی می‌تواند آگاهی‌بخشی مناسبی برای گردشگران به همراه داشته باشد و از بروز رفتارهای نامناسب جلوگیری به عمل آورد.
- جلب مشارکت مردم جامعه میزبان به فعالیت در زمینه گردشگری می‌تواند فرآیند توسعه را با سرعت و سهولت بیشتری همراه سازد. در صورت مخالفت و عدم همکاری جامعه میزبان تضاد و تعارض بین آنها و گردشگران بیشتر می‌شود.

منابع

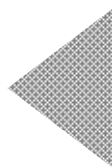
- الوانی، سیدمهدی و معصومه پیروزبخت (۱۳۸۵)، **فرآیند مدیریت جهانگردی**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ اول.
- امیرحاجلو، الهام؛ سمین تولایی؛ احمد زنگانه؛ ابوالفضل زنگانه (۱۳۹۲)، ارزیابی و اولویت‌بندی اثرات گردشگری در سطح ملی با استفاده از تکنیک Topsis، **برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۶-۱۵.
- تولایی، سمین (۱۳۸۵)، **مووری بر صنعت گردشگری**، تهران: دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول.
- داس ویل، راجر (۱۳۷۹)، **مدیریت جهانگردی: مبانی، راهبردها و آثار**، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۲)، **جغرافیا و صنعت توریسم**، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۷)، **توسعه گردشگری روستایی (با رویکرد گردشگری پایدار)**، انتشارات دانشگاه تهران.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۵)، **مبانی توریسم و اکوتوریسم پایدار (با تأکید بر محیط زیست)**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

- دهقان، نبی‌اله؛ شریفی‌تهرانی، محمد(۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی راهبردی موزه ملی ایران، **مطالعات مدیریت گردشگری**، شماره ۱۶ (پاییز و زمستان): ۹۰-۵۳.
- شالچیان، طاهره(۱۳۸۵)، **آداب و فرهنگ سفر**، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
- شکوهی، محمداجزا، خدیجه بوذرجمهری، مصطفی ایستگلدی و مهدی مودودی(۱۳۹۳)، بررسی اثرات گردشگری بر کیفیت زندگی جامعه میزبان نمونه مطالعاتی: شهر بندر ترکمن، **فصلنامه فضای جغرافیایی**، سال چهاردهم، شماره ۴۷، صص ۱۲۵-۱۰۱.
- شریفی‌تهرانی و جواد یوسفی(۱۳۹۱)، بررسی ارتباط بین گونه‌های گردشگری مذهبی، روستایی و بوم‌شناختی با گردشگری فرهنگی مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی، **فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان**، سال هفتم، شماره اول.
- محسن صیدالی؛ رضا سلیمانگلی؛ هادی قراگوزلو(۱۳۹۱)، بررسی اثرات گردشگری در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان چهل جای شهرستان مینودشت)، **فصلنامه فضای گردشگری**، سال اول، شماره ۳، صص ۸۸-۶۹.
- ضرغام بروجنی، حمید(۱۳۹۱)، **برنامه‌ریزی توسعه جهانگردی رویکرد همپوند و پایدار**، تهران: نشر مهکامه، چاپ دوم.
- ضیایی، محمود و مژگان تراب احمدی(۱۳۹۱)، **شناخت صنعت گردشگری با رویکرد سیستمی**، تهران: نشر علوم اجتماعی، چاپ اول.
- رسول قربانی؛ فاطمه زادولی؛ شاهرخ زاد ولی خواجه(۱۳۹۳)، ارزیابی اثرات منفی توسعه گردشگری بر روستاهای جاذب گردشگر (نمونه موردی: روستای کندوان- شهرستان اسکو)، **برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۰۸-۱۰۳.
- علی اکبری، اسماعیل(۱۳۹۲)، **جغرافیای گردشگری ایران**، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- گی، چاک‌وای(۱۳۸۲)، **جهانگردی در چشم‌اندازی جامع**، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- لامزدن، لس(۱۳۸۷)، **بازاریابی گردشگری**، ترجمه ابوالفضل تاج‌زاده نمین، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- لانکوار، روبر(۱۳۸۱)، **جامعه‌شناسی جهانگردی و مسافرت**، ترجمه صلاح‌الدین محلاتی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محلاتی، صلاح‌الدین(۱۳۸۰) **درآمدی بر جهانگردی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- معصومی، مسعود(۱۳۸۸)، **درآمدی بر رویکردها در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری محلی، شهری و منطقه‌ای**، تهران: انتشارات سمیرا.

- مسعود مهدوی؛ مجتبی قدیری معصوم؛ نسرين قهرمانی (۱۳۸۷)، اثرات گردشگری بر توسعه روستایی با نظرسنجی از روستاییان دره کن و سولقان، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۱ شماره ۲، صص ۳۰-۳۹.
- میسون، پیتر (۱۳۸۷)، **گردشگری: اثرات برنامه‌ریزی و مدیریت**، ترجمه روزبه میرزایی و پونه ترابیان، تهران: انتشارات ترمه، چاپ اول.
- هال، کالین مایکل و جان ام. جنکینز (۱۳۸۲)، **سیاستگذاری جهانگردی**، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- ولا، فرانسوا و یونل بیرجیل (۱۳۸۴)، **گردشگری بین‌المللی**، ترجمه محمدابراهیم گوهریان و محمدمهدی کتابچی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ویلیامز، استفان (۱۳۸۸)، **جغرافیای گردشگری**، ترجمه دکتر محمود ضیایی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.

- Connel, John and Rugendyke, Barbera (2008), **Tourism at the Grassroots, Villagers and Visitors in the Asia-Pacific**, Routledge, UK.
- Liu, Chin-Hung and Yen, Li-Chen(2010), The Effects of Service Quality, Tourism Impact, and Tourist Satisfaction on Tourist Choice of Leisure Farming Types, **African Journal of Business Management** Vol. 4(8), pp. 1529-1545, 18.
- Loukaitou-Sideris, Anastasia and Soureli, Konstantina(2012), Cultural Tourism as an Economic Development Strategy for Ethnic Neighborhoods, **Economic Development Quarterly**, Vol. 26, No. 1, pp. 50-72.
- Richards, G (2002), "Torism and the World of Culture and Heritage", **Tourism Recceration Research**, vol. 25(1), pp. 9-17.
- Timothy, Dallen J. and Nyaupane, Gyan P. (2009), **Cultural Heritage and Tourism in the Developing World: A Regional Perspective**, Routledge, USA.

انفاق و جایگاه آن در توسعه و ترویج علم و دانش با تأکید بر وقف



محمدصادق علمی سولا^۱

مهدی قائمی اصل^۲

جواد یعقوبی^۳

مهسا مسگرانی^۴

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۸/۱۵)

چکیده

انفاق به‌عنوان یکی از راه‌های از بین بردن اختلافات طبقاتی غیرعادلانه ناشی از بی‌عدالتی‌های اجتماعی در اسلام تلقی شده که باعث کم‌رنگ‌تر شدن این اختلافات در تمام طبقات می‌گردد. گسترش فرهنگ وقف، به‌عنوان بارزترین مصداق احسان، انفاق، صدقه جاریه، تعاون و ...، یکی از عمده‌ترین فاکتورهای انهدام تراکم ثروت در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش‌های معنوی و الهی، در شکل توزیع عادلانه ثروت، محسوب می‌شود. در این مقاله با بررسی جایگاه وقف در منابع اسلامی، موقوفاتی که سبب ارتقاء سطح تحصیلات، به خصوص در سطوح بالاتر دانشگاهی می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی و روش بوت استرپ برای محاسبه خطای استاندارد مدل، طی سال‌های ۱۳۹۰-

۱- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، sadeghelmi37@um.ac.ir

۲- دکتری علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، m.ghaemi84@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، javadyaghobi97@yahoo.com

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه فردوسی مشهد، mahsamesgarani@yahoo.com

۱۳۸۲ برآورد شده که نتایج آن بیانگر اثر معنادار و مثبت هزینه‌های مذهبی به‌عنوان شاخصی از انفاق، بر ترویج علم در مدل مورد بررسی است. دستاورد این تحقیق تلاشی در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق تشویق به انفاق و افزایش آگاهی از پیامدهای عدم انفاق در جامعه اسلامی است.

واژگان کلیدی: انفاق، وقف، تکامل جامعه، توزیع ثروت، علم و دانش.

۱- مقدمه و طرح مسئله

مصرف درآمد در تأمین نیازهای خود و خانواده، طبق اصول فطری و نیز طبیعی بشری است، اما مصرف درآمد برای رفع نیاز دیگران، آن‌هم نه با چشم‌داشت سود مالی، و تنها برای تأمین رضای الهی، برآمده از روح تعالی است که جز از رسولان الهی یا کسانی که در مسیر ایشان حرکت می‌کنند، انتظار نمی‌رود.

طبیعت مال، طبیعتی اجتماعی است و مقتضی آن است که در دست مردمان جابه‌جا شود و به انجام دادن نقش خود بپردازد، پس هر کس که خواهان بیرون آوردن مال از این جایگاه شود، واجب است که او را از این کار بازدارند، زیرا در غیر این صورت، مناسبات اقتصادی جامعه اسلامی دچار رکود می‌شود و مانع پیشرفت اقتصادی جامعه می‌شود.

عمل به دستور الهی و انفاق در راه خدا آثار تربیتی و اجتماعی فراوانی را در بردارد که می‌توان به رشد انسان و تعالی او نزد خدا و مردم، برابری اقتصادی و همچنین رفع نیاز مادی و غیرمادی نیازمندان و محرومان اشاره کرد. بدیهی است هر فردی از افراد بشر به‌حکم وجدان و فطرت پاکی که خداوند در نهادش قرار داده، می‌داند که دستگیری درماندگان و همراهی آنان، بر هر کسی که متمکن از انجام مساعدت کلی و یا جزئی باشد، لازم و ضروری است ولی افسوس، فطرت پاکی که خداوند در وجود فرزندان آدم قرار داده در بعضی کسان زیر رنگ تیره دنیابپرستی و آلودگی‌های جهانی، مخفی و مستهلک می‌شود مثلاً موضوع انفاق، احسان و نیکوکاری، موضوعی است که طبیعت هم منکر خوبی‌های آن نیست؛ طبیعت می‌گوید به‌حکم وجدان باید ناتوان را کمک کرد. از طرفی تمام مذاهب دنیا، بشر را به احسان و ترحم واداشته و دستور داده‌اند حتی‌المقدور بایستی مساکین و فقرا را مساعدت کرد؛ مخصوصاً دین مبین اسلام

که آخرین و کامل‌ترین برنامه زندگی دنیا و آخرت بشر است، موضوع انفاق را با کمال تأکید به افراد بشر تعلیم فرموده است.

اکثر قریب به اتفاق پژوهشگران و محققان، هنگام بحث از فواید اجتماعی حاصل از انفاق و موارد مصرف آن، بیشتر جنبه‌های مادی و مالی آن را مدنظر قرار داده‌اند و از سایر جنبه‌های آن غافل شده‌اند در حالی که انفاق دارای جنبه‌های متعددی از جمله انفاق علمی است؛ یعنی انفاقی که در جهت توسعه علم و دانش گام برمی‌دارد مانند: مدرسه ساختن، کتابخانه ساختن، کمک به دانشجویان در دانشگاه‌ها به طرق مختلف نظیر اهدای خوابگاه، شارژ کارت تغذیه، پرداخت شهریه، اهدای جوایز به نفرات ممتاز علمی و مخترعان و مکتشفان و پدیدآوردگان آثار فاخر و بسیاری موارد دیگر که مرتبط با این امر است و در چارچوب انفاق علمی قرار می‌گیرد و باعث توسعه و ترویج علم و دانش در کشور می‌شود.

یکی از منافع اجتماعی حاصل از انفاق در جامعه اسلامی تقوا است؛ برخلاف دیدگاه رایج و غالب عموم مردم جامعه که آثار تقوا را منحصر به امور عبادی می‌دانند، تقوا می‌تواند آثار اجتماعی فراوانی داشته باشد. تقوا باعث افزایش روحیه بخشش، رأفت و عطوفت در بشر می‌شود که این موارد، باعث افزایش انفاق در جامعه می‌شود و همچنین تقوا به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی در جامعه کمک شایانی می‌کند. بنابراین تقوا و انفاق رابطه‌ای دو سویه دارند؛ تقوا باعث انفاق می‌شود و سپس انفاق، خود به تقویت تقوا در جامعه مدد می‌رساند.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- انفاق در لغت

نفق در لغت به معنی گذشتن هر چیز و از بین رفتن آن با بیع و یا با تمام شدن آن چیز است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲ق: ۸۱۹). همچنین این واژه از ریشه «ن - ف - ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است (ابوجیب، ۱۴۰۸ق: ۳۵۷) (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۵۴). انفاق مصدر باب افعال، به معنای پرداختن بخشی از آنچه خدا به انسان روزی کرده است در راه خدا، چه به‌عنوان زکات که واجب است و چه به‌عنوان صدقه که مستحب است زیرا در قرآن کریم انفاق به معنای زکات نیز به کار رفته است (خرمشاهی،

۱۳۷۷ش: ۳۱۲).

۲-۲- انفاق در اصطلاح

و در اصطلاح، انفاق، بیرون کردن مال از ملک خویش و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از طریق بخشش کردن اموال خویش در راه جهاد، دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است، می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲ ص ۵۱۵).

همچنین انفاق به معنی شکاف است و مفهوم آن نیز پر کردن شکاف است. انفاق یعنی از بین بردن حفره‌هایی که جامعه را دچار اضمحلال عمیقی می‌کند، یعنی گودال‌های که در فضای جامعه توسط منافقان به وجود می‌آید را باید با انفاق پر کرد. انفاق در یک کلام پر کردن دره‌های نفاق و فریب برای رهایی انسان از سقوط در آن‌ها و نجات او از نابودی است (پرورش، ۱۳۹۶ق: ۸).

منظور این است که به‌طور کلی انفاق به معنای پُر کردن و برطرف نمودن کمبودهای مالی است. انفاق به هرگونه بخشش و نیکوکاری و احسان اطلاق می‌گردد. از جمله صدقات و وجوهات شرعی از قبیل زکات را نیز شامل می‌شود. پس انفاق، واگذار نمودن داوطلبانه قسمتی از مایملک خود به نیازمندان را گویند و این معنایی است که از این واژه فهمیده می‌شود.

به لحاظ اینکه انفاق، خرج کردن و هزینه کردن است پس به نظر می‌رسد با انفاق، مردم با ایمان، باید گودال‌های فقر را پر کنند و منافذ خطرهای اقتصادی را از میان بردارند تا جامعه اسلامی گرفتار تکاثر، کثرت‌طلبی و مال‌اندوزی نشود و بحران اقتصادی پدید نیاید (محمودی، ۱۳۸۳ش: ۲۵).

۳- انفاق در آیات قرآن کریم

افزون بر واژه «نفاق» و مشتقات آن که بیش از ۷۰ بار و غالباً به معنای اصطلاحی آن در قرآن آمده، قرآن با واژگان و تعبیری دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده است؛ مانند: صدقه یا صدقات (بقره: ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱) (توبه، ۷۱) زکات با مشتقات آن (مائده، ۵۵)، اعطاء (لیل، ۵) ایتاء (بقره، ۱۷۷) (نور، ۲۲) جهاد کردن با مال (توبه، ۴۱)، قرض‌الحسنه دادن به خداوند (بقره، ۲۴۵) (حدید، ۱۱) (حدید، ۱۸) اطعام (بلد، ۱۴) (انسان، ۸) رزق (نساء، ۸) همچنین آیات مربوط به پاره‌ای تکالیف مالی، مانند پرداختن زکات (بقره، ۴۳) (بقره، ۸۳) یا کفاره (مائده، ۸۹).

در قرآن کریم آیات متعددی به موضوع انفاق اشاره دارد که با توجه به محدودیت نوشتار به اهم آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱- آیه اول

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۷).

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را باوجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و درراه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیباییان‌اند. آن‌اند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگاران‌اند.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، بدین صورت بیان می‌دارند: «نیکی تنها این نیست که به هنگام نماز صورت خود را به سوی شرق و غرب کنید؛ بلکه نیکی (نیکوکار) کسانی هستند که به خدا و روز آخر ایمان آورده‌اند و مال خود را با تمام علاقه‌ای که به آن دارند به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و وامانده‌گان در راه، و سائلان و بردگان می‌دهند. بدون شک گذشتن از مال و ثروت برای همه کس کار آسانی نیست. چراکه حبّ آن تقریباً در همه دل‌ها وجود دارد، و تعبیر علی حُبِّهِ نیز اشاره به همین حقیقت است که آن‌ها در برابر این خواسته دل، برای رضای خدا مقاومت می‌کنند. سپس در ادامه آیه، خداوند به بیان ادای واجبات مالی می‌پردازد و معنای نیکوکار را کامل می‌کند و می‌گوید: فراوان هستند افرادی که در پاره‌ای از موارد حاضرند به مستمندان کمک کنند اما در ادای حقوق واجب سهل‌انگار می‌باشند، و به‌عکس گروهی غیر از ادای حقوق واجب به هیچ‌گونه کمک دیگری تن در نمی‌دهند، آیه فوق نیکوکار را کسی می‌داند که در هر دو میدان انجام وظیفه کند» (بابایی، ۱۳۸۲، ش، ج: ۱، ۱۵۵).

۳-۲- آیه دوم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره، ۲۶۷).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، درحالی که آن را [اگر به خودتان می‌دادند] جز با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن، نمی‌گرفتید، و بدانید که خداوند، بی‌نیاز ستوده [صفات] است.

این آیه در مقام بیان کیفیت مالی است که انفاق می‌شود و این امری است که تقریباً اکثر قریب به اتفاق مفسران در کتب خود متعرض آن شده‌اند. علامه طباطبائی در ذیل تفسیر این آیه آورده‌اند که نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که خدای تعالی در این آیه کیفیت مالی را که انفاق می‌شود بیان نموده و می‌فرماید: «باید از اموال خوب و پاکیزه باشد، نه از اموال مستهلک و ناپاک، یعنی مالی باشد که فقیر با علاقه و میل باطنی آن را بگیرد نه از سر اجبار و علی‌رغم میل باطنی، چرا که تنها کسی دوستدار کار خوب و نیک می‌شود و می‌تواند زندگی خود را به وسیله انفاق، از آلودگی‌ها پاک سازد که از بهترین اموال خود ببخشد تا بدین وسیله به کمال برسد. و به همین جهت است که می‌بینیم آیه شریفه با جمله: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» شروع شده است چون این جمله به ما می‌فهماند که باید در انفاق، بی‌نیازی و حمد خدای را در نظر بگیریم که خدا در عین اینکه احتیاجی به انفاق ما ندارد، مع ذلک انفاق طیب ما را می‌ستاید، پس از مال طیب و خوب خود انفاق کنید» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۹۳).

همچنین علامه در ادامه تفسیر آیه، ترس از فقر بر اثر انفاق اموال طیب و دلپسند را از وسوسه‌های شیطانی می‌داند و می‌فرماید در این آیه بر این معنا احتجاج شده که انتخاب مال خبیث برای انفاق، خیری برای انفاق‌گر ندارد، به خلاف انتخاب مال طیب که خیر انفاق‌گران در آن است. پس اینکه در آیه قبل، به مؤمنین امر کرد که مال طیب و خوب خود را برای انفاق انتخاب کنند مصلحت خود آنان را در نظر گرفته است. و انگیزه مؤمنان از خودداری انفاق مال طیب و خوب، امری جز افزایش مال و ثروت خویش نمی‌تواند باشد؛ نتیجه اینکه: خودداری مردم از انفاق مال

طیب از آنجا که منشأ آن ترس از فقر است و این ترس خطاست، لذا با جمله: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ» خطا بودن آن را آشکار کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۹۴).

۴- انواع انفاق در جهت توسعه علم و دانش

منظور از عنوان فوق، هر یک از انواع انفاق است که در جهت توسعه و گسترش علم و دانش است؛ بنابراین می‌توان در یک تقسیم‌بندی جزئی‌تر، انفاق را در دو بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بررسی کرد که هر یک از این موارد، منجر به توسعه علم و دانش در کشور می‌شود. انفاق از جهت سخت‌افزاری به هر موردی مربوط می‌شود که منجر به صرف هزینه‌های مادی است نظیر: وقف امکانات و مراکز علمی اعم از حوزوی و دانشگاهی، تأسیس مراکز علمی همچون ساخت مدرسه، خوابگاه، کتابخانه، موسسه‌های آموزشی و تأمین هزینه‌های آن‌ها از طریق پرداخت حقوق اساتید و کارمندان این مراکز و شارژ کردن کارت خرید کتاب و تغذیه و همچنین تأمین امکانات آموزشی مورد نیاز آن‌ها؛ و انفاق از جهت نرم‌افزاری نیز می‌تواند شامل توزیع امکانات فرهنگی، چاپ و نشر کتاب، راه‌اندازی سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی مروج علم و دانش و انجام هرگونه تحقیقات علمی که منجر به توسعه و گسترش علم و دانش در کشور می‌شود، باشد.

۵- آثار انفاق در جهت توسعه علم و دانش (آثار انفاق در تحصیل)

انفاقی که در جهت توسعه و ترویج دانش در کشور باشد، اثرات جاودان و بلندمدتی همچون ارتقای سطح علمی کشور از طریق تمرکززدایی امکانات و مراکز آموزشی و مؤسسات عالی از نقاط مرکزی به مردم شهرهای حاشیه‌نشین و محروم کشور را در پی دارد که این خود به تنهایی باعث کشف و شکوفا شدن استعدادهای نهان و مغزهای جوان و مشتاق فراگیری علم و دانش در کشور می‌شود که این امر می‌تواند باعث تربیت و تولید دانشمند و نخبه شده و کمک شایانی به تولید علم در کشور و به تبع آن گسترش و ترویج علم نماید.

۶- اقسام انفاق

انفاق از ابعاد مختلف، دارای اقسامی است که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۶-۱- پنهانی و آشکارا. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۷۴).

۶-۲- جان، مال، آبرو، علم و ... «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره، ۳)

همچنین انفاق در آیات قرآن کریم را می‌توان از جهت مادی یا معنوی بودن، واجب یا مستحب بودن تقسیم‌بندی کرد. بدین صورت که انفاق گاه در امور مادی و مال است و مصداق بارز انفاق در قرآن کریم، انفاق اموال است، مانند «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ» (توبه، ۴۱)، «انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ...» (بقره، ۲۶۷) و در برخی آیات، مراد از انفاق، فراتر از انفاق مادی است؛ از جمله انفاق در آیه ۲ و ۳ سوره بقره: «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» که سرمایه‌های معنوی مانند نیروی عقل و دانش را نیز در برمی‌گیرد (تفسیر نمونه، ج ۱: ۷۴).

انفاق از جهت حکم شرعی نیز به انفاق واجب و مستحب و حرام قابل تقسیم است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۶۶۰). انفاق واجب طیف گسترده‌ای از واجبات مالی، مانند زکات، خمس، کفارات مالی، اقسام فدیة و نفقات واجب را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۴۰۵) از مصادیق انفاق مستحب، صدقه مستحب است که برخی آیات انفاق را ناظر به آن دانسته‌اند؛ از جمله: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...» (بقره، ۲۴۵) (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، صص ۶۰۷-۶۰۸). مصادیقی از انفاق حرام نیز در قرآن کریم تصریح شده است؛ مانند انفاق به مشرکان در راه معصیت خداوند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (انفال، ۳۶) (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴: ۸۳۲).

۱- آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آن‌هاست، و نه غمگین می‌شوند.

۲- (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

یکی از موارد مهم انفاق در اسلام، وقف است. وقف سنت حسنه‌ای است که از دیرباز به اشکال گوناگون در تاریخ بشر وجود داشته است و اسلام نیز آن را در مسیری روشن، منطقی و هدف‌دار، مترقی و دقیق مورد استفاده قرار داده است. آیاتی که در قرآن به انفاق احسان و عمل صالح و ایثار... اشاره شده می‌تواند مشوق وقف باشند و از سویی در قرآن در آیات بسیاری با کتز مال، تکاثر، تفاخر، استکبار، سرقت، طغیان، کسب حرام، حب مال، راندن مهرآمیز یتیم، پرخاش از مسائل، خودبینی و... مبارزه شده که به شکلی می‌تواند به مقام و جایگاه وقف در قرآن اشاره داشته باشد. تعبیر خداوند چه قدر لطیف و زیبا است. خدا که مالک همه چیز است. مالک همه ماست. مالک لحظات عمر ما و مالک نفس‌های ماست، به ما می‌گوید به من قرض بدهید آن هم با تعبیراتی که یک سائل می‌گوید. شما به خدا قرض بدهید خدا به شما پاداش می‌دهد. «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره، ۲۴۵).

دلیلش این است که خدا می‌خواهد از طریق ما انسان‌ها این همکاری و همدلی اتفاق بیفتد. وقف مهم‌ترین وسیله این راه است و تفاوتی که وقف با صدقات موقتی دارد، پایدار بودن و ماندگار بودن آن است.

انفاق در راه خدا آثار تربیتی و اجتماعی فراوانی دارد؛ از یک سو یکی از مهم‌ترین صفات الهی یعنی بخشندگی و مهربانی به دیگران را در انسان تقویت می‌کند و موجب تعالی بُعد روحانی زندگی او می‌شود و او را به کمال می‌رساند و از سوی دیگر راهی است برای رفع نیازهای اقتصادی نیازمندان و محرومان که موجب عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

۷- آثار انفاق

انفاق دارای آثار متعدد اجتماعی، فردی، دینی و علمی است که ذیلاً به برخی از آن‌ها به‌طور مختصر پرداخته می‌شود.

۱- کیست که به خدا «قرض الحسنه‌ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند)، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود). و به سوی او بازمی‌گردید (و پاداش خود را خواهد گرفت).

۷-۱-۱- آثار فردی انفاق

۷-۱-۱-۱- انفاق به سود خود انسان است. «...وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ...» منافع انفاق به خود شما بازگشت می‌کند (بقره، ۲۷۲).

به این وسیله انفاق کنندگان را تشویق به این عمل انسانی می‌نماید، مسلماً انسان هنگامی که بداند نتیجه کار او به خود او بازمی‌گردد بیشتر به آن کار علاقه‌مند خواهد شد. ممکن است در ابتدا چنین به نظر برسد که منظور از بازگشت منافع انفاق به انفاق‌کننده، همان پاداش و نتایج اخروی آن باشد؛ البته این معنی صحیح است ولی نباید تصور کرد که سود انفاق تنها جنبه اخروی دارد، بلکه از نظر این دنیا نیز به سود آن‌ها است هم از جنبه معنوی و هم از جنبه مادی؛ روح‌گذشت، بخشش، فداکاری، نوع‌دوستی و برادری را در انفاق‌کننده پرورش می‌دهد و در حقیقت وسیله مؤثری برای تکامل روحی و پرورش شخصیت اوست (حویزی: ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۵۴).

۷-۱-۱-۲- انفاق، پاسداری از ارزش حیاتی مال است. ارزش واقعی مال به آن نیست که در جایی، و در نزد کسانی، روی‌هم‌انباشته شود، بلکه بدان است که وسیله‌ای برای برآوردن نیازمندی‌های زندگی و ابزاری برای تکامل و رشد آدمی و عاملی برای رسیدن وی به تقوا و جاودانگی باشد. و این جز به انفاق تحقق پیدا نمی‌کند، چه نگاهداری مال و گردآوری تکاثری آن مخالف با همه این‌هاست، زیرا چنین وضعی، مال را به‌صورت عاملی برای فساد و طغیان در دنیا و دین درمی‌آورد و سپس به دست خود یا وارث از بین می‌رود. پس با انفاق و خارج شدن مال از دست دارندگان بی‌نیاز، ارزش قوامی و اسلامی آن محفوظ می‌ماند، و با امساک و بخل و گردآوری، این ارزش سلب می‌شود (حکیمی: ۱۳۸۰ش، ج ۶: ۱۱۳).

۷-۱-۱-۳- مایه فزونی مال است. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۶۱).

۷-۱-۱-۴- مایه تثبیت موقعیت است. «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِتِّعَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...» (بقره، ۲۶۵).

۱- کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یک صد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.

۲- و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی

۷-۱-۵- انفاق راه رسیدن به رستگاری است. «...وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳.
(حشر، ۹)

۷-۱-۶- پاداش بزرگ به دنبال دارد. «... فَأَلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَانْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ»^۴. (حدید، ۷)

۲-۲- آثار اجتماعی انفاق

انفاق مانع هلاکت جامعه است. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵) و لازم است به این امر توجه شود که تباهی فرد و اجتماع، به دلیل ترک انفاق توانگران در مکتب اقتصادی اسلام، از موضوعات بنیادین به شمار می‌آید، زیرا که ترک انفاق به تکاثر کشیده می‌شود، که خود از وسایل تباهی و نابودی فرد و اجتماع است.

همچنین انفاق، از سه جهت سبب تکامل اجتماعی و رشد حیاتی جامعه است. نخست: فقر را که از موانع عمده تکامل اجتماع و سبب عقب ماندگی و متلاشی شدن جامعه است نابود می‌سازد، و زمینه‌های بهره‌کشی از مردمان را از میان برمی‌دارد. دوم: سبب از بین رفتن تفاوت‌های عظیم در سطح زندگی مردم می‌شود، و پایگاه اساسی فتنه‌ها و مفاسد و دشمنی‌ها و اختلاف‌ها و دسته‌بندی‌هایی را که سبب از بین رفتن آرامش اجتماع و وحدت جامعه و امنیت آن است، نابود می‌کند.

و سوم اینکه سبب گسترش یافتن دامنه فرهنگ‌ها در علم و هنر و صنعت و ... است (حکیمی: ۱۳۸۰، ج ۶: ۱۱۵).

است که در نقطه بلندی باشد، و باران‌های درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد)، و میوه خود را دوچندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، پیناست.

۳- ... کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگاران‌اند!

۴- کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند!

۷-۳- آثار انفاق در قرآن و روایات

با دقت در آیات قرآن کریم و احادیث معصومان(ع) می‌توان برخی دیگر از ویژگی‌ها، نتایج و فواید حاصل از انفاق را به‌طور خلاصه به شرح زیر شمرد:

انفاق در راه خدا یکی از شرایط ایمان و تقواست و موجب کمال آن دو و تقرب انسان به خدا می‌شود(توبه، ۹۹)؛ برخی از انواع انفاق واجب (خمس و زکات) و برخی نیز مستحب (صدقه) است(بقره، ۳ و ۲۷۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۶۶۰)؛ قرآن کریم می‌آموزد که ما مالک حقیقی آنچه در اختیار داریم، نیستیم بلکه این اموال از گذشتگان به ما رسیده است و به ناچار از ما به آیندگان خواهد رسید؛ از این رو انفاق هم شرط عقل است و هم شرط ایمان(حدید، ۷)؛ خداوند وعده و نوید می‌دهد که آنچه در راه او انفاق می‌شود، نه تنها در نزد خدا محفوظ می‌ماند، بلکه چندین برابر به انفاق کننده باز خواهد گشت و انفاق سبب جایگزینی مال می‌شود(سبأ، ۳۹؛ بقره، ۲۶۱؛ انفال، ۶۰)؛ انفاق مانع هلاکت فرد و اجتماع است(بقره، ۱۹۵)؛ روح فداکاری در انسان ایجاد می‌کند(بقره، ۲۷۲)؛ باعث آمرزش گناهان و فزونی مال است(بقره، ۲۶۸)؛ خداوند به انفاق انسان‌ها آگاه است(آل عمران، ۹۲)؛ انفاق نزد پروردگار ثبت می‌شود(توبه، ۱۲۱)؛ انفاق، نفس را تزکیه می‌کند و باعث آرامش روح و روان می‌شود(توبه، ۱۰۳).

همچنین در انفاق کردن باید این نکات رعایت شود تا تمام فواید حاصل از آن خودش را نشان دهد و تحقق یابد و از آن جمله است:

از بهترین قسمت مال انتخاب شود(بقره، ۲۶۷)؛ از اموال مورد نیاز انسان باشد(حشر، ۹)؛ به نیازمندان انفاق شود(بقره، ۲۷۳)؛ انفاق پنهانی باشد(بقره، ۲۷۱)؛ بدون منت باشد(بقره، ۲۶۴)؛ با اخلاص باشد(بقره، ۲۶۵)؛ آنچه را که انفاق می‌کند کوچک و کم‌اهمیت بشمارد هرچند ظاهراً بزرگ باشد(مدرثر، ۶)؛ از اموالی باشد که به آن دل بسته است(آل عمران، ۹۲)؛ هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند، بلکه خدا را واسطه میان خالق و خلق بداند(حدید، ۷)؛ و از همه مهم‌تر اینکه انفاق از اموال حلال باشد زیرا گناه هیچ‌وقت کفاره گناه نمی‌شود(مائده، ۲۷)(تفسیر نمونه، ج ۲۳: ۳۲۳).

۸- مبانی نظری

۸-۱- توزیع درآمد از نگاه اقتصاد

توزیع درآمد یکی از مباحث و موضوعات مهم اقتصاد است. کیفیت توزیع درآمد می‌تواند بر بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی انسان اثر بگذارد از این رو در کشورهای پیشرفته، توزیع درآمد، تابع الگوهای بسیار دقیق و پیچیده است. اسلام که یک دین اجتماعی است و تمامی ابعاد زندگی انسانی را تحت پوشش، حمایت و ارشاد خویش دارد نیز به مسئله توزیع درآمد توجه داشته و راه‌های متعددی برای توزیع درآمد در نظر گرفته که انفاق از جمله آن است. چنان که پیش‌تر اشاره شد یکی از اقسام انفاق، وقف است که جایگاه مهمی در توزیع درآمد در جامعه اسلامی داشته و دارد. از آنجا که وقف همیشه در میان جامعه اسلامی دارای اهمیت و فواید بسیاری بوده و برکات آن در سرتاسر جامعه اسلامی توزیع شده و قابل مشاهده است.^۱ در ادامه این پژوهش، ابتدا به بررسی علمی این مبحث مهم در انفاق اسلامی پرداخته و سپس با مطالعه‌ای که بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان‌های مرتبط انجام داده‌ایم از طریق الگوهای علمی آماری نشان خواهیم داد که نقش این اقدام مهم توزیعی بر توسعه دانش در جامعه، تا چه میزان و چگونه بوده است.

وقف، یکی از عمده‌ترین فاکتورهای تعدیل ثروت در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش‌های معنوی و الهی در شکل توزیع عادلانه ثروت محسوب می‌شود. با درک این نکته، یعنی اثرگذاری قابل توجه وقف در توسعه اقتصادی، فکری، فرهنگی و معنوی است که اسلام دین مقدس اسلام، بر گسترش فرهنگ وقف بسیار تأکید نموده است (اسلم‌جوادی، ۱۳۸۰ش: ۱۵).

سنت حسنه وقف یکی دیگر از افتخارات مکتب اسلام و از اهرم‌های مؤثر اعتقادی و فرهنگی برای جبران نیازهای مادی و معنوی جامعه است. از صدها سال پیش تا کنون واقفان خیراندیش

۱- در تأیید این مطلب کافی است توجه کنیم که منبع اصلی بیشتر درآمدهای آستان قدس رضوی (ع) که عایدات و منافع آن به هزاران و بلکه میلیون‌ها نفر می‌رسد، از محل موقوفات آستانه است. از جمله آثار معنوی موقوفات حرم رضوی، انتشار صدها کتاب، نشریه و نیز تأمین هزینه‌های دانشگاه علوم اسلامی رضوی است. اطلاعات بیشتر در سامانه اینترنتی آستان قدس رضوی (ع).

با اختصاص بخشی از اموال خود برای خدمت مستمر به جامعه در قالب روش پسندیده (وقف) که بارزترین و روشن‌ترین مصداق احسان، انفاق، صدقه جاریه، تعاون و باقیات الصالحات است، منشأ خدمات فراوان علمی، فرهنگی، هنری، رفاهی، بهداشتی در جامعه بوده‌اند که وجود صدها درمانگاه، بیمارستان، مدرسه، دارالایتام، کتابخانه و هزارها مسجد، قنات، پل، آب‌انبار و غیره که باید به‌طور دائمی حفظ و مورد بهره‌برداری قرار گیرد، در سراسر کشورهای جهان و به ویژه ایران بهترین گواه و شاهد آن است (عبدالعزیز الدوری، ۱۳۸۵، شماره ۵۶: ۱۰-۸).

۸-۲- نقش وقف در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی در حقیقت دارای دو نوع هدف است: هدف اولی یا اصلی و هدف ثانوی یا فرعی؛ هدف اساسی و اصلی همه نظام‌های اسلام، از جمله نظام اقتصادی آن، کمال ابدی، یعنی همان تقرب الی الله است و هدف‌های فرعی در حقیقت، مقدمه‌ای بر تحقق همان هدف اصلی هستند و اهمیت و ارزش آن‌ها شعاعی از ارزش و مطلوبیت هدف اصلی و کمال‌نهایی خواهد بود. به‌عنوان نمونه اگر رفاه و آسایش اقتصادی از اهداف اقتصاد اسلامی است، این رفاه و آسایش در صورتی و تا حدی مطلوب است که در جهت تأمین سعادت ابدی قرار گیرد و راهی برای وصول به کمال‌نهایی (قرب الهی) باشد. از جمله مهم‌ترین اهداف فرعی و ثانوی اقتصادی اسلام می‌توان به حاکمیت اقتصادی و سیاسی اسلام، برپایی عدالت اجتماعی، توسعه و رشد و رفاه عمومی اشاره کرد. حال به بررسی نقش انفاق در تحقق هر یک از این دو دسته هدف‌های اصلی و فرعی می‌پردازیم.

۸-۳- نقش وقف در تحقق هدف اصلی

از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع) انفاقات مالی، چه واجب و چه مستحب، برای رسیدن به این هدف‌نهایی نقش بس‌عظیم و اساسی دارند که به عنوان نمونه، در اینجا مواردی یادآوری می‌شود:

۸-۳-۱- قرآن کریم در موارد متعددی از انفاق به عنوان جهاد مالی در کنار جهاد با جان، یادکرده است مانند:

« لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^۱ (نساء: ۹۵).

۸-۳-۲- در موارد متعددی از مالیات‌ها و انفاقات در اسلام، از جمله زکات و وقف (نزد بسیاری از فقها) قصد قربت معتبر است. این انفاقات گذشته از جنبه اقتصادی، همانند نماز، روزه و ... عبادت هستند و غرض اصلی از عبادات چیزی جز نیل به قرب الهی نیست.

« وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ^۲ (حجر: ۹۹).

۸-۳-۳- در موارد بسیاری از قرآن کریم هر جا کلمه «انفاق» آمده به دنبال آن واژه «فی سبیل الله» و مانند آن ذکر شده است؛ به عنوان نمونه:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۳ (بقره: ۲۶۲).

در جای دیگری تقریباً با صراحت، هدف از انفاق را لقاءالله دانسته است:

«... وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْتِيكُمْ وَانْتُمْ لَا تَطْلُمُونَ^۴ (بقره: ۲۷۲).

۸-۳-۴- در آیاتی از قرآن کریم، هدف روشن انفاق و اخذ صدقات را تزکیه نفس و یا رسیدن به «بر» و نیکی ذکر کرده است.

«لَنْ تَأْلَوْا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^۵ (آل عمران: ۹۲)

۱- (هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازننشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترک کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

۲- و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [مرگ] تو فرارسد!

۳- کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارش (محفوظ) است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند.

۴- ... و آنچه از خوبی‌ها انفاق می کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می شود؛ و به شما ستم نخواهد شد.

۵- هرگز (به حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است.

بنابراین همه انفاقات مالی، از جمله وقف، برای انسان به منزله هرس کردن درخت از اضافات است که او را در مسیر رسیدن به هدف اصلی و نهایی‌اش یاری می‌دهد و در این جهت به او سرعت می‌بخشد.

۸-۴- نقش وقف در تحقق اهداف فرعی اقتصاد اسلامی

۸-۴-۱- تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و سیاسی و رشد و توسعه

وقتی سخن از تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و رشد و توسعه مطرح می‌شود، هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی می‌تواند همه ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد، به طوری که برای اقتصاد کشور به منابع مالی دیگری نیاز نباشد، بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی می‌تواند در این سمت و سو دارای نقشی سازنده و قابل توجه و سهمی بزرگ باشد. همچنین به این معنا نیست که برخلاف انتظار و اغراض واقفان، درآمد اوقاف را از موارد اصلی مصارفشان که در وقف نامه‌ها آمده است، منحرف سازیم و آن‌ها را در راه تحقق استقلال اقتصادی و رشد و توسعه به کارگیریم و به مصرف برسانیم. حقیقت مورد نظر این است که می‌توان سرمایه‌های عظیم اوقاف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها، با رعایت همه جوانب وقف و موازین شرع و اغراض و اهداف واقفان در فرآیند فعالیت‌های تولیدی و خدماتی به کار گرفت و آن‌ها را از حالت رکود خارج کرده و به حالت تحرک و زبایی هدایت کرد تا بدین وسیله هم به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور کمک شایان و قابل توجه شده باشد و هم روزبه‌روز بر سرمایه‌های اوقاف افزوده شود که این امر قطعاً در جهت هدف واقفان نیز هست (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰: ۱۶۸).

۸-۴-۲- تأثیر وقف بر تحقق عدالت اجتماعی و رفاه عمومی

از متون اسلامی به خوبی روشن است که اسلام، هم خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در جامعه است و هم خواهان رفاه عمومی در حد معقول و مشروع. شهید صدر در این باره می‌نویسد: «مسئولیت دولت و نظام اسلامی، به جز تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد، این است که یک سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین کند و آن‌ها را به یک حد از رفاه عمومی برساند». وی همچنین یکی از ابزارهای مهم دولت اسلامی برای تحقق این هدف

را کفالت همگانی مسلمانان در برابر یکدیگر ذکر می‌کند (یعنی احساس مسئولیت متقابل و عمومی) (شهید صدر، ۱۳۵۷ش، ج ۲، صص ۳۲۲-۳۱۹) از این رو، اولاً فقرزدایی تنها در حد قوت لا یموت به نیازمندان کفایت نمی‌کند. ثانیاً مسلمانان در برابر یکدیگر مسئول‌اند و کفالت همگانی دارند.

اما وقف از دو راه می‌تواند در این مورد مؤثر باشد:

۱- نفس استقلال اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) به‌طور طبیعی موجب رفاه عمومی و زدودن و حداقل کاهش چشمگیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد؛ طبیعتاً کشوری که دچار رکود اقتصادی است و یا از اقتصادی وابسته برخوردار است و یا هر دو بیماری را دارد، نمی‌تواند در جهت رفاه عمومی و عدالت اجتماعی گامی مؤثر و معتبر بردارد.

۲- بخش عمده موارد و جهات مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند (یا می‌توان در وقف در نظر گرفت)، مواردی هستند که به رفاه عمومی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شوند. اگر نگاهی هرچند گذرا به تاریخ اوقاف و موارد مصرفی که در وقف نامه‌ها و کتیبه‌ها آمده است، داشته باشیم به‌خوبی درمی‌یابیم که واقفان خیر و دوراندیش تقریباً همه زوایا و جوانب نیازها را در نظر گرفته‌اند. علی‌رغم این که بسیاری از رقبات موقوفات و مدارک آن‌ها در طول زمان به دلایل و عوامل گوناگونی از بین رفته و از بسیاری از آن‌ها نامی هم باقی نمانده است، مشاهده می‌کنیم که جهت و سمت‌وسوی اصلی مورد نظر واقفان در طول تاریخ در مرحله اول، فقرزدایی به معنای واقعی کلمه و در مرحله بعد، تحقق رفاه عمومی در سطح معقول بوده است (حائری یزدی، ۱۳۸۸ش: ۴۲۱).

اما باید این نکته را در نظر گرفت که نیازهای عمومی و خصوصی مردم نسبت به زمان‌ها و مکان‌های مختلف و اوضاع و شرایط گوناگون متفاوت است. زمانی مردم به کاروانسرا، آب‌انبار و ... نیاز مبرم داشتند، در حالی که در حال حاضر تأسیس فضاهای آموزشی، درمانی، مسکن، جاده‌ها و ... از اولویت بیشتری برخوردارند.

از طرفی، علم و تولید آن به عنوان سنگ بنای اصلی تمدن امروزی و به شکلی گسترده در ارتباط با سایر واقعیت‌های جامعه، تأثیر عمیقی در تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد. به تعبیر دیگر تولید علم و توسعه علمی به عنوان موتور محرکه توسعه همه‌جانبه و پایدار

کشورها نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند (محمودزاده، ۱۳۹۰ش: ۲) در تمدن اسلامی نیز تولید علم به لحاظ نظری و عملی مورد عنایت خاص قرار گرفته است که این امر ناشی از توجه اسلام به علم و تمدن و استفاده نقادانه از سایر تمدن‌ها است (بهنیا فر^۱، ۲۰۰۹م، صص ۲۰۱-۱۷۳). آموزش در کشور به منظور ترویج علم و یا به عبارت بهتر، بسترسازی مناسب برای کسب دانش توسط اقشار مختلف جامعه امری ضروری است (زلفی گل، ۱۳۸۸ش، صص ۲۴-۱۶).

اهمیت این مسأله از منظر دیگر مکاتب و اندیشمندانی همچون «آدام اسمیت^۲»، اقتصاددان معروف کلاسیک، نیز به چشم می‌خورد. وی معتقد است: «آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری در آن‌هاست. با آموزش، افراد توان‌تر خواهند شد و رشد قابلیت‌های آنان سبب می‌گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نائل گردند، بلکه جامعه نیز از سرمایه‌گذاری در آن‌ها منتفع گردد» (عمادزاده، ۱۳۷۴ش: ۶). «تئودور شولتز^۳» از مهم‌ترین اقتصاددانان معاصر و پدر نظریه سرمایه‌انسانی، بر اهمیت و ضرورت توجه به سرمایه‌انسانی در تحلیل‌های اقتصادی تأکید فراوان دارد. بنا بر عقیده او «توانایی‌های اکتسابی انسان مهم‌ترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی سال‌های اخیر به حساب می‌آید و آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌گذاری در انسان، دارای مؤثرترین نقش در رشد و توسعه جوامع است.» (عمادزاده، ۱۳۷۴ش: ۱۶).

سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به‌ویژه برای جوامع در حال توسعه، فوق‌العاده سودآور است. به‌علاوه آموزش و پرورش می‌تواند سبب شود افراد با مهارت‌ها و تخصص‌هایی که کسب کرده‌اند در سطح درآمدی بالاتری قرار گیرند و از سطح زندگی بهتری برخوردار شوند. بنابراین، آموزش و پرورش می‌تواند به‌عنوان ابزار تحقق علم و وسیله‌ای مناسب جهت سیاست‌های توزیع مجدد درآمدها به کار رود (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۸ش، آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار). طی سالیان طولانی برخی اندیشمندان مذهب را عامل عقب‌ماندگی جوامع تلقی می‌کردند، اما در گذر زمان مشخص شد که نه تنها مذهب الهی عامل عقب‌ماندگی نیست بلکه می‌تواند عامل پیشرفت جوامع نیز باشد. باید گفت مذهب الهی و پیش‌برنده، سرمایه‌ای است که

۱ - Behniafar

۲ - Adam Smith

۳ - Theodore Schultz

برای فرد و اجتماع حاصل می‌شود و انباشت آن موجب بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌شود. بر این اساس سرمایه مذهبی به مجموعه نهادها، عملکردها، تجربه‌ها، اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، دانش، قوانین و مقررات، نمادها و واقعیت‌های محیطی فیزیکی و غیر فیزیکی و مانند آن در جامعه می‌گوییم که از وجود مذهب و ایمان مذهبی نشأت گرفته باشد (عزتی، ۱۳۸۷ش، صص ۹-۱۱).

سرمایه مذهبی شامل عناصر مختلفی بوده و در دو بعد سرمایه‌های مذهبی فردی و اجتماعی قابل بررسی است. این عناصر می‌توانند به صورت‌های مختلف بر فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار باشند. از جمله: افزایش رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، بهبود توزیع ثروت و درآمد. وجود سرمایه مذهبی فردی موجب می‌شود روحیه نوع‌دوستی، حمایت و کمک به دیگران، همکاری و تعاون عمومی و نظیر این‌ها در افراد افزایش یابد. سرمایه‌های مذهبی اجتماعی نیز با توسعه نهادهای مذهبی مانند قرض‌الحسنه، وقف، زکات، صدقات، هبات و مانند این‌ها، موجب بهبود امکانات جامعه برای رفع نیازهای طبقات و اقشار نیازمند می‌شود و از این طریق عدالت، توسعه و رفاه عمومی افزایش و فقر کاهش می‌یابد (عزتی، ۱۳۸۷ش، صص ۱۱-۱۴). در پژوهش صورت گرفته به‌منظور بررسی تجربی اثرات سرمایه مذهبی بر توسعه اقتصادی توسط عزتی اثر مثبت و معنادار این متغیر تأیید می‌گردد.

موضوع پرداخت‌های مذهبی، که نوعی تخصیص درآمد بوده و شاخصی از سرمایه‌های مذهبی تلقی می‌شود، در چارچوب مبحث اقتصاد خرد قرار گرفته و به تحلیل رفتار مصرف‌کننده و بر اساس آموزه‌های اسلام به عوامل مؤثر بر تخصیص بودجه فرد مسلمان می‌پردازد. بر اساس مطالعات انجام‌شده توسط «کیاء الحسینی» اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر مخارج خانوار و در نتیجه هزینه‌های مذهبی، درآمد، بعد خانوار، ثروت و دارایی، شاخص قیمت‌ها (تورم) و حوادث غیرمترقبه در نظر گرفته شده‌اند که تمامی آن‌ها اثرات معنی‌داری بر میزان هزینه‌های مذهبی داشته‌اند (کیاء الحسینی، ۱۳۸۸ش، صص ۲۱۱-۲۱۰). در تحقیق حاضر نیز با توجه به اثرات متوالی و هم‌پوشانی بین متغیرها و مطالعات صورت گرفته، اصلی‌ترین عامل مؤثر بر تولید علم و دانش را هزینه‌های مذهبی و بر اساس مطالعات صورت گرفته در این زمینه، درآمد متوسط خانوارها و نرخ تورم در سطح استانی و به‌صورت منتخب بر اساس بیشترین سهم انفاقات آن‌ها در کشور را به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته و وارد مدل نموده‌ایم.

۹- مواد و روش‌ها

داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر برگرفته از سالنامه‌های آماری استانی موجود در بانک اطلاعاتی سایت مرکز آمار ایران به دست آمده است. داده‌های مربوطه از ۴ بخش هزینه و درآمد خانوار، آموزش، فرهنگ، ورزش و گردشگری و شاخص‌های قیمت سالنامه‌های آماری موجود، به تفکیک استان‌ها (برای تحقیق حاضر بر اساس گزارش‌های سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، تنها ۸ استان که بیشترین رقبات وقفی را دارند مورد بررسی قرار گرفته‌اند)^۱، برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ گردآوری شده‌اند. در این پژوهش از الگوی داده‌های پانل^۲ استفاده شده است؛ یعنی متغیرها، تلفیقی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی هستند و برای هر کشور نمونه، دوره زمانی مورد بررسی مشابه است. با ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی در قالب مدل‌های پانل دیتا، مدل‌هایی حاوی اطلاعات کامل‌تر، تغییرپذیری بیشتر، همخطی کمتر میان متغیرها، تورش کمتر و درجات آزادی بیشتر خواهیم داشت که کارایی بیشتری برای تحقیق به ارمغان آورده و پژوهشگر را در مشخص کردن اثرات هر متغیر خاص یاری می‌نمایند. چارچوب کلی مدل آماری پانل به صورت زیر است:

$$Y_{it} = X'_{it}\beta + Z'_i\delta + \varepsilon_{it} \text{ (رابطه شماره ۱)}$$

$$= X'_{it}\beta + \mu_i + \lambda_t + \varepsilon_{it}$$

از طرفی، در تحلیل داده‌های پیچیده، معمولاً الگوهای نمونه‌گیری ساختاری غیر i.i.d را برای داده‌ها در نظر می‌گیرند. لذا تکنیک‌های موجودی که برآورد نقطه‌ای و یا فواصل اطمینان وجود دارند معمولاً برای این نوع از داده‌ها قابل اجرا نمی‌باشد. برای حل این مشکل می‌توان از روش‌های نمونه‌گیری مانند نمونه‌گیری تکراری یا بازنمونه‌گیری استفاده کرد که در آنها برآورد پارامتر بدون نیاز به شرط i.i.d بودن داده‌ها انجام می‌گیرد. از این روش‌ها می‌توان با قدرت محاسباتی زیاد همچنین دوری جستن از تئوری‌های پیچیده برای برآورد پارامتر مورد استفاده قرار گیرند.

۱- کلیه استان‌ها به علت عدم وجود داده‌های مربوط به هزینه‌های مذهبی هر یک قابل بررسی نبودند، لذا ۸ استان که بر اساس گزارش‌های اداره اوقاف و امور خیریه کشور در بالاترین سطح از لحاظ ارایه موقوفات قرار داشتند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش‌های بازنمونه‌گیری، خصوصاً بوت استرپ^۱ و جک‌نایف^۲، روش‌هایی هستند که به وسیله آنها می‌توان به راحتی برآوردگرهایی برای واریانس یافت و همچنین می‌توان فواصل اطمینان نا پارامتری را برای پارامترهای موردنظر در جامعه به دست آورد. این روش‌ها از تئوری بسیار ساده‌ای نتیجه شده‌اند و استفاده از بازنمونه‌گیری را برای پارامتر موردنظر بر اساس یک نمونه تصادفی n تایی از $i.i.d$ از جامعه‌ای با توزیع نامشخص F معرفی نمود و آن را بوت استرپ نامید. به دلیل عدم توازن قابل توجه داده‌های استانی و وجود داده‌های ترکیبی نامتوازن^۳، به پیشنهاد بورک^۴ (۲۰۰۹) و هونکانون^۵ (۲۰۰۸) از روش بوت استرپ برای محاسبه خطای استاندارد مدل استفاده شده است. داده‌ها به صورت لگاریتمی وارد مدل شده‌اند و ضرایب، کشش را نشان می‌دهند.

$$LEDP_{it} = \alpha + \beta LREX_{it} + \gamma LINFL_{it} + \lambda LINC_{it} + u_{it} \quad (\text{رابطه شماره ۲})$$

در مدل فوق متغیرها به شرح زیر می‌باشند:

$LEDP_{it}$: این متغیر به عنوان متغیر وابسته بیانگر لگاریتم تعداد دانش‌آموختگان^۶ استان مورد بررسی برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ می‌باشد.

$LREX_{it}$: این متغیر به عنوان متغیر توضیحی مدل بیانگر لگاریتم هزینه‌های خالص مذهبی استان‌ها^۷ که نمایانگر مخارج صرف شده در مواردی همچون خمس، زکات و وقف می‌باشد، برای بازه زمانی مورد بررسی، در مدل مورد استفاده قرار گرفته و β ضریب یا ارزش پارامتری متغیر مورد نظر است.

$LINFL_{it}$: متغیر توضیحی دیگر به کار گرفته شده در مدل، لگاریتم نرخ تورم استان ما در

۱- Bootstrap

۲- Jackknife

۳- Burke

۴- Hounkannoun

۵- Unbalanced Panel

۶- با توجه به مد نظر بودن بررسی اثر وقف بر آموزش دانشگاهی مجموع دانش‌آموختگان دانشگاهی استان‌های مطرح شده در پژوهش حاضر اعم از آزاد و دولتی مورد استفاده قرار گرفته است.

۷- به سبب عدم دسترسی و موجود نبودن داده‌های وقف به تفکیک استان‌ها نزدیکترین معیار برای اندازه‌گیری اثر وقف هزینه‌های مذهبی که وقف نیز در دل آن است، مورد استفاده قرار گرفته است.

سال‌های مورد نظر بوده و γ ضریب ارزش آن است.

LNINC_{it}: آخرین متغیر به کار گرفته شده در مدل بوده و نماینده لگاریتم خالص متوسط درآمد خانوارها (پس از کسر هزینه‌های مذهبی به منظور جلوگیری از هم‌خطی میان درآمد و هزینه‌های مذهبی خانوارها) در هر استان در سال‌های مورد نظر است که ضریب ارزش آن نیز λ می‌باشد.

لازم به ذکر است در مدل فوق α عرض از مبدأ و u_{it} جزء تصادفی رگرسیون می‌باشد.

۱۰- آزمون‌های پیش از برآورد

۱۰-۱- نتایج آزمون بروش-پاگان

بنابر آزمون بروش-پاگان به منظور تعیین وجود اثرات مقطع یا زمان، نتایج بدست آمده حاکی از عدم وجود اثرات زمانی و همچنین وجود اثرات مقطعی در داده‌های پانل الگوی مورد نظر است.

جدول (۱)- بررسی وجود اثرات مقطعی و زمانی

نتیجه گیری	آزمون بروش-پاگان زمانی	آزمون بروش-پاگان مقطعی	آزمون
وجود اثرات مقطعی و عدم وجود اثرات زمانی	۰.۰۰	۱۲.۵۵	آماره کای دو
	(۱.۰۰۰)	(۰.۰۰۰)	

منبع: محاسبات تحقیق

۱۰-۲- آزمون *F-limer*

فرضیه صفر این آزمون بیانگر وجود الگوی داده‌های تابلویی و فرضیه مقابل آن وجود الگوی داده‌های تابلویی دارای اثرات ثابت است.

جدول (۲) - بررسی اثرات ثابت

نتیجه گیری	آزمون F زمان	آزمون F مقطع	آزمون
وجود اثرات ثابت در زمان	۱.۰۶۶	۱۴.۷۴۰	آماره F
	d.f. (۸,۲۳)	d.f. (۶,۲۵)	
	(۰.۴۱۹)	(۰.۰۰۰)	

منبع: محاسبات تحقیق

بنابر دو آزمون بروش - پاگان و F لیمر، الگوی یک جانبه مقطعی مورد تأیید قرار گرفته، لذا بایستی نوع اثرات موجود در این مدل مورد بررسی قرار گیرد که در ادامه با استفاده از آزمون هاسمن اثرات موجود تعیین شده است.

۱۰-۳- آزمون هاسمن

پس از مشخص شدن یک جانبه یا دو جانبه بودن مدل، به بررسی نوع اثرات موجود در مدل (ثابت یا تصادفی) می پردازیم. بدین منظور هاسمن^۱ (۱۹۷۸) آزمون خود مبنی تفاضل میان مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی ارائه نمود. این آزمون با در نظر گرفتن این نکته که در مدل اثرات ثابت با توجه به حذف یا "جاروب" شدن اثرات فرد یا زمان یا هردو و همچنین ثابت در نظر گرفتن پارامترهای آنها، امکان وجود همبستگی متغیر مستقل با پارامترهای مدل وجود دارد اما در مدل اثرات تصادفی بنا بر تصادفی بودن پارامترهای اثرات فرد و زمان امکان همبستگی میان این پارامترها با متغیر مستقل این امر ممکن نیست، عمل می کند. لذا اگر تفاضل میان این دو آزمون معنادار باشد، مدل اثرات ثابت و اگر این تفاضل برابر صفر باشد مدل ما اثرات تصادفی را خواهد پذیرفت. هر یک از این دو حالت در قالب فرضیه صفر به صورت زیر آزمون خواهند شد.

فروض آزمون:

$$E(U_{it}/X_{it}) = 0 : H_0$$

$$E(U_{it}/X_{it}) \neq 0 : H_1$$

جدول (۳) - بررسی اثرات تصادفی

آزمون	آزمون هاسمن مقطعی	نتیجه گیری
آماره کای دو	۰.۰۱	وجود اثرات تصادفی در مقطع
	(۰.۹۹۹)	

منبع: محاسبات تحقیق

بنابر کلیه آزمون‌های صورت گرفته، مدل اثرات تصادفی مقطعی تأیید شده که نتیجه برآورد نهایی آن در ادامه آورده شده است.

۱۱- نتایج برآورد مدل

با توجه به مباحث مطرح شده و مبانی نظری متغیرهای هزینه‌های مذهبی، نرخ تورم و متوسط درآمد خانوارها بر میزان تحصیلات دانشگاهی به‌عنوان شاخصی از سطح علم و دانش طبق مدل بالا به کار گرفته شدند. انتظار می‌رود که بر اساس آنچه تاکنون بیان شد هزینه‌های مذهبی به‌عنوان نماینده وقف، بر سطح تحصیلات اثر مثبتی داشته باشد که در اینجا برای تعیین جهت و میزان این اثر مدل مطرح شده مورد برآورد قرار می‌گیرد.

جدول (۴) - نتایج برآورد مدل جزء خطای یک جانبه مقطع اثرات تصادفی

مدل	متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T
	لگاریتم هزینه‌های مذهبی	۰.۱۷۹۸۰۵	0.073229	[۰.۰۲۶] 2.455399
	لگاریتم خالص متوسط درآمد خانوار	0.032754	0.009111	[۰.۰۰۲] 3.59491
	لگاریتم نرخ تورم	-0.132475	0.047136	[۰.۰۱۳] -2.810463
	AR(1) ^۱	-0.417732	0.161118	[۰.۰۰۰] -۲.۵۹۲۷۰۶

۱- با توجه به این که هزینه‌های مذهبی بر حسب قیمت جاری هستند، این مسأله در طول زمان یک همبستگی کاذب بین هزینه‌های مذهبی و تعداد دانش‌آموختگان به وجود می‌آورد که به منظور رفع این مسأله دو جزء خودرگرسیون و میانگین متحرک مرتبه اول وارد مدل شده‌اند.

مدل	متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T
	MA(1)	1.543385	0.149068	۱۰.۳۵۳۵۷ [۰.۰۰۰]
	C (عرض از مبدأ)	7.025319	0.961863	7.303864 [۰.۰۰۰]
	ضریب تعیین (R^2)	0.949		
	ضریب تعیین تعدیل یافته (\bar{R}^2)	0.932		
	آماره دوربین واتسون (DW)	2.203		

*) : ضرایب در سطح اطمینان ۹۵٪ برآورد شده‌اند. منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که قابل مشاهده است، در مدل برآورد شده با اثرات تصادفی مقطعی یک جانبه نتایج حاصل در مقایسه با مقادیر استاندارد در سطح معنی‌داری ۹۵٪، حاکی از ارتباط و اثر مثبت و معنادار میان هزینه‌های مذهبی با سطح تحصیلات می‌باشد. بنابراین فرض ما مبنی بر اثرگذاری مثبت هزینه‌های مذهبی به‌عنوان شاخص وقف تأیید می‌گردد. بنا بر ضرایب به دست آمده برای متغیرها که بیانگر کشش تحصیلات نسبت به هزینه‌های مذهبی نیز هستند، اگر این هزینه‌ها یک واحد درصد (افزایش یک میلیون ریال) تغییر کنند، در صورت ثبات سایر عوامل، میانگین سطح تحصیلات ۰/۱۷ واحد درصد (۱۷ نفر) در همان جهت تغییر خواهد کرد. همچنین در صورت تغییر (افزایش یک میلیون ریال) یک واحد درصد در خالص متوسط درآمد خانوارها، در صورت ثبات سایر عوامل، میانگین سطح تحصیلات ۰.۰۳ واحد درصد (۳ نفر) در همان جهت تغییر خواهد یافت (افزایش می‌یابد). علاوه بر دو متغیر مذکور، با افزایش یک واحد درصد تورم، در صورت ثبات سایر شرایط، سطح تحصیلات کاهش خواهد یافت. لذا همان‌طور که انتظار می‌رود تورم با سطح تحصیلات همبستگی منفی داشته اما افزایش در دو متغیر دیگر یعنی خالص متوسط درآمد خانوارها و هزینه‌های مذهبی موجب تقویت متغیر وابسته مورد بررسی یعنی سطح تحصیلات خواهند شد.

نتیجه‌گیری

انفاق در قرآن و منابع روایی از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ آیات و روایات متعددی در زمینه انفاق وارد شده که نشان از اهمیت و نقش مؤثر آن در توزیع عادلانه ثروت در اجتماع دارد. از این رو انفاق در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی در جامعه اثرگذار است؛ از جمله مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد و مورد تأکید این پژوهش نیز قرار گرفت نقش آن در توسعه و ترویج علم و دانش است که به طرق مختلف (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) می‌تواند حاصل شود. همچنین در این مقاله با بررسی وقف که یکی از مهم‌ترین اقسام انفاق در اسلام است به تأثیر آن بر توسعه دانش در کشور پرداختیم. در بخشی از این نوشتار اهمیت وقف در قرآن و روایات را مورد بررسی قرار دادیم و بر اساس منابع اسلامی (کتاب و سنت) تأثیر وقف بر توزیع عادلانه ثروت به‌طور عام و نقش آن در ترویج علم و دانش به‌طور خاص را اثبات کردیم. سپس مطالب به دست آمده از قرآن و روایات را با داده‌ها و آمار وقف در استان‌های مشخص در طی سال‌های معین (۱۳۹۰-۱۳۸۲) بر اساس آمار رسمی و الگوهای اقتصادسنجی panel-Data مورد برآورد قرار گرفت که فرضیه این پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار و تعامل مثبت میان وقف و ترویج دانش را تأیید کرد. با توجه به نتایج این تحقیق، می‌توان علت تأکید قرآن و روایات بر انجام انفاق در جامعه را درک کرد. در واقع اقدام به انفاق، نتایج پربرکتی در جامعه به‌ویژه در جهت توسعه علم و دانش دارد و غفلت از این امر و عدم انفاق نیز باعث نابودی این برکات و عواقب و آسیب‌های ناشی از فقدان آن خواهد شد. بر این اساس، پیشنهاد این پژوهش آن است که نهادها و سازمان‌های مرتبط با بهره‌گیری از آیات و روایات و تحقیقات علمی مؤثر، اقدام به انفاق در تمامی اقسام آن به‌ویژه وقف را ترویج و تشویق نمایند.

منابع

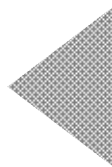
- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، **معجم مقاییس اللغة**؛ قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- الدوری، عبدالعزیز (۱۳۸۵)، گستره تاریخی وقف در جوامع اسلامی با نگاهی به چالش‌ها و راهکارها، **نشریه وقف میراث جاویدان**، شماره ۵۶، ص ۱۰-۸.

- اسلم جوادی، محمد(۱۳۸۰ش)، «نقش وقف در توسعه فرهنگ»؛ پایگاه اطلاع رسانی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- http://www.iecmd.org/farhangi/waqf_toaseah_tamaddon_eslaami_javaadi.html
- بابایی، احمدعلی(۱۳۸۲ش)، **برگزیده تفسیر نمونه**؛ تهران، انتشارات دارالکتب اسلامی.
- پرورش، علی اکبر(۱۳۹۶ق)، **قرآن و خطوط انفاق**؛ اصفهان، انتشارات قائم.
- حائری یزدی، محمدحسن(۱۳۸۰ش)، **وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی**، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی(۱۳۸۰ش)، **الحیاء**؛ ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حویزی، عبد علی بن جمعه(۱۴۱۵ق)، **تفسیر نور الثقلین**؛ تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- خرمشاهی، بهاءالدین(۱۳۷۷ش)، **دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی**؛ تهران، انتشارات دوستان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق)، **معجم مفردات ألفاظ القرآن**؛ لبنان- سوریه، دارالعلم-الدار الشامیه.
- زلفی گل، محمدعلی(۱۳۸۸ش)، مقاله «از ترویج علم تا تولید دانش»؛ **نشریه رهیافت**، شماره ۳۳.
- سعدی ابو جیب(۱۴۰۸ق)، **القاموس الفقهي لغة و اصطلاحاً**؛ دمشق، سوریه، دار الفکر.
- سلیمی فر، مصطفی(۱۳۷۰ش)، **نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن**؛ مشهد، بنیادین پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- صدر، محمدباقر(۱۳۵۷ش)، **اقتصادنا**؛ تهران، انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین(۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- عزتی، مرتضی(۱۳۸۷ش)، «**سرمایه مذهبی: ماهیت، عناصر تشکیل و آثار آن**»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- عمادزاده، مصطفی(۱۳۷۴ش)، «**مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش**»، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- کیاالحسینی، سید ضیاءالدین(۱۳۸۸ش)، «عوامل مؤثر بر هزینه های مذهبی دهک های درآمدی خانوارهای شهری ایران»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۵.
- محمودی، عباسعلی(۱۳۸۳ش)، **انفاق کلید اقتصاد**، تهران، انتشارات فیض کاشانی.

- محمودزاده، ابراهیم(۱۳۹۰ش)، «*بررسی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی*». بی.نا.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*؛ تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- موسایی، میثم، احمدزاده، مریم(۱۳۸۸ش)، «آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار»؛ *فصلنامه علمی ترویجی راهبرد توسعه(راهبرد یاس سابق)*، شماره ۱۸.
- سامانه اینترنتی آستان قدس رضوی (ع)، <http://www.aqr.ir>

- William J. Burke(2009), Fitting and Interpreting Cragg's tobit Alternative Using Stata, *The Stata Journal* 9, Number 4, pp. 584–592.
- Hounkannounon, B.(2008), *Bootstrap for Panel Data*, Available at SSRN 1309902, papers.ssrn.com, Université de Montréal, CIREQ.
- Behniafar, Ahmad Reza(2009), Pathology of Islamic Culture and Civilization in Terms of Science Production in the World Today, *Islamic Science Quarterly*, Vol. 4. No. 13. 173-201.
- Schultz, T. P. (1969), "Secular Trends and Cyclical Behavior of Income Distribution in United States: 1944-1965", *National Bureau of Economic Research*, studies in income and wealth, Vol.33.
- Smith, Adam(1776), “*An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*”, W. Strahan and T. Cadell, London Publication. Vol. 1.
- Baltagi, Badi,(2005), *Econometric Analysis of panel Data*, Third Edition, West Sussex, England, John Wiley & Sons, ,chapter 2&4.

بررسی میزان تمایل افراد جویای کار به انجام فعالیت‌های تعاونی و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهرستان شیراز



سید روح الله موسوی^۱

مصطفی تیموری^۲

علی شمس‌الدینی^۳

(تاریخ دریافت ۹۴/۶/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۰/۲۰)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تمایل افراد جویای کار به انجام فعالیت‌های تعاونی و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهرستان شیراز بود. جامعه آماری تحقیق، افراد جویای کار مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی شهرستان شیراز بودند که با توجه به زمان و بودجه از بین آنها تعداد ۷۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری گردید. روایی محتوایی پرسشنامه نیز با نظرخواهی از کارشناسان و استادان مرتبط با موضوع و پایایی ابزار پژوهش نیز با انجام آزمون مقدماتی و از طریق تکمیل ۲۰ پرسشنامه در بین جامعه آماری مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ قسمت‌های مختلف پرسشنامه بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ به دست آمد که نشان از قابلیت پایایی پرسشنامه دارد. داده‌های گردآوری شده با استفاده

۱- کارشناسی ارشد مدیریت توسعه از دانشگاه صنعتی اصفهان و مدرس دانشگاه (نویسنده مسؤول)، Mousavi336@yahoo.com

۲- دکتری توسعه کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که میانگین سن افراد جویای کار ۲۹/۵ سال بوده، ۶۴/۳ درصد افراد مورد مطالعه مجرد و ۳۵/۷ درصد آنها متأهل بوده‌اند. ۵۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۵ درصد آنها زن بوده‌اند. بیشترین فراوانی مربوط به افراد با مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده و کمترین فراوانی به افراد با مدرک لیسانس تعلق داشته است. بر مبنای یافته‌های تحقیق، در مجموع افراد مورد مطالعه نظر مساعدی نسبت به بخش تعاون و انجام فعالیت‌های اقتصادی در بستر نظام تعاونی دارند. بین سن پاس‌خگویان، سطح تحصیلات، نگرش و دانش آنها نسبت به بخش تعاون با تمایل آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیر سطح تحصیلات، تأثیرگذارترین متغیر بر گرایش پاس‌خگویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی بوده است.

واژگان کلیدی: استان فارس، اشتغال، تعاون، گرایش، نگرش.

مقدمه و بیان مسأله

رشد روز افزون جمعیت، پایین بودن ظرفیت‌های تولید و عملکرد نامطلوب نظام آموزشی عالی در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآموزده باعث به وجود آمدن بحران بیکاری در دهه اخیر شده و اذهان را به این فکر واداشته است که برای ساماندهی اقتصادی و کاهش بیکاری، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید در چه جهتی صورت گیرد (احمد پورداریانی، ۱۳۸۶: ۳). چالش اشتغال یا موضوع بیکاری نه فقط یکی از مهمترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می‌آید بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن را مهمترین چالش چند دهه آینده نیز به حساب آورد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۲۸). بیکاری یکی از بزرگترین پیامدهای ناپسند در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است که از یک سو، به عنوان مشکل ناشی از توسعه نیافتگی خودنمایی می‌کند و از دیگر سو، همچون مانعی بزرگ بر سر راه توسعه قرار می‌گیرد و خود سرآغاز بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. با توسعه آموزش عالی در کشور بویژه در دو دهه گذشته، جمعیت فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی با رشدی فزاینده افزایش یافته است. طبق آمارها سالانه ۲۷۰ هزار دانش‌آموخته

دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند، اما ظرفیت بازار کار پاسخگوی جذب این شمار از دانش‌آموختگان نیست (بارانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷). از سویی با توجه به سیاست‌های دولت مبنی بر کاهش و تعدیل نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی، زمینه‌ای برای جذب دانش‌آموختگان توسط دولت وجود نداشته و ضرورت دارد راهکارهای بدیلی برای اشتغال دانش‌آموختگان در مشاغل غیردولتی فراهم شود. یکی از راه‌های عملی در جهت کاهش نرخ بیکاری به خصوص در میان قشر تحصیلکرده دانشگاهی، تعاون و همکاری میان افراد در قالب شرکت‌های تعاونی است. تعاونی‌ها در ایجاد اشتغال، کاهش نرخ تورم، توسعه مشارکت‌های جمعی و تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی نقش مؤثری دارند. در مقایسه با تشکل‌های دولتی، تعاونی‌ها دارای بهره‌وری بیشتر و ضایعات کمتر هستند و در مقایسه با بخش خصوصی از دموکراسی اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد برخوردارند. بنابراین در میان سه بخش تعاونی، دولتی و خصوصی، تعاون و شرکت‌های تعاونی می‌توانند بستر مناسبی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان و جذب آنها باشند (طهماسبی گنجور، ۱۳۸۴: ۷۸).

در شرایط حاضر اهمیت ایجاد اشتغال با توجه به جمعیت و نرخ رشد بیکاری از سویی، و نقش اقتصادی تعاونی‌ها در کنار ارزش‌های انسانی تعاون، همچون عدالت، انصاف، همبستگی، مشارکت اعضا و... از سویی دیگر، لزوم توجه و برنامه‌ریزی دقیق‌تر در زمینه ایجاد تعاون و اشتغال‌زایی را بدیهی می‌سازد (کولتر^۱، ۲۰۰۵). امروزه این اعتقاد وجود دارد که توانمندسازی افراد با ایجاد تعاونی‌های کارآفرین و اشتغال‌زا، رهیافت بسیار کارآیی در کشورهای در حال توسعه بوده که نتیجه آن رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی تعاونی‌ها را به همراه خواهد داشت (فولتن^۲، ۱۹۹۹، کولتر، ۲۰۰۵). درست است که تعاونی‌ها در عرصه فعالیت‌های نظام سرمایه‌داری تحت فشارهای شدید می‌باشند، با این حال تعاونی‌ها می‌توانند در ارتباط با همین نظام سرمایه‌داری اشتغال‌زا باشند و اهمیت وجودی خود را اثبات کنند (لهسائی‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۱).

بررسی تاریخ زندگی انسان نیز حاکی از وجود گرایش فطری به همکاری و تعاون جهت رفع نیازهای اساسی و تأمین زندگی سالم اجتماعی می‌باشد. در واقع تعاون به مفهوم همکاری و

۱-Coulter

۲- Fulton

همیاری، بخشی از فرهنگ ملت است.

با توجه به همین گرایش فطری، شناخت آگاهانه و گرایش مثبت کارجویان خصوصاً فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از مزایای بخش تعاون و انجام کارهای جمعی برای دستیابی به اهداف بزرگ، از مهمترین مباحثی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. چون گرایش فارغ‌التحصیلان به بخش تعاون و اقدام آنان برای تشکیل تعاونی از طرفی موجب تقویت و گسترش بخش تعاون و افزایش ضریب رقابت‌پذیری این بخش در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی گردیده و از طرف دیگر بحران بیکاری و پیامدهای ناخوشایند این معضل را در جامعه کاهش می‌دهد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر در پی آن است که مشخص نماید کارجویان تا چه اندازه با بخش تعاون آشنا بوده، میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی به چه میزان می‌باشد و چه عواملی بر گرایش مثبت ایشان به این موضوع مؤثر است، تا بر مبنای آن زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزی جهت توسعه فعالیت‌های اشتغالزا در قالب تعاونی فراهم آید. به عبارتی هدف این تحقیق آنست تا ضمن مشخص نمودن میزان گرایش کارجویان به انجام فعالیت‌های تعاونی در شهرستان شیراز، به بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر گرایش این افراد به اشتغال در این بخش پرداخته و نهایتاً با شناسایی راهکارها و ارائه پیشنهادها لازم در این خصوص به رفع بیکاری جامعه کمک نماید.

اهداف تحقیق:

پژوهش حاضر اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- بررسی میزان تمایل افراد جویای کار به انجام فعالیت‌های تعاونی و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهرستان شیراز؛
- ارزیابی گرایش (تمایل) کارجویان به انجام فعالیت‌های تعاونی؛
- ارزیابی نگرش کارجویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی؛
- بررسی ارتباط بین ویژگی‌های فردی کارجویان و گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی؛
- بررسی ارتباط بین ویژگی‌های اجتماعی کارجویان و گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی؛
- بررسی ارتباط بین ویژگی‌های اقتصادی کارجویان و گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی.

پیشینه تجربی تحقیق

عباسی و قورچیان (۱۳۸۸)، نشان دادند مجموعه عوامل متنوعی نظیر آگاهی نسبت به فرصت‌ها و زمینه‌های شغلی، آشنایی با نحوه تشکیل شرکت تعاونی و آگاهی از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بخش تعاون، آشنایی با حمایت‌های دولت از بخش تعاون، وجود انگیزه قوی در دانش‌آموختگان برای کسب درآمد بیشتر، در روند شکل‌گیری تعاونی‌ها تأثیر دارند.

نتایج مطالعه صابری‌فر (۱۳۹۱)، نشان داد که آگاهی افراد از مزایا و منافع شرکت‌های تعاونی و نگرش آنها نسبت به این نهاد، به محل زندگی، گروه سنی، میزان تحصیلات، وضعیت معیشت و شغل آنها وابسته است.

مهران فر (۱۳۸۴) و فرزین فر (۱۳۸۴)، در دو تحقیق جداگانه ارائه تسهیلات حمایتی به موقع و به اندازه را به عنوان یک عامل اصلی در شکل‌گیری تعاونی‌ها به ویژه برای کسانی که از توانمندی‌های مالی برخوردار نیستند (که عمده دانش‌آموختگان دانشگاهی را نیز در بر می‌گیرد) مورد تأکید قرار داده‌اند.

مزروقی (۱۷۹)، در مطالعه خود به بررسی نقش تشکلهای تعاونی در افزایش اشتغال و رشد اقتصادی استان خوزستان پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد بهترین روش برای افزایش مشارکت بخش غیردولتی در فعالیتهای اقتصادی، افزایش تشکلهای تعاونی به خصوص تعاونی‌های صنعتی و کشاورزی می‌باشد و باید با حل مسائل بخش تعاونی و فراهم آوردن شرایط مناسب برای فعالیت در این بخش، زمینه دستیابی به افزایش اشتغال و رشد اقتصادی را فراهم کرد.

نجفی (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای به بررسی تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داد که در برنامه‌ریزی برای مقابله با فقر و اشتغال‌زایی، ایجاد تعاونی بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جلب اعتماد اعضاء و مدیریت توانمند از طریق جذب نیروهای کارآمد، به تنهایی نمی‌تواند مؤثر باشد.

جباری (۱۳۸۹)، در مطالعه خود به بررسی نقش تعاونی‌های کشاورزی در ایجاد اشتغال و تولید در استان فارس با استفاده از مدل رگرسیون فازی پرداخت و نشان داد در تعاونی‌های گاوداران وام‌های اعطایی در حد متوسط و تنوع محصولات تولیدی به طور خیلی زیاد، بر اشتغال اعضا اثر داشته و سایر متغیرهای مورد بررسی اثری بر اشتغال‌زایی از دیدگاه اعضاء نداشته‌اند.

در تحقیق نیازی و همکاران (۱۳۹۰)، این نتایج به دست آمد: بین نگرش زنان و مردان به تعاون و تعاونی‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با افزایش سن پاسخگویان، شاهد افزایش میزان نگرش مثبت به تعاون هستیم. متأهلین نسبت به مجردان نگرش مثبت‌تری به تعاون و تعاونی دارند. با افزایش فردگرایی در فرد، نگرش مثبت آنها نسبت به تعاون کاهش می‌یابد.

نتایج مطالعه شهبازی (۱۳۸۷)، نشان داد بین متغیرهای مستقل (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، ارضاء نیازها و ویژگی‌های فردی به جزء سن و درآمد) و متغیر وابسته (گرایش دانشجویان به عضویت در تعاونی‌های اشتغال) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

صمدی (۱۳۸۹)، در بررسی راه‌های توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بخش تعاون و عوامل مؤثر بر آن، به این نتیجه رسید که عوامل ساختاری (درون شرکتی) تأثیر بیشتری نسبت به عوامل زمینه‌ای و رفتاری دارند.

اردکانی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان "موانع کارآفرینی و اشتغال در تعاونی‌ها" به این نتیجه رسید که موانع قانونی، فنی و تکنولوژیکی، اداری، فرهنگی و مالی به ترتیب مهمترین موانع اشتغال و کارآفرینی در بخش تعاون می‌باشند.

علی پور و دهقانی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین میزان رضایت از رشته تحصیلی، میزان آشنایی با تعاونی‌ها و نگرش دانشجویان نسبت به فعالیت در قالب تعاونی‌های کشاورزی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس پژوهش‌های گویانان^۱ (۲۰۰۰)، وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر برای دریافت وام، تجارب اندک اعضاء در مسائل بازرگانی و تجاری، نبود راهبرد مشخص، مدیریت نامناسب و ضعف ساختاری، از جمله موانع فراروی تعاونی‌هاست.

بر اساس یافته‌های وونگ و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، داشتن تجربه شغلی، آشنایی با پیچیدگی‌های فرآیند کسب و کار، ضرورت پرداختن به ابعاد مختلف فعالیت‌ها و تکمیل تخصص‌های مورد نیاز از طریق فعالیت‌های جمعی در توسعه تعاونی‌ها و شرکت‌های تعاونی مؤثر می‌باشد.

۱- Guinnane

۲- Wong et al.

کالیندو^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، اثر ویژگی‌های فردی را در تصمیم به خود اشتغالی در آلمان بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که گرایش، یکی از مهمترین ویژگی‌های فردی است که نقش مهمی در خوداشتغالی ایفا می‌کند. همچنین ژوهانیسون^۲ (۱۹۹۸)، ویژگی‌های فردی دانش‌آموختگان را در شکل‌گیری کسب و کارهای جمعی مؤثر می‌داند. براساس نتایج تحقیق توماس^۳ (۲۰۰۰)، روحیه کارآفرینی جمعی و مشارکت‌پذیری یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های تعاونی معرفی شده است. بیکفورد و همکاران^۴ (۱۹۸۷)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل اقتصادی از تأثیرات برنامه‌های توسعه اقتصادی فدرال بر اشتغال محلی" نشان دادند ارائه کمک‌های بلاعوض و وام از عوامل مؤثر در اشتغالی است.

روش شناسی

در مورد روش تحقیق تا کنون نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی عنوان شده است (ظهوری، ۱۳۷۸: ۴۴). علیرغم این، با توجه به روش‌های چهارگانه دیدگاه تئوری‌پردازی، یعنی بسط یا بهبود تئوری‌های موجود، مقایسه دیدگاه‌های تئوریک مختلف، بررسی پدیده‌ای خاص با استفاده از دیدگاه‌های تئوریک مختلف و بالاخره بررسی پدیده‌ای مستند و تکراری در محیط و شرایطی جدید (فیلدمن^۵، ۲۰۰۴). روش تحقیق حاضر با توجه به ماهیت موضوع از نوع پژوهشی کمی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. زیرا در پی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. همچنین این تحقیق از نظر کنترل متغیرهای تحقیق، از نوع توصیفی و همبستگی می‌باشد که به طریقه پیمایشی انجام شده است. توصیفی از آن جهت که تلاش در توصیف نگرش و تمایل افراد جویای کار به تعاون و شرکت‌های تعاونی و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهرستان شیراز دارد و تحلیلی، زیرا به تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد. همچنین بر اساس

۱- Caliendo

۲- Johannisson

۳- Thomas

۴- Bickford and et al.

۵- Feldman

ماهیت و روش با توجه به اینکه روش جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر به صورت میدانی بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق تدوین و تکمیل پرسشنامه، جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان این تحقیق را از نوع پیمایشی دانست.

جامعه آماری تحقیق افراد جویای کار مراجعه کننده به مراکز کاریابی شهرستان شیراز بودند که پس از انجام تست اولیه، تعداد حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۷۰ نفر محاسبه شد و بر این اساس با توجه به بودجه و هزینه‌های تحقیق، تعداد ۷۰ پرسشنامه در مراکز کاریابی شهرستان شیراز تکمیل گردید.

جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسشنامه به آنها انجام گرفته است. تهیه و تکمیل ابزار مورد استفاده در این پژوهش (پرسشنامه)، مراحل زیر را سپری نمود: ابتدا گویه‌های مورد نظر با استفاده از ادبیات پژوهش انتخاب گردید. پرسش‌های مربوط به مشخصات فردی به روش باز و پرسش‌های مربوط به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تمایل افراد جویای کار به بخش تعاون به روش بسته تهیه شد. پرسشنامه مشتمل بر بخش‌هایی شامل: ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای کارجویان، ویژگی‌های اقتصادی آنان، منابع کسب اطلاعات در مورد شرکت‌های تعاونی، دانش افراد جویای کار پیرامون تعاون، نگرش و گرایش افراد جویای کار نسبت به انجام فعالیت‌های بخش تعاون، نیز دیدگاه پاسخگویان در خصوص کارکردهای نظام تعاون در اشتغال دانش‌آموختگان و ... بود که توسط پژوهشگران تدوین و طراحی گردید. سپس پرسشنامه طراحی شده به منظور اطمینان از روایی ظاهری و محتوایی، توسط گروهی از کارشناسان و متخصصان مربوطه مورد بررسی قرار گرفته و اصلاحات لازم اعمال گردید. در مرحله بعد از راه مصاحبه با تعدادی از نمونه آماری، مورد اصلاح و بازبینی دوباره قرار گرفت. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای این منظور، تعداد ۳۰ نسخه از پرسشنامه توسط بخشی از جامعه آماری پژوهش تکمیل و پس از داده‌پردازی، ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرها محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ قسمت‌های مختلف پرسشنامه بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ به دست آمد که نشان از قابلیت پایایی پرسشنامه دارد.

پس از تکمیل و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، همگی آنها کدگذاری شد. سپس داده‌های آنها وارد بانک داده‌های نرم‌افزارهای SPSS گردید. در مرحله بعد اطلاعات به دست آمده به کمک روش‌های آماری ضریب همبستگی، مقایسه میانگین و رگرسیون چندگانه و با استفاده از نرم افزار

SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که نتایج در دو قسمت نتایج توصیفی و استنباطی ارائه خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش به تحلیل اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه پرداخته شده و متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف- یافته‌های توصیفی

یافته‌های مندرج در جدول (۱) نشان می‌دهد که میانگین سن افراد جویای کار ۲۹/۵ سال بوده، جوان‌ترین آنها ۱۸ سال و مسن‌ترین آنها ۳۵ سال سن داشته است. بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۶ تا ۳۰ تعلق داشته و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰-۳۵ سال بوده است.

جدول (۱)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس متغیر سن

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سن	۲۰-۲۵	۲۳	۳۲/۸	۳۲/۸
	۲۶-۳۰	۳۵	۵۰	۸۲/۸
	۳۰-۳۵	۱۲	۱۷/۲	۱۰۰
	کل	۷۰	۱۰۰	

میانگین (سال): ۲۹/۵ انحراف معیار: ۷/۹۷ حداقل: ۱۸ حداکثر: ۳۴ منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاصل از بررسی پاسخگویان بر اساس متغیر سطح تحصیلات حاکی از آن است که ۱۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک سیکل و پایین تر، ۲۴/۳ درصد دیپلم، ۲۸/۵ درصد فوق دیپلم، ۳۱/۵ درصد لیسانس و ۵/۷ درصد فوق لیسانس بوده اند (جدول ۲).

جدول (۲) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس متغیر سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
سیکل و پایین تر	۷	۱۰	۱۰
دیپلم	۱۷	۲۴/۳	۳۴/۳
فوق دیپلم	۲۰	۲۸/۵	۶۲/۸
لیسانس	۲۲	۳۱/۵	۹۴/۳
فوق لیسانس	۴	۵/۷	۱۰۰
جمع	۷۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق.

نتایج بررسی مطالعه در مورد کانال‌ها یا راه‌های افزایش آگاهی پاسخگویان در مورد تعاونی‌ها و فعالیت‌های مربوط به آن نشان می‌دهد که مهمترین کانال افزایش آگاهی پاسخگویان در مورد تعاونی‌ها، "اخبار و گزارش‌های تلویزیونی" بوده و در مقابل "دروس دانشگاهی" کمترین اهمیت را داشته است (جدول ۳).

جدول (۳) - کانال‌های مؤثر برای آگاهی پاسخگویان در

مورد تعاونی‌ها و فعالیت‌های بخش تعاون

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه ای	کانال
۱	۲۶/۹	۰/۸۱	۳/۰۱	اخبار و گزارش‌های تلویزیونی
۲	۲۷/۴	۰/۸۵	۳/۱	گفتگوهای دوستانه
۳	۲۵/۹	۰/۷۹	۳/۰۵	مطبوعات
۴	۳۲/۱	۰/۹۳	۲/۸۹	مطالعه کتابها و نشریات
۴	۳۶/۶	۰/۹۹	۲/۷۰	سایت‌های اینترنتی
۵	۶۲/۷	۱/۲۱	۱/۹۳	سؤال از اساتید
۶	۷۹/۲	۱/۴۱	۱/۷۸	شرکت در سمینارها
۷	۱۱۳/۴	۱/۵۲	۱/۳۴	دروس دانشگاهی

منبع: یافته‌های تحقیق

سطح نگرش، دانش و آگاهی پاسخگویان پیرامون بخش تعاون در قالب طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور گروه‌بندی پاسخگویان در این رابطه از روش Interval

داده‌های به دست آمده بر اساس محاسبه میانگین و انحراف معیار به چهار سطح به شرح زیر تقسیم شده است: (صدیقی و درویش نیا، ۱۳۸۱: ۶۹).

$$A < \text{Mean} - SD : \text{ضعیف} = A$$

$$\text{Mean} - SD < B < \text{Mean} : \text{نسبتاً ضعیف} = B$$

$$\text{Mean} < C < \text{Mean} + SD : \text{نسبتاً قوی} = C$$

$$\text{Mean} + SD < D : \text{قوی} = D$$

جدول (۴) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سطح دانش و آگاهی آنها پیرامون بخش تعاون

متغیر	سطح دانش	فراوانی	درصد فراوانی	درصد جمعیتی
سطح دانش	ضعیف	۳۳	۴۷/۱	۴۷/۱
	نسبتاً ضعیف	۲۵	۳۵/۷	۸۲/۸
	نسبتاً قوی	۹	۱۲/۸	۹۵/۷
	قوی	۳	۳/۴	۱۰۰
	جمع	۷۰	۱۰۰	---

منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از گروه‌بندی افراد بر اساس نگرش آنها نسبت به فعالیت‌های بخش تعاون نشان می‌دهد که نگرش ۱۴/۲ درصد منفی، نگرش ۲۰ درصد نسبتاً منفی، نگرش ۴۲/۸ درصد نسبتاً مثبت و نگرش ۲۲/۸ درصد مثبت بوده است (جدول ۵).

جدول (۵) - نگرش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های بخش تعاون

نوع نگرش	فراوانی	درصد
منفی	۱۰	۱۴/۳
نسبتاً منفی	۱۴	۲۰
نسبتاً مثبت	۳۰	۴۲/۸
مثبت	۱۶	۲۲/۹
جمع	۷۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از بررسی گرایش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های بخش تعاون نشان می‌دهد که ۱۱/۴ درصد گرایش خیلی کم، ۱۴/۳ درصد گرایش کم، ۲۰ درصد گرایش متوسط، ۲۵/۷ درصد گرایش زیاد و ۲۸/۹ درصد گرایش خیلی زیاد را بیان کرده‌اند (جدول ۶).

جدول (۶) - گرایش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های بخش تعاون

میزان گرایش	فراوانی	درصد
خیلی کم	۸	۱۱/۴
کم	۱۰	۱۴/۳
متوسط	۱۴	۲۰
زیاد	۱۸	۲۵/۷
خیلی زیاد	۲۰	۲۸/۹
جمع	۷۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

ب) آزمون فرضیه‌های تحقیق

سن و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: رابطه بین سن افراد مورد مطالعه و گرایش آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در جدول ۷ بیان شده است. همانگونه که نتایج نشان می‌دهد در سطح ۵٪ خطا رابطه آماری معنی‌داری بین سن افراد مورد مطالعه و گرایش آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی مشاهده نشده است. به عبارت دیگر با افزایش یا کاهش سن افراد مورد مطالعه گرایش آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی به طور معنی‌دار تغییر نکرده است (جدول ۷).

جدول (۷) - بررسی همبستگی بین سن افراد با تمایل آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی

متغیر ۱	متغیر ۲	نوع ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
گرایش نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی	سن	پیرسون	۰/۰۴۷ NS	۰/۸۶۴

منبع: یافته‌های تحقیق

** : معنی داری در سطح ۱ درصد * : معنی داری در سطح ۵ درصد NS : عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر

جنسیت و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: به منظور مقایسه تمایل پاسخگویان زن و مرد نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی از آزمون من وایت نی استفاده شد و نتایج در جدول ۸ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین گرایش زنان و مردان در مورد انجام فعالیت‌های تعاونی تفاوت معنی‌داری وجود نداشته است.

وضعیت تأهل و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: همچنین به منظور مقایسه گرایش پاسخگویان مجرد و متأهل نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی از آزمون من وایت نی استفاده شد و نتایج در جدول ۸ بیان شده است. بر اساس این نتایج، بین گرایش افراد مجرد و متأهل در مورد انجام فعالیت‌های تعاونی تفاوت معنی‌داری وجود داشته و با توجه به میانگین می‌توان گفت که افراد متأهل گرایش بیشتری به انجام فعالیت‌های تعاونی داشته‌اند. این می‌تواند به این دلیل باشد که به علت مسئولیت‌پذیری بیشتر افراد متأهل، این افراد تمایل بیشتری به انجام کارهای اقتصادی در قالب تعاونی‌ها دارند.

جدول (۸) - بررسی همبستگی بین جنسیت و وضعیت تأهل با تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	گروه‌ها	نوع آزمون	میانگین	مقدار من وایت نی	سطح معنی‌داری
جنسیت	گرایش	زن	آزمون من وایت نی	۳/۱۱	۰/۵۰۸ ns	۰/۶۱۲
		مرد		۳/۱۴		
وضعیت تأهل	گرایش	مجرد		۳/۲۳	۱/۴۵*	۰/۰۴۵
		متأهل		۳/۴۱		

منبع: یافته‌های تحقیق

*: معنی‌داری در سطح ۱ درصد * : معنی‌داری در سطح ۵ درصد ns: عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر

سطح تحصیلات و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: به منظور بررسی رابطه بین سطح تحصیلات کارجویان و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج این ضریب همبستگی در جدول ۹ قابل مشاهده است و بر اساس این نتایج، بین سطح تحصیلات افراد و گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط منفی معنی‌دار در سطح

۱ درصد خطا وجود داشته است. این بدان معناست که با افزایش سطح تحصیلات افراد، تمایل آنها به انجام کارهای تعاونی کاهش می‌یابد که این امر نیاز به آسیب‌شناسی دارد. شاید این عدم تمایل به اشتغال از سوی فارغ‌التحصیلان مدرک بالا، به این دلیل باشد که برای آنها مشاغل بهتری با سطح دستمزدهای بالاتر در ادارات دیگر وجود دارد. باید بررسی کرد که این عدم گرایش ناشی از چه عواملی است و در جهت رفع آنها تلاش نمود.

نگرش و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: همچنین رابطه بین نگرش کارجویان نسبت به تعاون و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مندرج در جدول ۹ نشان می‌دهد که بین نگرش کارجویان نسبت به تعاون و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط مثبت معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا وجود داشته است. این نتیجه نشان می‌دهد که افرادی که از نگرش مساعدتری نسبت به بخش تعاون و فعالیت‌های تعاونی برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری نیز به این فعالیت‌ها نشان داده‌اند. همچنین این یافته تحقیق می‌تواند گواهی بر موافقت گروه مورد بررسی با قابلیت‌ها و توانمندی‌های این بخش بویژه در بعد اشتغالزایی و ضرورت توسعه آن در راستای دستیابی به اهداف این بخش باشد.

دانش و آگاهی و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: در ادامه ارتباط بین دانش و آگاهی کارجویان نسبت به تعاون و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آن نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مثبت معنی‌دار در سطح ۵ درصد خطا وجود داشته است (جدول ۹). به بیانی دیگر با بهبود دانش و آگاهی کارجویان نسبت به تعاون، تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی افزایش یافته است. بر همین اساس می‌توان گفت باید تلاش شود شرایطی را فراهم کرد تا کارجویان بتوانند آگاهی‌های خود را در رابطه با تعاونی‌ها افزایش دهند.

اعتماد اجتماعی و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: ارتباط بین اعتماد اجتماعی کارجویان و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی کارجویان و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط مثبت معنی‌دار در سطح ۵ درصد خطا وجود داشته است.

میزان سرمایه و تمایل به انجام فعالیت‌های تعاونی: ارتباط بین میزان سرمایه کارجویان

و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی نیز با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مندرج در جدول ۹ نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه کارجویان و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط معنی‌دار در سطح ۵ درصد خطا مشاهده نشده است.

جدول (۹) - بررسی همبستگی بین ویژگی‌های پاسخگویان با گرایش آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی

متغیر ۱	متغیر ۲	نوع ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
گرایش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی	سطح تحصیلات	اسپیرمن	* * ۰/۷۸۸ -	۰/۰۰۱
	نگرش کارجویان نسبت به تعاون	پیرسون	* * ۰/۷۵۱	۰/۰۰۰
	دانش و آگاهی کارجویان نسبت به تعاون	پیرسون	* ۰/۴۳۲	۰/۰۲۳
	اعتماد اجتماعی کارجویان	پیرسون	* ۰/۲۶۷	۰/۰۴۱
	میزان سرمایه کارجویان	پیرسون	ns ۰/۱۳۲	۰/۰۷۵

منبع: یافته‌های تحقیق

* * : معنی داری در سطح ۱ درصد * : معنی داری در سطح ۵ درصد ns: عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو

متغیر

ج) - رگرسیون چند گانه

در این قسمت به منظور شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر تمایل پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی از رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد. هدف از انجام رگرسیون بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می‌باشد. بدین منظور کلیه متغیرهایی که در تحلیل همبستگی رابطه معنی‌داری با متغیرهای وابسته داشتند را وارد معادله رگرسیون کرده، سپس تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته

است.

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود آماره فیشر (F) در سطح ۱ درصد معنی‌دار بوده لذا می‌توان این استنباط را از آن داشت که حداقل یکی از ضرایب رگرسیون مخالف صفر است و می‌توان با استفاده از آن، معادله رگرسیونی مدل را ترسیم کرد. ضریب تعیین مدل (R^2) نیز نشان‌دهنده این مطلب است که ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین شده است. همچنین مقادیر ستون سطح معنی‌داری (sig) جدول ۱۰ نشان می‌دهد که متغیرهای وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، نگرش کارجویان نسبت به تعاون، دانش و آگاهی کارجویان نسبت به تعاون اثر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. همچنین با توجه به ضریب بتا می‌توان استنباط کرد که متغیر سطح تحصیلات تأثیرگذارترین متغیر بر گرایش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی بوده است.

جدول ۱۰- رگرسیون چندگانه بررسی عوامل مؤثر بر گرایش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی

Sig	T	Beta	B	
۰/۰۰۰	۸/۲۴۴	-	۳/۷۸۸	ضریب ثابت
۰/۰۱۸	۲/۸۶۱	۰/۰۶۵	۰/۱۲۸	وضعیت تأهل
۰/۰۰۲	-۴/۵۳۳	۰/۲۷۶	-۰/۳۱۱	سطح تحصیلات
۰/۰۰۲	۴/۴۷۷	۰/۰۷۸	۰/۱۸۳	نگرش کارجویان نسبت به تعاون
۰/۰۱۸	۲/۵۳۳	۰/۱۴۵	۰/۲۲۷	دانش و آگاهی کارجویان نسبت به تعاون

$$R^2 = ۰/۵۶$$

$$F = ۱۳/۵۶۶$$

$$sig = ۰/۰۰۰$$

منبع: یافته‌های تحقیق.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یکی از راه‌های عملی در جهت کاهش نرخ بیکاری به خصوص در میان قشر تحصیلکرده دانشگاهی، تعاون و همکاری میان افراد در قالب شرکت‌های تعاونی است. در شرایط حاضر اهمیت ایجاد اشتغال با توجه به جمعیت و نرخ رشد بیکاری از سویی، و نقش اقتصادی تعاونی از سوی دیگر باعث شده است که توانمندسازی افراد با ایجاد تعاونی‌های کارآفرین و اشتغالزا،

رهیافت بسیار کارآیی در کشورهای در حال توسعه بوده که نتیجه آن رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی تعاونی‌ها را به همراه داشته باشد. در همین راستا شناخت آگاهانه و گرایش مثبت کارجویان خصوصاً فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از مزایای بخش تعاون و انجام کارهای جمعی برای دستیابی به اهداف بزرگ، از مهمترین مباحثی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. چون گرایش فارغ‌التحصیلان به بخش تعاون و اقدام آنان برای تشکیل تعاونی از طرفی موجب تقویت و گسترش بخش تعاون و افزایش ضریب رقابت‌پذیری این بخش در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی گردیده و از طرف دیگر بحران بیکاری و پیامدهای ناخوشایند این معضل را در جامعه کاهش می‌دهد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر در پی آن بود که مشخص نماید کارجویان در شهرستان شیراز، تا چه اندازه با بخش تعاون آشنا بوده، میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی به چه میزان می‌باشد و چه عواملی بر گرایش مثبت ایشان به این موضوع مؤثر است، تا بر مبنای آن، زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزی جهت توسعه فعالیت‌های اشتغال‌زا در قالب تعاونی فراهم آید.

نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که میانگین سن افراد جویای کار ۲۹/۵ سال بوده، ۶۴/۳ درصد افراد مورد مطالعه مجرد و ۳۵/۷ درصد آنها متأهل بوده‌اند. ۵۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۵ درصد آنها زن بوده‌اند. بیشترین فراوانی مربوط به افراد با مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده و کمترین فراوانی به افراد با مدرک لیسانس تعلق داشته است. بر مبنای یافته‌های تحقیق، افراد مورد مطالعه نظر نسبتاً مساعدی نسبت به بخش تعاون و انجام فعالیت‌های اقتصادی در بستر نظام تعاونی دارند. همچنین نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق حاکی از آن است که بین سن پاسخگویان، سطح تحصیلات، نگرش و دانش آنها نسبت به تعاون با گرایش آنها نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که متغیر سطح تحصیلات، تأثیرگذارترین متغیر بر گرایش پاسخگویان نسبت به انجام فعالیت‌های تعاونی بوده است.

بر اساس نتایج فوق که می‌تواند به عنوان شناختی از وضعیت تمایل کارجویان شهرستان شیراز به انجام فعالیت‌های تعاونی، مسائل و مشکلات آنها، ملاک برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری قرار گیرد، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- بر مبنای نتایج پژوهش، افراد مورد بررسی نگرش نسبتاً مساعدی نسبت به بخش تعاون و انجام فعالیت اقتصادی در بستر نظام تعاونی دارند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در بین جامعه مورد نظر در این پژوهش، نیاز کمتری برای ایجاد نگرش مثبت نسبت به ماهیت بخش تعاون و فعالیت در این بخش وجود داشته و پیشنهاد می‌شود با گذر از برنامه‌هایی که صرفاً به ایجاد نگرش مثبت نسبت به اصل مقوله تعاون می‌پردازند، معرفی بیشتر کارکردها و قابلیت‌های تخصصی بخش تعاون در کشور بویژه در حوزه فعالیت‌های دانشگاهیان و دانش‌آموختگان در دستور کار برنامه‌های اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی این گروه‌ها قرار گیرد.

۲- با توجه به رابطه مثبت و معنی‌دار بین گرایش پاسخگویان نسبت به تعاونی و فعالیت‌های تعاونی، هر چه قدر بتوان شرایطی را فراهم آورد تا دانش‌آموختگان و کارجویان بتوانند آگاهی‌های خود را از مؤلفه‌های اصلی تعاونی‌ها و بویژه تعاونی‌های اشتغالزای موفق، افزایش دهند، می‌توان گرایش آنها را نیز در این زمینه ارتقاء بخشید. همچنین با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر تأثیر فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در افزایش تمایل دانش‌آموختگان و کارجویان به فعالیت در تعاونی‌ها، توصیه می‌شود با تداوم اقدامات آموزشی و آگاه‌سازی دانش‌آموختگان و کارجویان در سطح وسیع، به افزایش گرایش آنها به فعالیت در بستر تعاونی به عنوان یکی از اهداف نهضت تعاون کمک شود.

۳- از آنجا که طبق نتایج تحقیق، سطح دانش و آگاهی کارجویان پیرامون بخش تعاون و فعالیت‌های تعاونی ضعیف است، بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با برنامه‌ریزی‌های مختلفی نظیر برگزاری دوره‌های آموزشی، تدوین ماده درسی تعاون و همکاری با مدارس و دانشگاه‌ها، تشکیل مراکز مشاوره و توسعه تعاون در دانشگاه‌ها، برگزاری تورهای علمی و بازدیدهای کارجویان و دانشجویان از شرکت‌های تعاونی اشتغال‌زا و موفق، گذراندن دوره‌های کارورزی و کارآموزی دانشجویان در شرکت‌های تعاونی در راستای آشنایی بیشتر با این بخش و تعریف فرصت‌های شغلی مناسب در این بستر، تهیه کتابچه و بروشورهای گوناگون از تعاونی‌ها و مسائل آن و برگزاری نمایشگاه‌هایی در زمینه دستاوردهای تعاونی‌ها میزان آگاهی و شناخت مردم از تعاونی‌ها را افزایش داده و آن را ترسیم کرد. همچنین با توجه به اینکه کارجویان عنوان داشته‌اند که رسانه تلویزیون

مهمترین منبع کسب اطلاعات آنها بوده است، بویژه پیشنهاد می‌گردد با تهیه و تدوین برنامه‌های تخصصی تعاونی در تلویزیون، زمینه آشنایی هر چه بیشتر افراد فراهم آورده شود.

۴- طبق یافته‌های تحقیق، بین سطح تحصیلات افراد و گرایش آنها به انجام فعالیت‌های تعاونی ارتباط معنی‌دار منفی در سطح ۱ درصد خطا وجود داشته است. این بدان معناست که با افزایش سطح تحصیلات افراد، تمایل آنها به انجام کارهای تعاونی کاهش می‌یابد، که این امر نیاز به آسیب‌شناسی دارد. شاید این عدم تمایل به اشتغال از سوی فارغ‌التحصیلان مدرک بالا به این دلیل باشد که برای آنها مشاغل بهتری با سطح دستمزدهای بالاتر در ادارات دیگر وجود دارد. باید مطالعات و پژوهش‌های انجام گیرد تا براساس نتایج آنها، مشخص کرد که این عدم گرایش ناشی از چه عواملی است و در جهت رفع آنها تلاش نمود.

منابع

- احمدپور داریانی، م، و عرفانیان، ا. (۱۳۸۶)، نقش و جایگاه کارآفرینی در نیل به رشد و توسعه اقتصادی، **ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال هفتم، شماره‌های ۶۹ و ۷۰، صص ۱۹-۱.
- اردکانی، س.، توکلی، ح. و ده موبد، ب. (۱۳۸۷)، موانع کارآفرینی و اشتغال در تعاونی‌ها، مطالعه دیدگاه‌های مدیران تعاونی‌های استان یزد، **ماهنامه تعاون**، شماره ۱۹۶، صص ۵۵-۳۷.
- بارانی، ش. اطهری، ز. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۸)، بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی کشاورزی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)، **مجله توسعه کارآفرینی**، سال ۲، شماره ۶، صص ۹۵-۷۳.
- برهانی، م. (۱۳۸۵). اشتغالزایی و کارآفرینی، ویژگی مهم تعاونی‌های روستایی، **نشریه کشاورزی و صنعت**، شماره ۴۳، صص ۹۶-۸۱.
- جباری، م. (۱۳۸۹)، بررسی نقش تعاونی‌های کشاورزی بر ایجاد اشتغال و تولید در استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- زاهدی مازندرانی، م. ج. (۱۳۸۳)، ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۴۵، صص ۳۹-۲۴.

- شهبازی، م. و قربانی، فاطمه (۱۳۸۷)، بررسی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه‌های تبریز به عضویت در تعاونی‌های اشتغالزا، **مجله جامعه‌شناسی**، سال اول، شماره یکم، صص ۲۸-۱۲.
- صابری‌فر، رستم (۱۳۹۱)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر عضویت و مشارکت روستائیان در شرکت‌های تعاونی روستایی (موردشناسی: استان خراسان رضوی)، **جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای**، شماره ۴، صص ۷۶-۶۵.
- صدیقی، ح. و ا. احمدپور کاخک (۱۳۸۴)، **سنجش نگرش کشاورزان زعفران‌کار نسبت به تولید و توسعه کشت زعفران و بررسی مسایل و مشکلات آنها (مطالعه موردی شهرستان گناباد)**، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- صدیقی، ح، و درویشی نیا، ع. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران، **مجله علوم کشاورزی ایران**، دوره ۳۳، شماره ۲، صص ۸۰-۶۳.
- صدیقی، ع. (۱۳۸۹)، **بررسی راه‌های توسعه کارآفرینی در بخش تعاون و عوامل مؤثر بر آن در استان همدان**، تهران: وزارت تعاون، واحد تحقیقات، آموزش و ترویج.
- طهماسبی گنجور، ط. (۱۳۸۴)، تعاون و تأثیر آن بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه، **مجله کار و جامعه**، شماره ۶۳، صص ۹۶-۷۸.
- ظهوری، ق. (۱۳۷۸)، **کاربرد روش‌های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت**، تهران: مؤسسه انتشاراتی میر.
- عباسی، م، و قورچیان، ن. (۱۳۸۸)، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه تعاونی‌های دانش‌آموختگان، **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- علیپور، ح و دهقانی، ک. (۱۳۹۱)، نگرش دانشجویان رشته‌های کشاورزی نسبت به فعالیت کارآفرینانه در قالب تعاونی‌های کشاورزی، **علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۰۳-۹۳.
- فرزین فر، م. (۱۳۸۴)، کارآفرینی و تعاون، **مجموعه مقالات منتخب اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه**، دانشگاه یزد.
- لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی کشاورزی**، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مزروقی، ح. (۱۳۷۹)، نقش تشکل‌های تعاونی در افزایش اشتغال و رشد اقتصادی استان خوزستان، **مجموعه مقالات همایش شناخت استعدادهای بازرگانی- اقتصادی استان خوزستان**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- مهران‌فر، ص. (۱۳۸۴). بررسی شیوه‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی و افراد جویای کار در تعاونی‌ها، **مجموعه مقالات منتخب اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه**، دانشگاه یزد.
- نجفی، ب. (۱۳۸۸)، تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی، **تعاون**، سال بیستم، صص ۲۰-۱.
- نیازی، م، گنجی، م؛ و کارکنان نصرآبادی، م. (۱۳۹۰)، تبیین نگرش مردم ایران نسبت به بخش تعاون و شرکت‌های تعاونی، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۱۳، صص ۷۲-۵۵.
- Amit, R. H., & Zeitsma, J.(2001), *Moels of Self-Employment in a Competitive Market*, Venture Business, 17-19.
- Bickford, D., Clap, J. and Vehorn, C.L., (1986), An Econometric Analysis of Regional Employment Effects of Federal Economic Development Programs, *Growth and Change*, Vol. 17, No. 1, PP. 1-16.
- Caliendo, M., Fossen, F. M., Kritikos, A. S. (2011), Personality Characteristics and the Decision to Become and Stay Self-employed, *DIW Berlin Discussion Paper*, No 1113.
- Coulter, M. (2005), *Entrepreneurship in Action* (2th ed.), Prentice Hall Pub. New Delhi, India.
- Fulton, M. (1999). Cooperatives and Member Commitment, *The Finish Journal of Business Economics*, 418-437.
- Johannisson, Bengt.(1998), *Entrepreneurship as a Collective Phenomenon SIRE*, Växjö University, Växjö, Sweden.
- Thomas, A. S., & Mueller, S. L. (2000), A Case for Comparative Entrepreneurship: Assessing the Relevance of Culture, *Journal of International Business Studies*, 31(2), 287-301.
- Guinnance, T.W.(2002), *Regional Organization in the German Cooperative Banking System in the Late 19th Century*, Department of Economics, Yale University.
- Wong, P.K., Ho, Y.P., & Autio, E.(2005), Entrepreneurship, Innovation and Economic Growth: Evidence from GEM data, *Small Business Economics*, 24(3) 335.

Assessing the Willingness of the Unemployed to Undertake Cooperative Activities and Factors Affecting in the City of Shiraz

Seyed Rohollah Mosavi
Dr. Mostafa Teimori
Dr. Ali Shamsodini

Abstract

The purpose of this study was Assess the willingness of the unemployed to undertake cooperative activities and Factors affecting in the city of Shiraz.

The Statistical population was jobseekers that referred to job centers in Shiraz city due to time and budget, among them 70 people selected as sample and the data were collected by using a questionnaire. Data were collected with interviews and proportional stratified sampling. The data were analyzed by SPSS, The questionnaire was reviewed by experts to determine its validity. After that some minor changes was implemented in the questionnaire. The Cronbach Coefficient Alpha was determined between 0.72 and 0.81 which is an indication of reliability of instrument. Results of descriptive statistics show that the age mean of the sample group was 29.5 years. 64.3% of the subjects were single and 35.7 percent were married. 55 percent were male and 45 percent were women. The lowest frequency belonged to individuals with a bachelor's degree and the most frequent are those with a bachelor's degree. The results of Analytical statistics show that there is a significant relationship between age, level of education, knowledge and attitude toward cooperation with their desire to cooperative activities. The results of multiple regressions showed that education level, main influential factors on tendency of respondents to the cooperative's activities.

Keywords: Cooperation, Employment, Tendency, Attitude, Fars Province.

Spending and It's Position in Knowledge and Science Development and Promotion, Emphasizing on Devotion

Dr. Mohammad Sadegh Elmi Savala
Dr. Mahdi Ghaemi Asl
Javad Yaaghobi
Mahsa Mesgarani

Abstract

Spending has been encountered as a way of eliminating unfair class distinctions, due to social injustices in Islam and has been faded these distinctions among different classes. Devotion culture development , as the most sensible form of benefaction, spending, charity, cooperation and etc., is one of the most significant factors in destructing wealth aggregation in part of a society and create a proper basis for moral and divine values growth, in form of justly distribution of wealth. In this paper by studying the position of devotion in Islamic resources, ones which caused education promotion, particularly in graduated levels of universities, has been considered. This issue has been estimated by taking benefit of panel data model and bootstrap approach for calculating model's standard error, during 1382 – 1390, and results indicate the significant and positive effect of religious expenditures, as an indicator of spending, on education promotion in our model.

The outcome of this research is an attempt in order to reduce social damages through spending encouragement and enhancing people awareness in absence of spending consequences in an Islamic society.

Keywords: Spending, Devotion, Society Evolution, Wealth Distribution, Knowledge and Science.

An Analysis of Socio-cultural Impacts of Tourism Development (The Case of Birjand City)

Javad Yoosofi
Mohammad Sharifi Tehrani

Abstract

Tourism development impacts on communities are generally categorized into three main subdivisions of economic, socio-cultural and environmental. The present paper brings the socio-cultural impacts into discussion with the case study of Birjand city, Iran. The data collected by self-reported questionnaires are analyzed using one-sample T-test. According to the results, tourism development in the city brings about both negative and positive socio-cultural impacts. Among the strategies to control and reduce the negative impacts are attracting more local people to involve in tourism activities, training local people for effective communications with tourists, and providing tourists with more information regarding the city and its community.

Keywords: Tourism Socio-cultural Impacts, Local Community, Birjand City.

Historical Analysis of the Situation of Industry in Iran

Dr. Siros Ahmadi

Abstract

The purpose of this study is to investigate the situation of industry in different historical periods in Iran. Based on the findings, before the industrial revolution, Iran in Safavids dynasty had taken great strides, especially in the textile industry but during the Afsharid and Zand, there was no improvement in the industrial activities in Iran. During the Qajar era that the efficiency of the Britain's industrial economy had been apparent different countries were looking to replicate the experience in England, Some measures for expansion of various fields of industry occurred. But Iran had no a clear policy for industrialization and a negligible amount of the gross domestic product was obtained by industrial activities. In the Pahlavi period, the first real steps for industrialization of Iran were taken and substantial investments in the industrial sector took place. This trend continued during the Islamic Republic and the share of industry in GDP and employment, significantly increased. But the industry in two recent periods is consumer, dependent on oil incomes and the lack of competitiveness in the international arena.

Keywords: Industry, Safavid, Afsharid, Zand, Qajar, Pahlavi, Islamic Republic.

Assessing level of Development and Regional Disparities in the South East of Iran: Case Study on the Sistan and Baluchestan Province

Mohammad Taghi Maabodi
Dr. Hadi Hakimi

Abstract

Spatial disparities in income distribution, health services, educational and poverty indexes have created economical and political challenges for governments in many of the developing countries. Spatial disparities basically resulted from two aspects. The first aspect is physical situation of geographical region and the second is decisions of policy maker and economical planers, while technology progress has significantly decreased the first aspect. The role of second factor has increasingly remained as an important factor. Therefore policy makers' and planers decisions have significant role on the creation of regional disparities. Accordingly, this study was done to analyze and assess the level of regional disparities in the Sistan and Baluchestan province based on the 29 selected indexes. Therefore, In the first step, 29 selected indexes (socio- economic, health, educational and infrastructural) were derived from public census of population and housing in 1390 and the second step analyzed codition of county using the Vikor, PCA, Z- Score and Morris methods. The result showed that exception of Morris method in other three methods, Zahedan and Zabol county are developed and in four methods; Zaboli, Delgan and Sarbaz are location in lower rank.

Keywords: Regional Disparities, Development, Ranking Methods, Sistan and Baluchestan County.

The Effect of Value Added of Industry on Income Distribution in Iran Economy

Dr. Parvaneh Salatin
Samaneh Mohammadi

Abstract

The main goal of this paper is to survey the rate of effectiveness of value added of industry on Gini coefficient as an indicator of income distribution in Iran. The results of estimation model at the method of normal least squares in the period of 1363-1390 show that the value added of industrial workshops including 10 negative and significant working on Gini coefficient as an indicator of income distribution in Iran.

Keywords: Value Added of Industry, Income Distribution, Normal Least Squares.

**Examination of Rural Women's Participation in
Agronomy and Effect of that on Family Economics
(Case Study: Barzok District of Kashan Township)**

Dr. Yosof Ghanbari
Dr. Hamid Barghi
Nafiseh Ghotbinejhad

Abstract

The women as half of population of countries have a decisive role of producing and social working and they have important role in economic and producing activities. The goal of recent researches are survey effect of women's participation agronomy part as an improve family's economy and recognizing of effective factors on communion them in agronomy part of Barzok. This research is a kind of descriptive- analytical researches and the given information gathering from asking question from rural women. This statistic society contain on 6300 women that are active in agronomy part in that region. In this research use 320 rural women as a contact of sample with using Cochran formula meaningful Sample. Using of coefficient Cronbach's alpha nomination perpetuity questionnaire that quantity of this is 71/5. Description and data analysis of via SPSS software, using one variable t test and spearman correlation coefficient and binomial style for testing hypothesis. The results of research show that exist meaningful household dimension and education rate with improve family economy. Also rural women activities has an effective role in local constant development this respect in local's responsible opinion by attention, three parts such as education rural women, protection of them economics activities and organization rural women cooperative are under of supervision and according to this education of rural women with 3/60 average has a maximum amount between the option.

Keywords: Farmer Women, Women' Participation, Agronomy Part, Family Economics, Barzok Section Rural Economy.

A Meta-analysis About the Indicators of Q.O.L in Iran with Emphasis on its Conceptual Aspects

Iman Fadaei
Mehdi Hosseini Dehaghani

Abstract

One of the most new concepts in Social Sciences is “Quality of Life”. We can say that this idea is always following two notable goals; first one is to define and redefine the ideal situation for humans to live and the second is to qualify the existing situation in order to show a path to change the condition from what it is to what it should be.

Lots of theorists related to this field and so lots of prophesy! This research tries to state a multi-lateral definition of Q.O.L by accumulating different points of view about the context, and somehow to reach a meta-analysis.

Meta-analysis is a process which expands the frontiers of knowledge by summing up the results of various researches and achieving a new perspective. The first step in this process is to collect important information sources. Second is to extract the indicators, combine the data and prepare it to decompose in the next session. Third step is to assort the data and redefine the concept of “Quality of Life”.

As the last step, there is a critique of indicators considering Maslow Hierarchy. All these steps is what has been traversed in this research and the result was that interestingly, the repetition of indicators found in various categories defined by different thoughtful coincides with the assortment of hierarchy of needs described by Maslow -More the grade goes up, less the repetition is seen. Probably this coincidence is also showing the parallax of their emphasis.

Keywords: Quality of Life, Persian Articles, Indicator, Meta-analysis, Maslow Hierarchy.

The Status of Human Dignity in the Constitution of Islamic Republic of Iran

Ebrahim Rahmani
Dr. Siyamak Moazeni

Abstract

Based on the nature of Islamic Revolution, Constitution of Islamic Republic of Iran has given a special magnitude for dignity in its valuable concept, insofar as we can say: In comparison with other countries' Constitution, It is a "valued" Constitution ; Thus the Constitution of Islamic Republic of Iran Is built on the dignity made by religious beliefs and its purpose is to develop an appropriate circumstances for flourishing talents and positive forces in human nature in order to approaching God; because the public demand of the people of Iran was to codify Constitution based on the Islamic criteria and also human dignity is one of the undeniable principle of Islam , but the main question is : to what extent the Constitution of Islamic Republic of Iran which is an expression of fundamental rights of the nation of Iran is committed to ensuring and considering the human dignity? In the opinion of the author, Inherent dignity as basis of human dignity is adopted as a rule of fundamental rights in the Constitution of Islamic Republic of Iran and has been expressed in a number of its principles.

Keywords: Human Rights, The Constitution of The Islamic Republic, Human Dignity, Inherent Dignity, Acquired Dignity.

On the Nature of Development

Maryam Mollaei
Shiva Parvaei
Kazem Rahimi

Abstract

Given the importance of understanding the nature of development and abundant advantages of this understanding, in this text, nature of development or in other words, concept of development are reviewed. For this research, we first dealt with statement of problem and considered development concept a rectangle where following triple cases form sides of the rectangle: Development process along the period, definitions of development and its goals and choosing one general goal include a set of objectives. In principle it can be said without the cases expressed, there is no possibility of the development. In order to express the first side, an examination of the evolution of development over time, approach development from 1950 to 2000 in terms of Willis (2005) state and how to change the approach from forms of economic, social and macro and top-down to forms cultural, popular and participation (from bottom to top) and micro were all explained. As for definitions of development we referred to comments of experts and expressed various development definitions of many scientists. It is evident that the definitions available in are similar in many cases and the segregation of them is little in many cases. Finally, in order to review the last side-development goals- first we dealt with goals of millennium development and with much explanation we concluded that improving life quality is the most complete development goal which includes a set of other goals. After expressing cases mentioned, we drew a triangle-expressing development concept and the concept is explained within framework of one general definition. In conclusion, the entries expressed were collected in general and we explained the definitions and expressed the most important criteria. It should be noted that in this study we sought to fit the theme and used documentary and library methods.

Keywords: Nature of development, Strategies of Development, Definitions of Development, Goals of Development, Quality of life, Good Governance.



Abstract

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

شغل / نوع فعالیت:

نشانی:

.....

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن:

شماره‌های درخواستی از: تا شماره:

تعداد درخواستی از هر شماره:

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید)

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۴۵۷۴۲۵۳۵۸۸ شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۲۲۱۹۶۰۲۰۴ بانک ملت
- لطفاً تصویر فیش پرداختی را به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه ارسال نمایید.
- نشانی: تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ نامبر: ۸۸۹۹۱۸۰۲